روزنامه شرق

سال پنجم■شماره پیاپی ۱۰۰۵■شماره ۸۱ دوره جدید■۲۰ صفحه■۶۰۰ تومان

سه‌شنبه ۱۵ تیر ۱۳۸۹■۲۳ رجب ۱۴۳۱■۶ جولای ۲۰۱۰

پیام تسلیت مقام معظم رهبری به مناسبت درگذشت آیت‌الله سید محمدحسین فضل‌الله

بسم‌الله الرحمن الرحیم؛ رحلت عالم مجاهد آیت‌الله آقای حاج سیدمحمدحسین فضل‌الله رحمه‌الله علیه را به بیت شریف فضل‌الله و همه ارادتمندان و دوستداران آن مرحوم در لبنان و جوامع لبنانی‌تبار در آفریقا و امریکای لاتین، و به عموم شیعیان لبنان تسلیت می‌گویم. این عالم بزرگوار و سختکوش، در عرصه دین و سیاست، شخصیتی اثرگذار بود و لبنان تا سال‌های طولانی، خدمات و برکات او را از یاد نخواهد برد. مقاومت اسلامی لبنان که دارای حق عظیمی بر امت اسلامی است ... صفحه۲

گفت‌وگو با دکتر محمدعلی همایون کاتوزیان
...و همچنان جامعه کوتاه‌مدت

گفت‌وگو کردن با دکتر محمدعلی همایون‌کاتوزیان استاد برجسته دانشگاه آکسفورد انگلستان آن هم در فصل امتحانات غیرممکن به نظر می‌آمد اما وقتی او با لطف فراوان پرسش‌های «شرق» را به سرعت پاسخ گفت و به گفته خودش برای این کار همه کارهایش را زمین گذاشت حیرت‌آور بود؛ گفت‌وگویی درباره گذار ایران به توسعه و موانع آن. محمدعلی همایون‌کاتوزیان متولد ۲۶ آبان ۱۳۲۱ تهران که در ایران وی را به نام همایون کاتوزیان و در خارج از کشور به نام هما کاتوزیان ... صفحه ۸

با حکم رهبر معظم انقلاب صورت گرفت

توقف وقف و اساسنامه جدید دانشگاه آزاد

گروه جامعه: ابطال مصوبه مجلس درباره وقف دانشگاه آزاد به دست شورای نگهبان برای منتقدان این دانشگاه پیروزی بزرگی به نظر می‌رسید و دولتی شدن مدیریت آن قطعی. اما ورود رهبر انقلاب به مناقشه دولت و دانشگاه آزاد تا اطلاع ثانوی همه پیروزی‌ها و شکست‌ها را معلق کرد. دبیرخانه هیات موسس دانشگاه آزاد روز گذشته به صورت رسمی اعلام کرد رهبر انقلاب «در احکام جداگانه‌ای خطاب به رئیس هیات امنای دانشگاه آزاد اسلامی و رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی فرمودند فعلاً از تصرف مبنی بر وقف دانشگاه آزاد اسلامی و هرگونه اقدام مبتنی بر اساسنامه جدید مصوب دانشگاه آزاد خودداری شود.» در این اطلاعیه مبنای دستور ایشان بر این اساس استوار است که «مجادلات پیرامون دانشگاه آزاد اسلامی گفت‌وگوهای ملال‌انگیز و غیرلازمی را بر مناسبات برخی از مسوولان تحمیل کرده و اختلافات ملال‌انگیزی در مورد مسائل دانشگاه آزاد اسلامی پیش آورده است.» بنابراین و در نهایت دو طرف مناقشه باید از خواسته‌های خود که اجرای اساسنامه جدید و وقف دانشگاه آزاد است دست بردارند.دبیرخانه هیات موسس دانشگاه آزاد اسلامی دلیل انتشار این خبر را «سوءاستفاده برخی رسانه‌ها از مسائل اخیر این دانشگاه برای کوبیدن بر طبل اختلاف و بالاتر از آن انتساب گفتار و رفتار خویش به بزرگان نظام» اعلام کرده است. پیش از این گفته می‌شد آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی به عنوان رئیس هیات موسس دانشگاه آزاد طی نامه‌ای به رهبر انقلاب خواستار ورود ایشان به ماجرای دانشگاه آزاد شده بود. تحولات چند روز گذشته در جریان مناقشه دانشگاه آزاد با شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز خبر از آرام شدن فضا می‌داد. جلسه هیات امنای دانشگاه آزاد که شورای عالی انقلاب فرهنگی به جد پیگیر تشکیل آن بود ناگهان لغو شد و وزیر علوم در تغییر لحنی آشکار نسبت به دانشگاه آزاد آن را یکی از اعضای خانواده آموزش عالی دانست. البته وزیر علوم اولین کسی بود که از لغو جلسه هیات امنای دانشگاه آزاد که قرار بود روز یکشنبه برگزار شود خبر داده و گفته بود: «از دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی تماس گرفته شد که به دلیل مسائلی که وجود دارد جلسه هیات امنا برگزار نشود و مقرر شد که بعداً اطلاع داده شود.» منصور کبگانیان عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی که در گذشته علت تاخیر تشکیل هیات امنای دانشگاه آزاد را «بررسی‌های حقوقی بیشتر» برای «استحکام و تقویت تصمیم‌گیری‌ها» دانسته بود روز گذشته بعد از انتشار خبر توقف اجرای اساسنامه جدید دانشگاه آزاد به خبرگزاری فارس گفت: «با وجود نگرانی برخی از کارشناسان از توقف اجرای اساسنامه دانشگاه آزاد برداشت بنده این است که این توقف کوتاه‌مدت خواهد بود و بعد از بررسی‌های کارشناسی، اساسنامه دانشگاه آزاد با استحکام و قوت بیشتری اجرا خواهد شد.» این عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی این دستور را به معنای لغو کامل اساسنامه جدید دانشگاه آزاد ندانست و «اصل ماجرا» را این‌گونه تشریح کرد که «اصل ماجرا این است که تمام این موارد شایعاتی است که از سوی برخی منابع غیرموثق اعلام می‌شود اما بنده تصریح می‌کنم اساسنامه جدید به زودی و پس از بررسی‌های دقیق حقوقی و قانونی با قوت بیشتر اجرایی خواهد شد.» فروکش کردن مناقشه بر سر دانشگاه آزاد در حالی است که طی ماه‌های گذشته فضای سیاسی کشور تحت تاثیر این موضوع متشنج شده بود. بعد از شکایت هیات موسس دانشگاه آزاد از شورای عالی انقلاب فرهنگی برای تغییر اساسنامه این دانشگاه و صدور رای دادگاه به نفع دانشگاه آزاد، مجلس هم طرحی را تصویب کرد که بر اساس آن، وقف دانشگاه آزاد بدون اشکال تشخیص داده شده بود. ادامه در صفحه ۱۹

عکس: آیدین رهبر شرق

گفت‌وگوی اختصاصی با وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات
پیشنهاد رفع محدودیت اینترنت کاربران خانگی

صفحه ۱۷

تیترها

واکنش شدید ایران به خودداری از دادن سوخت به هواپیماهای ایرانی
مقابله به‌مثل می‌کنیم

همین صفحه

نامجو درپی قطع برق در برخی از مناطق تهران اعلام کرد
خاموشی برنامه‌ریزی‌شده نداریم

صفحه ۴

از سوی مربی تیم ملی فوتبال اعلام شد
اسامی ۲۵ بازیکن اعزامی به اتریش

صفحه ۱۳

در صفحات بخوانید

سیری در دنیای رویاها و ممکن‌ها
احمد پوری
صفحه آخر

هاشمی ضعیف نه هاشمی محذوف
علیرضا رجایی
صفحه ۳

جامعه بدون گفت‌وگو بیمار است
گفت‌وگو با صادق زیباکلام
صفحه ۳

سرمقاله

فعلیت یافتن رویش مهم است

عباس عبدی

هر نیروی سیاسی از جمله اصلاح‌طلبان، در فرآیند شکل‌گیری و حیات خود، با ریزش و رویش‌های متعددی مواجه می‌شود. سه عامل مهم در این مساله مؤثر است؛ اولین عامل، عملکرد درونی گروه است. عامل بعدی نیز عملکرد جناح‌های مقابل است و بالاخره عوامل محیطی غیر از گروه‌های سیاسی نیز بر این موضوع تاثیر دارد. اگر حزب و گروه سیاسی را بنگاه تولید و عرضه کالای سیاسی بدانیم، در این صورت ریزش و رویش را می‌توان با چگونگی تقاضای بازار برای یک کالا مقایسه کرد. مثلاً همین خودکاری که در دست من است. من و دیگران وقتی خودکار را می‌خریم که بخواهیم متنی را بنویسیم و طبعاً باید سواد داشته باشیم. همچنین به هر میزان امور روزانه ما با نوشتن بیشتر مربوط، و جامعه باسوادتر باشد، مصرف خودکار و تقاضا برای آن هم بیشتر است. اما اینکه من چه نوع خودکاری می‌خرم در درجه اول بستگی به کیفیت و قیمت عرضه‌کننده دارد. هر کالایی که قیمت آن کمتر و کیفیت آن بهتر باشد، آن را می‌پسندم. اما این به آن معنی نیست که همه مردم یک نوع خودکار مصرف می‌کنند زیرا بر حسب توان مادی خریدار و عوامل دیگر، کیفیت و قیمت یک کالا برای افراد مختلف تا حدودی متفاوت است. بنابراین رقابت میان عرضه‌کنندگان کالا، نقش مهمی در انتخاب من و شما دارد. یکی از نکات مهم در خرید کالا، برند یا اعتبار قبلی تولیدکننده است. برخی مارک‌ها هستند که به دلیل تجربه قبلی، صاحب اعتبار هستند و همین مساله برای رغبت مردم به خرید آن کافی است، مگر اینکه این اعتبار به مرور زایل شود. عوامل محیطی هم خیلی موثر است. فرض کنید در یک منطقه سردسیر زلزله بیاید. روشن است که پس از زلزله تقاضا برای کالایی چون لباس گرم و سوخت و وسایل گرم‌کننده و سرپناه مثل چادر، به طور سرسام‌آوری بالا می‌رود، در مقابل ارزش مبادله‌ای کالایی مثل لوستر به حداقل می‌رسد. بنابراین عرضه‌کننده کالا و در اینجا حزب و گروه سیاسی، باید یک نگاه به درون خود داشته باشد که کالای خود را با حداقل قیمت و بسته‌بندی و کیفیت مناسب عرضه کند، یک نگاه هم به رقبا داشته باشد که چه کارهایی را برای جذب بازار مردم انجام می‌دهند، و سرانجام یک نگاه هم به محیط و تغییرات ذائقه، مد و عوامل محیطی داشته باشد. البته این مجموعه در شرایطی کارکرد کامل و مطلوب دارد که چند مشخصه وجود داشته باشد؛ شفافیت، اطلاع‌رسانی آزاد، حاکمیت قانون و مقررات بی‌طرفانه، آزادی عرضه کالا برای همه، حق انتخاب آزاد و.... ادامه در صفحه ۲

عجب اوضاعیه

خیانت مادرجون

احمد غلامی

وقتی پیش‌شماره شهریار کرج را دیدم زدم توی سرم و گفتم: «بیچاره شدم، سیاوشانه.» منشی گفت: «همون آقایی‌یه که می‌خواس دکتر حبیب‌اللهی رو به مناظره دعوت کنه؟» گفتم: «آره.» گفت: «دست به سرش کنم؟» گفتم: «نه بابا بذار قالش رو بکنم.» حدس می‌زدم سیاوشان در اعتراض به حرف‌های دکتر حبیب‌اللهی زنگ زده. گوشی را گرفتم و گفتم: «به‌به آقای سیاوشان عزیز. گوش ما روشن.» سیاوشان گفت: «آقا چه سلامی، چه علیکی. نابود کردین ما رو.» گفتم: «چی شده آقای سیاوشان؟» گفت: «اومدن در انجمن رو تخته کنن با عجز و التماس نذاشتم.» گفتم: «چرا؟» گفت: «میگن شما چه ارتباطی با روزنامه شرق دارین؟» گفتم: «همین؟» گفت: «نه حرفای دکتر حبیب‌اللهی واسه ما گرون تموم شده.» گفتم: «چیزی نگفته.» گفت: «ای آقا این مارموزرو نمی‌شناسین تو حرفاش گرا داده.» گفتم: «کی؟» گفت: «دکتر حبیب‌اللهی.» گفتم: «به کی گرا داده؟» گفت: «به تندروها.» گفتم: «دکتر حبیب‌اللهی به جز مادرجون و میناش با کسی ارتباط نداره.» گفت: «آقا شما خیلی ظاهربینین.» گفتم: «شما هم نمی‌خواین بگین که عرضه سردبیری ندارم؟» مکث کرد. چون خودزنی کرده بودم، گفت: «اصلاً فهمیدین یه تیکه از گزارش تیتر یک اومده بود تو سرمقاله منصور بیطرف؟» گفتم: «کی؟» گفت: «دیروز عین گزارش چک‌های برگشتی اومده بود اول سرمقاله. معلوم بود یه تیکه از سرمقاله. ادامه در صفحه آخر

گزارش خبری

واکنش شدید ایران به خودداری از دادن سوخت به هواپیماهای ایرانی
مقابله به‌مثل می‌کنیم

گروه اقتصادی: اعضای کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس نسبت به خودداری کشورهای امارات متحده عربی، انگلستان و آلمان از دادن سوخت به هواپیماهای مسافربری ایران واکنش شدید نشان دادند. روز گذشته دبیر انجمن صنفی شرکت‌های هواپیمایی اعلام کرد از هفته گذشته تاکنون و به دنبال تصویب قانون یکجانبه امریکا و تحریم این کشور علیه ایران فرودگاه‌های انگلیس، آلمان و امارات از سوخت‌رسانی به هواپیماهای ایرانی امتناع می‌کنند. مهدی علیاری که با ایسنا گفت‌وگو کرده بود، اظهار داشت: طبق مصوبه کنگره امریکا به منظور تحریم فرآورده‌های سوختی علیه ایران، فرودگاه‌های برخی کشورها از روز پنجشنبه سوخت هواپیمای ناوگان هوایی ایران را تامین نمی‌کنند. وی افزود: در این راستا ناوگان هوایی ایران باید سوخت خود را تا حد امکان از داخل کشور تامین کند یا در کشورهای مسیر توقف و سوختگیری داشته باشند که این امر هزینه‌های پرواز را به دو برابر افزایش می‌دهد. علیاری تصریح کرد: حمل‌ونقل هوایی ذاتاً فعالیتی بین‌المللی است و تمامی تحریم‌ها علیه ایران - حتی تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد - با موازین بین‌المللی هوانوردی و اصول حقوق بشر مغایرت دارند، چه رسد به تحریم‌های یکجانبه کشورهایی که به تسری فراسرزمینی قوانین خود می‌پردازند و پشتوانه اجرای آن را اعمال زور اقتصادی (تحریم‌های اقتصادی) قرار می‌دهند. وی با اشاره به این نکته که تاکنون شرکت‌های هواپیمایی ماهان و ایران‌ایر با توجه به پروازهای گسترده خود به اروپا با این مشکل مواجه شده‌اند، گفت: این مشکل باید از طریق وزارت امور خارجه، سازمان هواپیمایی کشوری، وزارت راه و ترابری و نمایندگی‌های دولت جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور و نزد سازمان‌های بین‌المللی از جمله نماینده ایران در ایکائو باید پیگیری شود و اقدام حقوقی علیه این عمل غیرقانونی امریکا صورت گیرد. اما پیش از آنکه وزارت امور خارجه نسبت به این اتفاق واکنش نشان دهد تعدادی از نمایندگان مجلس که عضو کمیسیون امنیت ملی هم هستند در مقابل این رخداد موضع گرفتند. «کاظم جلالی» مخبر کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی به ایرنا گفته است تحریم سوخت هواپیما اقدامی بر ضدحقوق بشر و خلاف معاهدات بین‌المللی است. وی می‌گوید ایران می‌تواند با استناد به «معاهده‌های بین‌المللی» به «سازمان ملل و ایکائو (سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری)» شکایت کند. به گفته جلالی تحویل ندادن سوخت به هواپیماهای «مسافربری» ایرانی در فرودگاه کشورهای خارجی از مفاد قطعنامه تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران نیست و این نوع تحریم‌های «غیرانسانی» را «رئیس‌جمهور امریکا» در ادامه «سیاست‌های یکجانبه و خصمانه کاخ سفید در قبال ایران» به تصویب رسانده است. جلالی همچنین از برگزاری نشست مشترک وزیر راه و ترابری و نمایندگان کمیسیون امنیت ملی مجلس ایران برای «بررسی موضوع تحریم سوخت هواپیماها» خبر داد و گفت کمیته «ویژه‌ای» به منظور بررسی «تحریم» سوخت هواپیما در مجلس تشکیل شده که این کمیته از عصر یکشنبه کار خود را آغاز کرده است. ادامه در صفحه ۴

محمدرضا باهنر بار دیگر دبیرکل شد

محمدرضا باهنر برای ششمین دوره پیاپی به عنوان دبیر کل جامعه اسلامی مهندسین انتخاب شد. به گزارش ایلنا مسوول روابط عمومی جامعه اسلامی مهندسین اظهار داشت: اولین جلسه دور نهم شورای مرکزی جدید جامعه اسلامی مهندسین یکشنبه‌شب در دفتر مرکزی این تشکل برگزار شد. مرتضی سبحانی‌نیا ادامه داد: در این جلسه با اکثریت آرا محمدرضا باهنر برای ششمین دوره پیاپی به عنوان دبیرکل جامعه اسلامی مهندسین برای مدت دو سال انتخاب شد. وی گفت: در جلسه هفته آینده این تشکل نیز با پیشنهاد دبیرکل و آرای اعضای شورای مرکزی، قائم‌مقام جدید جامعه اسلامی مهندسین انتخاب خواهد شد.

دفتر مرکزی

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای نوبت دوم

شماره ب/ق/۸۹-۱۲/۳

ستاد مرکزی کمیته امداد امام خمینی در نظر دارد...

شرح در صفحه ۶

سازمان نوسازی شهر تهران

عرضه اوراق مشارکت

بافت های فرسوده شهر تهران با نرخ ۱۶٪

رجوع به صفحه ۳

معرفی تورها، آژانس‌های مسافرتی، هتل‌ها و رستوران‌ها

ایرانیان مهر	۲۲۲۲۰۳۳۳	الموت	۲۲۷۴۴۰۸۰
دلتابان	۲۲۲۲۲۴۲۶	سام سیر	۲۲۰۷۷۰۷۷
تشریفات	۲۲۸۵۲۵۲۸	همسفر	۸۸۵۲۰۸۲۸
اسرا پرواز	۲۲۰۱۱۶۳۷	شباهنگ	۸۸۹۷۹۷۷۸
		ماه بال	۸۸۶۶۲۹۹۲
		فراز آموت	۷۷۵۲۳۲۳۸
		اوتانا سیر	۸۸۶۱۰۰۰۲
		راه سبز	۸۸۱۰۱۰۷۳-۴
		صحرا سیر	۸۸۵۴۸۸۵۴
		آلاله آسمان آبی	۸۸۹۲۳۸۲۸
		توکلی	۸۸۸۰۴۷۰۰
		پردیسان	۶۶۴۳۱۲۷۰
		سیر و سفر	۸۸۴۷۶۳۳۱
		آفتاب کلوت	۶۶۴۸۸۳۷۴

صفحه های ۱۸،۱۷ و ۱۹

واحد گردشگری سازمان آگهی ها ۳۳-۲۲۰۳۸۰۲۴

۸۸-۶۵-۴۲-۱۱

آخر هفته‌های شرق

خبر

پیام تسلیت مقام معظم رهبری

رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی درگذشت علامه سیدمحمدحسین فضل‌الله را تسلیت گفتند. به گزارش فارس حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی، رحلت عالم مجاهد آیت‌الله آقای حاج‌سیدمحمدحسین فضل‌الله رحمه‌الله علیه را تسلیت گفتند. متن این پیام به این شرح است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

رحلت عالم مجاهد آیت‌الله آقای حاج سیدمحمدحسین فضل‌الله رحمه‌الله علیه را به بیت شریف فضل‌الله و همه ارادتمندان و دوستداران آن مرحوم در لبنان و جوامع لبنانی‌تبار در آفریقا و امریکای لاتین، و به عموم شیعیان لبنان تسلیت می‌گویم. این عالم بزرگوار و سختکوش، در عرصه دین و سیاست، شخصیتی اثرگذار بود و لبنان تا سال‌های طولانی، خدمات و برکات او را از یاد نخواهد برد. مقاومت اسلامی لبنان که دارای حق عظیمی بر امت اسلامی است در همه عمر بابرکت خود، مشمول حمایت و همکاری و کمک این روحانی مجاهد بود. ایشان همچنین برای جمهوری اسلامی یاوری بااخلاص و صمیمی به شمار می‌رفت و در همه دوران ۳۰ساله همواره در زبان و عمل، وفاداری خود را به انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی به اثبات رسانید. از خداوند متعال مسالت می‌کنم که رحمت و مغفرت خود را بر روح این سید شریف و عزیز نازل فرماید و او را با اجداد طاهرینش محشور نماید.

سیدعلی خامنه‌ای

دستگاه قضایی تسلیم فشار قدرت‌ها نمی‌شود

آیت‌الله واعظ‌طبسی تاکید کرد اقتدار نظام به قوه قضائیه مقتدر است. به گزارش ایلنا، نماینده ولی فقیه در خراسان و تولیت آستان قدس رضوی در دیدار با مسوولان قضایی تاکید کرد: دستگاه قضایی کشور مستقل است و در اجرای احکام الهی در برابر فشار قدرت‌ها تسلیم نمی‌شود. وی افزود: اقتدار نظام به قوه قضائیه مقتدر است و این قوه نقطه اتکای همه مردمی است که می‌خواهند ظلم و ستمی در جامعه نباشد. عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام با اشاره به شخصیت بزرگ شهید بهشتی گفت: در نگاه شهید بهشتی اجرا و حاکمیت عدالت در قضای جمهوری اسلامی اصل بود و در نگاه ایشان همه شخصیت‌ها و مجموعه‌های فکری یکسان بودند. نماینده ولی فقیه در خراسان گفت: همواره در راس قوه قضائیه فقها و علمای برجسته دینی حضور داشتند و همه اعضا و اجزای این دستگاه باید به آنها تاسی کنند.

ادامه از صفحه اول

فعلیت یافتن رویش مهم است

به هر میزان که این شرایط وجود داشته باشد، بازار از جمله بازار سیاسی رقابتی‌تر و کامل‌تر می‌شود و کالای سیاست هم ارزان‌تر و با قیمت مناسب‌تری به دست مردم می‌رسد و مطلوبیت بیشتری برای جامعه ایجاد می‌کند و در غیاب این شرایط، نتیجه عکس می‌شود. با این مقدمه به وضعیت ریزش و رویش گروه‌های اصلاح‌طلب می‌پردازیم. در سال ۷۶ به دلایل پیش‌بینی نشده که مشخصه وجودی جوامع مثل ماست، رویش زیادی به سوی اصلاح‌طلبان را شاهدیم. این رویش ناشی از چند عامل بود. از یک سو کالای رسمی سیاست موجود در بازار اعتبار خود را از دست داده بود، ولی عرضه‌کنندگان آن به دلیل بسته بودن فضا چندان متوجه نبودند و تصور می‌کردند تقاضا برای کالای سیاست آنان در چارچوب گذشته شکل می‌گیرد و هر کسی از سوی حکومت نامزد باشد، مردم باید آن را انتخاب کنند وگریز دیگری ندارند. اما تشنگی جامعه برای انتخاب مارک جدید نادیده گرفته شده بود. اصلاح‌طلبان طی هشت سال در آزمایشگاه‌های تحقیقاتی خود مشغول کار روی مدل جدیدی از کالای سیاست با بسته‌بندی شکیل و بازاریابی مناسب بودند و هنگامی که این فرصت پیش آمد، آن را عرضه کردند. در حالی که این عرضه را فقط در حد تست بازار می‌دانستند، اما سرنوشت به گونه‌ای دیگر رقم خورد و رویش بی‌سابقه‌ای را شاهد بودند. رویش‌های ناگهانی به همان اندازه که ناگهانی می‌آیند، ممکن است ناگهان هم حذف شوند، مگر آنکه صاحبان بازار تمهیداتی را برای رسوب و تثبیت این رویش در نظر بگیرند، در غیر این صورت رویش مذکور حالت مد پیدا می‌کند که در مقطعی اقبال سریع و در مقطع دیگر ادبار سریع را شاهدیم. اما اصلاح‌طلبان در نگهداری و تثبیت این رویش بی‌نظیر سهل‌انگاری کرده و دچار چند خطای مسلم شدند. به دست آوردن بازار یک کالا و نیز کسب اعتبار و اعتماد کار سختی است، اما این اعتماد و بازار، تضمینی و دائمی نیست و چه بسا ممکن است با چند خطای پیاپی، کل اعتبار از میان برود، لذا حفظ اعتماد و بازار، سخت‌تر از به دست آوردن اولیه آن است. به ویژه آنکه این بازار در شرایط رقابتی به دست نیامده بود، و هنوز هم گروه‌های زیادی از حضور در این بازار غایب بودند. به علاوه رویش مذکور صرفاً به صورت یک اتفاق پدید آمد و مخالفان آن در مواجهه با این وضع غافلگیر شدند و باید برای جلوگیری از پاتک مخالفان هم تمهیداتی اندیشیده می‌شد. همچنین ساختارهای اجتماعی (عوامل محیطی) می‌توانست به گونه‌ای باشد یا بشود که مجدداً وضعیت را به حالت سابق برگرداند. اگر بخواهم به طور مشخص‌تری اظهارنظر کنم، باید بگویم اصلاح‌طلبان به دلیل بی‌توجهی به عوامل محیطی و ساختار اقتصادی (درآمدهای نفتی و تزریق و حفظ آن برای خزانه دولت و...) و نیز بی‌توجهی به عوامل بازار سیاست (کوتاه نیامدن از حاکمیت قانون و قواعد بی‌طرفانه) و همچنین بی‌توجهی به وحدت و انسجام نیروها (در انتخابات شورای شهر دوم و نیز ریاست‌جمهوری ۸۴)، دچار ریزش‌های مهمی شدند و این وضع به طور مشخص محصول دور دوم ریاست‌جمهوری آنان در سال‌های ۸۰ تا ۸۴ است. البته در انتخابات سال گذشته این وضع تغییر نسبی کرده و بخشی از اعتبار از دست رفته بازگشته است، اما اکنون مشکل دیگری وجود دارد. وجود تقاضا برای یک کالا(حتی کالای خوب و مطلوب و ارزان)، لزوماً به منزله تضمین فروش آن نیست. این کالا باید بتواند خود را عرضه کند و خریدار هم قادر باشد آن را بدون خطر و هزینه اضافی خریداری کند. اگر اتومبیل بنز بهترین اتومبیل و تقاضا برای آن در حد بالا باشد و مردم هم به آن اعتماد کافی داشته باشند، ولی اجازه ورود و عرضه آن در داخل کشور نباشد، نتیجه چندانی برای فروش آن نخواهیم داشت. این به آن معنا نیست که در غیاب بنز در بازار کشور، تقاضا برای پیکان دائمی خواهد شد، اما بازاریابی و ورود به بازارها هم اهمیت خاص خود را برای هر تولیدکننده‌ای دارد. اگر سازنده پیکان تصور کند با آمدن بنز، کرکره کارخانه را باید پایین بکشد، طبعاً تمام توان خود را در جلوگیری از ورود بنز به کار می‌برد. البته دلایلی هم برای جلوگیری از ورود بنز خواهد داشت، مثل بیکاری کارگران بزرگ‌ترین کارخانه و... اما هنگامی که به این نتیجه برسد که وضعیت صفر و یک نخواهد بود، مواضع‌اش تغییر می‌کند. به همین دلیل هم پژو را سازنده پیکان وارد بازار و جانشین خودروی قبلی کرد. بنابر این رویش‌های سیاسی مردم به سوی یک نیرو یک بحث است و به فعلیت درآوردن آن بحث دیگری است که اگر محقق نشود، این رویش‌ها دیر یا زود به سوی گروه‌هایی دیگر جلب می‌شوند که قادرند آنان را فعلیت بخشند.

تحلیل علی مطهری از وضعیت اصولگرایان

وجه مشترک‌شان مخالفت با اصلاح‌طلبان بود

علی مطهری اصولگرایان را نیازمند توافق بر سر مبانی، اصول معین و مشخص و ارزیابی پدیده‌هایی همچون عملکرد دولت‌های نهم و دهم و ارزیابی وقایع و حوادث با این مبانی و اصول برای پیشرفت دانست و گفت: «در غیر این صورت باز عده‌ای به نام اصولگرایی قدرت را در دست می‌گیرند و بر ضد آن مبانی و اصول عمل می‌کنند.» به گزارش ایلنا، نماینده تهران ظهور اصلاح‌طلبان را موجب شکل‌گیری اصولگرایان دانست و گفت: «در واقع عامل اصلی و وجه مشترک اصولگرایان، مخالفت با اصلاح‌طلبان بود، بدون آنکه بر سر مبانی و اصول مشخصی به توافق رسیده باشند. اگر هم مبانی و اصولی ذکر می‌شود، کلی و نامشخص و گاه به صورت لفظی است. یعنی از الفاظ مشترک استفاده می‌شود، در حالی که هر شخص یا گروهی مقصودی غیر از مقصود دیگری دارد.» این عضو کمیسیون فرهنگی مجلس خاطرنشان کرد: «به عنوان مثال همه از آزادی بیان صحبت می‌کنند، اما برخی اصولگرایان توقیف مطبوعات به اندک بهانه و ممانعت از اظهارنظر مخالفان به بهانه تقویت سران فتنه را عین آزادی بیان می‌دانند و برخی این کارها را ضدآزادی بیان می‌دانند.» وی در ادامه اظهارات خود، با اشاره به التزام اصولگرایان به ولایت فقیه تصریح کرد: «برخی از اصولگرایان التزام به ولایت فقیه را مساوی با تعطیلی عقل و پرهیز از ابتکار عمل و ارائه طرح‌های جدید سیاسی و فرهنگی می‌دانند و به دنبال آن هستند که در همه جزییات، تمایل رهبری را کشف کنند و سپس اظهارنظر کنند. برخی دیگر هم معتقدند ما باید کار خودمان را انجام بدهیم و همه جا عقل خود را ملاک قرار دهیم و ابتکار عمل داشته باشیم و طرح‌های نو ارائه کنیم، البته نظرات رهبری را که در رسانه‌ها اعلام می‌شود، نه به نقل از این و آن و در ملاقات‌های خصوصی، ملاک قرار دهیم.» فرزند شهید مطهری نگاه فرهنگی در اصولگرایان را مورد اشاره قرار داد. نماینده اصولگرای تهران، روش اجرای عدالت در میان اصولگرایان را بدون وحدت نظر دانست و تاکید کرد: «درباره جایگاه مجلس و رابطه آن با دموکراسی، شما دیدید تعدادی از همین نمایندگان اصولگرا تجمعی را مقابل مجلس سازماندهی کردند و علیه مجلس شعار دادند. با وجود آنکه تعداد افراد تجمع‌کننده، نسبت به تبلیغاتی که رسانه‌های دولتی کرده بودند، بسیار اندک بود و از حدود ۲۰۰ نفر تجاوز نکرد اما این امر حکایت از آن دارد که این گروه از اصولگرایان اعتقادی به استقلال رای مجلس ندارند و وجود شورای نگهبان را به عنوان ناظر بر مصوبات مجلس و تطبیق‌دهنده با شرع و قانون اساسی کافی نمی‌دانند. آنها وجود فشار بیرونی را نیز ضروری می‌دانند و در واقع اعتقادی به نقش مجلس در اداره کشور ندارند و آن را تشریفاتی به شمار می‌آورند.» این عضو فراکسیون اصولگرایان ادامه داد: «اما بخش اعظم اصولگرایان این گونه فکر نمی‌کنند. بنابراین مهم‌ترین کار اصولگرایان توافق بر سر مبانی و اصول است و اینکه گفته شود اصول ما عبارتند از راه امام ، قانون اساسی، ولایت فقیه و... ، کافی نیست.

مفهوم این اصول باید به طور دقیق مشخص شود و مورد توافق قرار گیرد.» مطهری در تشریح وضعیت جبهه فعلی اصولگرایان خاطرنشان کرد: «اکنون اصولگرایان یک جبهه را تشکیل می‌دهند که مرکب از گروه‌ها و احزاب و شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی مختلف است. گروهی که اکنون دولت را در دست دارد به نظر من نه اصولگراست و نه اصلاح‌طلب، بلکه یک گروه مخصوص به خود است با افکار مخصوص به خود که در حوزه‌های فرهنگ، اقتصاد و سیاست عمل می‌کند.» به نظر من حمایت رهبری از این دولت هم، در راستای حمایت ایشان از همه دولت‌ها است و اینکه میدان به دست مخالفان سرسخت این دولت نیفتد.» مطهری اذعان داشت: «به هر حال اصولگرایان برای پیشرفت خود نیازمند توافق بر سر مبانی و اصول معین و مشخص و ارزیابی پدیده‌هایی از جمله عملکرد دولت‌های نهم و دهم و ارزیابی وقایع و حوادث با این مبانی و اصول هستند، در غیر این صورت باز عده‌ای به نام اصولگرایی قدرت را در دست می‌گیرند و بر ضد آن مبانی و اصول عمل می‌کنند.»

متخصص مسائل ایران، سفیر انگلیس در اسرائیل

گروه سیاسی: دولت انگلیس سفیر جدید خود را در اسرائیل به تل‌آویو فرستاده است. سفیر جدید «ملکه» اولین سفیر یهود دولت انگلیس در سرزمین‌های اشغالی است. این خبر تا اینجا، شاید برای ایران اهمیت نداشته باشد اما سفیر جدید، متیو گلد یک شاخصه دیگر نیز دارد؛ وی از سال ۲۰۰۵ بیش از دو سال در سفارت بریتانیا در تهران مشغول به کار بوده است.روزنامه هاآرتص چاپ اسرائیل در این زمینه نوشت: بریتانیا متیو گلد را که متخصص مسائل ایران و جهان اسلام است به عنوان اولین سفیر یهودی انگلیس در اسرائیل انتخاب کرده. وی پیش از این در سفارت انگلیس در ایران، پاکستان و واشنگتن مشغول به کار بوده است و این درحالی است که وی تنها ۳۸ سال سن دارد.

این روزنامه در ادامه گزارش خود از «مهمان لندن» نوشت: او یکی از برجسته‌ترین دیپلمات‌های انگلیسی در ۲۰ سال گذشته در امور ایران و مسلمانان است و دو سال و نیم در تهران خدمت می‌کرده است. اما شخص گلد یکی از وظایف مهم خود را در اسرائیل این‌گونه توصیف کرده است: یکی از کارهایی را که من در اسرائیل انجام خواهم داد همکاری بسیار نزدیک با اسرائیل در مورد ایران است. امریکا و بریتانیا همکاری نزدیکی بر سر مسائل ایران دارند و اسرائیل و انگلیس نیز به همین صورت.

به گزارش روزنامه هاآرتص وی در ادامه با تاکید بر یهودی بودن خود گفت: لندن تنها یک سفیر را که یهودی است انتخاب نکرده، بلکه یک «سفیر یهودی» انتخاب کرده و در ادامه نیز بر امید روزافزون خود بر اثر تحریم‌های جدید علیه ایران تاکید کرده است. وی همچنین در ادامه مدعی شده است لندن تنها نگران برنامه هسته‌ای ایران نیست بلکه حمایت ایران از گروه‌های تندروی اسلامی از دیگر نگرانی‌های لندن است. اظهارات اخیر سفیر جدید انگلیس در حالی است که در پی حوادث سال گذشته، روابط تهران- لندن در بدترین شرایط ممکن پس از دهه ۶۰ و قطع روابط تهران و لندن قرار دارد و حتی تلاش‌هایی از سوی مجلس برای کاهش سطح روابط با این کشور در جریان است. یکی از مواردی که تهران علیه سفارت انگلیس مطرح کرده است، جاسوسی برخی دیپلمات‌های این کشور در جریان مسائل سال گذشته بوده است؛ مواردی که چندی بعد نه به آن غلظت ولی تا حدودی توسط سفیر اتریش در تهران تایید شد و در همین راستا دو تن از دیپلمات‌های سفارت آلمان نیز متهم به جاسوسی شدند. البته نحوه عملکرد سفارتخانه‌ها نیز در ظن تهران نسبت به نحوه عملکرد این دستگاه نیز بی‌تاثیر نبوده است. روزنامه گلوب اند میل چاپ کانادا چندی پیش در نسخه اینترنتی خود عنوان کرد کن تیلور سفیر کانادا در ایران در روزهای پس از انقلاب و در جریان حمله به سفارت امریکا در تهران و طی واقعه طبس (عملیات چنگال عقاب) برای سازمان جاسوسی امریکا، سیا جاسوسی می‌کرده است. این روزنامه نوشت: تیلور که بین سال‌های ۱۹۹۷ تا ۱۹۸۰ به عنوان سفیر کانادا در ایران اقامت داشت، پس از تسخیر سفارت امریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام در سال ۱۹۷۹ عملاً به نفر اول سیا در ایران تبدیل شد.

این دیپلمات سابق کانادایی در گفت‌وگو با این روزنامه گفته بود: فکر نمی‌کردم روزی این راز فاش شود. این موضوع برای ۳۰ سال مخفی مانده بود و انتظار داشتم تا ۳۰ سال دیگر نیز مخفی بماند. اما از سوی دیگر نکته تعجب‌برانگیز تلاش‌های نسبتاً علنی مقامات اسرائیل برای جاسوسی از تهران است. هنوز چند روزی از خبر ارسال فضاپیمای جاسوسی «اهفهک-۹» که به گفته مقامات اسرائیلی با هدف جاسوسی از ایران به فضا فرستاده شده، نگذشته است. در همین چارچوب قابل توجه است که در پی تنش روابط اسرائیل با ترکیه وجود یک پایگاه جاسوسی اسرائیل از ایران که در خاک ترکیه و در نزدیکی مرز ایران بود، برملا شد. هفته‌نامه ساندی تایمز چاپ انگلیس در این رابطه با تاکید بر وخامت روابط آنکارا- تل‌آویو نوشت: موساد پایگاه جاسوسی خود در نزدیکی ایران را از دست می‌دهد.

اهانت‌کنندگان به لاریجانی شناسایی شده‌اند

علی بنایی نماینده قم در ارتباط با بیانیه صادره در حاشیه نماز جمعه این هفته قم و اهانت‌هایی که علیه علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی طی دو هفته اخیر صورت گرفته است، اظهار داشت: «مردم قم همچنان به شکل یکپارچه از لاریجانی به عنوان نماینده‌شان حمایت می‌کنند.

عامه مردم اعم از مردم عادی یا بازاریان آقای لاریجانی را دوست دارند و حتی اقشار فرهیخته قم و جوامع علمی این شهر همچنان ایشان را به علت برخورداری از شایستگی علمی حمایت می‌کنند.»

به گزارش ایلنا این عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی با تاکید بر اینکه به هیچ‌عنوان از میزان حمایت مراجع تقلید از لاریجانی کاسته نشده است، خاطرنشان کرد: «مراجع عظام تقلید و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و همه سطوح حوزه انتخابیه ایشان، رئیس مجلس را به لحاظ خصوصیت‌های بارز وی و آگاهی و دانایی‌اش قبول دارند. ایشان از سوی مراجع تقلید و جامعه مدرسین قم مورد احترام هستند. کمااینکه مراجع و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم از ایشان خواستند برای انتخابات مجلس نامزد شوند.» این عضو فراکسیون اصولگرایان با تاکید بر اینکه رد پای اطلاعیه‌ای که در حاشیه نماز جمعه قم منتشر شد، مشخص می‌کند چه کسانی آن را طراحی کرده‌اند، اذعان داشت: «مشخص است فردی با اهداف خاص این اعلامیه را طراحی کرده که به هیچ‌عنوان نمی‌توان آن را به همه مردم قم نسبت داد.»

همچنین نایب‌رئیس کمیسیون اصل ۹۰، در واکنش به اهانت‌هایی که اخیراً علیه رئیس مجلس صورت گرفته و بیانیه‌ای که علیه وی در قم منتشر شده است، اظهار داشت: «از تعابیر به کار رفته علیه آقای لاریجانی اطلاعی ندارم، اما در قضیه دانشگاه آزاد امکان داشت به نحو سالم‌تری موضوع را اداره کرد تا مساله به اینجاها نکشد.» محمدابراهیم نکونام نماینده گلپایگان تاکید کرد: «اگر شعارهای سرداده شده در تجمع مقابل مجلس یا بیانیه قم، مربوط به شخص لاریجانی بوده باشد، او شخصاً می‌تواند از مسببان شکایت کند اما اگر مربوط به جایگاه و مسوولیت حقوقی وی باشد، مدعی‌العموم باید ورود پیدا کند.»

محمدنبی حبیبی: احزاب مقتدر باید به وجود آیند

دبیرکل حزب موتلفه اسلامی در نشست مشترک اعضای شورای مرکزی حزب موتلفه اسلامی و کانون دانشگاهیان ایران اسلامی بر ضرورت پرهیز از تفرقه و حفظ وحدت اصولگرایان تاکید کرد.

به گزارش ایلنا، محمدنبی حبیبی در این نشست مشترک گفت: ما سخت به توسعه و تعمیق تحزب اعتقاد داریم زیرا معتقدیم اگر در انتخابات گوناگون به جای رقابت‌های لفظی، احزاب با برنامه در میدان رقابت حضور داشته باشند به نفع کشور و باعث پیشرفت‌های بیشتری می‌شود و رقابتی مقدس میان احزاب شکل می‌گیرد. حبیبی افزود: «حزب موتلفه اسلامی آرزو دارد احزاب مقتدر دیگری در کشور به وجود آیند که رقابت میان این احزاب باعث خدمت به مردم شود.»

بن‌بست در استراتژی ایجاد شکاف بین ایران و سوریه

سفر تابستانی اسد به تهران

گروه سیاسی: بشار اسد رئیس‌جمهور سوریه که به تازگی در سفر به آرژانتین حمایت این کشور از بیانیه تهران را خواستار شده بود، در تازه‌ترین موضع‌گیری این بیانیه را عامل اصلی حل و فصل بدون درگیری مشکلات منطقه‌ای توصیف کرد. این بیانیه اوایل ماه گذشته برای تبادل سوخت هسته‌ای بین ایران، ترکیه و برزیل امضا شد. اسد با اشاره به این بیانیه اظهار داشت: وزنه اصلی سیاست که در اختیار برخی کشورهای شمالی مثل اروپا و امریکا بود تغییر کرده و به کشورهای دیگری مثل ترکیه و برزیل که در مناطق جنوبی جهان واقع شده‌اند، منتقل شده است. وی به صراحت به توافق اخیر ایران، ترکیه و برزیل اشاره کرد و افزود: معتقدم این اقدام برزیل و ترکیه آغاز روابط همکاری میان کشورهای جنوبی است. این اظهارات رئیس‌جمهور سوریه در حالی مطرح می‌شود که گزارش‌ها از سفر وی به تهران حکایت دارد و این روند مهر تاییدی بر گمانه‌زنی‌هایی محسوب می‌شود که تلاش‌های ایالات متحده برای ایجاد شکاف در روابط تهران – قاهره را به بن‌بست رسیده توصیف می‌کند. کاخ سفید در یک سال گذشته تلاش کرده با پیروی از استراتژی تعامل دوباره با سوریه، روابط این کشور با جمهوری اسلامی و همچنین گروه حزب‌الله را محدود و حتی قطع کند اما دست‌کم نمونه آماری سفرهای انجام‌شده مقامات سوری به ایران و همچنین مقامات ایرانی به سوریه روی این استراتژی خط بطلان می‌کشد. موسوی سفیر ایران در سوریه در گفت‌وگو با مهر خاطرنشان کرد رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر سوریه به زودی به تهران سفر می‌کنند و این در حالی است که در سال گذشته ۵۴۵ هیات بین دو کشور سفر کرده‌اند که از بین آنها ۱۲۵ هیات عالی‌رتبه بوده‌اند. به گفته وی حجم بالای رفت و آمدها بین تهران و دمشق از روابط خوب دو طرف حکایت دارد و در هر سال دست‌کم چهار ملاقات بین روسای جمهور ایران و سوریه صورت می‌گیرد. این در حالی است که سوریه و ایران در عرصه بین‌الملل همواره به جانبداری از یکدیگر برخاسته و مواضع آنها در موضوعاتی نظیر انرژی هسته‌ای، فلسطین، غزه و لبنان مشترک است. به گزارش روزنامه کریستین ساینس‌مانیتور هر چند در سال‌های اخیر روابط سوریه با اعراب و حتی اتحادیه اروپا تا حدودی بازسازی شده اما بدون تردید ایران اصلی‌ترین متحد دمشق در منطقه است. این در حالی است که روابط تهران - دمشق در عرصه همکاری‌های نظامی نیز همچنان مورد نگرانی کاخ سفید بوده است. ایران به تازگی سیستم رادار پیشرفته‌ای را در اختیار سوریه قرار داده است که بی‌شک در افزایش توانمندی‌های سوریه برای حمایت از گروه حزب‌الله موثر است. این تبادل نظامی بنا بر باور مقامات واشنگتن، عمق روابط سوریه و ایران را به تصویر می‌کشد و به موازات آن آینده چانه‌زنی‌های محافظه‌کارانه کاخ سفید را برای جلب حمایت دمشق از سیاست‌های غرب در منطقه مبهم‌تر می‌کند. سفیر ایران در دمشق با اشاره به سطح همکاری‌های تجاری ایران و سوریه تاکید کرد دو طرف پروژه‌های مشترکی با یکدیگر دارند که سطح آنها حدود سه میلیارد دلار است و تلاش‌ها در جهت افزایش سطح مبادلات اقتصادی به پنج میلیارد دلار انجام می‌شود. تحلیلگران می‌گویند با توجه به این حجم از روابط اقتصادی، واشنگتن برای راضی کردن دمشق به کاهش روابط با تهران ابزار محدودی در اختیار دارد. این در حالی است که اسرائیل متحد تندرو امریکا در منطقه از جمله مخالفان سرسخت نزدیکی روابط تهران – دمشق است. به اعتقاد مقامات اسرائیلی هر چه نزدیک‌تر شدن این روابط به طور مستقیم تقویت گروه حزب‌الله را به دنبال دارد که اصلی‌ترین دشمن تل‌آویو محسوب می‌شود. با این وجود سوریه که به برقراری صلح در منطقه امیدوار است در محافل علنی همواره از برقراری صلح به کمک کشورهای منطقه حمایت می‌کند و اسد اخیراً با اشاره مستقیم به امریکا این نکته را یادآور شده است که ایالات متحده در به نتیجه رساندن روند صلح در خاورمیانه دچار ضعف است.

مدافعان بی‌دفاع

نعمت احمدی

هفته قوه قضائیه با خطبه‌های نماز جمعه امام جمعه موقت تهران، آیت‌الله امامی‌کاشانی، پایان یافت. ایشان در مقام خطیب نماز جمعه، دفاع وکلا از برخی مسائل «باطل» را حرام دانستند. در این باره باید گفت وکالت حرفه‌ای آزاد است و جز در موارد خاص (وکالت تسخیری و معاضدتی) هیچ مقامی نمی‌تواند وکیلی را به قبول وکالت فرد یا افرادی مجبور کند و بالطبع وکلا در زمان قبول پرونده به اسناد و مدارک موکل توجه می‌کنند و از رهگذر اسناد و مدارک به این نتیجه می‌رسند که می‌توانند با تکیه بر اسناد موکل خود در دادگاه از حقوق او دفاع کرده و صحت اسناد و مدارک را به ثبوت برسانند. پاسخ اینکه «باطل» چه امر حقوقی است که در محاکم ما طرح می‌شود و آیا دخالت وکلا در آن حرام است، را باید از خطیب محترم نماز جمعه پرسید. می‌دانیم اصولاً دعاوی به دو بخش حقوقی و کیفری تقسیم می‌شوند؛ در بخش حقوقی اسناد و مدارک و ادله که در قانون به عنوان «ادله اثبات دعوی» تعریف شده‌اند، وسیله احقاق حق هستند و از این رو نمی‌دانم باطل در این موارد چیست. تبحر و تخصص وکیل در آن است که از اسناد و مدارک موکل خود به خوبی سود ببرد. در روایات و اخبار مذهبی می‌خوانیم که زره حضرت علی(ع) گم شد، ظاهراً زره را نزد فردی یهودی یافتند. حضرت برای احقاق حق به حاکم رجوع کرد و چون نتوانست شاهد معرفی کند، محکوم شد. آیا ما واقعه‌هایی از این دست یا مشابه آن را به عنوان شیعه و پیرو حضرت علی (ع) می‌پذیریم که حضرت مولا بدون داشتن حق به حاکم رجوع کرد، به یقین چنین نیست. صرف عدم اثبات ادعا در دادگاه را نمی‌توان «باطل» اعلام کرد. به همین علت امروزه در جهان محاکم را درجه‌بندی کرده‌اند و احکام محاکم قابل اعتراض، تجدیدنظر و فرجام است و چه بسا فردی در دادگاه اولیه محکوم شود ولی در مراحل بعدی توانسته باشد حقانیت خود را به اثبات برساند. نکته مهم‌تر این است که وکیل، صادرکننده رای نیست و دفاع می‌کند. هرچند به باور امام جمعه موقت تهران «... دفاعی که یک وکیل می‌کند و پول گزاف می‌گیرد حتی اگر بحق باشد، به قیمت حکم قاضی نیست و نمی‌تواند به رتبه آن قاضی برسد که حکم الهی صادر می‌کند و قطعاً چنین حکمی و چنین قاضی‌ای قیمت بالایی دارد.» جای تعجب است آیت‌الله امامی‌کاشانی که سال‌ها ریاست دیوان عدالت اداری را بر عهده داشتند و در واقع جزء مسوولان قوه قضائیه بودند، چنین برداشتی دارند. مگر در زمانه ایشان احکام دیوان عدالت اداری قابل تجدیدنظر نبود و ایشان در جلسه مسوولان قوه قضائیه که دادستان کل کشور و رئیس دیوان عالی کشور عضو آن بودند، شرکت نمی‌کردند. اگر حکم اولیه به باور ایشان «حکمی الهی» است پس چرا هزینه مرجع تجدیدنظر و دیوان عالی کشور را می‌پردازیم؟ باید پذیرفت در دادگستری نمی‌توان حکم الهی صادر کرد و حتی قضات محترم دادگستری معتقد نیستند که احقاق حق می‌کنند بلکه برابر قانون و تصریح آن به «فصل خصومت» مشغولند، والا باید جایگاهی مافوق انسان برای قضات قائل شد که از عالم غیب باخبرند که چنین نیست.

علاوه بر پرونده‌های حقوقی، بخش عمده پرونده‌های دادگستری مربوط به امور کیفری هستند و به یقین امام جمعه موقت تهران که سال‌ها عضو قوه قضائیه بودند، مستحضر هستند که در مواردی وکالت اجباری است و اگر متهمی وکیلی نداشته باشد، دادگاه مکلف است برای وی وکیل تعیین کند و تشکیل دادگاه بدون حضور وکیل خلاف قانون و رای صادره محکوم به نقض است. امیدوارم منظور امام جمعه موقت تهران پرونده‌های بعد از حوادث انتخابات نباشد و دفاع از متهمان این پرونده‌ها را مصداق «باطل» و عمل وکلا را عین «حرام» ندانند. در همین پرونده‌ها هم دیدیم تعداد زیادی از بازداشت‌شدگان در روزهای اول آزاد شدند و تعداد دیگری به‌رغم مشابه بودن کیفرخواست به حبس‌های کوتاه‌مدت محکوم و عده‌ای هم تبرئه شدند و می‌دانیم مقام معظم رهبری هم تعدادی از متهمان را مورد عفو و بخشش قرار دادند. نگارنده از زاویه‌ای دیگر به موضوع مطرح‌شده نگاه می‌کنم. به نظر بنده حضرت آیت‌الله امامی‌کاشانی فی‌الواقع اعتقادی به کار وکلا ندارند و این واقعیت از آنجا ناشی می‌شود که در زمانه تصدی ایشان بر دیوان عدالت اداری، رایی از هیات عمومی تحت ریاست ایشان صادر شد که وکالت در دیوان عدالت اداری نیاز به پروانه وکالت ندارد و احتیاجی به تخصص وکیل نیست و هر فردی که نوشته‌ای به عنوان وکالت از شاکی پرونده دیوان عدالت اداری داشته باشد، می‌تواند در دیوان عدالت وکالت کند. این موضوع مدت‌ها در دیوان عدالت اداری اجرا و اعمال می‌شد و درست همانند دادگاه‌های عامی که آیت‌الله یزدی برای دادگستری تجویز کردند عمل می‌کرد که البته هر دو موضوع به وسیله رئیس بعدی دیوان و رئیس بعدی قوه قضائیه نسخ شد. جای تعجب است کسی که سال‌ها عضو فقهای شورای نگهبان و یکی از مسوولان قوه قضائیه و هم‌اکنون عضو خبرگان رهبری و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام است، آن هم به‌رغم خوی نرم و آرامی که دارند چنین اظهارنظری کرده و جامعه‌ای را مورد هجمه آن هم از پشت تریبون نماز جمعه قرار دادند.

حق دفاع یا اصولاً وکیل در جامعه همانند قاضی است که به کمک فرشته عدالت می‌آید تا فصل خصومت شود و اگر به گفته ایشان «با کمال تاسف اخلاق جامعه خراب شده است...» این خرابی را نمی‌توان ناشی از عملکرد ۱۰ الی ۱۲ هزار وکیلی دانست که در بدترین شرایط و درحالی که چنین دیدگاهی بر جامعه حاکم است، چراغ عدالت را با همه سختی روشن نگه می‌دارند. سخن آخر اینکه: چرا جامعه وکالت این‌گونه بی‌دفاع شده است؟ به اعتقاد بنده اینکه چرا و چگونه جامعه‌ای که با تکیه بر «حق دفاع» به کمک دیگران می‌آید قادر به احقاق حقوق اولیه خود نیست به عملکرد عده‌ای از وکلا در انتخابات اخیر وکلا برمی‌گردد؛ دادگاه عالی انتظامی ۳۴ نفر از ۷۸ نفر کاندیدای عضویت در هیات مدیره را رد صلاحیت کرد. مدت‌ها بعد از مهلت قانونی، عده‌ای دوباره تایید صلاحیت شدند. کسی از دلیل رد صلاحیت آنان مطلع نشد و کسی هم علت تایید مجدد را نفهمید. گناه دیروز چه بوده و ثواب امروز چه؟ باید صبر کرد تا گذر زمان واقعیت را رونمایی کند. انتخاباتی برگزار شد و تا امروز منتخبان عضویت هیات مدیره نتوانسته‌اند به زبان مشترکی برسند و با گذشت سه ماه از انتخابات تعدادی از کمیسیون‌ها در بلاتکلیفی به سر می‌برند. کجاست آن لطافت شعر سعدی بزرگوار که همه ما را اعضای یک پیکر می‌دانست.

وقایع اخیر قم در تشکیل کمیته جامعتین بی‌تاثیر نبوده است

عضو فراکسیون اصولگرایان مجلس وقایع اخیر قم و اهانت به مراجع را در تشکیل کمیته مشترک جامعتین بی‌اثر ندانست. به گزارش ایلنا حسین ابراهیمی عضو جامعه روحانیت مبارز، در مورد دلایل تشکیل کمیته مشترک میان جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و جامعه روحانیت مبارز اظهار داشت: وحدت محقق نمی‌شود جز اینکه افراد اثرگذار در این زمینه ایفای نقش کنند. وی با اعتقاد بر اینکه جامعتین از جمله تشکل‌های مردمی‌ای هستند که قبل و بعد از انقلاب، کارکردشان مورد توجه مردم بوده است، ادامه داد: لذا سزاوارترین جریاناتی که می‌توانند برای وحدت پرچمداری کنند این دو تشکل هستند. نماینده بجنورد در پاسخ به اینکه چرا در مقطع زمانی کنونی چنین تصمیمی اخذ شده است، افزود: همیشه این‌گونه روابط میان جامعتین وجود داشته است. در سال‌های گذشته نیز ارتباطات و کمیته‌های مشترکی میان جامعه مدرسین و جامعه روحانیت تشکیل شده بود، اما مدتی بود این‌گونه جلسات تعطیل شده بود که الان دوباره کمیته مشترکی میان جامعتین تشکیل شد. ابراهیمی در پاسخ به اینکه آیا وقایع اخیر قم و اهانت به مراجع در تشکیل کمیته مزبور موثر بوده است، تصریح کرد: این مساله قطعاً بی‌اث

روایت من

مشاغل پولساز آینده

بهروز بهزادی
behzadi_behrooz@yahoo.com

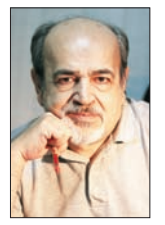

وزارت کار امریکا، هر دو سال یک بار شغل‌هایی را که طی یک دهه آینده در امریکا پولساز خواهند بود و بیشترین درآمد را به خود اختصاص خواهند داد، معرفی می‌کند و این کار مورد توجه بسیار قرار می‌گیرد. گرچه جامعه امریکا از نظر ماهوی تفاوت‌های زیادی با جامعه ما دارد. برای مثال به علت ازدیاد ساخت مسکن در سال‌های گذشته این جامعه رغبتی به ساخت و ساز ندارد و شغل‌های ساختمانی با رکود روبه‌رویند، ولی در کشور ما کارهای ساختمانی بسیار سودآورند. باید گفت برخی شغل‌های اعلام شده در پیش‌بینی وزارت کار امریکا مشاغلی هستند که به علت نیاز تکنولوژیک به وجود می‌آیند و تقریباً در همه دنیا یکسانند. مهندسی بیومدیکال، پژوهشگر پزشکی، متخصص در بیوشیمی و بیوفیزیک و متخصص مراقبت از پوست از آن جمله‌اند. شاید در کشور ما نیز این مشاغل به سرعت مورد توجه قرار گیرند.

معاینه در نیمه‌های شب: یکی از دوستان که از سوی پزشک برای ام‌آرای معرفی شده بود، می‌گفت وقتی به ساختمان مربوطه مراجعه کردم، خانمی که وقت می‌داد، دفتر سررسیدش را چند بار ورق زد و گفت اگر وقت نزدیک می‌خواهید ساعت دو بامداد روز دوشنبه. وی می‌گفت از شنیدن این حرف یکه‌ای خوردم و پرسیدم ساعت دو بامداد؟ خانم گفت مگر وقت نزدیک نمی‌خواهید، همین ساعت خالی بود. با شنیدن این حرف یاد معاینه قلب خودم افتادم که دفتر پزشک متخصص ساعت ۱۱ شب وقت داده بود و وقتی به مطب رفتم، دیدم حدود ۱۰ نفر هم نشسته‌اند که در هر صورت معاینه من و آنها از نیمه شب می‌گذشت چرا که تست ورزش و نوار قلب در کنار معاینه بالینی وقت می‌گرفت. گرچه نمی‌توان ایراد اصولی به سه‌شیفته کار کردن برخی از پزشکان یا مراکز پزشکی گرفت، ولی به نظر می‌رسد چنین رسمی فقط در کشور ما وجود دارد و خیلی عجیب است. شاید کسانی باشند که حتماً هم هستند، خواب و بیداری‌شان نظم و ترتیب دارد و این کسان که اکثریت را تشکیل می‌دهند در ساعات غیرمتعارف نمی‌توانند به مراکز پزشکی مراجعه کنند.

بررسی سرعت انتشار خبر: دوستی تلفنی گفت از رادیو شنیده است علامه فضل‌الله رهبر شیعیان لبنان درگذشته است. خبر بسیار مهم بود، به همین سبب به خبرگزاری‌ها مراجعه کردم تا مشروح آن را بخوانم. در میان خبرگزاری‌های داخلی و خارجی، خبرگزاری مهر دو خبر داشت که یکی را ۱۲/۱۱ و دیگری را ۱۲/۵۲ مخابره کرده بود. ساعت مخابره خبر ایلنا ۱۲/۱۸ بود. فارس ۱۲/۲۰ و در نهایت ایرنا یعنی خبرگزاری جمهوری اسلامی ساعت ۱۲ و ۲۱ دقیقه و ۵۴ ثانیه خبر داده بود. چنین بررسی‌هایی همیشه درباره خبرگزاری‌ها نشان‌دهنده قدرت آنهاست چرا که اولین وظیفه یک خبرگزاری سرعت در انتشار خبر و پس از آن دقت است پس خبر ۱۲/۱۱دقیقه خبرگزاری مهر نخستین خبر و خبر خبرگزاری جمهوری اسلامی آخرین خبر در زمینه درگذشت علامه فضل‌الله بوده است. گرچه زمان اعلام خبر توسط رادیو را هنوز نمی‌دانیم، اگر رادیو زودتر از خبرگزاری مهر خبر داده باشد، مقام نخست را به خود اختصاص می‌دهد.

خبر

تهدیدهای اسرائیل برای انحراف افکار عمومی است

وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، تهدیدهای رژیم صهیونیستی را برای منحرف کردن افکار عمومی و کاهش فشارهای بین‌المللی از این رژیم دانست.

به گزارش ایسنا سردار احمد وحیدی اظهار داشت: ما هیچ توانی را در رژیم صهیونیستی نمی‌بینیم که بخواهد تهدیدی را متوجه جمهوری اسلامی کند و این تهدیدها بیشتر برای منحرف کردن افکار عمومی از فشار روانی در جهان است که امروز علیه خودشان وجود دارد. وزیر دفاع درباره واکنش ایران در صورت بازرسی کشتی‌های ایرانی گفت: اصولاً این خواست و این حرف توسط یکی دو کشور در دنیا بیان شده است و مطمئناً کسانی که به امنیت منطقه و امنیت بین‌المللی معتقدند و به آن اهمیت می‌دهند، حتماً از این خواسته‌های زیاده‌طلبانه پیروی نخواهند کرد و منطقی هم نیست که بخواهند بر اساس خواست یکی دو کشور، کل اوضاع را وارد تنش کنند. وحیدی درباره سامانه موشکی اس-۳۰۰ و اینکه آیا ایران پاسخ رسمی روسیه را دریافت کرده است، گفت: هنوز رسماً به ما چیزی گفته نشده است، و طبیعتاً ما قراردادی داریم که بر اساس مفاد قرارداد عمل خواهیم کرد.

بررسی همکاری ایران با آژانس در مجلس

نایب‌رئیس کمیسیون امنیت ملی از ادامه گفت‌وگوها برای ارائه طرحی در خصوص بررسی همکاری‌های ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی خبر داد. به گزارش ایسنا، اسماعیل کوثری اظهار داشت: فعلاً در حال بررسی هستیم تا این طرح را نهایی کنیم و هنوز در قالب مکتوب درنیامده است. وی گفت: معلوم نیست این طرح چه زمانی به صحن علنی مجلس ارائه شود اما قطعاً کار زیادی را می‌طلبد.

حاشیه سیاست

بن‌لادن در سبزوار

یک روزنامه عرب‌زبان منطقه مدعی شد اسامه بن‌لادن و ایمن‌الظواهری در کوه‌های سبزوار زندگی می‌کنند. به گزارش مهر به ادعای این روزنامه ۲۴۰ نیروی زبده، آنها را همراهی می‌کنند.

فشار برای استعفای یک نماینده

علی عباسپورتهرانی‌فرد رئیس کمیسیون آموزش‌وتحقیقات مجلس به شکایت تهدید شد. به گزارش فارس سخنگوی این کمیسیون تهدید کرد اگر این کمیسیون با عدم استعفای عباسپور مواجه شود از وی به کمیسیون اصل ۹۰ مجلس برای اعاده حیثیت شکایت می‌کند.

دوازدهمین خواهرخوانده اصفهان

اصفهان و استانبول به زودی خواهرخوانده می‌شوند. به گزارش مهر در حال حاضر ۱۱ شهر سن‌پترزبورگ، فرایبورگ، فلورانس، یاش، بارسلون، ایروان، کوالالامپور، هاوانا، کویت، لاهور و شیان عقد خواهرخواندگی با اصفهان دارند.

شرکت بروجردی در خاکسپاری علامه فضل‌الله

رئیس کمیسیون امنیت ملی عازم لبنان شد. به گزارش فارس علاءالدین بروجردی روز گذشته برای شرکت در مراسم خاکسپاری علامه «محمدحسین فضل‌الله» از مراجع تقلید لبنان عازم بیروت شد.

ضرورت آغاز گفت‌وگوهای اجتماعی به روایت صادق زیباکلام

جامعه بدون گفت‌وگو بیمار است

مرجان طباطبایی

فرقی ندارد بگوییم «گفت‌وگوی اجتماعی» یا «هم‌اندیشی»، نفس حضور اندیشه‌ها مهم است که حتی اگر در تقابل و تضاد با هم باشند، تنها در فرآیند ارتباط گفتاری است که می‌توانند به مفاهمه و یگانگی برسند. صادق زیباکلام حیات یک جامعه را منوط به جریان داشتن گفت‌وگوی اجتماعی در آن دانسته و در عین حال عمر جوامع «تک‌گو» را کوتاه خوانده و می‌گوید: اگر هر حکومتی بخواهد اصرار بورزد که فقط تفکر من درست است و باید از آن اطاعت شود، این جامعه در درازمدت دچار بیماری می‌شود چون عملاً جلوی افکار و اندیشه‌های دیگر گرفته شده است.

تاکید وی بر این است که ضرورت گفت‌وگوی اجتماعی در یک کشور، الزاماً به معنای آن نیست که حق با مردمان آن است؛ چه بسا متفکر و روشنفکر و افراد جامعه در اشتباه باشند و حکومت بتواند با باز گذاشتن فضای گفت‌وگو در آن جامعه، آنها را از جهل بیدار کند.

-با توجه به وجود آرا، افکار و عقاید متکثر در جامعه، اساساً ضرورت گفت‌وگوی اجتماعی در کشور چیست و چه مزایایی دارد؟

اگر در هر جامعه‌ای به هر دلیلی «گفت‌وگوی اجتماعی» به گونه‌ای جدی صورت نگیرد، آن جامعه بیمار است. مردم در آن جامعه دچار بی‌تفاوتی کامل شده‌اند و برایشان مهم نیست که از نظر اجتماعی، سیاسی و اقتصادی چه اتفاقی در آن جامعه در حال رخ دادن است و اگر مردمانی اینچنین باشند نیازی نیست که یک روانشناس اجتماعی این بیماری را تشخیص دهد، یک دانشجوی سال اول رشته روانشناسی هم به شما خواهد گفت جامعه‌ای که علاقه‌ای به مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نشان نمی‌دهد و هیچ گفت‌وگویی نمی‌کند، بیمار است. این یک حالت است. حالت دوم، زمانی است که جامعه می‌خواهد راجع به این مسائل بحث و گفت‌وگو کند، اما دولت‌ها و حکومت‌ها مانع این گفت‌وگو می‌شوند و چون احساس می‌کنند اگر فضای گفت‌وگو باز و آزاد در جامعه وجود داشته باشد، ممکن است مسائلی مطرح شود که حکومت چندان با آنها موافقت نداشته باشد و مانع از شکل‌گیری آن می‌شوند. به عبارتی در حالت دوم میل و اشتیاق برای گفت‌وگوی اجتماعی وجود دارد، اما حکومت اجازه نمی‌دهد باب آن وجود داشته باشد. در این شکل فقط یک حالت برای گفت‌وگوی اجتماعی وجود دارد و بلامانع است، آن هم از زاویه‌ای است که حکومت آن‌گونه فکر می‌کند. حکومت فکر می‌کند که حقیقت این است؛ در این جامعه اگر شما از زاویه‌ای که مورد تایید حکومت است و آن را درست تشخیص می‌دهد، گفت‌وگو کنید، از آن استقبال هم شده و از شما برای گفت‌وگو دعوت می‌شود. اما مشکل از نقطه‌ای شروع می‌شود که اگر زاویه‌ای که بحث شما دارد با زاویه مورد تایید حکومت همخوانی پیدا نکند، در این حالت باب گفت‌وگو در آن جامعه بسته خواهد شد.

-با این توضیح، شما شرط گفت‌وگوی اجتماعی در یک جامعه را مجوز دولت می‌دانید؟

گفت‌وگوی اجتماعی فقط یک شرط لازم و کافی دارد که باید حکومت‌ها اجازه دهند گفت‌وگو در جامعه جریان یابد.

-در تعریف گفت‌وگوی اجتماعی چه ملاک‌هایی را باید در نظر گرفت و چه مزایایی دارد؟

اینکه چه مزایایی دارد، باید گفت انسان زنده یکسری فعل و انفعالات انجام می‌دهد، بحث این نیست که چه مزایایی دارد یا نه. این علامت زنده بودن فرد است؛ یک پسربچه چهار - پنج‌ساله باید بدود، شیطنت کند و این علامت حیات او است. اگر این نشانه در جامعه‌ای نباشد، بدون شک مردم آن حیات ندارند.

-در مورد حکومت‌ها چطور؟

بالاترین فایده گفت‌وگوی اجتماعی برای حکومت است. اگر گفت‌وگوی اجتماعی نباشد، حکومت هیچ گاه متوجه نمی‌شود نقاط ضعف و قدرتش کجاست و یک اشتباه ممکن است بارها تکرار شود و پیامدهای منفی زیادی برای کشور به همراه داشته باشد.

-آیا گفت‌وگوی اجتماعی الزاماً به وحدت نظر هم ختم می‌شود؟

خیر، همان‌طور که حکومت می‌تواند اشتباه کند و تصویر غلطی داشته باشد بسیاری از روشنفکران، دگراندیشان، احزاب و تشکل‌های سیاسی هم می‌توانند اشتباه کنند. لزوماً اگر حکومت جلوی حرف من را بگیرد معنای آن، این نیست که حرف من درست بوده است؛ چه بسا حرف من اشتباه است، اما حکومت کمک کرده که من در جهل خود باقی بمانم. به همین خاطر است که حکومت‌ها باید اجازه دهند افراد جامعه گفت‌وگو کنند، به واسطه اینکه تکامل یابند و متوجه شوند کدام برداشت آنها غلط بوده و کدام درست. اگر حکومت‌ها اجازه بیان و گفت‌وگو در مورد مسائل را به جامعه ندهند، هیچ گاه حق یا باطل بودن آن مشخص نخواهد شد. ما در صفحه تلویزیون خودمان بارها تظاهرات مردم امریکا را دیدیم که در نیویورک یا واشنگتن مقابل کاخ سفید علیه جنگ افغانستان و جنگ عراق راهپیمایی کردند اما یک نفر از حکومت آنها را محکوم به خائن بودن نکرده است. در این جوامع حکومت قبول می‌کند گروهی در جامعه هستند که فکر می‌کنند لشگرکشی امریکا به عراق امر درستی نیست، عده‌ای فکر می‌کنند حضور در افغانستان امر غلطی است. این گروه می‌تواند احزاب، شخصیت‌ها، مطبوعات و مردم باشد. در این دسته از جوامع باب گفت‌وگو می‌تواند وجود داشته باشد؛ اما در جوامعی که حکومت خود را مطلق حقیقت و حق می‌داند، به طور طبیعی باب گفت‌وگو بسته می‌شود، چون همواره ممکن است کسانی پیدا شوند که به درست یا غلط نظرات حکومت را نپذیرند و به آن انتقاد داشته باشند.

-به عبارتی این جامعه دچار منولوگ می‌شود؟

دقیقاً همین طور است. در چنین جامعه‌ای فضای گفت‌وگو بسته می‌شود و در این جامعه فقط گفت‌وگویی که حکومت آن را قبول دارد، در جریان است.

-فضای منولوگ تا کجا تداوم دارد؟

تک‌گویی هیچ گاه امر پایداری نیست؛ عمر تک‌گویی کوتاه است و بزرگ‌ترین ضرر و زیان آن در درازمدت متوجه خود حکومت‌ها می‌شود.

-با این توضیح آیا فرآیند گفت‌وگوی اجتماعی در کشور وجود دارد؟

اگر باب گفت‌وگو و مفاهمه در کشور بسته شود، جامعه ما به سمت تک‌گویی می‌رود. در چنین جامعه‌ای رسانه‌های خارجی بسیار مطرح می‌شوند (همچنان که بی‌بی‌سی و VOA بسیار مطرح شدند)، شایعات بسیار رواج می‌یابد، گفتمان فرضیه و توطئه شکل می‌گیرد و یک حالت بی‌تفاوتی به خصوص میان اقشار تحصیلکرده جامعه ایجاد می‌شود که در نهایت به بیماری اجتماعی بدل می‌شود و در نهایت نگفتن‌ها در دل افراد جمع شده و بعد به اشکال دیگر خودنمایی می‌کند، یا سعی می‌کند با قهر و خشونت عقده‌گشایی کند یا با پناه بردن به اعتیاد و دیگر موارد خود را سرگرم کند.

-اگر بخواهیم این موضوع را در کشور آسیب‌شناسی کنیم، ناشی از فقدان چه می‌دانید؟

به خاطر این است که اساساً گروهی از اصولگرایان حاکم خیلی مزاج‌شان با تکثر سازگار نیست، ترجیح می‌دهند یا افراد نیندیشند یا اگر می‌اندیشند در چارچوبی که آنها تعیین کرده‌اند، فکر کنند.

-پیش‌بینی شما برای عینیت بخشیدن این مفهوم در کشور چیست؟

بعضی مواقع علائمی در کشور مشاهده می‌شود، اما گاه برخی افراد به گونه‌ای صحبت می‌کنند که امیدها به یأس تبدیل می‌شود.

تحلیلی درباره بازنشستگی هاشمی رفسنجانی

هاشمی ضعیف نه هاشمی محذوف

علیرضا رجایی

صورت‌بندی قدرت سیاسی، محتوای تغییریابنده و جابه‌جاشونده دارد و دانش سیاسی به طور خلاصه احتمالاً چیزی نیست جز ارائه الگوهای تغییر. اما هر الگوی تغییری لاجرم در دل خود الگوهای ثبات را نیز به همراه دارد و دانش سیاسی باید تبیینی قانع‌کننده از تلاقی ثبات و تغییر و چالش حاصل از آن ارائه دهد. بنابراین هنگامی که کشوری خاص نظیر ایران را موضوع مطالعه سیاسی قرار می‌دهیم، به طور ناگزیری مجبوریم نیروهای حامل تغییر و نیروهای حامل ثبات را نیز شناسایی کنیم و در الگویی مشخص چگونگی و نتایج چالش این دو نیرو را تبیین کنیم. در ادبیات متعارف سیاسی، نیروی معطوف به تغییر غالباً ترقی‌خواه خوانده می‌شود اما این سخن به طور کامل درست نیست زیرا برخی تغییرات معطوف به بازسازی تفسیری از گذشته است که در بدترین حالت، راست افراطی آن را نمایندگی می‌کند. البته نمونه‌های فراوانی وجود دارد که راست افراطی به دلیل ادبیات رادیکالش و مخالفتی که با وضع موجود می‌کند تا مدت‌ها از سوی مردم به عنوان نیرویی ترقی‌خواه شناخته شده و تنها بعد از گذشت سال‌ها معلوم شده است که مثلاً آنچه روزگاری چپ جدید خوانده می‌شد، در واقع همان راست افراطی بوده است که عرف سیاسی آن را به واپس‌گرایی و ارتجاع می‌شناسد.

برای یک تحلیلگر سیاسی صرف‌نظر از آنکه به مسائل ایران علاقه باطنی داشته باشد یا نه، درک مواجهه و منازعه پیش‌گفته و اینکه هر یک از چهره‌ها یا جریان‌های سیاسی، جدا از سوابق و ریشه‌های گذشته آن اکنون کدام گرایش را نمایندگی می‌کند، اهمیت اساسی دارد. به شکلی ریشه‌ای‌تر چنین درکی برای فرد یا جریانی که درگیری عملی با صحنه سیاسی ایران پیدا کرده است، حیاتی‌تر خواهد بود زیرا بدون آن نمی‌تواند صف‌بندی‌های موجود و جایگاه خود را در آنها به درستی تشخیص دهد.

یکی از پرمنازعه‌ترین بحث‌ها و جدل‌ها درباره نخبگان قدرت ایران پس از انقلاب پیوسته حول هاشمی‌رفسنجانی شکل گرفته است و افراد و جریان‌های زیادی بوده‌اند که طی سه دهه اخیر به کرات دریافت خود را از جایگاه او دائماً تغییر داده‌اند. به همین ترتیب در صحنه عملی سیاست نیز به تناسب همین نوسان‌ها ائتلاف‌ها و چالش‌های فراوانی با او صورت گرفته است برای مثال هنگامی که در جریان انتخابات مجلس ششم نام او از صندوق‌های رای تهران بیرون آمد، محافظه‌کاران این را به فال نیک گرفتند، اما درست برعکس وقتی وی به عنوان نماینده اول تهران در مجلس خبرگان برگزیده شد، آن را ناخوش داشتند. در همین حال چنانچه واکنش به این دو رویداد را معکوس کنید، مواضع اصلاح‌طلبان را نیز درخواهید یافت. اینکه تغییر در مواضع شده آیا از تغییر در رویکرد گروه‌های سیاسی ناشی می‌شود یا از تغییر در مواضع رفسنجانی یا همه آنها با هم، نکته‌ای است که باید در جای خود به آن پرداخت اما آنچه اکنون مهم است، این است که جایگاه فعلی او چیست؟ این سوال مهم پاسخی ساده دارد. کافی است به یاد بیاوریم که رفسنجانی قریب یک سال است که فرصت یا رخصت حضور در نماز جمعه تهران را نداشته و نیز همین‌طور کافی است به یاد بیاوریم که طی این یک سال تهاجم‌های شدیدی به او شده که همین گاه به عکس‌العمل‌های شدید و بی‌سابقه او منجر شده است.

بررسی سیر و تغییر هاشمی‌رفسنجانی و جایگاه او به عنوان یکی از مهم‌ترین نخبگان قدرت مستندات مناسبی برای ارائه الگوی تغییر ساخت سیاسی در ایران به دست می‌دهد که باید در فرصتی دیگر آن را شرح داد. اما آنچه فعلاً درباره موقعیت او می‌توان به اختصار گفت، این است که به‌رغم فشارهای سنگین برای حذف او معدل جریان‌های موجود در گروه‌های مسلط بیشتر معطوف به حفظ یک رفسنجانی ضعیف است تا حذف کامل و همه‌جانبه او. این ارزیابی تنها شامل هاشمی نمی‌شود بلکه علی‌الاصول همه کسانی را که نظیر او از ابزار قدرت تقریباً بی‌بهره هستند اما از شأن سیاسی نیرومندی برخوردارند، دربرمی‌گیرد. شأن سیاسی همان چیزی است که به فرد قدرت نفوذ سیاسی می‌دهد اما این قدرت به صورت خفته یا بالقوه است و غالباً در منازعات و موقعیت‌های مناقشه‌آمیز فعال می‌شود.

به عبارت دیگر هنگامی که به صاحبان چنین شأنی تهاجم یا تعرض می‌شود، نیروهای حامی آنها به سرعت فعال می‌شوند و در متن یک شبکه اجتماعی گسترده، حتی ممکن است در بلندمدت جنبه نیروی مقاومت به خود بگیرند. یکی از نمونه‌های اخیر چنین پدیده‌هایی، وقایع ۱۴ خرداد و عکس‌العمل‌های متعاقب آن بود که جنبه‌های هشداردهنده واضحی داشت. به طور خلاصه و چنانچه به ابتدای این بحث بازگردیم، نقش هاشمی‌رفسنجانی در تحولات اخیر ایران، در ذیل الگوهای تغییر قابل توضیح است نه در ذیل الگوهای بازدارنده. از سوی دیگر شکل اعتراضی حضور او با روال جهت‌گیری‌های اخیر این ساخت، ناهمخوان است، بنابراین شکل مطلوب، استمرار حضور یک رفسنجانی تضعیف شده است که قدرت بسیج‌کنندگی احتمالی او را در آینده خنثی کند.تصویر یادشده چنانچه تا حدودی منطبق با واقعیت اوضاع جاری باشد، حکایت از نوعی بی‌ثباتی ساختاری دارد که در بلندمدت قابل استمرار نیست. هنگامی که جنگ قدرت از هر نوع آن شکل می‌گیرد، نمی‌توان آن را برای زمانی طولانی، به شکلی زیرپوستی و بدون هزینه‌های معمول سامان داد. در عین حال، برملا شدن حداکثری چنین منازعاتی، دامنه وسیعی خواهد داشت که نمی‌توان تمام جزییات آن را به درستی از قبل پیش‌بینی کرد.

حاشیه سیاست

هفتمین سفر احمدی‌نژاد به امریکا

محمود احمدی‌نژاد به منظور حضور در شصت و پنجمین مجمع عمومی سازمان ملل اواخر شهریور یا اوایل مهرماه سال جاری عازم نیویورک خواهد شد. به گزارش مهر در صورت تحقق این سفر این ششمین حضور وی در اجلاس سالیانه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک است. البته احمدی‌نژاد در سال جاری برای شرکت در اجلاس بازنگری ان‌پی‌تی به نیویورک سفر کرده بود که با احتساب این اجلاس، سفر پیش رو هفتمین حضور وی در نیویورک از سال ۸۴ تاکنون خواهد بود.

قراردادها نظارت‌پذیر می‌شوند

مهر گزارش داد در پی ابراز نارضایتی جمعی از نمایندگان مجلس مبنی بر عدم نظارت قوه مقننه بر قراردادهای بین‌المللی، جمعی از نمایندگان قصد دارند با ارائه طرحی موضوع اجرایی شدن اصل ۷۷ قانون اساسی را به منظور نظارت‌پذیر کردن قراردادهای بین‌المللی و بررسی و تایید آنها در مجلس دنبال کنند.

حکم دستگیری مسعود رجوی صادر شد

دادگاه عالی جنایی عراق حکم دستگیری مسعود رجوی و ۳۷ نفر دیگر از اعضای فرقه منافقین از جمله مریم رجوی و امیر کاظمی یکی از معاونان رجوی را صادر کرد. به گزارش ایسنا پایگاه اطلاع‌رسانی هابیلیان (خانواده شهدای ترور کشور) به نقل از روزنامه الموتر عراق اعلام کرد: بر اساس ماده ۱۲ از قانون دادگاه جنایی عراق، وزارت کشور عراق و اینترپل مامور دستگیری و انتقال این افراد به دادگاه خواهند شد.

محکومیت طاهری قزوینی به سه سال حبس

شعبه ۵۴ دادگاه تجدیدنظر رای دادگاه بدوی مهندس طاهری‌قزوینی را عیناً تایید کرد. فریده غیرت وکیل طاهری‌قزوینی با بیان این مطلب گفت: شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب موکلم را به سه سال حبس محکوم کرده بود که این میزان محکومیت عیناً در دادگاه تجدیدنظر تایید شد.

وی اتهام موکلش را اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور عنوان کرد و افزود: طاهری‌قزوینی از ۲۷دی‌ماه سال گذشته در زندان اوین به سر می‌برد. وی تاکید کرد: ما انتظار داشتیم دادگاه تجدیدنظر حکم حبس موکلم را کاهش دهد. غیرت همچنین در مورد موکل دیگرش فرامرز محمدی اظهار داشت: قرار بود دادگاه وی در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب برگزار شود که به علت حضور نیافتن قاضی دادگاه، جلسه دادگاه تجدید وقت شد.

تجدید وقت دادگاه باقی

دادگاه عمادالدین باقی تجدید وقت شد. صالح نیکبخت وکیل وی با اعلام این خبر گفت: قرار بود روز یکشنبه گذشته دادگاه عمادالدین باقی برگزار شود اما به دلیل بیماری باقی و گواهی پزشک معالج وی و با موافقت دادرس دادگاه زمان برگزاری دادگاه به ۲۶ مردادماه موکول شد.

تجمع کارگران نازنخ قزوین

تعدادی از کارگران شرکت نساجی نازنخ قزوین صبح دیروز مقابل مجلس تجمع کردند. به گزارش فارس این افراد به عدم دریافت حقوق خود پس از شش ماه معترض بودند.

فائزه هاشمی گزارش یکی از روزنامه‌ها درباره خود را تکذیب کرد

برای انحراف افکار عمومی است

گروه سیاسی: فائزه هاشمی‌رفسنجانی به گزارش یکی از روزنامه‌ها علیه خود واکنش نشان داد. روابط عمومی فدراسیون اسلامی ورزش زنان روز گذشته با ارسال جوابیه‌ای به دفتر رسانه‌ها از انتشار «۱۴ دروغ» یکی از روزنامه‌ها علیه دختر هاشمی‌رفسنجانی خبر داد.در این توضیح آمده است: «تلاش برای دور نگه داشتن افکار عمومی جامعه از مسائل اساسی و اصلی کشور و سرگرم نمودن مردم با اکاذیب و شایعه‌پراکنی به ویژه در سال‌های اخیر مساله جدیدی نیست. آنان هر روز یک بازی جدیدی را جهت به انحراف کشیدن افکار عمومی از اعمال و سوءمدیریت خود رو می‌کنند. در تبعیت از این روش، روزنامه ... که با بودجه بیت‌المال چاپ می‌گردد در ویژه‌نامه خود تحت عنوان «رمز عبور» در خرداد ۱۳۸۹ در یک مطلب دوصفحه‌ای (صفحات ۲۰۳ و ۲۰۴)، با ثبت ۱۴ دروغ درباره فائزه هاشمی بالاترین رکورد را نصیب خود کرد.» بنا بر این جوابیه دروغ‌های چاپ‌شده در این مقاله در دو دسته به شرح زیر ارائه می‌شود.

الف- مواردی که به صورت مستقیم از فائزه هاشمی نقل شده است

۱- «من پشتوانه محکمی دارم که در وجود صراحتم بی‌تاثیر نیست.»

۲- «دوچرخه‌سواری دختران و زنان با کت و دامن در خیابان با دین و عرف متضاد نیست.»

۳- «اگر کت و دامن و مانتو حجاب محسوب می‌شود پس چگونه است که کارکنان نمایندگی ایران در خارج از کشور از این نوع پوشش استفاده می‌کنند.»

۴- «فائزه هاشمی با به راه انداختن مراسم حمایت از کرباسچی گفت: نتیجه محاکمه هرچه باشد فاقد ارزش قانونی است.»

ب- موارد کذبی که درباره فائزه هاشمی بیان شده است

۵- فائزه هاشمی باند ویژه‌ای را برای دوچرخه‌سواری بانوان تهیه کرده و در حال گرفتن مجوز موتورسواری است.

۶- تصویب سخت اعتبارنامه فائزه هاشمی در مجلس پنجم

۷- حمایت از نهایی نشدن گزارش تخلفات کمیته تحقیق و تفحص حوادث کوی دانشگاه به مجلس پنجم و اینکه فائزه هاشمی به عنوان رئیس کمیته تحقیق و تفحص مجلس از حادثه کوی دانشگاه تعلل کرد که قضیه را جدی نگیرند.

۸- مجرم شناخته شدن روزنامه زن و فائزه هاشمی به علت عدم اثبات حضور جناب آقای نقدی در حمله به دو وزیر کابینه آقای خاتمی (آقایان نوری و مهاجرانی)

۹- انتشار اخبار کذب درباره مسوولان در روزنامه زن

۱۰- انجام مصاحبه با مصاحبه‌گر شبکه سی‌ان‌ان و معرفی وی به عنوان الگوی عملی زنان ایران

۱۱- فائزه هاشمی از راهیابی به لیست ۳۰نفره جبهه مشارکت بازماند.

۱۲- تجمع تعدادی از خانواده‌های معظم شهدا در مقابل دفتر کار فائزه هاشمی به نشانه اعتراض

۱۳- جبهه مشارکت تصمیم گرفت جلسه انتخاباتی فائزه هاشمی و کارگزاران را به هم بزند.

۱۴- توصیه آیت‌الله هاشمی در مورد تعطیلی روزنامه زن.

روابط عمومی فدراسیون اسلامی ورزش زنان در پایان توضیح خود تاکید کرد: «هم‌اکنون که فضای جامعه را موج گسترده‌ای از دروغ‌افکنی‌های آشکار، شایعه‌سازی، اتهام‌های واهی و وارونه جلوه دادن عملکرد معماران انقلاب فراگرفته و رسیدگی و برخوردی نیز با متخلفین از قانون وجود ندارد،روزنامه ... نیز از چنین موقعیتی سوءاستفاده کرده و با تحریف جملات، ناقص استفاده کردن و یا جابه‌جا کردن سخنان نهایت بهره‌برداری را، البته با پول ملت، در جهت انحراف افکار عمومی می‌نماید، لذا تکذیب کامل کلیه موارد فوق که هر کدام توضیحات جداگانه‌ای را می‌طلبد جهت روشن شدن افکار عمومی اعلام می‌گردد.»

خبر

وزیر نفت: یک شرکت نفتی از تهران می‌رود

در حالی که هنوز دو ماه بیشتر از مصوبه هیات وزیران درباره انتقال شرکت‌های دولتی از تهران نمی‌گذرد، وزیر نفت اعلام کرد تنها یک شرکت تابعه این وزارتخانه از تهران خارج می‌شود و ضرورتی نمی‌بیند بقیه این شرکت‌ها از تهران منتقل شود:«در حال حاضر اکثر شرکت‌های نفتی، گاز، پتروشیمی و پخش فرآورده‌های نفتی در سطح استان‌های کشور پراکنده بوده، ضرورتی هم برای انتقال ستاد شرکت ملی نفت، گاز و پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی به استان‌ها وجود ندارد. بر همین اساس، مذاکراتی با اعضای دولت برای ماندگاری تعدادی از این شرکت‌ها در تهران انجام شده است.» میرکاظمی با تاکید بر اینکه هم‌اکنون یکی از مباحث برای خروج شرکت‌ها از تهران محور سه شرکت نفت و گاز پارس، نفت مرکزی و نفت خزر است، تصریح کرد: در شرایط فعلی که ۵۰ درصد کارکنان نفت و گاز پارس در عسلویه فعال هستند و شرکت نفت مناطق مرکزی ایران نیز در استان‌های مختلف شرکت‌های اقماری ایجاد کرده، دیگر نیازی به انتقال باقیمانده ستاد آنها به مرکز عملیاتی وجود ندارد. این مقام مسوول از انتقال تنها شرکت نفت خزر به استان‌های شمالی کشور اشاره کرد و گفت: انتقال این شرکت نفتی نیز تا شهریورماه امسال به طور کامل انجام می‌شود. به گزارش مهر، سیدمسعود میرکاظمی دیروز در نشستی خبری درباره طرح‌های ایران برای مقابله با تحریم بنزین با بیان اینکه در حال حاضر روزانه ۴۴/۵ میلیون لیتر در داخل کشور تولید می‌شود، گفت: همچنین از ابتدای سال جاری تاکنون به طور متوسط ۱۴ میلیون لیتر بنزین سوپر با عدد اکتان بالا وارد کشور می‌شود که با اجرای طرح تولید ضرورتی در واحدهای پتروشیمی امکان خودکفایی از واردات این فرآورده نفتی وجود دارد. وی با اشاره به برنامه‌ریزی برای تولید روزانه ۱۴/۵ میلیون لیتر بنزین با عدد اکتان بالا در واحدهای پتروشیمی تصریح کرد: اما در حال حاضر روند واردات بنزین به شکل طبیعی در حال انجام بوده و ضرورتی برای اجرای طرح تولید ضرورتی بنزین در واحدهای پتروشیمی به وجود نیامده است. میرکاظمی از راه‌اندازی واحدهای بنزین‌سازی در پالایشگاه‌های نفت آبادان، اصفهان ، تهران، تبریز و بندرعباس از پایان سال جاری تا سال ۹۰ خبر داد و تصریح کرد: با تکمیل این طرح‌ها روزانه ۱۲/۸ میلیون لیتر به ظرفیت تولید کشور افزوده می‌شود. این مقام مسوول همچنین با اشاره به بهره‌برداری از طرح‌های بهینه‌سازی پالایشگاه‌های نفت لاوان ، اراک ، تهران، آبادان و اصفهان به تدریج از سال ۹۰ تا ۹۲ تبیین کرد: در مجموع با راه‌اندازی طرح‌های بنزین‌سازی و بهینه‌سازی پالایشگاه‌های موجود و پالایشگاه ستاره خلیج فارس، ظرفیت تولید بنزین کشور ۷۴ میلیون لیتر در روز افزایش می‌یابد.

سوآپ نفت کلاهبرداری نیست

این عضو کابینه دولت درباره قطع سوآپ نفت از کشورهای حاشیه دریای خزر با تاکید بر اینکه سوآپی که قبلاً انجام می‌شده به نوعی خرید نفت بوده و هیچ‌گاه مبادله‌ای انجام نشده است، تبیین کرد: از سوی دیگر با کاهش ظرفیت تولید نفت ایران برای رعایت نظام سهمیه‌بندی اوپک سوآپی که انجام می‌گرفته منجر به کاهش بیشتر صادرات نفت ایران می‌شده است. وی با اشاره به اینکه در حال حاضر تمامی قراردادهای سوآپ نفت ایران متوقف شده است، در خصوص کلاهبرداری بودن سوآپ نفت در سال‌های گذشته بیان کرد: این عملیات در سال‌های گذشته به معنای کلاهبرداری نیست اما سوآپ واقعی انجام نگرفته است. میرکاظمی همچنین با تاکید بر اینکه ایران نیازی به امنیت انرژی ندارد، زیرا دومین ذخایر هیدروکربوری جهان را در اختیار دارد، افزود: قصد داریم با مشارکت بخش خصوصی سوآپ نفت را بار دیگر از سر بگیریم.

تعویق در واگذاری پتروپارس تا سال ۹۳

وی در خصوص واگذاری پتروپارس بر اساس سیاست‌های اصل ۴۴ توضیح داد: با مذاکراتی که با هیات عالی واگذاری انجام شده، قرار است واگذاری پتروپارس به بخش خصوصی تا سال ۹۳ به تعویق بیفتد، زیرا در حال حاضر پروژه‌های بسیار سنگینی به این شرکت واگذار شده است. وزیر نفت همچنین واگذاری بخش‌هایی از شرکت ملی گاز ایران را به دلیل حاکمیتی بودن آن منتفی دانست و افزود: اما قصد داریم در بخش‌هایی از صنعت پایین‌دستی گاز طرح‌ها و پروژه‌ها را به بخش خصوصی واگذار کنیم.

بازرسی از همه فروشگاه‌های تهران

شرکت دخانیات در اطلاعیه‌ای رسمی اعلام کرد در راستای مبارزه با محصولات دخانی قاچاق، فروشگاه‌های شهرهای مختلف استان تهران مورد بازرسی قرار خواهند گرفت.به گزارش روابط عمومی شرکت دخانیات، با نظارت کامل دستگاه‌های مربوطه و طبق روال قانونی جهت جمع‌آوری سیگارهای قاچاق، فروشگاه‌ها و مغازه‌های شهرهای مختلف استان تهران مورد بازرسی قرار خواهند گرفت و در صورت برخورد با مواد دخانی قاچاق توسط دستگاه‌های ذی‌ربط، اعمال قانون خواهد شد. بنا بر اعلام شرکت دخانیات، تیم‌های متشکل از وزارت بازرگانی و اداره دخانیات استان تهران برای بازرسی مغازه‌ها و فروشگاه‌های بزرگ جهت شناسایی سیگارهای قاچاق و جمع‌آوری آنها تشکیل شده است و در روزهای آینده دامنه بازرسی خود را گسترده‌تر خواهند کرد که این اقدام طبق روال قانونی و با نظارت کامل دستگاه‌های مربوطه انجام می‌شود تا سیگارهای قاچاق از سطح فروشگاه‌ها جمع‌آوری شود. بنابر نظر کارشناسان، سیگارهای قاچاق به طور بسیار گسترده‌ای در سلامت جامعه تاثیرگذار است و بر این اساس از تمام فروشندگان درخواست می‌شود از ارائه هرگونه کالای دخانی قاچاق جلوگیری کنند.

نامجو در پی قطع برق در برخی مناطق تهران اعلام کرد

خاموشی برنامه‌ریزی‌شده در تابستان نداریم

رضا زندی

وزیر نیرو از مردم درخواست صرفه‌جویی در مصرف آب و برق کرد

هوا دم کرده و زمین پخته است. تابستان سرازیر نشده، گرما امان مردم را بریده است. تهران چند روزی است بیش از ۴۰ درجه تب کرده و جنوبی‌ها گرمای بی‌سابقه‌ای را تجربه می‌کنند. حالا تامین آب و برق مهم‌ترین دغدغه آقای طبقه سیزده وزارت نیرو شده است. وزیر نیرو دیروز اصحاب رسانه را در آخرین طبقه وزارتخانه‌اش میزبانی کرد تا یک خبر مهم بدهد و از مردم یک درخواست ملی داشته باشد: «از مردم درخواست می‌کنم در مصرف آب و برق صرفه‌جویی کنند. صنعت برق از ظرفیت خوبی برخوردار است. امسال قطعاً خاموشی برنامه‌ریزی‌شده نخواهیم داشت.» مجید نامجو مشکل عمده تامین برق را در زمان پیک مصرف که معمولاً در مردادماه رخ می‌دهد، این گونه عنوان کرد: «کمی در زمان پیک مصرف مشکل خواهیم داشت که با همکاری مردم این موضوع هم حل خواهد شد.» خاموشی ناشی از اتفاقات موضوع دیگری است که در صورت بروز معنایش جز خاموشی برنامه‌ریزی‌شده خواهد بود: «اگر خاموشی رخ بدهد ناشی از اتفاقات خواهد بود.» به گفته وزیر نیرو میزان مصرف برق در زمان پیک ۴۱ هزار و ۶۰۰ مگاوات پیش‌بینی شده که در مقایسه با پیک ۳۹ هزار مگاوات سال قبل رشد دو هزار و ۶۰۰ مگاواتی خواهد داشت. برای آنکه آسایش مهمانخانه همه هموطنان باشد به یک همدلی ملی برای صرفه‌جویی در مصرف برق نیاز داریم، وگرنه گرما آزارمان خواهد داد.

انتظار برای دستور رئیس‌جمهوری در خصوص جریمه پرمصرف‌ها

وزارت نیرو برنامه‌هایی را برای کنترل و کاهش مصرف به میزان دو هزار مگاوات تدوین کرده است تا پیش‌بینی ۴۱ هزار و ۶۰۰ مگاواتی برای پیک مصرف به ۳۹ هزار و ۶۰۰ مگاوات برسد. این برنامه‌ها قرار بود از ۱۵ تیرماه (امروز) اجرا شود: «دستورالعمل‌ها را به آقای رئیس‌جمهور تقدیم کرده‌ایم. برای اجرای جرایم منتظر دستور رئیس‌جمهور هستیم. از مردم عزیز هم خواهش می‌کنم در مصرف برق، صرفه‌جویی را رعایت کنند.» این برنامه‌ها در سه بخش تدوین شده است. چنانچه این بخشنامه ابلاغ شود مشترکان پرمصرف جریمه خواهند شد. قیمت برق ادارات دولتی به قیمت واقعی اخذ می‌شود و تعرفه مشترکان تجاری هم متفاوت خواهد شد: «آقای رئیس‌جمهور هم برای ابلاغ این دستورالعمل باید همه جوانب را در نظر بگیرند. به هر حال ما آماده‌ایم به محض ابلاغ آن حتی پیش از اجرایی شدن قانون هدفمند کردن یارانه‌ها آن را اجرا کنیم.» به گفته نامجو قانون هدفمند کردن یارانه‌ها از نیمه دوم سال جاری اجرا خواهد شد: «دولت اجازه داده است بهای برق ادارات دولتی به قیمت واقعی یعنی کیلووات ساعتی ۸۳۲ ریال محاسبه شود.» وی از دولتی‌ها خواست برای کنترل مصرف برق تلاش کنند.

برق ۸۳ تومانی، ۱۶ تومان فروخته می‌شود

وزیر نیرو قیمت تمام‌شده هر کیلووات ساعت برق را ۸۳۲ ریال عنوان و گفت: «این در حالی است که هر کیلووات ساعت برق ۱۶ تومان به مردم عرضه می‌شود.» وی درباره قیمت برق برای مناطق گرمسیر گفت: «تامین برق برای مناطق جنوبی و گرمسیر قطعاً در اولویت است و قیمت‌ها هم بسیار پایین‌تر از مناطق عادی است چراکه کولرهای گازی مصرف بسیار بالایی دارند و اگر بخواهیم مثل مناطق عادی، قیمت برق را دریافت کنیم، مردم هزینه بسیار زیادی باید بپردازند.» وقتی خبرنگاری از نامجو درباره قیمت برق پس از اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها پرسید، پاسخ شنید: «سناریوهایی برای هدفمند کردن یارانه‌ها آماده شده و قیمت برق در آن مشخص شده است اما درباره قیمت دقیق آن باید ستاد طرح تحول اقتصادی اعلام نظر کند.» قرار است بعد از اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها کنتورهای برق جداسازی شود: «البته امکان جداسازی همه کنتورها وجود ندارد.»

برق رایگان به کشاورزان

قرار است دو هزار مگاوات از مصرف برق با تدابیر وزارت نیرو کنترل شود. وزیر نیرو یکی از این برنامه‌ها را در بخش صنعت اعلام می‌کند: «ما برنامه خوبی برای کنترل برق در بخش صنعت داریم. با صحبتی که با آقای محرابیان داشتیم قرار است صنایع هم کمک‌مان کنند.» نامجو یک خبر هم به کشاورزان می‌دهد: «اگر کشاورزان مصرف‌شان را به زمانی که ما می‌گوییم منتقل کنند برق رایگان به آنها می‌دهیم.» امسال ۱۶ درصد مصرف برق صنعتی رشد داشته است.

نامجو: نیروگاه هسته‌ای بوشهر شهریور می‌آید

وزیر نیرو از حساسیت دولت نسبت به وضعیت برق کشور خبر داد و گفت: «سه هفته قبل در دولت گزارشی درباره آخرین وضعیت برق ارائه کردم. در دولت هر وزیر تنها ۲۰ دقیقه برای ارائه گزارش وقت دارد اما دولت برای آن جلسه دو ساعت وقت گذاشت. بنده عرض کردم اول ما باید حداکثر تلاش‌مان را برای افزایش تولید انجام دهیم و بعد مدیریت مصرف را اعمال کنیم تا به مردم فشار نیاید.» نامجو با اشاره به برنامه برق‌دار کردن روستاهای بالای ۲۰ خانوار گفت: «آقای رئیس‌جمهور در یکی از سفرها به وزارتخانه‌های دیگر گفتند که از وزارت نیرو برای خدمات‌رسانی به روستاها الگو بگیرید.» خبرنگاری از نامجو می‌پرسد: آقای وزیر بالاخره نیروگاه بوشهر چه وقت راه‌اندازی می‌شود؟ «بنده هر وقت جناب آقای صالحی را در دولت می‌بینم همین سوال را از ایشان می‌کنم که بالاخره نیروگاه هسته‌ای بوشهر را کی تحویل می‌دهید. ایشان هم گفته‌اند شهریورماه تحویل می‌دهند. ما هم همه تجهیزات‌مان را آماده کرده‌ایم و هیچ مشکلی برای دریافت برق نیروگاه بوشهر نداریم.» این چندمین بار است که قول افتتاح نیروگاه بوشهر منتشر می‌شود.

۱۸ درصد برق تلف می‌شود

«یکی از مشکلات مهم شبکه برق کشور اتلاف انرژی در این شبکه است. در شبکه‌ها حدود ۱۸ درصد اتلاف انرژی داریم که این رقم باید به ۱۴ درصد برسد. برای این کار هم ۱۵۰۰ میلیارد تومان در بودجه امسال پیش‌بینی شده است.» وزیر نیرو همچنین با اشاره به واگذاری پنج نیروگاه به بخش خصوصی در سال جاری می‌گوید: «سازمان خصوصی‌سازی قرار است منابع آن را برای اصلاح شبکه برق در اختیار وزارت نیرو قرار دهد.» البته این همه ماجرا نیست. پیمانکارانی که از وزارت نیرو طلبکارند، می‌توانند طلب خود را به صورت سهام از پروژه‌های وزارت نیرو دریافت کنند: «در قانون تصویب شده که پیمانکاران بتوانند صورت وضعیت‌های خود را به صورت سهام از پروژه‌های وزارت نیرو دریافت کنند که منتظر تدوین دستورالعمل آن هستیم.»

۲۱۰۰ مگاوات از انرژی‌های نو می‌خواهیم

انشعابات غیرمجاز موضوع دیگری است که باعث ناپایداری شبکه برق کشور و بروز خاموشی می‌شود. مجید نامجو با درخواست از مردم حاشیه شهرها برای پرهیز از انشعابات غیرمجاز می‌گوید: «چون برای واردات برق برنامه‌ریزی کرده‌ایم انشعابات غیرمجاز باعث بروز ناپایداری در شبکه و اختلال در واردات برق می‌شود.» وی با رد مجاز شمردن انشعابات غیرمجاز تعداد انشعابات غیرمجاز را ۱۵۰ هزار مورد در سراسر کشور اعلام کرد که نسبت به آمار یک میلیونی سال گذشته کاهش محسوسی داشته است. وزیر نیرو در خصوص برنامه وزارتخانه‌اش برای حمایت از انرژی‌های نو هم می‌گوید: «وزارت نیرو تعهد کرده است تا ۲۱۰۰ مگاوات برق از انرژی‌های نو نظیر نیروگاه‌های کوچک برقابی، نیروگاه‌های خورشیدی و بادی استحصال کند در حالی که امروز این رقم ۱۰۰ مگاوات است.» وی افزود: «ما حاضریم برق نیروگاه بادی را کیلووات ساعتی ۱۳۰ تومان بخریم، در حالی که آن را باید ۱۶ تومان به مردم عرضه کنیم.»

چگونه خاموشی نداریم

برنامه وزارت نیرو برای تامین برق مورد نیاز در تابستان این گونه است. ۳۹ هزار و ۴۰۰ مگاوات از نیروگاه‌های حرارتی، آبی و واردات، برق تامین خواهد شد. دو هزار مگاوات هم از طریق برنامه‌های این وزارتخانه نظیر جرایم پرمصرف‌ها و اخذ قیمت واقعی برق از ادارات دولتی و اخذ قیمت پلکانی از مراکز تجاری، کاهش می‌یابد. ۵۰۰ مگاوات هم باید به صورت ذخیره همواره در شبکه موجود باشد بنابراین ۷۰۰ مگاوات از طرق مختلف نظیر کاهش فرکانس مدیریت می‌شود تا به این ترتیب پیک ۴۱ هزار و ۶۰۰ مگاواتی برق سپری شود. وزیر نیرو درخصوص مشکلات این وزارتخانه از عدم اجرای هدفمند کردن یارانه‌ها هم سخن می‌گوید: «ما در سال ۸۸ یارانه‌ای از بابت برق از دولت دریافت نکردیم. در صورتی که چهار هزار میلیارد تومان روی آن حساب باز کرده بودیم. بالاخره سال گذشته ۴۰۰ میلیارد تومان از منابع دیگر از دولت گرفتیم و ۵۰۰ میلیارد تومان هم امسال گرفته‌ایم که این باعث بروز مشکلاتی در پرداخت طلب پیمانکاران شده است.» وی از مردم خواست هر گونه مشکلی در خصوص خاموشی برق را به شماره ۱۲۱ و هر گونه مشکلی در خصوص آب را به شماره ۱۲۲ اطلاع دهند.

حذف خاموشی از فرهنگ کشور

شاهبیت سخنان وزیر نیرو اما این جمله بود: «تلاش می‌کنیم با کمک مردم خاموشی را از فرهنگ کشور حذف کنیم.» وی همچنین ظرفیت نیروگاه‌های برقابی کشور را هفت هزار و ۶۰۰ مگاوات اعلام کرد و افزود: «امسال اجازه داده‌ایم برای تامین برق، شش هزار مگاوات از نیروگاه‌های برقابی استفاده شود.» با اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها اگر بنا باشد قیمت واقعی برق از مردم گرفته شود قیمت ۱۶ تومانی فعلی برای هر کیلووات ساعت به ۸۳ تومان افزایش خواهد یافت که این خود بهترین اهرم برای کنترل مصرف خواهد بود اما تا آن وقت برای عبور بی‌مشکل از گرمای تابستان، تنها همدلی مردم برای مصرف بهینه برق می‌تواند چاره‌ساز باشد و راه ساده آن خاموش کردن لامپ‌های اضافه در زمان پیک مصرف است: «سه هزار میلیارد تومان هم برای تعویض کنتورهای هوشمند در کل کشور در نظر گرفته‌ایم.»

کاهش بی‌سابقه آب سد ۱۵ خرداد

از برق که بگذریم به آب می‌رسیم. به گفته وزیر نیرو ۳۰ شهر با کل جمعیت حدود ۶۰۰ هزار نفر مشکل کم‌آبی دارند. خبرنگاری در خصوص آخرین وضعیت آب شهر قم می‌پرسد: «آب شهر قم از سد ۱۵ خرداد تامین می‌شود. این سد هم‌اکنون ۱۸ میلیون مترمکعب آب دارد که بسیار نگران‌کننده است. این رقم سال گذشته ۳۷ میلیون مترمکعب بوده است.» نامجو از تدابیر اندیشیده شده برای تامین آب شهر قم می‌گوید: «اجازه داده‌ایم شرکت آبفا، ۱۰ حلقه چاه حفر کند و تعدادی از چاه‌های کشاورزی را هم اجاره کند و آب آن را به شبکه شرب وصل کند.» نامجو از مردم قم خواست مصرف آب را فقط در حد نیاز انجام دهند: «طرح درازمدت انتقال آب به قم را هم در حال اجرا داریم.» وقتی از وی درباره واردات آب از تاجیکستان پرسیده می‌شود، پاسخ می‌دهد: «رئیس‌جمهور تاجیکستان اعلام کرده حاضر است سخاوتمندانه آب را در اختیار هر کشوری قرار دهد. البته اینکه بخواهیم آب از تاجیکستان بخریم فعلاً در حد حرف اولیه است و بناست به زودی در جلسه روسای جمهور سه کشور در افغانستان مطرح شود.»

مذاکره با افغان‌ها برای دوستی

اسماعیل‌خان وزیر آب و انرژی افغانستان ماه گذشته در گفت‌وگو با روزنامه شرق در خصوص ساخت سد «سلما» در بالادست سد دوستی ایران و احتمال محدود شدن آب این سد مطالبی را مطرح کرد. نامجو در پاسخ به این سوال درباره اظهارات اسماعیل‌خان می‌گوید: «افغانستان به دنبال تامین منافع خودش است. منافع ما هم سر جای خودش قرار دارد. با توجه به اینکه اقداماتی را ما در پایین‌دستی انجام داده‌ایم با تعاملات خوبی که داریم موضوع را از طریق مذاکرات پیگیری می‌کنیم تا منافع هر دو کشور رعایت شود.»

آب تهران مشکلی ندارد

چندی پیش مساله کیفیت آب تهران دوباره بر سر زبان‌ها افتاد. «شرق» از وزیر نیرو می‌پرسد.

–بالاخره موضوع کیفیت آب تهران به کجا رسید. آیا واقعاً آب تهران مشکلی به لحاظ کیفیت برای استفاده ندارد؟

«همان‌طور که می‌دانید ۷۰ درصد آب تهران از طریق سدها و ۳۰ درصد آن از طریق چاه‌ها تامین می‌شود. حتی اگر چاهی مشکلی داشته باشد ما فوراً آن را از مدار خارج می‌کنیم. در حال حاضر هیچ‌گونه مشکلی برای آب شرب تهران وجود ندارد و ما همه نگرانی‌ها را تحت کنترل داریم.»

معاون گسترش پروژه‌های صنعتی سازمان گسترش و نوسازی صنایع اعلام کرد

مهلت دوباره ایدرو به مپنا برای احداث نیروگاه

معاون گسترش پروژه‌های صنعتی سازمان گسترش و نوسازی صنایع با اشاره به مذاکرات انجام‌شده برای ایجاد سه هزار تا ۴۵۰۰ مگاوات ظرفیت نیروگاهی مورد نیاز بخش صنعت توسط شرکت مپنا گفت: پیشنهاد مپنا دارای نواقصی بود که برای رفع آن مجدداً به این شرکت مهلت داده شده است.

خلیل ارجمندی در گفت‌وگو با فارس اظهار داشت: مسوولان شرکت مپنا باید مشخصات فنی طرح را به سازمان گسترش ارائه کنند و علاوه بر این، شرکت‌های خارجی را که سازنده تجهیزات اصلی پروژه محسوب می‌شوند نیز معرفی کنند.

وی افزود: در طرح پیشنهادی مپنا، نحوه انتقال دانش فنی، زمان‌بندی ساخت و تامین تجهیزات پروژه نیز باید مشخص شود.

وی با بیان اینکه فرصت زیادی برای ایجاد ظرفیت‌های نیروگاهی بخش صنعت نداریم، گفت: امیدواریم هر چه سریع‌تر نیروگاه‌های با کلاس F در کشور احداث شوند.

ارجمندی نیاز بخش صنعت به ایجاد ظرفیت‌های جدید نیروگاهی را سالانه سه تا چهار هزار مگاوات عنوان کرد و افزود: با توجه به نرخ رشدی که برای بخش صنعت در برنامه پنجم پیش‌بینی شده، باید برق مورد نیاز این بخش فراهم شود.

وی تصریح کرد: استفاده از برق به جای گاز در تولید محصولات صنعتی علاوه بر صرفه‌جویی در مصرف انرژی، امکان صادرات برق مازاد و ایجاد ارزش افزوده بیشتر را نیز فراهم می‌کند.

پیشنهاد بخش خصوصی

برای شکست تحریم، اتاق ایران و امریکا باید راه‌اندازی شود

اسدالله عسگراولادی در گفت‌وگویی کوتاه از تحریم‌ها علیه ایران می‌گوید و از زمانی که با علینقی خاموشی راهی دیار فرنگ می‌شدند تا فشارها علیه تجار ایرانی را به حداقل برسانند. او که با روابط عمومی اتاق تهران سخن می‌گفت، معتقد است برای دور زدن تحریم‌ها، اتاق ایران و امریکا باید راه‌اندازی شود و همانند دهه ۶۰ از بخش خصوصی برای مذاکره با تحریم‌کنندگان بهره بگیرند.

– همان طور که می‌دانید سابقه تحریم‌ها علیه ایران به سال‌های گذشته بازمی‌گردد. در تجربه‌های قبلی رایزنی اتاق‌های بازرگانی ایران با اتاق‌های بازرگانی سایر کشورها و همچنین مذاکره با مقامات اقتصادی آنها، اغلب جریان را به نفع ایران تغییر داده است؛ در این باره توضیح دهید.

اوج جنگ بود و ما دچار برخی تحریم‌ها بودیم، البته نه تحریم‌های رسمی. ما به چند کشور سفر کردیم. من با هیاتی به ژاپن سفر کردم. ژاپن از ما نفت نمی‌خرید، به طوری که خرید نفت از ایران را از روزی ۴۰۰ هزار بشکه به ۱۰ هزار بشکه کاهش داده بود. در آن سفر که حدود یک هفته به طول انجامید، در جریان مذاکره با شرکت‌های ژاپنی به آنان گفتیم، چنانچه از خرید نفت ایران امتناع کنند، ما هم کالاهای آنها را نخواهیم خرید چرا که مجبور بودیم کالاهای مورد نیاز را از کشورهایی وارد کنیم که از خریداران نفت ایران بودند. ما اقتصادی صحبت کردیم و آنها هم راضی شدند. در اواخر دهه ۶۰ نیز وقتی به دلیل تحریم بانک مرکزی ریسک این بانک به هفت رسیده بود با اجازه رئیس کل وقت بانک مرکزی به اتریش سفر کردیم. رئیس‌جمهور اتریش که پیش از آن دبیرکل سازمان ملل بود در زمان دبیرکلی‌اش به ایران سفر کرد و در این سفر برادر من به دستور حضرت امام، مهماندار او بود. این ارتباطات سبب شد هنگام سفر به اتریش در دفتر رئیس‌جمهور اتریش با رئیس کل بانک مرکزی آن کشور ملاقاتی صورت گیرد. پس از این مذاکرات ریسک بانک مرکزی از هفت به پنج کاهش یافت. بنابراین با درایت تاجرانه و کاسبانه بزرگ‌ترین خدمت را به کشور کردیم؛ البته بی‌سرو صدا.

– در اروپا چطور؟

در اروپا گرفتاری‌های مختلفی داشتیم؛ برای مثال سفارت انگلیس در ایران بسته بود. اما در سفری که به همراه علینقی خاموشی به این کشور داشتیم، مذاکراتی با اعضای مجلس اعیان و اعضای اتاق بازرگانی لندن صورت گرفت و پس از این جلسات بود که آنها کنسولگری‌شان را در ایران گشودند. زمانی هم برای رفع برخی گرفتاری‌های اقتصادی عازم «آلمان» بودیم. آن هنگام یک تبعه آلمانی به دلیل مسائل اخلاقی در ایران زندانی بود. خاطرم هست پیش از سفر به این کشور به ملاقات رئیس قوه قضائیه وقت رفتم و گفتم در آلمان گرفتاری‌هایی داریم که باید رفع شود. گفتم برای کارهای شخصی نمی‌رویم، آلمانی‌ها حساب‌هایمان را مسدود کرده‌اند، باید برویم و این حساب‌ها را باز کنیم. بنابراین از ایشان خواستم «حکم» آزادی همان زندانی را به عنوان هدیه‌ای در اختیارمان قرار دهند تا روی میز مذاکره با مقامات این کشور قرار دهیم. این هدیه سبب شد در همان سفر و در دیدار با صدراعظم آلمان، مشکلاتمان برطرف شود. اینها کار بخش خصوصی است. همیشه معتقدم بخش خصوصی می‌تواند عامل موثری در برقراری روابط دولت‌ها باشد چراکه دولتمردان به دلیل برخی مسائل سیاسی نمی‌توانند خواسته‌هایشان را روشن و شفاف مطرح کنند.

– در این دوره چگونه می‌توان نقش ایفا کرد؟

همین حالا هم به نهاوندیان پیغام داده‌ام که اتاق ایران و امریکا را باید راه‌اندازی کنیم؛ در این صورت شاید بسیاری از اتفاقات اقتصادی رخ نمی‌داد. حتی معتقدم اگر در چند سال گذشته در موضوع رفع تحریم‌ها دخالت می‌کردیم (بخش خصوصی)، شاید نمی‌گذاشتیم محدوده این تحریم‌ها در بعد اقتصادی تا این حد گسترده شود.

– با این حال فکر می‌کنید موانع فعلی پیش روی تجارت با تکرار تجربه مذاکرات دهه ۶۰ حل شود؟

بله می‌شود اما اختیار می‌خواهد...

حاشیه اقتصاد

دعای توسل برای مهار آتش چاه نفت

شانا خبرگزاری رسمی وزارت نفت خبر داد در مراسمی با حضور رئیس حراست شرکت ملی حفاری دعای توسل برای مهار چاه دچار حریق‌شده در نفت‌شهر برگزار شد. بنا براین گزارش در این آیین حاضران برای مهار آتش چاه شماره ۲۴ و موفقیت مهارگران دست دعا به درگاه الهی برداشتند.

الماس چینی کارخانه ایرانی را می‌بندد

چهارمین کارخانه تولید الماس‌های سنگ‌بری کشور در آستانه تعطیلی قرار گرفت. یک مدیرعامل کارخانه تولید الماس‌های سنگ‌بری در کاشمر در گفت‌وگو با ایسنا اظهار کرد: اجناس چینی توان رقابت را از ما گرفته و این در حالی است که تعرفه ورود اجناس چینی با تعرفه محصولات داخلی هیچ تفاوتی ندارد. به جز کارخانه تولید الماس‌های سنگ‌بری در کاشمر، در کشور سه کارخانه دیگر در استان‌های لرستان، یزد و آذربایجان فعال است.

بوتان در بستر بیماری

محسن خلیلی‌عراقی بنیانگذار شرکت بوتان و اولین و بزرگ‌ترین تولیدکننده لوازم گازسوز و سیلندر گاز در ایران گرفتار عارضه بیماری شده و در بستر آرمیده است. خلیلی‌عراقی که از او به عنوان اسطوره صنعت ایران یاد می‌شود بیش از ۶۰ سال از زندگی خود را در فراهم آوردن بستر لازم برای کارآفرینان و صنعتگران هزینه کرده است. از وی به عنوان نخستین مدیر دولتی یاد می‌شود که راه بخش خصوصی را در پیش گرفت. وی یکی از کارآفرینان بود که پس از تجربه کار در دولت به بخش خصوصی آمد و شرکت حفاری را برای رساندن آب به مزارع و روستاها تاسیس و در آن سرمایه‌گذاری کرد.

رکود مسکن دامن رنگ را گرفت

عضو انجمن صنایع رنگ و رزین از بالا نبودن مصرف رنگ در کشور در فصل تابستان سال جاری در مقایسه با سال‌های گذشته خبر داد. رضا علیخان‌زاده در گفت‌وگو با ایسنا، دراین باره توضیح داد: تولید و مصرف رنگ در کشور وابستگی زیادی به تقاضای بازار داشته و در فصل تابستان معمولاً عمده مصرف رنگ مربوط به ساختمان‌های نوساز یا ساختمان‌های تجدید اجاره می‌شود. وی افزود: در فصل تابستان به دلیل شروع تعطیلات و اتمام دوره قراردادهای ساختمان‌های اجاره‌ای معمولاً رونقی در تجدید اجاره ساختمان‌ها به وجود می‌آید که این موضوع افزایش مصرف رنگ‌های ساختمانی را نیز به دنبال دارد. از سوی دیگر با نزدیک شدن به مهرماه مصرف رنگ در رنگ‌آمیزی مدارس نیز افزایش می‌یابد، ضمن اینکه در فصل تابستان مصرف رنگ در ساختمان‌های نوسازی و در حال بهره‌برداری نیز بالا می‌رود. وی با اشاره به اینکه مصرف رنگ در کشور در تابستان امسال نسبت به دو سال گذشته با کاهش قابل توجهی به دلیل رکود ایجاد شده در صنعت ساخت و ساز و وضعیت اقتصادی مواجه شده است، افزود: اوج مصرف رنگ در فصل تابستان در شهریورماه رخ می‌دهد، ضمن اینکه در پروژه‌های صنعتی نیز به دلیل رکود ایجاد شده مصرف رنگ با کاهش مواجه شده است.

ادامه از صفحه اول

مقابله به‌مثل می‌کنیم

اما حشمت‌الله فلاحت‌پیشه با اشاره به موضوع خودداری برخی کشورها از سوخت‌رسانی به هواپیماهای ایرانی گفت: مجلس مصوب کرده است و شورای امنیت ملی نیز پس از قطعنامه علیه ایران تاکید کرد که حق مقابله به مثل با کشورهایی که در این چارچوب با ایران برخورد می‌کنند، وجود دارد. این عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در گفت‌وگو با ایسنا خاطرنشان کرد: ایران در هر موردی که هواپیماها یا کشتی‌هایش دچار مشکل شوند، از این حق برخوردار است که اقدام به مقابله به مثل کند.

فلاحت‌پیشه گفت: امارات کشوری است که بخش اعظم پروازهایش به ایران است و قطعاً باید با امارات، انگلیس و آلمان که هواپیماهایش نیاز به سوخت ترانزیتی از ایران داشته باشند مقابله به مثل کنیم. وی یادآور شد: تحریم‌های مطرح شده با وجود اینکه با عنوان تحریم‌های هوشمند مطرح می‌شود و با هدف ضربه به توان ایران برای تکمیل چرخه سوخت هسته‌ای است، اما این اقدامات نشان می‌دهد که این تحریم‌ها فراتر است و ضربه به توسعه کشور ایران و حتی اقدام علیه مردم و اتباع ایران را دنبال می‌کند. نماینده اسلام‌آباد غرب افزود: اینکه مانع سوخت‌رسانی به هواپیماهای ایرانی می‌شوند و تحریم سوختی را برای نخستین بار شامل هواپیماهای کشوری در ایران می‌کنند، کاملاً به مردم ارتباط دارد و به هیچ وجه سیاسی نیست. اینها نشان‌دهنده نگاه توسعه‌ای به تحریم‌ها است، و پیام خوبی برای مردم ایران است که به رغم ادعاهای امریکا که سعی می‌کند تحریم‌ها را هوشمند نشان دهد و هدف آن را جلوگیری از توسعه هسته‌ای و موشکی اعلام کند، می‌بینیم این تحریم‌ها توسعه و جایگاه ایران در سطوح مختلف از جمله بحث صنعت هواپیمایی را هدف قرار داده است. فلاحت‌پیشه تاکید کرد: جای دیپلماسی هنوز وجود دارد و دیپلماسی هنوز شکست نخورده است. اینکه برخی از کشورهای منطقه بسیار زود با تحریم‌های پیش‌قراول با برخی کشورهای غربی همراه می‌شوند، نشان‌دهنده این است که آنها همواره به دنبال این هستند که کشوری مانند ایران که مسیر توسعه را می‌پیماید، زودتر دچار بحران و مشکلاتی از این نوع شود، و همراهی امارات با امریکا باید قابل توجه باشد. واکنش جدی‌تر نسبت به این کشورها ضروری است، زیرا ما معتقدیم ایران کشوری است که اگر قرار است توسعه‌اش به خطر بیفتد یا امنیتش مورد دست‌اندازی قرار گیرد، آن زمان هیچ کشوری در منطقه نمی‌تواند امنیت پایداری داشته باشد. از سوی دیگر پرویز سروری با اشاره به این رخداد گفت: اقدام برخی از کشورها در عدم ارائه بنزین به هواپیماهای مسافربری ایرانی، در کمیسیون امنیت ملی بررسی می‌شود. این عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با غیرقانونی خواندن اقدام برخی از کشورها در عدم ارائه بنزین به هواپیماهای مسافربری ایرانی، از بررسی این موضوع در کمیسیون و استفاده از ظرفیت‌های مجلس در این خصوص خبر داد. پرویز سروری در پاسخ به پرسشی در مورد اقدامات برخی از کشورها نظیر آلمان، فرانسه و امارات در عدم ارائه سوخت به هواپیماهای مسافربری ایرانی، با تاکید بر اینکه چندی است شاهد تخلفات پی‌درپی کشورهای عضو مجامع بین‌المللی هستیم که آثار بسیار بدی در جهت بی‌خاصیت کردن این مجامع

گزارش

متوسط قیمت مواد خوراکی در تهران

مرغ پر کشید

گروه اقتصادی: لبنیات، حبوبات، سبزی، چای و روغن نباتی در هفته گذشته باز هم گران شد. این خبر تایید اتفاقاتی است که در هفته گذشته رخ داده و آمارگیران بانک مرکزی آن را تایید کرده‌اند. تازه‌ترین گزارش بانک مرکزی از متوسط قیمت خرده‌فروشی برخی مواد خوراکی در تهران نشان می‌دهد از ۱۱ گروه کالایی مورد بررسی شش گروه افزایش قیمت داشته‌اند. ظاهراً کنترل سرعتی که بانک مرکزی در پس پرده تورم یک‌رقمی داده فقط در پنج گروه اثر داشته و دیگر گروه‌ها همچنان از نمودار قیمت‌ها بالا می‌روند.

مرغ ۱۰ درصد گران شد

گوشت مرغ رکورددار افزایش قیمت بود، شاید دلیل ثبت رکورد برای افزایش مرغ در قیمت گوشت قرمز باشد. برای خانواده‌هایی که بضاعت خرید هر کیلو گوشت قرمز را با قیمت متوسط ۱۵ هزار تومان در تهران ندارند، چاره‌ای جز خرید گوشت مرغ نمی‌ماند و شاید یکی از دلایل افزایش قیمت سیل تقاضا به سوی این کالا باشد. برای آنانی که هر کیلو مرغ را دو هفته قبل ۲۷۵۰ تومان خریدند، حتماً سخت است که همین مقدار را یک هفته بعد سه هزار تومان بخرند اما هر چه باشد بهتر از پرداخت ۱۱ هزار تومان برای خرید یک کیلو گوشت گاو یا ۱۵ هزار و ۵۰۰ تومان برای خرید یک کیلو گوشت گوسفند است. آمارگیران بانک مرکزی گزارش داده‌اند که قیمت یک کیلو گوشت مرغ در هفته گذشته به طور متوسط کمی بیشتر از سه هزار تومان بوده که این قیمت در مقایسه با هفته قبل ۱۰/۲ درصد افزایش داشته است. طبق گزارش بانک مرکزی درصد تغییر در مقایسه با هفته مشابه قبل نیز ۱۰ درصد افزایش داشته است. این را هم باید در نظر گرفت که قیمت گوشت مرغ در هفته قبل ۳۵ درصد گران‌تر از هفته مشابه در سال قبل است. بنابراین با این آمارها نباید رکورد را برای گوشت مرغ ثبت کرد.

قند و شکر در برابر چای

یکی از پنج گروه کالایی که قیمت آن کمی نسبت به دو هفته قبل ارزان شد، قند و شکر بود. قند و شکر ۰/۲ درصد نسبت به هفته قبل ارزان شد. البته متوسط قیمت قند و شکر در هفته گذشته در مقایسه با هفته مشابه ماه قبل ۰/۵ درصد گران‌تر فروش رفته است. در مقابل کاهش ۰/۲ درصدی قیمت هر کیلو قند و شکر بد نیست بدانید قیمت بسته‌های ۵۰۰ گرمی چای ۰/۱ درصد گران‌تر شده است. پس افزایش قیمت چای جبران کاهش قیمت قند و شکر را کرده است.

میوه‌های تازه

در این دوره رسم شده که به هر طریق شده یک نکته مثبت در گزارش‌ها جا داده شود. شاید در میان آمارهایی که بانک مرکزی می‌دهد و پرداختن به آن تصویر موجود را خراب می‌کند، یک نکته مثبت یافت شود. قیمت میوه‌های تازه در هفته قبل شش درصد ارزان شد و قیمت متوسط این گروه به گونه‌ای بوده که در مقایسه با هفته مشابه ماه قبل ۴/۵ درصد ارزان شده است. این هم از بخش مثبت ماجرا. البته نه از جهت پرداختن به نکات منفی بلکه به جهت اطلاع باید گفت اگر در هفته خریدار سیب، خربزه و هندوانه بوده‌اید از گروه کالاهای ارزان استثنا بوده‌اید زیرا در میان ۱۲ قلم کالای مورد بررسی این چند قلم استثنا بوده‌اند و افزایش قیمت داشته‌اند. در میان کالاهایی که نسبت به هفته مشابه ماه قبل بیشترین کاهش را داشته، می‌توان به شلیل اشاره کرد که ۴۵ درصد ارزان‌تر شده اما در مقابل، کالایی که بیشترین افزایش قیمت را داشته سیب قرمز لبنان بوده است. قیمت این محصول در هفته گذشته نسبت به دوره مشابه ماه قبل ۶۰ درصد افزایش قیمت داشته است. ظاهراً درصدهای ارزانی با گرانی همخوانی ندارد اما بالاخره برخی کالاها ارزان شده‌اند.

جدول ارز و طلا

ارز	قیمت(تومان)	نوسان
دلار امریکا	۱۰۴۹	۱ ▲
یورو	۱۳۰۸	۱ ▲
پوند انگلیس	۱۵۸۸	۰ ◀
دلار کانادا	۱۰۰۰	۳ ▼
ریال سعودی	۲۸۱	۰ ◀

طلا و سکه	قیمت(تومان)	نوسان
سکه طرح قدیم	۳۱۷۰۰۰	۷۰۰۰ ▲
سکه طرح جدید	۳۰۲۰۰۰	۵۰۰ ▼
نیم سکه بهار آزادی	۱۵۲۰۰۰	۵۰۰ ▼
ربع سکه بهار آزادی	۷۷۵۰۰	۱۵۰۰ ▼
یک گرم طلای ۱۸ عیار	۳۰۷۰۰۰	۲۰۰ ▼

رئیس سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی:

پارازیت در حد استاندارد است

گروه اقتصادی: معاون وزیر ارتباطات، میزان پارازیت‌های موجود در کشور را در حد استاندارد دانست و گفت: «تاکنون هیچ مورد مشکوک و بیماری‌ای در زمینه ارسال بیش از حد پارازیت‌های ماهواره‌ای، تلفن‌همراه و وسایل صوتی- تصویری به ما گزارش نشده است.» محمد کرم‌پور رئیس جدید سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی در نخستین نشست خبری خود در جمع خبرنگاران ضمن اشاره به تشکیل کمیسیونی در مجلس شورای اسلامی جهت بررسی وضعیت پارازیت‌های موجود در کشور گفت:«بحث پارازیت‌ها به وسیله گروهی متشکل از نمایندگان وزارت بهداشت و درمان، سازمان انرژی اتمی و ما به عنوان سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی بررسی شد که تاکنون هیچ مورد مشکوکی در مورد پارازیت‌ها و مشکلات بیماری برای مردم به ما گزارش نشده است.» وی اظهار داشت: «رگولاتوری در این گروه وظیفه بررسی و اندازه‌گیری میزان پارازیت‌ها را دارد که حال این پارازیت‌ها می‌تواند منشاء تلفن‌همراه و آنتن‌های بی‌تی‌اس باشد، می‌تواند منشاء آن از رادیو و تلویزیون و ماهواره‌های ارتباطی باشد که در همه این موارد ما میزان تشعشعات و نوع محصول را اندازه‌گیری کردیم و هیچ کدام خارج از حد استاندارد نبوده است.» کرم‌پور در ادامه سخنان خود در پاسخ به این سوال که «برخی از پزشکان در تشخیص بیماری‌ها اعلام می‌کنند که منشاء سردردها و سقط جنین‌های بی‌شماری که تازگی به وقوع پیوسته پارازیت‌های ماهواره‌ای است، آیا شما این امر را قبول دارید یا خیر»، گفت: «مسوول سلامت مردم وزارت بهداشت است و همان طور که گفتم تاکنون ما هیچ گزارشی در مورد عدم سلامت مردم یا تهدید سلامت مردم به وسیله پارازیت دریافت نکردیم و در بررسی‌های ما نشان داده شده برخی از پارازیت‌ها هم منشاء داخلی ندارد، البته اگر پزشکی برای ما مکتوب بنویسد که پارازیت‌ها باعث سردرد شده است من حرف خودم را پس می‌گیرم... می‌پذیرم که پارازیت‌ها بیماری‌زا هستند.» کرمی در خصوص درآمد رگولاتوری در سال گذشته گفت: «سازمان تنظیم مقررات رادیویی در سال ۸۸، ۱۳۰۰ میلیارد تومان درآمد را به خزانه دولت واریز کرده است.»

ورود مخابرات به عرصه اینترنت پرسرعت بی‌سیم تخلف است

معاون وزیر ارتباطات با تاکید براینکه سازمان تنظیم مقررات فعلاً برنامه‌ای برای ارائه مجوز در عرصه وایمکس سیار ندارد و اپراتورهای وایمکس تنها مجاز به ارائه اینترنت پرسرعت بی‌سیم ثابت هستند، ادامه داد: «بعد از گذشت دو سال از اعطای مجوز به اپراتور سوم تلفن همراه، سازمان تنظیم مقررات در مورد ارائه مجوز فعالیت وایمکس سیار بررسی‌های خود را آغاز می‌کند.» وی در مورد همکاری مشترک اپراتور اول موبایل با اپراتور سراسری وایمکس مبین‌نت و اقدامات همراه اول برای خرید ۴۰ درصدی سهام این شرکت گفت: «ورود همراه اول به عرصه اینترنت پرسرعت بی‌سیم تخلف است و این اپراتور مجاز به خرید سهام مبین‌نت نیست.» کرم‌پور افزود: «طبق قانون، مخابرات اجازه سهامداری در اپراتورهایی که خدمات مشابه را ارائه می‌کند ندارد و فعالیت در عرصه وایمکس از سوی همراه اول ممنوع است. این مساله روز گذشته به مبین‌نت و همراه اول اعلام شده و چنانچه این اتفاق صورت بگیرد سازمان تنظیم مقررات با آن برخورد می‌کند.» او در پاسخ به اینکه با هدفمند شدن یارانه‌ها تعرفه‌های تلفن ثابت و همراه به چه صورتی خواهد بود، گفت: «یکی از وظایف کمیسیون رسیدگی مستمر به تعرفه‌هاست و ممکن است تعرفه‌ها تغییر کند و پیش‌بینی ما مبنی بر افزایش نرخ خدمات ارتباطی خیلی پایین است ولی تصویب این موضوع با کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات است.» وی همچنین درباره کاهش ۲۰ درصدی تعرفه اینترنت گفت: «زیرساخت برای دولت است و دولت عنوان کرده که ۲۰ درصد سهم را دریافت نمی‌کند و در واقع این کار به این منظور صورت گرفته که بازار به سمتی برود که اپراتورها امکان کاهش قیمت را برای مصرف‌کننده فراهم کنند.» او همچنین در خصوص اصلاح آمار مشترکان ایرانسل نیز صحبت کرد. کرم‌پور در این باره گفت: «رگولاتوری سقف مشترکان اپراتور دوم را ۱۵/۸ میلیون قرار داده است که در صورت تمایل و تقاضای مشترک این رقم قابل افزایش است.» او البته عنوان کرد که سایر اپراتورها هم می‌توانند از این مزایا استفاده کنند و در صورت تمایل می‌توانند آمار مشترکان خود را از سطح قرارداد بالاتر ببرند.

پروانه همراه اول سقف دارد، پروانه ایرانسل سقف ندارد

معاون سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی گفت: «مطابق آنچه در پروانه اپراتور دوم تلفن همراه آمده، ایرانسل در جذب تعداد مشترکان تلفن همراه سقف ندارد.» حسن رضوانی معاون سازمان رگولاتوری در اولین نشست رئیس جدید این سازمان در جمع خبرنگاران در زمینه سقف پروانه اپراتور دوم اظهار داشت: «در پروانه این اپراتور هیچ قیدی برای حداکثر تعداد مشترکان ایرانسل وجود ندارد، ما قبلاً بر سر تعداد ۱۵ میلیون و ۸۰۰ هزار مشترک فعال به توافق رسیده بودیم ولی اصل مطلب این است که این اپراتور محدودیت مشترک ندارد و می‌تواند ضمن کسب مجوز از سازمان، مشترکان خود را بیشتر کند.» در ادامه این نشست، لطف‌الله سبوحی معاون صدور مجوز سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی نیز تاکید کرد: «آنچه در پروانه ایرانسل آمده، تعداد مشترکانی است که اپراتور خود را متعهد به واگذاری سیم‌کارت به آنها کرده است.» وی افزود: «در زمان تدوین پروانه، شورای اقتصاد تعداد مشترک را تصویب می‌کند که براساس آن سقف تعداد مشترک برای ایرانسل لحاظ نشده اما در اسناد پشتیبانی که پروانه این اپراتور دارد، آمده است که هر بنگاه اقتصادی نمی‌تواند بیش از ۴۰ درصد سهم بازار را داشته باشد و بر همین اساس هم این اپراتور می‌تواند تا رسیدن به سهم ۴۰ درصدی از بازار، تعداد مشترکان فعال خود را افزایش دهد. سبوحی گفت: «براساس همین محدودیتی که برای بنگاه‌های اقتصادی قرار داده شده نیز کمیسیون تنظیم مقررات سقف ۳۸ میلیون مشترک تلفن همراه در پروانه شرکت مخابرات ایران را قید کرده است.» او با تایید گفته‌های کرمی گفت: «اما با این وجود اپراتورها می‌توانند درخواست خود را برای افزایش تعداد مشترکان به سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی ارائه کنند و پس از بررسی رگولاتوری و ارائه مجوز می‌توانند مشترکان خود را افزایش دهند.»

ساخت ۲۳۴ هزار واحد مسکونی در تهران ناممکن است

بابک حاجیان ساخت ۲۳۴ هزار واحد مسکونی در تهران را ناممکن اعلام کرد و گفت: این گونه اظهارات مسوولان نوعی فرافکنی بوده که طی ۳۰ سال گذشته در این بخش رواج داشته است. در حالی که مدیرکل مسکن و شهرسازی استان تهران از ساخت ۲۳۴ هزار واحد مسکونی در این استان خبر می‌دهد، بابک حاجیان کارشناس مسکن در گفت‌وگو با ایلنا این گونه اظهارات را به دلیل عدم کاربری اجرایی آن نوعی القای ذهنی برای کاهش بحران مسکن اعلام کرد. بابک حاجیان گفت: بسیاری از معضلات کنونی بخش مسکن حاصل اظهارات غیرکارشناسی و بدون کاربری اجرایی است که طی ۳۰ سال گذشته تاکنون مسکن را به این شکل با فجایع روبه‌رو ساخته است. حاجیان در واکنش به اظهارات مدیرکل سازمان مسکن و شهرسازی استان تهران مبنی بر اینکه در حال حاضر ۲۳۴ هزار واحد در دست ساخت است، گفت: چگونه است نیاز استان تهران به ۱۶۰ هزار واحد مسکونی است اما ۲۳۴ هزار واحد در حال ساخت است و این همه مشکل مسکن در این استان وجود دارد؟ وی تصریح کرد: ارائه آمار به صورت کاذب در حقیقت برای تلطیف بحران‌های موجود در این بخش است اما همین عامل باعث افزایش تبعات دیگر در این بخش خواهد شد.

وزیر مسکن و شهرسازی اعلام کرد

تاثیر کم هدفمندکردن یارانه‌ها بر قیمت مسکن

وزیر مسکن و شهرسازی دولت نهم از تزریق ۲۹۰ میلیارد تومان اعتبار به بخش مسکن مهر با دستور رئیس دولت دهم در جلسه شورای عالی مسکن خبر داد. به گزارش مهر، علی نیکزاد شامگاه یکشنبه در فرودگاه بندرعباس گفت: تاکنون برای ۸۷۰ هزار واحد مسکونی مهر پروانه ساخت صادر شده است که از این تعداد ۵۶۰ هزار واحد پی‌ریزی را به اتمام رسانده‌اند که بدون شک با چنین روندی پی‌ریزی کلیه واحدهای مسکونی مهر تا پایان شهریورماه به اتمام خواهد رسید. او با بیان اینکه ۲۱۳ هزار واحد مسکونی در روستاها باید ساخته و بهسازی شود، بیان کرد: تاکنون قرارداد ساخت ۱۲۵ هزار واحد مسکونی منعقد شده است که با این حساب ۷۰ درصد از نیاز مسکن روستایی ظرف چهار ماه گذشته محقق شده است. او اظهار کرد: تاکنون چهار هزار میلیارد تومان از محل خط اعتباری هفت هزار میلیارد تومانی طرح مسکن مهر در قالب تسهیلات به متقاضیان واجد شرایط شهری و روستایی پرداخت شده است و هیچ مشکلی برای پرداخت تسهیلات یادشده به متقاضیان نداریم. نیکزاد با تاکید بر اینکه در ساخت واحدهای مسکونی مهر بالاترین استانداردهای ساختمانی رعایت می‌شود، تصریح کرد: واحدهای مسکونی مهر از اصلی‌ترین ساختمان‌هایی هستند که مقررات ملی ساختمان به ویژه مبحث صرفه‌جویی در انرژی طی مراحل مختلف ساخت آنها مورد نظر قرار می‌گیرد و رعایت می‌شود. وزیر مسکن و شهرسازی در ادامه به حضور جدی انبوه‌سازان و بخش خصوصی در ساخت واحدهای مسکونی مهر اشاره کرد و گفت: هم‌اکنون ۳۰۰ هزار واحد مسکونی مهر با انبوه‌سازان از طریق تفاهمنامه سه‌جانبه ساخته می‌شود که در کلیه قراردادها تمام اجزای ساختمان جزء به جزء مورد توجه قرار گرفته و مشخصات هر قسمت به طور کامل ذکر شده است.

هدفمند کردن یارانه‌ها تاثیر چندانی روی قیمت مسکن نخواهد داشت

در همین حال وزیر مسکن و شهرسازی دولت دهم با تاکید بر عدم تغییر قیمت مسکن در صورت اجرای هدفمند کردن یارانه‌ها گفت: با توجه به اقدامات انجام‌شده و مدیریتی که در زمان اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها اعمال می‌شود، قیمت مسکن تغییر نخواهد کرد. پیش از این وزیر مسکن دولت دهم از آغاز کار خود در وزارت مسکن هرگونه افزایش قیمت مسکن را در زمان وزارتش رد کرده بود و در پاسخ به سوال خبرنگاران مبنی بر چگونگی روند تغییرات قیمت مسکن با اجرایی شدن طرح هدفمند کردن یارانه‌ها گفته بود: ان‌شاءالله قیمت‌ها افزایش نمی‌یابد. به گزارش ایسنا علی نیکزاد با اشاره به این موضوع که هدفمند کردن یارانه‌ها تاثیر چندانی روی قیمت مسکن نخواهد داشت، از رایزنی تنگاتنگ این وزارتخانه با ستاد هدفمند کردن یارانه‌ها خبر داد. نیکزاد با بیان اینکه ۵۰ درصد از درآمدهای ناشی از آزاد شدن قیمت حامل‌های انرژی میان بخش‌های مختلف بازتوزیع خواهد شد، تصریح کرد: در سه بند از مواد ۷ و ۸ قانون هدفمند کردن یارانه‌ها، اجازه اختصاص یارانه به بخش مسکن داده شده است که با وجود چنین موادی در قانون و مدیریت سایر وزارتخانه‌هایی که صنایع تولیدکننده مصالح مورد نیاز ساختمان را پوشش می‌دهند، نباید اتفاق خاصی در قیمت مسکن پس از اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها روی دهد. او درباره رایزنی تنگاتنگ وزارت مسکن و شهرسازی با ستاد هدفمند کردن یارانه‌ها افزود: بسته‌های سیاستی لازم را در این باره پیش‌بینی کرده و به این ستاد ارائه دادیم. از سوی دیگر وزارتخانه‌های دیگر نیز با انجام همین کار، اقدامات خوبی انجام داده‌اند تا پس از اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها، شاهد افزایش قیمت مسکن در کشور نباشیم. وزیر مسکن و شهرسازی با بیان اینکه در ساخت یک واحد مسکونی از مصالح و ابزارهای مختلفی استفاده می‌شود، خاطرنشان کرد: استفاده از مصالح و ابزارهای مختلف باعث می‌شود بخش مسکن و قیمت آن از سایر بخش‌ها تاثیرپذیری داشته باشد. علاوه بر وزارت مسکن و شهرسازی دیگر وزارتخانه‌های تاثیرگذار در بخش مسکن نیز از نقش بسیار موثری برخوردار هستند. نیکزاد در پایان یادآور شد: نباید فراموش کرد قیمت زمین یکی از موارد اصلی تعیین‌کننده در نرخ واحدهای مسکونی بود که دولت با حذف قیمت آن در طرح مسکن مهر، گام بسیار موثری در تعدیل و کاهش قیمت مسکن برداشت.

خبر

برابری میزان مصرف آب با تولید

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان خراسان رضوی میزان تولید آب در استان و مصرف آن را برابر دانست. به گزارش ایلنا، محمد طاهری مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان خراسان رضوی گفت: مصرف شهروندان خراسان رضوی در پیک مصرف ۷۹۰۰ لیتر در ثانیه است، حال آنکه میزان تولید آب هفت هزار و ۳۵ لیتر است. او به کاهش مشکلات شهروندان درباره آب شرب سالم در تابستان امسال اشاره کرد و گفت: در بسیاری از شهرها میزان تولید با مصرف در نقطه سر به سر است و در برخی از شهرها همچون تربت حیدریه ما شاهد کمبود آب شرب هستیم که خوشبختانه با رعایت الگوی مصرف توسط شهروندان این شهر تاکنون مشکل حادی را نداشته‌ایم.

هر کیلو بستنی پسته‌دار پنج هزار تومان شد

رئیس اتحادیه فروشندگان آبمیوه، بستنی و فالوده تهران از تعیین نرخ هر کیلو بستنی مغز پسته‌دار به قیمت پنج هزار تومان خبر داد و گفت: نرخ مصوب همه‌ساله بر اساس آنالیز قیمتی که اتحادیه به دست می‌آورد، تعیین می‌شود و معمولاً طبق قیمت تمام شده درصدی روی آن کشیده می‌شود. اسکندر آزموده رئیس اتحادیه فروشندگان آبمیوه، بستنی و فالوده تهران به ایسنا گفت: بستنی سنتی مغز پسته‌دار سال قبل کیلویی چهار هزار تومان بود که نرخ مصوب امسال به هزار تومان افزایش یافته است ولی بستنی بدون پسته، کیلویی چهار هزار تومان فروخته می‌شود. آزموده ادامه داد: نرخ‌گذاری اتحادیه مشمول نرخ‌گذاری سازمان حمایت نیست و توسط مجمع و اتحادیه تعیین می‌شود. وی گفت: نرخ مصوب همه‌ساله بر اساس آنالیز قیمتی که اتحادیه به دست می‌آورد تعیین می‌شود و معمولاً مطابق قیمت تمام شده بستنی ۱۰ تا ۱۵ درصد روی بستنی کشیده می‌شود و اعضای ما نمی‌توانند خارج از این نرخ تعیین شده بفروشند. او ادامه داد: بازرسان اتحادیه به طور مداوم واحدهای فروشنده بستنی و آبمیوه را بازدید می‌کنند و در صورتی که موارد بهداشتی از سوی واحدی رعایت نشود، با آن واحد برخورد می‌شود. وی گفت: اداره بهداشت نیز بر فعالیت این واحدها نظارت دارد ولی به طور کلی تمام واحدهای دارای پروانه کسب، رعایت بهداشت را می‌کنند.

وصل خودکار سیم‌کارت‌های قطع بدهی

از این پس برای وصل سیم‌کارت‌های قطع بدهی نیازی به مراجعه مشترک به دفاتر خدمات ارتباطی و بانک نیست. روابط عمومی شرکت ارتباطات سیار ایران اعلام کرد: با توجه به راه‌اندازی سرویس خدمات صورتحساب مشترکان در سامانه تلفنی ۰۹۹۹۰همراه اول و امکان پرداخت در کلیه ساعات شبانه‌روز، از این پس امکان وصل خودکار سیم‌کارت‌های دارای قطع بدهی یک طرفه و دوطرفه (میان‌دوره و پایان دوره) پس از پرداخت از طریق این سامانه میسر شده است. بر اساس این گزارش گفتنی است پرداخت به موقع قبوض از طریق سامانه ۰۹۹۹۰ امتیاز ویژه‌ای برای مشترکان در طرح‌های تشویقی امسال همراه اول دارد.

خبر

پیکر علامه‌فضل‌الله امروز تشییع می‌شود

گروه بین‌الملل: پیکر مرحوم محمدحسین فضل‌الله روحانی برجسته لبنانی امروز در میان غم و اندوه طرفدارانش تشییع خواهد شد. دفتر علامه فضل‌الله روز گذشته با انتشار بیانیه‌ای جزییات مراسم تشییع پیکر این مرجع شیعیان لبنان را تشریح کرد.به گفته محمد عمرو، مسوول اطلاع‌رسانی این دفتر، مراسم تشییع پیکر علامه امروز سه‌شنبه از مقابل خانه‌اش در محله «حریک» در ساعت یک و نیم ظهر آغاز می‌شود و سپس با عبور از محله‌های اصلی منطقه جنوب لبنان، در مسجد الامامین الحسنین (ع) بر پیکر وی نماز خوانده و سپس در صحن این مسجد به خاک سپرده می‌شود. به مناسبت فقدان علامه فضل‌الله تمام نهادها و جمعیت‌های خیریه وابسته به بیت او به مدت یک هفته اعلام عزای عمومی کردند. حزب‌الله لبنان نیز با انتشار بیانیه‌ای سه روز در لبنان عزای عمومی اعلام کرد اما تاکنون دولت لبنان تنها به ذکر تسلیت و گرامیداشت یاد او اکتفا کرده است.

اهدای مدال شخصیت به ژنرال مک‌کریستال

وزارت امور خارجه افغانستان روز یکشنبه از خدمات ۱۸ ماهه «استنلی مک‌کریستال» فرمانده برکنار شده نظامیان امریکایی و ناتو در این کشور قدردانی کرد و جایزه شخصیت سال را در غیاب وی به یکی از فرماندهان ناتو در این کشور اهدا کرد. داوود مرادیان رئیس بخش مطالعات راهبردی وزارت امور خارجه افغانستان در این رابطه اظهار داشت: این جایزه در غیاب مک‌کریستال، به «نیک پارکر» یکی از فرماندهان ناتو در افغانستان داده شد. این جایزه در مراسمی که به مناسبت توزیع جوایز برای نویسندگان کتاب‌های سیاسی و تحقیقی برگزار شد، به مک‌کریستال داده شد. مک‌کریستال که از سال ۲۰۰۸ میلادی به عنوان فرمانده نظامیان امریکایی و ناتو جانشین ژنرال «دیوید مک کرنان» هموطن خود شده بود، رابطه خوبی با دولتمردان افغان داشت.

سالگرد وقوع درگیری‌های سین‌کیانگ چین

به گزارش شبکه تلویزیونی الجزیره، در اولین سالگرد وقوع درگیری‌های نژادی در استان سین‌کیانگ چین که منجر به کشته‌شدن ۲۰۰ نفر شد، هزاران نیروی امنیتی و پلیس با اسلحه و باتوم در سراسر شهر «اورومچی» مرکز این استان در حال گشت‌زنی هستند. بنا بر این گزارش، نیروهای امنیتی در پست‌های ایست و بازرسی، کیف‌های شهروندان را در مراکز خرید و هتل‌ها بررسی می‌کنند. همچنین بیش از ۴۰ هزار دوربین مداربسته در مدارس و مراکز خرید، نصب و چندین پست ضدشورش در نقاط مختلف این شهر مستقر شده است.

پس‌لرزه‌های حمله به ناوگان آزادی ادامه دارد

ترکیه: اسرائیل عذرخواهی نکند قطع رابطه می‌کنیم

گروه بین‌الملل: کمتر از پنج روز پس از افشای دیدار مخفیانه وزیران ترکیه و اسرائیل، آنکارا به تل‌آویو هشدار داد در صورتی که به خاطر حمله به یک کشتی کمک‌رسانی به غزه در ماه مه گذشته عذرخواهی نکند، تمام روابط دیپلماتیک خود را با این رژیم قطع خواهد کرد. به گزارش خبرگزاری‌ها احمد داوود اوغلو وزیر خارجه ترکیه گفت اسرائیل یا باید عذرخواهی کند یا انجام تحقیقات بین‌المللی بی‌طرفانه و نتیجه آن درباره کشته شدن ۹ شهروند ترکیه در جریان حمله به کشتی کمک‌رسانی را بپذیرد. او هشدار داد تنها در این صورت است که ترکیه از قطع روابط با اسرائیل منصرف خواهد شد.

وزیر خارجه ترکیه در عین حال گفت در صورتی که در جریان تحقیقاتی که هم‌اکنون در اسرائیل درباره این حمله جریان دارد، اسرائیل مقصر شناخته شود، دولت او متقاعد خواهد شد. ترکیه هم‌اکنون استفاده هواپیماهای نظامی اسرائیل از حریم هوایی این کشور را ممنوع کرده است. این ممنوعیت مشکل بزرگی برای اسرائیل ایجاد کرده، چون تمام راه‌های ارتباطی اسرائیل با دنیای خارج از سمت شمال این کشور می‌گذرد. در پاسخ به هشدارهای دولت ترکیه، یک مقام اسرائیلی روز دوشنبه گفت: «اسرائیل هیچ‌گاه به خاطر دفاع از شهروندانش عذرخواهی نخواهد کرد.» او مدعی شد: «البته که ما به خاطر از دست رفتن جان عده‌ای انسان اندوهگین هستیم، اما این اسرائیل نبود که خشونت را آغاز کرد.»

ایگال پالمور سخنگوی وزارت امور خارجه اسرائیل، نیز با انتقاد از این هشدار گفت: «اگر خواستار پوزش هستید، تهدید و اولتیماتوم راه مناسبی نیست.» او افزود: «تمام این اقدامات نشان می‌دهد که ترکیه افکار دیگری در سر دارد.» تنش در روابط ترکیه و اسرائیل در حالی بالا گرفته است که چند روز پیش احمد داوود اوغلو وزیر خارجه ترکیه و بنیامین بن‌الیعاذر وزیر صنایع و بازرگانی اسرائیل، در ملاقاتی که جزییات آن بعداً فاش شد کوشیدند از تنش‌های موجود میان دو کشور بکاهند. رسانه‌های ترکیه روز پنجشنبه گزارش دادند این دیدار به احتمال زیاد به خاطر فشارهای شدید امریکا به دو طرف انجام شده، زیرا هم اسرائیل و هم ترکیه از هم‌پیمانان امریکا در منطقه هستند.

رسانه‌های ترکیه اعلام کرده‌اند این دیدار در بروکسل انجام شده، اما روزنامه‌های اسرائیل مکان دیدار را زوریخ دانسته‌اند. مذاکره وزیر صنایع و بازرگانی اسرائیل با وزیر امور خارجه ترکیه، جو اعتماد متقابل میان بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل و اویگدور لیبرمن وزیر امورخارجه اسرائیل را با مشکلاتی روبه‌رو کرده است. لیبرمن در مصاحبه‌ای با رادیو صدای اسرائیل با محکوم کردن این مذاکره آن را غیرعقلانی دانست و ناراحتی خود را از اینکه او از دیدار این دو وزیر اطلاعی نداشته، اعلام کرد. لیبرمن خاطرنشان کرد این دیدار از طرف بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل و باراک اوباما رئیس‌جمهوری امریکا برنامه‌ریزی شده بود و وزیر دفاع و بعضی دیگر از اعضای کابینه نیز در جریان آن بودند، و تنها او از این دیدار اطلاعی نداشته است. دولت ترکیه تا این اواخر در میان کشورهای مسلمان مهم‌ترین متحد اسرائیل بود اما بامداد روز ۳۱ ماه مه، تلاش تکاوران دریایی ارتش اسرائیل برای جلوگیری از ورود کاروان بین‌المللی کمک‌رسانی به نوار غزه، به خشونت کشیده شد و مرگ ۹ سرنشین ترک کشتی و زخمی شدن ۴۸ تن، از جمله هفت تکاور اسرائیلی را به دنبال داشت. به دنبال این اقدام، ترکیه سفیر خود را از تل‌آویو فراخواند و همچنین سه تمرین مشترک نظامی با اسرائیل را لغو کرد. حمله اسرائیل به کشتی ترکیه‌ای اعتراضات گسترده بین‌المللی را برانگیخت که در نهایت و به دنبال درخواست ترکیه مبنی بر انجام تحقیقات بین‌المللی، بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم اسرائیل به تشکیل «کمیسیون مستقل عمومی تحقیق» به ریاست یکی از قضات بازنشسته دیوان عدالت اسرائیل اقدام کرد.

ابراز نگرانی بایدن از تاخیر در تشکیل دولت عراق

گروه بین‌الملل: جوزف بایدن معاون رئیس‌جمهور امریکا که به عراق سفر کرده است پس از گفت‌وگو و رایزنی با مقامات عراقی می‌گوید: عراقی‌ها نباید به هیچ کشوری اجازه دهند تا تشکیل دولت را به آنها دیکته کند. وی در عین حال یادآور شد که تاخیر در تشکیل کابینه عراق، امریکا را نگران کرده است. به گزارش روزنامه عراقی «الصباح»، «جوزف بایدن» در بغداد به طور جداگانه با نوری المالکی نخست‌وزیر عراق و ایاد علاوی رئیس فهرست «العراقیه» دیدار کرد. بایدن در دیدار با نوری المالکی گفت: رهبران عراقی جاه‌طلبی‌های شخصی خود را محدود کرده و اختلافات‌شان کنار گذارند تا تاخیر در تشکیل دولت عراق که دولت امریکا را نگران کرده است بدون دخالت‌های خارجی پایان یابد. نوری المالکی نخست‌وزیر عراق هم در دیدار با بایدن بر اهمیت توسعه روابط دوجانبه بر اساس توافقنامه امنیتی امضاشده بین دو کشور تاکید کرد و گفت: روابط میان عراق و امریکا به مرحله جدیدی رسیده و از بعد صرفاً نظامی به ابعاد اقتصادی، علمی و فرهنگی انتقال یافته است. نوری المالکی همچنین ابراز امیدواری کرد توافق درباره پست‌های اصلی سیاسی عراق تا قبل از ۱۴ ژوئیه مهلت قانونی تعیین‌شده و زمان تشکیل جلسه بعدی پارلمان عراق حاصل شود. معاون رئیس‌جمهور امریکا در این دیدار بر تعهد کشورش برای کاهش نیروهای امریکایی مستقر در عراق تا ۳۰ آگوست آینده (یک ماه دیگر) به ۵۰ هزار نیرو تاکید کرد. بایدن در دیدار با رهبران عراقی نیز گفت دولت امریکا به همه فراکسیون‌های سیاسی عراق به یک چشم می‌نگرد.

مخالفت جمهوریخواهان با ضرب‌الاجل خروج از افغانستان

گروه بین‌الملل: رهبران جمهوریخواهان امریکا از طرح باراک اوباما برای خروج سال آینده نیروهای نظامی از افغانستان انتقاد کرده و خواستار مشروط کردن آن به شرایط این کشور شده‌اند. جان مک‌کین و لیندزی گراهام که در کابل به سر می‌برند روز یکشنبه در مصاحبه با شبکه‌های تلویزیونی ای‌بی‌سی و سی‌بی‌اس اظهار داشتند تصمیم اوباما برای آغاز خروج از افغانستان از ژوئیه سال ۲۰۱۱ اشتباه است و موجب تقویت طالبان و القاعده خواهد شد. سیدطیب جواد سفیر افغانستان در واشنگتن نیز در گفت‌وگو با شبکه سی‌ان‌ان تاکید کرد بیرون آمدن از افغانستان به جای آنکه بر اساس تاریخی ازپیش‌تعیین‌شده باشد، باید مبتنی بر اوضاع و ثبات این کشور باشد. وی گفت: «اگر بیش از حد بر یک جدول زمانی که واقع‌گرا نیست تاکید شود، دشمن بسیار جسورتر و جنگ طولانی‌تر می‌شود.» این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که ژنرال دیوید پترائوس رسماً فرماندهی ۱۳۰ هزار نیروی بین‌المللی مستقر در افغانستان را بر عهده گرفته است. با افزایش تردیدها نسبت به وضعیت جنگ ۹ ساله در افغانستان، ژنرال پترائوس قول پیروزی داد. وی از جدول زمانی کاخ سفید برای تخلیه افغانستان حمایت اما تاکید کرد این بستگی به شرایط و ثبات این کشور دارد. با افزایش درگیری‌ها و تلفات نیروهای ناتو در افغانستان و نیز استعفای ژنرال مک کریستال فرمانده نیروهای ائتلاف در این کشور طالبان تمایل کمتری به مذاکره از خود نشان داده است.

زندانی سیاسی مشهور کوبا در آستانه مرگ

یکی از سرشناس‌ترین مخالفان دولت کوبا که اقدام به اعتصاب غذا کرده، در آستانه مرگ قرار دارد.

به گزارش بی‌بی‌سی این معترض که گیرمو فاریناس نام دارد طی بیش از چهار ماه گذشته آب و غذا ننوشیده، با این هدف که توجه و فشار لازم بر دولت کوبا برای آزاد کردن زندانیان سیاسی را که با مشکلات جسمی جدی مواجه هستند، ایجاد کند اما اکنون در اقدامی غیرمتعارف از سوی دولت کوبا، اخبار مربوط به وضعیت جسمی این فعال سیاسی در روزنامه گرانما، روزنامه رسمی حزب کمونیست کوبا، منتشر شده است.از ناراضیان کوبایی معمولاً در جراید دولتی نام برده نمی‌شود ولی هدف از مقاله روز شنبه نشریه گرانما ظاهراً این بوده که اگر گیرمو فاریناس در اثر اعتصاب غذا درگذشت بتوان از انتقادات بین‌المللی جلوگیری کرد. گیرمو فاریناس از ۲۴ فوریه یعنی نزدیک به پنج ماه است که در اعتراض به مرگ اورلاندو زاپاتا یکی دیگر از ناراضیان سیاسی که در اثر اعتصاب غذا جان خود را از دست داد، به این اقدام دست زده است. مرگ زاپاتا با محکومیت جامعه جهانی روبه‌رو شد و بار دیگر توجه جهانیان را به وضع حقوق بشر در کوبا و سرنوشت زندانیان سیاسی این کشور جلب کرد.

گیرمو فاریناس که یک روانشناس ۴۸ ساله است از دو هفته پیش در بیمارستان بستری بوده و با سرم زنده نگه داشته شده است. دکتر آرماندو کابالرو پزشک او می‌گوید که وی به علت لخته شدن خون در گردنش با مرگ دست و پنجه نرم می‌کند و دیگر از دست او و بیمارستان کاری ساخته نیست چون براساس معیارهای اخلاقی پزشکی برای شکستن اعتصاب غذا باید او رضایت بدهد. مادر گیرمو فاریناس می‌گوید پسرش گفته دست از مبارزه خود برای رهایی زندانیان سیاسی بیمار برنخواهد داشت، حتی اگر در این راه جان خود را از دست بدهد. دولت کوبا داشتن زندانی سیاسی را رد کرده و می‌گوید افراد زندانی مزدوران امریکا هستند که در ازای گرفتن پول می‌خواهند نظام سیاسی کشور کوبا را به خطر بیندازند.گروه دفاع از حقوق بشر کوبا که به طور غیررسمی فعالیت دارد، شمار زندانیان سیاسی را ۱۸۰ نفر برآورد می‌کند که حدود ۲۰ تا ۳۰ نفر از آنها از بیماری رنج می‌برند.

خبر

رئیس پارلمان رئیس‌جمهور لهستان شد

به گزارش خبرگزاری‌ها از ورشو، با شمارش بیش از ۹۵ درصد آرا، برونیسلاو کوموروسکی برنده دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری لهستان شده است. تلویزیون دولتی لهستان اعلام کرده کوموروسکی ۵۲/۶ و کاچینسکی ۴۷/۴ درصد آرا را به دست آورده‌اند. گفته می‌شود ۷۰ درصد دارندگان حق رای، در دور دوم انتخابات شرکت کرده‌اند. کوموروسکی در حال حاضر رئیس پارلمان و رئیس‌جمهور موقت لهستان است. او پس از مرگ لخ کاچینسکی رئیس‌جمهور سابق در یک سانحه هوایی در ماه آوریل، کفالت ریاست‌جمهوری لهستان را بر عهده گرفت. برونیسلاو کوموروسکی از سوی حزب لیبرال «پلت‌فورم شهروندی»، حزب رونالد توسک نخست‌وزیر لهستان حمایت می‌شد. کوموروسکی در مبارزات انتخاباتی خود اعلام کرد سیاست همراهی تنگاتنگ با اتحادیه اروپا را دنبال خواهد کرد. یاروسلاو کاچینسکی دیگر نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری و برادر دوقلوی لخ کاچینسکی، رئیس‌جمهور فقید لهستان، با به دست آوردن حدود ۴۷ درصد آرا از نشستن بر جایگاه برادرش بازماند. او نامزد حزب ناسیونالیست و محافظه‌کار «قانون و عدالت» بود. در دور نخست انتخابات که ماه گذشته برگزار شد، هیچ یک از دو نامزد برتر انتخابات، موفق به کسب ۵۰ درصد آرا نشدند. کوموروسکی حدود ۴۱ درصد و کاچینسکی حدود ۳۶ درصد آرا را به خود اختصاص دادند.

سفر نتانیاهو به امریکا

گروه بین‌الملل: امروز قرار است بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل در واشنگتن با باراک اوباما رئیس‌جمهور امریکا دیدار کند. این در واقع جبران یک دیدار به تعویق‌افتاده است که چندی پیش در سفر دوره‌ای نتانیاهو به امریکا و کانادا به دلیل بروز فاجعه حمله کماندوهای اسرائیلی به ناوگان آزادی غزه لغو شد. طی یک ماه گذشته دو متحد قدیمی فراز و نشیب‌های فراوانی را سپری کرده‌اند و به نظر می‌رسد اینک اوضاع برای چنین دیداری آماده‌تر شده باشد. دیدار پیشین اوباما و بنیامین نتانیاهو بسیار مساله‌ساز بود و حتی طرفین جلوی دوربین‌های خبرنگاران حاضر نشدند.

به نظر می‌رسد کمرنگ‌تر شدن محاصره اقتصادی غزه تا حدودی رضایت واشنگتن را از تل‌آویو جلب کرده باشد. به هر حال مهم‌ترین مساله مورد مذاکره طرفین بازگشت به مذاکرات مستقیم بین اسرائیل و فلسطین خواهد بود.

سفر مبارک به الجزایر

رئیس‌جمهور مصر دیروز در سفری یک روزه و با هدف گسترش مناسبات فی‌مابین که پس از بازی‌های فوتبال دو کشور به تیرگی گراییده بود، وارد الجزایر شد. گفته می‌شود مبارک برای عرض تسلیت به «عبدالعزیز بوتفلیقه» رئیس‌جمهور الجزایر به خاطر مرگ برادرش به این کشور سفر کرده است. «مصطفی بوتفلیقه»، برادر رئیس‌جمهور الجزایر عصر جمعه پس از جدالی طولانی با بیماری درگذشت. «احمد ابوالغیط» وزیر خارجه مصر نیز درباره سفر مبارک گفت: دو کشور عرب تمایل زیادی دارند که روابط قوی را ایجاد کرده و از حقوق کشورهای عربی و امنیت منطقه دفاع کنند. این اولین دیدار رئیس‌جمهور مصر از الجزایر پس از آغاز بحران در روابط دو کشور در نوامبر سال ۲۰۰۹ است.

کلینتون به تفلیس رسید

هیلاری کلینتون وزیر امورخارجه ایالات متحده در ادامه سفر منطقه‌ای خود وارد کشور گرجستان شد. خانم کلینتون در فرودگاه تفلیس، مورد استقبال همتای گرجی خود گریگول واشادزه قرار گرفت. کلینتون روز دوشنبه با رئیس‌جمهوری گرجستان میخائیل ساکاشویلی دیدار و گفت‌وگو کرد. همچنین انتظار می‌رود خانم کلینتون در جریان این سفر با شماری از رهبران مخالف دولت گرجستان نیز دیدار و گفت‌وگو کند.وزیر امور خارجه امریکا، روز یکشنبه در دیدار با روسای جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان از آنها خواست برای رفع اختلاف‌شان بر سر محدوده قره‌باغ علیا به توافقی قابل قبول طرفین و صلحی پایدار برسند.

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای
شماره ب/ق/۸۹-۱۲/۳
نوبت دوم
دفتر مرکزی

ستاد مرکزی کمیته امداد امام خمینی در نظر دارد مقدار ۱۳۰ تن پشم سفید درجه یک شسته شده کارخانه ای (ترجیحا ۶۵ تن نرم و ۶۵ تن زبر) را از طریق برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله ای خریداری نماید که بدین وسیله از تولیدکنندگان اقلام مذکور جهت شرکت در مناقصه ، دعوت بعمل می آید .

مهلت و محل دریافت اسناد شرکت در مناقصه و تحویل پیشنهادات از تاریخ ۸۹/۴/۱۶ لغایت ۸۹/۴/۲۶ از ساعت ۹ صبح تا ساعت ۱۵ (روزهای شنبه تا چهارشنبه) به نشانی تهران - ابتدای جاده لشگرک - سوهانک - مجتمع اداری فرهنگی ولایت - ساختمان یک طبقه دوم اداره کل خدمات و تدارکات ، اداره خدمات بازرگانی و امور قراردادها

تلفن : ۲۷۶۴ و ۲۳۹۰۲۷۶۳ با ارائه معرفی نامه کتبی .

اداره کل خدمات و تدارکات
کمیته امداد امام خمینی (ره)

۲۰۴۱

گزارش

جاسوسان روسیه در امریکا چه کسانی بودند

۱۱ نفری که توسط امریکا به جاسوسی برای روسیه متهم شده‌اند، بیشترشان یک زندگی معمولی امریکایی داشتند، مشغول کسب و کار خود بودند و در مناطق حومه شهری زندگی می‌کردند. به عنوان مثال، دونالد هیتفیلد، توانسته بود یک شرکت بریتانیایی را قانع کند که سرمایه‌گذاری مشتاق برای تجارت است. آنا چپمن در ویدئویی در سایت یوتیوب، خود را یک متخصص تازه‌کار خوانده که به دنبال برقراری ارتباط با جوانان حرفه‌ای در نیویورک و مسکو است.

آنا چپمن: روزنامه‌های غربی عکس‌های این زن موقرمز چشم سبز را که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده، بارها و بارها چاپ کرده‌اند.روزنامه نیویورک‌پست او را «زنی با جذابیت مرگبار» و «زیبای آتشین» توصیف کرده است. بنابر شرح حالی که سایت اینترنتی روسی لنتا از او تهیه کرده، آنا چپمن یک زن مطلقه ۲۸ساله و دختر یک دیپلمات روسی است که تحصیلات تکمیلی خود را در شهرهای ولگوگراد و مسکو انجام داده است. او بعد از سفر از مسکو به نیویورک در فوریه سال ۲۰۱۰ تلاشی برای پنهان کردن تبار روسی خود نکرد و گفت می‌خواهد یک شرکت کاریابی با هدف جذب استعدادهای جوان در هر دو شهر تاسیس کند. پیش از آن به گفته خودش طی پنج سال زندگی در بریتانیا در یک شرکت مالی کار می‌کرده است. آنا چپمن در نیویورک در نزدیکی وال‌استریت، مرکز تجاری شهر، خانه گرفت و در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی مانند فیس‌بوک به معرفی مهارت‌های خود و برقراری تماس با شرکت‌ها مشغول شد.

کریستوفر متسوس: ۵۴ یا ۵۵ ساله و شهروند کاناداست و تنها متهمی است که خارج از امریکا دستگیر شده است. کریستوفر متسوس با درخواست پلیس بین‌الملل، در تاریخ ۲۹ ژوئن در حالی که می‌خواست سوار هواپیمایی به مقصد بوداپست شود، توسط پلیس قبرس دستگیر شد. یک دادگاه محلی او را با سپردن وثیقه‌ای معادل ۳۲ هزار و ۵۰۰ دلار آزاد کرد تا منتظر برگزاری دادگاهش در تاریخ ۲۹ ژوئیه بماند. تحویل گذرنامه معرفی هر روزه به اداره پلیس از شرایط آزادی آقای متسوس با قید وثیقه بود. اما او در تاریخ ۳۰ ژوئن خود را به پلیس معرفی نکرد و بعد از آن اعلام شد که مفقود شده است. دادستان‌های امریکا او را به عنوان تامین‌کننده مالی این حلقه جاسوسی معرفی کرده‌اند و گفته‌اند از سال ۲۰۰۴ برای تحویل پول نقد به اعضای این گروه به امریکا سفر می‌کرده است. سایت روسی لنتا او را به عنوان «مرموزترین شخصیت داستان» معرفی کرده است.

ریچارد و سینتیا مورفی: این دو نفر در منزل خود در نیوجرسی دستگیر شدند. دادستان‌های امریکا، این زوج را شهروند امریکا معرفی کرده‌اند. بنا به گفته آنها ریچارد مورفی متولد فیلادلفیا است و از اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی در امریکا ساکن بوده است. همسایه‌های این دو نفر سینتیا را با عنوان مشاور مالی یک شرکت می‌شناختند که هر روز به منهتن می‌رفته و ریچارد، به گفته آنها، پدر خانه‌داری بوده که «به نظر تنبل» می‌آمده است. آنها با دو دختر کوچک‌شان در خانه‌ای دوطبقه در خیابانی آرام زندگی می‌کردند.

دونالد هیتفیلد و تریسی لی آن فولی : هر دو حدود ۴۰ سال سن داشتند و با دو فرزند نوجوان در شهر کمبریج ایالت ماساچوست، منطقه‌ای که دانشگاه‌های MIT و هاروارد در آن واقع شده، زندگی می‌کردند. زن و شوهر شرکای تجاری در موسسه تحقیقات فناوری تک کست بودند. همچنین هر دو عضو هیات مدیره بنیاد لایف‌بوت، یک سازمان غیر انتفاعی برای تشویق پیشرفت‌های علمی بودند. رافائل رامیرز از مجمع آیندگان آکسفورد به بی‌بی‌سی گفته که به صورت مرتب با آقای هیتفیلد تماس کاری داشته است.

ویکی پلائز و خوان لازارو : ویکی پلائز ۵۵ ساله و متولد پرو به عنوان روزنامه‌نگار در یک روزنامه اسپانیایی‌زبان در نیویورک کار می‌کرد. او به نقد سیاست‌های دولت امریکا در مقالاتش مشهور بود. طی سال‌های ۱۹۸۰، نام خانم پلائز در یک شبکه تلویزیونی در پرو به دلیل شیوه تهاجمی گزارش‌نویسی‌اش مطرح شد. به گفته دادستان‌های امریکایی، آقای لازارو یک شهروند پرو است که در اروگوئه به دنیا آمده، اما از زبان او درخانه‌اش شنیده شده که گفته «وقتی جنگ شروع شد، به سیبری خواهیم رفت.»

مایکل زوتولی و پاتریشیا میلز: مایکل زوتولی و پاتریشیا میلز در خانه‌ای که با پسر نوزادشان زندگی می‌کردند، در آرلینگتون ویرجینیا دستگیر شدند. آنها بعد از ثبت نام در یک رشته اقتصادی در دانشگاه واشنگتن از سیاتل به این منطقه آمدند. سلست آرلد، یکی از همسایه‌های آنها می‌گوید به نظر او «آنها روس بودند، چون لهجه روسی داشتند.» روزنامه سیاتل‌تایمز گزارش داده است این زوج «با مهارت موفق شدند خود را به عنوان یک زوج جوان سیاتلی خیلی معمولی که زندگی خود را وقف فرزندشان کرده‌اند، جا بزنند.» آقای زوتولی در محل کارش که یک شرکت مخابراتی در سیاتل بود به عنوان «شخصی غرغرو و حواس‌پرت» شناخته می‌شد. خانم میلز، به نوشته این روزنامه، زن خانه‌داری بوده که «از سیگاری‌های طبقه پایین و همسایه‌های بالایی که زیادی به گل‌ها آب می‌دادند، شاکی بوده است.»

مایکل سمنکو: مایکل سمنکوی جوان هم مانند آنا چپمن، تلاشی برای پنهان کردن ملیت روسی خود نمی‌کرد. او هم مانند خانواده میلز ساکن آرلینگتون بود و گفته می‌شود در سال ۲۰۰۸ وارد خاک امریکا شد. مایکل سمنکو در یک شرکت مسافرتی کار می‌کرد. او در یکی از صفحات شخصی‌اش در اینترنت، خود را با عنوان فردی «چندزبانه، متخصص در امور روسیه و مسلط بر زبان‌های انگلیسی، چینی ماندارین و اسپانیایی معرفی کرده است.»

منبع: بی‌بی‌سی

لکنت دیپلماتیک با لهجه سعودی

گویدو اشتاین برگ
ترجمه : محمد علی فیروزآبادی

هنگامی که «ملک عبدالله» پادشاه فعلی عربستان سعودی پنج سال پیش به جای برادر ناتنی‌اش «ملک فهد» بر تخت پادشاهی نشست، بسیاری از ناظران سیاست بین‌الملل و ظاهراً دولت امریکا با نوعی بدبینی به این تحول می‌نگریستند. عبدالله در مقایسه با برادرش که همسویی زیادی با امریکا داشت، از نظر مذهبی محافظه‌کارتر و از نظر عقاید پان عربیسم راسخ‌تر است. برادرش فهد در طول ۲۳ سال سلطنت خود همواره طرفدار جدی روابط تنگاتنگ با امریکا بود. منتقدان عبدالله از همان سال‌های دهه ۹۰ هشدار می‌دادند وی احتمالاً تقویت همکاری‌ها با دولت‌های عرب همسایه مانند مصر و سوریه را جایگزین اتحاد با امریکا خواهد کرد. دیگر سناریوی پیش‌بینی شده هم این بود که امکان اتخاذ سیاستی تهاجمی از سوی عبدالله در جهت نزدیک شدن به ایران و همکاری برای صلح خاورمیانه وجود دارد. طرفداران این نظریه‌ها همواره یادآوری می‌کردند عبدالله در آگوست ۱۹۹۰ یعنی هنگام اشغال کویت توسط عراق ، آشکارا با تصمیم ملک فهد مبنی برپذیرش نیروهای امریکایی در کشورش مخالفت کرده بود. اگرچه شدیدترین هشدارها و هراس‌های استراتژیست‌های واشنگتن در آن زمان به حقیقت نپیوست اما عربستان سعودی تحت رهبری عبدالله از امریکا فاصله گرفت و سیاست منطقه‌ای بسیار فعال‌تری را در مقایسه با گذشته به پیش برد و این مساله بارها خشم و نارضایتی امریکا را فراهم آورده است.

جالب آنکه ظاهراً این تحول بیشتر از آنکه به شخص پادشاه و اصول سیاست خارجی وی ارتباط داشته باشد به ناامیدی عربستان نسبت به سیاست امریکا در منطقه و به این باور بازمی‌گردد که عربستان سعودی باید خلائی را پر کند که متعاقب شکست امریکا در عراق و به تبع آن از دست رفتن نفوذ واشنگتن ایجاد شده است. در عین حال ریاض در مورد ارتقای جایگاه ایران به یک قدرت منطقه‌ای تاثیرگذار همچنان دست بسته عمل می‌کند.

به تخت نشستن پادشاه جدید در اواخر تابستان ۲۰۰۵ یعنی در زمانی کاملاً دشوار اتفاق افتاد. با آغاز ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد در ایران، ریاض متوجه این واقعیت شد که سیاست منطقه‌ای عربستان سعودی در بحرانی سنگین قرار دارد. دلیل دیگر نگرانی‌های عربستان سعودی به سیاست منطقه‌ای امریکا بازمی‌گشت، همان کشوری که پادشاه جدید حداقل در حرف از آن بسیار فاصله گرفته است. عربستان استدلال می‌کرد دولت امریکا در حوزه‌های اصلی سیاست خارجی خود یعنی در مناقشه اسرائیل و فلسطین و مناقشه برتری‌جویانه در خلیج فارس شکست خورده است. به عقیده ملک عبدالله دولت بوش از زمان آغاز به کار خود باید نقشی به مراتب فعال‌تر در قبال مساله فلسطین و اسرائیل ایفا می‌کرد تا به این صورت از روند فزاینده خشونت پس از آغاز انتفاضه دوم در پایان سال ۲۰۰۰ جلوگیری می‌شد. علاوه بر آن رهبری عربستان بر این باور بود واشنگتن به دلیل تغییر رژیم عراق ناخواسته به جاه‌طلبی‌های تهران دامن زده و در بی‌ثباتی منطقه سهیم بوده است. اصولاً مهم‌ترین دلیل اتخاذ یک سیاست منطقه‌ای فعال‌تر از سوی عربستان همان جنگ عراق بود. ریاض با نگرانی شدیدی شاهد آن بود که چگونه در بهار ۲۰۰۵ شیعیان بر عراق مسلط شدند و دولت ائتلافی آن کشور در بغداد روابطی نزدیک را با ایران آغاز کرد. از دیدگاه عربستان وقوع یک جنگ داخلی مذهبی که پیروز آن شیعیان باشند موقعیت را به مراتب پیچیده‌تر می‌کرد. به عقیده رهبران ریاض شیعیان عرب به صورت طبیعی متحد ایران شیعه به شمار می‌آیند. از نظر ملک عبدالله این مساله که امریکا به عنوان متحد عربستان، عراق سنی را به شیعیان واگذاشت امری نابخشودنی و ناگوار بود. از سال ۲۰۰۵ توقف تلاش‌های برتری‌جویانه ایران نه‌تنها در منطقه خلیج فارس بلکه در مناطق فلسطینی و لبنان و سوریه نیز تبدیل به مهم‌ترین هدف سیاست منطقه‌ای عربستان شد و این کشور از آن زمان خود را به عنوان مهم‌ترین حریف تهران در جهان عرب نشان داد. عربستان سعودی برای نیل به این هدف بیش از هر چیز تلاش‌های خود را برای نزدیکی با به اصطلاح دشمنان ایران یعنی مصر، اردن، دولت‌های کوچک خلیج فارس و همین طور با بازیگرانی چون جنبش فتح محمود عباس و جنبش ۱۴ مارس آغاز کرد. به موازات این سیاست ریاض تلاش‌هایی برای مذاکره با ایران به خرج داد و این در حالی بود که مناقشات داخلی در لبنان و مناطق فلسطینی افزایش می‌یافت. اما محدودیت‌های چنین سیاستی به خصوص در مورد فلسطین خود را نشان داد یعنی در فوریه سال ۲۰۰۷ و زمانی که قرارداد موسوم به تفاهمنامه مکه با میانجیگری ریاض به امضا رسید. بر پایه آن تفاهمنامه دوطرف مناقشه یعنی فتح و حماس بر سر تشکیل دولت وحدت ملی به توافق رسیدند. با این حال قرارداد مکه و تلاش ریاض برای ایجاد توازن میان فتح و حماس نگرانی‌ها را نسبت به مناقشه با واشنگتن افزایش داد. اگرچه دولت امریکا در انگیزه‌های ضد ایرانی عربستان سعودی شریک بود اما واشنگتن برخلاف ریاض بر تلاش‌های خود برای انزوای حماس افزود و به این ترتیب همه نقشه‌های رهبری عربستان را نقش بر آب کرد. به همین خاطر ملک عبدالله در آستانه اجلاس سران اتحادیه عرب در مارس ۲۰۰۷ به شدت تحریم‌های امریکا بر ضد دولت حماس را مورد انتقاد قرار داد.

اوج خشم ملک عبدالله زمانی آشکار شد که وی از «اشغال غیرمشروع عراق توسط امریکا» سخن گفت. با این حال دولت امریکا بر استراتژی خود اصرار داشت و در ماه‌های بعد ریاض با ناامیدی شاهد بود که چگونه واشنگتن همه دستاوردهای تلاش‌های میانجیگرانه عربستان را به نابودی می‌کشاند. حماس در ژوئن ۲۰۰۷ اقدام به حمله علیه فتح کرد و توانست کنترل نوار غزه را به انحصار خود درآورد.

عربستان با وجود همه تلاش‌هایش از سال ۲۰۰۵ هرگز نتوانست صعود ایران را متوقف سازد. شکست سیاست منطقه‌ای عربستان سعودی دلایل گوناگونی دارد؛ اولین دلیل این است که عربستان به علت ضعف‌های جمعیتی و نظامی هرگز نمی‌تواند همسنگ ایران باشد. این کار به متحدان قدرتمندی نیاز دارد اما رقابت دیرینه بر سر رهبری جهان عرب، با اهمیت‌ترین متحد عربستان یعنی مصر را که به شدت درگیر بحران‌های داخلی هم هست، از گردونه این اتحاد خارج می‌کند. و دلیل دیگر شکست عربستان هم ناتوانی این کشور در تداوم تقابل با سیاست‌های امریکا است. طی سال‌های اخیر ثابت شد ریاض برای پیشبرد منافع سیاسی منطقه‌ای که در تضاد با خواست امریکا باشد به هیچ عنوان از توان لازم برخوردار نیست. این مساله همان طور که پیش از این آمد، در جریان تفاهم بر سر دولت وحدت ملی فلسطین آشکار شد.

اما شخص ملک عبدالله هم در این ناکامی‌ها سهم بسزایی دارد. ۸۷ساله بودن این پادشاه و پیامدهای سالخوردگی در رهبری عربستان سعودی از سال ۲۰۰۵ آشکارتر شد. همتایان رهبری عربستان در منطقه خلیج فارس همیشه از این مساله شکوه دارند که گاه برای دسترسی به سیاستمداران بلندپایه ریاض باید روزها صبر کنند. اما احتمالاً این وضعیت با روی کار آمدن یک پادشاه دیگر نیز چندان تغییری نمی‌کند زیرا ولیعهد و وزیر دفاع عربستان در حال حاضر ۸۵ ساله است و نایف وزیر کشور هم بیش از ۷۷ سال سن دارد. جالب آن است که اکثر سعودی‌ها برای شاهزاده سلمان ۷۴ساله (والی ریاض) شانس بیشتری برای رسیدن به تاج و تخت قائل هستند. اما به عقیده بسیاری از ناظران امور عربستان این کشور برای غلبه بر مشکلات داخلی و خارجی چاره‌ای جز اصلاحات اساسی در طبقه حاکم خود ندارد.

منبع: Quantara

نکته

یکی از دلایل شکست سیاست خارجی عربستان ناتوانی این کشور در تداوم تقابل با سیاست‌های امریکا است. طی سال‌های اخیر ثابت شد ریاض برای پیشبرد منافع سیاسی منطقه‌ای که در تضاد با خواست امریکا باشد به هیچ عنوان از توان لازم برخوردار نیست.

مصر؛ سرزمینی که باید از نو شناخت

حجت‌الله جودکی*

چند ماه پیش که شیخ‌الازهر سابق دکتر طنطاوی به رحمت خدا رفت و از سوی رئیس‌جمهور مصر، دکتر احمد الطیب به جای ایشان انتخاب شد، یکی از سایت‌های مهم و رسمی کشور ما که مسوولانش ادعای شناخت استراتژیک همه کشورها را دارند و درباره همه چیز و همه کس در داخل و خارج نظر می‌دهند و با ادعای فهم استراتژیک طومار همه را می‌پیچند، در نخستین خبر و تحلیلی که از انتخاب شیخ‌الازهر جدید ارائه کرد، او را دست‌نشانده حسنی مبارک، طرفدار وهابیت و از مخالفان سرسخت شیعه قلمداد کرد. همین سایت هفته گذشته حرف‌های چند ماه پیش خود را فراموش کرد و یکباره به دفاع و حمایت از ایشان برخاست زیرا وی در مصاحبه‌اش گفته بود شیعه یکی از مذاهب قدیمی اسلامی است که ما هرگز نمی‌توانیم آن را نادیده بگیریم. اتفاقاً آقای احمد الطیب در مصاحبه چند ماه قبل خود همین نکته را نیز بیان کرده بود، ولی استراتژیست‌های کم‌اطلاع ما شدیداً به او حمله کردند. در اینجا قصد بر این نیست که ایشان را محکوم کنیم، بلکه منظور این است که هر جا و هر گاه معرفت علمی اساس کار نباشد، به ضد و نقیض افتادن امری طبیعی است. در کشور ما مرکز مصرشناسی وجود ندارد، این مساله می‌تواند دو دلیل داشته باشد؛ اول اینکه ما تا آن میزان مصر را می‌شناسیم که نیازی به شناخت مجدد این کشور نداریم، دوم اینکه ما برای دوستی یا دشمنی با این کشور نیازی به شناخت علمی نداریم و گتره‌ای عمل می‌کنیم. قبلاً جهت اطلاع مسوولان نوشتم که در مصر بیش از ۱۴ دپارتمان زبان و ادبیات فارسی با بیش از ۲۰۰ استاد و بالغ بر چهار هزار دانشجو وجود دارد و دانشجویان فارغ‌التحصیل این رشته تاکنون بیش از ۹۰۰ رساله فوق لیسانس و دکترا درباره کشور ما نوشته‌اند که اینجانب در یک احصای اولیه نام و مشخصات ۴۵۰ رساله را در مقاله‌ای که در مجله چشم‌انداز به چاپ رسید، برشمردم. اکنون با توجه به مطلب یادشده این سوال را مطرح می‌کنم که در کشور ما تاکنون چند رساله دانشگاهی در مورد مصر نگارش یافته است، لطفاً آنان که می‌دانند با آمار و ارقام اینجانب را راهنمایی فرمایند.همچنین بیان کردم بیش از ۱۴ سال است در موسسه تحقیقاتی و رسانه‌ای الاهرام، واحد ایران‌شناسی با بیش از ۴۰ استاد فعالیت می‌کند که تاکنون حدود ۱۳۰ ماهنامه در مورد ایران منتشر کرده است. در این ماهنامه تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران به دقت رصد شده و تحلیل‌های فراخور این داده‌ها به خواننده ارائه می‌شود. در هر شماره یک شخصیت موثر ایرانی – سیاسی، فرهنگی، دینی، اقتصادی و... – معرفی می‌شود که اطلاعات باارزشی را به خواننده منتقل می‌کند. اکنون این سوال را مطرح می‌کنم تا استراتژیست‌های دانشمند کشور ما با ارائه رهنمودهایشان ما را از گمراهی نجات دهند. در قرآن آمده است: آیا آنانی که می‌دانند و آنانی که نمی‌دانند با هم برابر هستند؟ آیا بینا و نابینا با هم برابرند؟ آیا... قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُوْلُوا الْأَلْبَابِ (زمر/ ۹.) به هر حال به نظر می‌رسد اگر ما از همین امروز به فکر تاسیس مرکز مصرشناسی بیفتیم و به طور جدی عده و عده لازم را برای این کار فراهم کنیم، به منزله این است که سال‌ها از ایشان عقب‌تر هستیم. و هر روز هم که اقدام نکنیم، زیان دیده‌ایم چون از باورهای غیرعلمی پیروی کرده‌ایم که از نظر قرآن بی‌ارزش است. نکته دیگری که بسیار حائز اهمیت است این است که اگر اطلاعات موجودمان را از مصر روی هم بریزیم و بعد به تحلیل آنها بپردازیم، خواهیم فهمید که در مصر اهرامات ثلاثه، رود نیل، راس‌الحسین، مقبره حضرت زینب و سیده نفیسه، مومیایی‌های فراعنه و... وجود دارد و سال‌هاست سیاستمداران این کشور به دلیل وابستگی به امریکا و اسرائیل و عقد قرارداد ننگین کمپ‌دیوید به فلسطینیان خیانت می‌کنند و به سرکوب مردم می‌پردازند. چندی پیش طی مقاله‌ای تحت عنوان سه رئیس‌جمهور با سه رویکرد به تحلیل اوضاع مصر در ایام ناصر، سادات و حسنی مبارک پرداختم که به نظر می‌رسد بخش سوم آن برای شناخت اوضاع فعلی مصر مناسب باشد: مبارک به‌رغم اینکه خاستگاه نظامی داشته و گروه‌های اسلامگرای تندرو مثل جماعت اسلامی، التکفیر و الهجره و الجهاد را سرکوب و متلاشی کرده است و همچنان بر غیرقانونی بودن اخوان‌المسلمین اصرار می‌ورزد، اما به دلایل مختلف، سیاست بازتری را نسبت به اسلاف خود در پیش گرفته که در اینجا به اهم آنها اشاره می‌شود:

– آزادی مطبوعات، شاید بتوان گفت که مصر دوران مبارک بعد از لبنان در زمینه آزادی مطبوعات پیشتاز است. اکثر گروه‌های مخالف مصر اعم از چپگرایان، ناصریست‌ها، اخوان‌المسلمین و... دارای روزنامه و مجله هستند و از آزادی قابل ملاحظه‌ای در نقد حکومت و شخص مبارک برخوردار هستند. در سال ۲۰۰۴ میلادی که ناصریست‌ها در انتخابات سندیکای روزنامه‌نگاران مصر حائز اکثریت شدند، مبارک به عنوان هدیه به ایشان وعده داد که از این تاریخ به بعد هیچ روزنامه‌نگاری به دلیل جرائم مطبوعاتی زندانی نخواهد شد. نکته جالب این است که در مصر روزنامه یا مجلات را به دلیل تخلفات مطبوعاتی نمی‌بندند و از این رو روزبه‌روز بر تعداد مطبوعات این کشور افزوده می‌شود. همچنین مطبوعات مصر در اکثر کشورهای عربی منتشر می‌شوند.

– در مصر دانشجویان جهت تظاهرات در محوطه دانشگاه آزاد هستند، ولی حق این را ندارند که تظاهرات را به خیابان بکشانند.

– چاپ هر کتابی در مصر برای نخستین‌بار نیاز به مجوز ندارد و اگر کتابی به هر دلیلی توسط بخش خصوصی یا دولتی، افراد حقیقی یا حقوقی مورد اعتراض قرار گیرد، ناشر یا نویسنده باید پاسخگو باشد و آنها را قانع کند یا اینکه از چاپ مجدد آن خودداری کند.

– در مصر بیش از ۹۰ کانال تلویزیونی دولتی و خصوصی وجود دارد و مردم در استفاده از ماهواره آزاد هستند. جالب این است که هم‌اکنون کانال تلویزیونی عربی العالم ایران در مصر دفتر دارد.

– حداقل سرعت اینترنت در مصر ۵۱۲ است و این سرعت با قیمت نازلی برای همگان قابل دسترسی است. جالب این است که در اکثر رستوران‌ها، هتل‌ها، کافه‌تریاها و برخی مراکز عمومی دیگر، اینترنت پرسرعت به شکل مجانی وجود دارد و اغلب افراد در این مراکز از لپ‌تاپ‌های خود برای دسترسی به اینترنت استفاده می‌کنند.

– تقریباً مردم اکثر کشورهای جهان (به غیر از ایران، فلسطین و سودان) به راحتی ویزای مصر را دریافت می‌کنند و از مراکز تفریحی و سیاحتی مصر بازدید می‌کنند و درآمد حاصل از جلب سیاحان یکی از اقلام عمده در بودجه این کشور است.

– در مصر احزاب سیاسی آزادند، حتی اخوان‌المسلمین که از نظر این کشور غیرقانونی است بیش از ۸۵ نماینده در پارلمان دارد. آقای ایمن نور رقیب مبارک در انتخابات گذشته پس از اینکه به زندان افتاد، حزبش منحل نشد و روزنامه‌اش بسته نشد و وی در طول مدت زندان سردبیری آن را بر عهده داشت و به مقالات و نوشته‌های انتقادی ادامه می‌داد.

– مردم مصر (در مقایسه با ایران به لحاظ درآمد سرانه) تقریباً فقیر هستند. اما این فقر با ویژگی قناعتی که مردم مصر دارند، جبران می‌شود. در این کشور به شدت با هرگونه مواد مخدر مبارزه می‌شود. تنها مواد مخدر بومی این کشور گیاهی به نام بانجو است که ظاهراً خواص حشیش را دارد. به دلیل نبود مواد مخدر، میزان جرم و جنایت و سرقت در این کشور ۷۵ میلیونی بسیار پایین است. ماشین‌ها قفل و زنجیر نمی‌شوند و رادیوضبط و چرخ‌های آنان به سرقت نمی‌رود و... البته این تنها دلیل نیست، زیرا بیش از ۹۹ درصد مسلمانان مصر نماز می‌خوانند و روزه می‌گیرند.

این شاخص‌های پراکنده نشان می‌دهد اوضاع سیاسی – اجتماعی مردم مصر در دوران مبارک و در مقایسه با زمان عبدالناصر و سادات بهبود پیدا کرده و لذا از میزان نارضایتی مردم کاسته شده است. شاید از این روست که حاکم نظامی مصر به‌رغم سن زیاد، همچنان خود را آماده می‌بیند تا در انتخابات آینده با رقیب جدید – البرادعی – خود دست و پنجه نرم کند.

البته استقلال نسبی قوه قضائیه که نظارت بر انتخابات را بر عهده دارد، یکی از امیدهای مخالفان مبارک است. به دلیل همین استقلال نیم‌بند بود که مبارک در انتخابات گذشته به حداقل آرا بسنده کرد و با کسب ۵/۸ میلیون رای مجدداً به قدرت رسید زیرا آنان از قبل تهدید کرده بودند با هرگونه تقلب و مهندسی آرای مردم مخالفت خواهند کرد.

***عضو پیشین دفتر حفاظت منافع ایران در مصر**

نکته

در مصر احزاب سیاسی آزادند، حتی اخوان‌المسلمین که از نظر این کشور غیرقانونی است بیش از ۸۵ نماینده در پارلمان دارد. ایمن نور رقیب مبارک در انتخابات گذشته پس از اینکه به زندان افتاد، حزبش منحل نشد و روزنامه‌اش بسته نشد.

یادداشت

دموکراسی عراق در دام تمایلات گروهی

محمدعلی عسگری

مشکل فعلی عراق از همان انتخاباتی شروع شد که تنها تفاوت دو کرسی یک بازی از پیش‌تعیین‌شده را برهم زد. تصور اینکه ایاد علاوی و ائتلاف او بتواند تا این حد قد بکشد که از دولت قانون نوری مالکی نیز سر بزند تقریباً به ذهن هیچ‌کس حتی خود او هم نمی‌رسید. جالب اینکه کارشناسان امریکایی در روزهای نزدیک به انتخابات اخیر عراق با گلایه از اینکه مهره بدی انتخاب شده است، می‌گفتند او حداکثر اگر خیلی خوش‌شانس باشد، می‌تواند ۳۰ تا ۴۰ کرسی پارلمان را آن هم به خاطر همراهی جناح اهل سنت عراق کسب کند. اما نتایج اعلام‌شده تعجب‌آور و تا حدودی گیج‌کننده بود. اگر ائتلاف علاوی این دو کرسی اضافی را به دست نیاورده بود تکلیف همگان روشن بود. نوری مالکی برای یک دوره دیگر نخست‌وزیر عراق بود و سایرین نیز باید حد فاصل خود را با او مشخص کنند. اما این دو کرسی اضافی کار را دشوار کرد و حال یا باید طبق قانون اساسی پذیرفت که علاوی نخست‌وزیر شود یا راهی پیدا کرد که این دو کرسی از اساس نادیده گرفته شود. طرح مالکی برای بازشماری آرای بغداد همین سناریو بود که نتوانست و دیگران هم نتوانستند زیرا انتخاباتی که زیر نظر ناظران بین‌المللی برگزار شده بود مو لای درزش نمی‌رفت و نرفت. پیروزی علاوی او را در جایگاهی قرار داد که اهل سنت عراق و بعثی‌های خلع‌شده از قدرت و حتی امریکایی‌ها تصورش را نمی‌کردند و حال حاضر نیستند چنین دستاوردی نادیده گرفته شود. پیروزی علاوی یعنی پیروزی همه اینها. اما پیروزی او معناهای دیگری نیز دارد.

یک معنای دیگرش بازگشت حداقل بخشی از جامعه عراق به رویای گذشته‌های نه‌چندان دور است. هرج و مرج و انفجارها و ناامنی‌ها همچنان ادامه دارد. حکومت چهارساله دولت مالکی و در مجموع شیعیان به‌رغم دستاوردهای مهمی که در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی داشته است، برخی را هم ناراضی کرده است. آن دو کرسی بیشتر، بیهوده به دست نیامده است و کسی یا کسانی به جای مردم عراق صندوق‌ها را پر نکرده‌اند. معنای دیگر این پیروزی دورخیز اعراب برای کمرنگ کردن نقش کردها در مرکز است؛ همان حرفی را که طارق‌الهاشمی معاون جلال طالبانی بر زبان آورد و از رئیس‌جمهور عربی گفت. حرفی که کاملاً نسنجیده بود و در عوض کردها را هوشیار کرد و برای همین است که به رغم تاکید چندباره فهرست العراقیه به ادامه ریاست‌جمهوری جلال طالبانی باز می‌بینیم که زنگ خطر بیخ گوش کردها به صدا درآمده است و از اتحاد با این فهرست پرهیز می‌کنند. این پیروزی همچنان برای امریکایی‌ها جالب توجه بود اما در عین حال قانع‌کننده نبود. آنها عراق را به حال خود رها کردند و برای خروج سربازان‌شان از این کشور لحظه‌شماری می‌کنند اما باید پیش از آن به ادامه روابطی عمیق با این کشور اطمینان داشته باشند. علاوی کارایی و درایت امثال مالکی را ندارد و تجربه گذشته او نیز نشان می‌دهد به راحتی جریان‌های امثال صدر می‌توانند دولتش را دچار چالش‌های سنگین کنند. انتخابات البته شکست جناح‌های شیعه در عراق را هم به اندازه کافی آفتابی کرد؛ مساله‌ای که متاسفانه آنها خود هنوز به عمق این ماجرا پی نبرده یا نمی‌خواهند بپذیرند که اگر پذیرفته بودند حداقل با درک چنین خطری گردهم آمده و ائتلاف تازه‌ای را تشکیل می‌دادند. این واقعیت نشان می‌دهد شیعیان امروز عراق نیز با شیعیان چهار سال پیش بسیار تفاوت کرده‌اند. بسیاری از آنها به قدرت رسیده و شیرینی آن را چشیده‌اند. آنان دیگر هرگز حاضر به از دست دادن این قدرت نیستند. حتی افراد و گروه‌های مشخصی از آنان دیگر حاضر نیستند بدون کسب امتیازاتی با کسی یا جریانی همراهی کنند. همین مساله است که مانع همگرایی دو ائتلاف حکیم و مالکی به‌رغم همه تاکیدها و توصیه‌های داخلی و خارجی شده است.

شیعیان و کردها هم که روزگاری با یکدیگر تفاهمی تاریخی و نانوشته داشتند امروزه وارد فضاهای دیگری شده‌اند. گره کوری که عراق دچار آن شده این است که هیچ کدام از چهار ائتلاف مهم و بزرگ یعنی العراقیه به رهبری ایاد علاوی (با ۹۱ کرسی) و ائتلاف ملی عراق به رهبری حکیم (با ۷۰ کرسی) و ائتلاف دولت قانون به رهبری نوری مالکی (با ۸۹ کرسی) و ائتلاف کردها به رهبری طالبانی و بارزانی، (با ۴۳ کرسی) قادر به تشکیل دولت نیستند و بدتر از آن، این است که هیچ کدام حاضر به تفاهم و تقسیم قدرت با دیگری نیز نیست. این شاید از نشانه‌های بارز کشوری باشد که نه با دست‌های خود بلکه با دست‌های بیگانه آزاد می‌شود؛ نوعی آزادی که ریشه‌ای ندارد یا اگر دارد بسیار کم‌رمق است و به زودی از هم‌گسیخته خواهد شد. یک مقایسه کوتاه بین انتخابات عراق و انگلستان این تفاوت‌های ماهوی را نشان می‌دهد. دیدیم آنها به رغم همه اختلاف‌ها به سادگی با هم کنار آمدند و نگذاشتند برای دو هفته هم شده چرخ دولت‌شان لنگ بماند. اما اینها حتی قادر به عبور از اختلافات کوچک خود نیستند و بیش از سه ماه است که چرخ دولت‌شان لنگ مانده و قادر به راه‌اندازی آن نیستند مگر آنکه پیامی از امریکا یا از عالم غیب دیگری برسد و گره از کار فروبسته‌شان بگشاید.

به نظر می‌رسد بهترین کار همان باشد که مسعود بارزانی در مصاحبه‌اش با روزنامه الحیات گفت: بگذاریم ابتدا علاوی دولتش را طبق قانون اساسی تشکیل دهد و اگر نتوانست، کار را به ائتلافی در پارلمان بسپاریم که وزن بیشتری دارد. برای رفتن به این راه دست‌کم باید گروه‌های عراقی در داخل پارلمان با چانه‌زنی‌های خود مشکلات‌شان را حل و فصل کنند و نشان دهند که دموکراسی در عراق تا چه حد ریشه گرفته است.

بنیان‌های اندیشه سیاسی -۴۲

توماس هابز و جان لاک
در آستانه ورود به جامعه مدنی

دکتر حمید عضدانلو

قرارداد انسان‌های هابز با یکدیگر، خالق لویاتان یعنی همان هیولای ساختگی یا شهریار دیکتاتور است. همان طور که هر سلول تحت کنترل و فرمانروایی هیولای عظیم‌الجثه (لویاتان) است، با تکوین حاکمیت نیز هر یک از انسان‌های طبیعی هابز تبدیل به سلولی در بدنه سیاسی می‌شوند که باید تابع و تحت کنترل مخلوق خود باشند. چنین قراردادی فقط میان افراد- و نه میان افراد و دیکتاتور- بسته می‌شود. به عبارت دیگر آنها هیولا را از طریق پیمانی میان خود، و نه پیمانی میان هیولا و تک‌تک انسان‌ها، خلق می‌کنند. از این رو هیچ نقض عهدی در ارتباط با شهریار نمی‌تواند صورت پذیرد، در نتیجه آنها نمی‌توانند بهانه‌ای برای رهایی خود از بند شهریار دیکتاتور بیاورند. انسان‌های هابز به این دلیل تن به بستن قرارداد می‌دهند که از یکدیگر می‌ترسند و همین ترس است که آنها را متقاعد می‌سازد حقوق طبیعی خود را به دیگری تفویض کنند تا او از منافع آنها دفاع کند. زمانی که هیولا خلق شد، دیگر قدرت او نامحدود است و هیچ‌کس حق انجام کاری خارج از قلمرو او و بدون اجازه او را ندارد. به نظر می‌رسد هیچ توجیهی برای نافرمانی پذیرفته نمی‌شود.

برخلاف انسان هابز که در زمان بستن قرارداد، همه قدرت خود را به دیکتاتور تفویض می‌کند، لاک معتقد است ما نمی‌توانیم تصور کنیم که انسان‌ها با بستن قرارداد، خالق سلطنتی مطلق شوند. برخلاف انسان طبیعی هابز که فقط موجودی خواهان قدرت است و هیچ ارزش اخلاقی را مد نظر ندارد، انسان طبیعی لاک موجودی است آگاه‌تر و با ارزش‌های انسانی، که آنقدرها احمق نیست که برای ورود به جامعه مدنی از همه حقوق طبیعی خود بگذرد و کاملاً تحت کنترل و فرمان یک دیکتاتور درآید. در زمان بستن قرارداد، انسان لاک قدرت مطلق را به حکومت، شهریار، یا هر گونه انجمن سیاسی تفویض نمی‌کند، زیرا اگر چنین کند مانند آن است که «... وقتی انسان‌ها وضعیت طبیعی را ترک کردند و وارد جامعه شدند، به این توافق رسیده‌اند که همه آنها به جز یک نفر تحت لوای قانون قرار دارند و تنها آن یک نفر است که می‌تواند در وضعیت طبیعی بماند و هر کاری که می‌خواهد بکند. این مانند آن است که انسان‌ها را آنقدر احمق و نادان تصور کنیم که برای گریز از آسیب گربه‌های وحشی و روباه‌ها، با خرسندی تمام، خود را طعمه شیران کنند.»[20]

برخلاف انسان‌های هابز که نه با شهریار، بلکه فقط با خود قرارداد می‌بندند تا خالق یک لویاتان باشند، قرارداد انسان‌های لاک قراردادی است دوجانبه. بر اساس چنین قراردادی «قدرت جامعه، یا قدرت قانونگذاری، که توسط خود مردم ساخته و پرداخته شده است هرگز نمی‌تواند فراتر از صلاح جامعه به کار گرفته شود. این قدرت موظف است جان و مال و آزادی آنها را با رفع نواقص وضعیت طبیعی (از حیث) دشواری و عدم قطعیت... تامین کند. بنابراین هر فردی که قدرت برتر و قانونگذاری یک جامعه را در دست دارد، موظف است بر اساس قوانینی حکومت کند که به آگاهی و تصویب همه مردم رسیده باشد، نه اینکه آن احکام را به میل خود وضع کرده باشد.»[21]

برخلاف انسان هابز که هنگام بستن قرارداد باید از همه قوانینی که او را در وضع طبیعی هدایت می‌کرد صرف نظر کند و از آزادی‌هایی که داشت بگذرد، برای انسان لاک «فرجام قانون، نه منسوخ یا محدود کردن آزادی بلکه حفظ و توسعه آن است.»[22]

به نظر می‌رسد در قرارداد هابز نوعی ابهام وجود داشته باشد، زیرا او از یک طرف می‌گوید «آنهایی که اجتماعی سیاسی تشکیل داده، خود را توسط بستن پیمانی محدود کرده و فقط به اعمال و قضاوت‌های یک نفر تن داده‌اند، قانوناً نمی‌توانند بدون اجازه او (لویاتان) میان خود پیمان دیگری، در هر مورد، منعقد کنند و از شخص دیگری اطاعت کنند.»[23] به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد هابز هیچ گونه نافرمانی از لویاتان را مجاز نمی‌شناسد. از طرف دیگر، او چنین بحث می‌کند که: «مردم تا زمانی وامدار شهریار خویش‌اند و نسبت به او موظفند، که قدرت او پابرجا و قادر به حراست از (حقوق طبیعی) آنها باشد چراکه انسان‌ها هنگامی که هیچ‌کس دیگر نمی‌تواند از حقوق‌شان حراست کند، دارای این حق طبیعی هستند که خود از حقوق خویش حراست کنند و هیچ پیمانی نمی‌تواند از آنها بخواهد که از چنین حقی چشم‌پوشی کنند.»[24]

برای هابز هیچ مساله مهم همگانی وجود ندارد که شهریار آمریت تصمیم‌گیری در مورد آن را نداشته باشد. همچنین به باور او در زمان بستن پیمان نباید چنین فرض شود که ما قدرتی را به شهریار یا هرکس دیگری تفویض می‌کنیم که او با تکیه بر آن بتواند زندگی ما را بدون هیچ مقاومتی از طرف ما، از ما بگیرد. هیچ پیمانی نمی‌تواند ما را از حق مقاومت در برابر کسی که با کاربرد زور قصد کشتن ما را دارد محروم سازد.

پی‌نوشت‌ها:

۲۰ - جان لاک، رساله‌ای درباره حکومت ، فصل ۷، شماره ۹۳

۲۱- همان، فصل ۹، شماره ۱۳۱

۲۲- همان، فصل ۶، شماره ۵۷

23-T. Hobbes, Leviathan, op.cit., p. 134

24-Ibid., p. 167

گفت‌وگو با دکتر محمدعلی همایون کاتوزیان
... و همچنان جامعه کوتاه‌مدت

مسعود رفیعی‌طالقانی
Mass.rafi@gmail.com

گروه اندیشه: گفت‌وگو کردن با دکتر محمدعلی همایون کاتوزیان استاد برجسته دانشگاه آکسفورد انگلستان آن هم در فصل امتحانات غیرممکن به نظر می‌آمد اما وقتی او با لطف فراوان پرسش‌های «شرق» را به سرعت پاسخ گفت و به گفته خودش برای این کار همه کارهایش را زمین گذاشت حیرت‌آور بود؛ گفت‌وگویی درباره گذار ایران به توسعه و موانع آن. محمدعلی همایون کاتوزیان متولد ۲۶ آبان ۱۳۲۱ تهران که در ایران وی را به نام همایون کاتوزیان و در خارج از کشور به نام هما کاتوزیان می‌شناسند، اقتصاددان، تاریخ‌نگار و دانشمند علوم سیاسی و جامعه‌شناسی و منتقد ادبی است که زمینه تحقیق مورد علاقه‌اش مسائل مربوط به ایران است. تحصیلات رسمی دانشگاهی کاتوزیان در اقتصاد و جامعه‌شناسی صورت گرفته و به طور همزمان مطالعاتش را در زمینه تاریخ و ادبیات ایران تا سطح پیشرفته آکادمیک ادامه داده است. او در سال ۱۹۶۷ لیسانس‌اش را از دانشگاه بیرمنگام بریتانیا، در سال ۱۹۶۸ فوق‌لیسانس را از دانشگاه لندن و در سال ۱۹۸۴ دکترایش را از دانشگاه کنت در کانتربری اخذ کرده است. در سال‌های ۱۹۶۸ تا ۱۹۸۶ در انگلستان، ایران، کانادا و ایالات متحده اقتصاد تدریس کرده است و در حال حاضر در بخش مطالعات شرقی دانشگاه آکسفورد مشغول به کار است و سال‌هاست فصلنامه مطالعات ایرانی دانشگاه آکسفورد را سردبیری می‌کند.

- آقای دکتر نخست از یکی از اساسی‌ترین تعابیر خود شما شروع کنیم؛ «جامعه کوتاه‌مدت». در نظریات شما هست که ایران برخلاف جامعه درازمدت اروپا جامعه‌ای کوتاه‌مدت بوده و در این جامعه تغییرات - حتی تغییرات مهم و بنیادین- اغلب عمری کوتاه داشته‌اند. شما این وضعیت را نتیجه فقدان یک چارچوب استوار و خدشه‌ناپذیر قانونی دانسته‌اید که می‌توانسته تداومی درازمدت را تضمین کند اما این وضع به وجود نیامده و به کوتاه‌مدت بودن جامعه ایران انجامیده است. سوال این است که چه عواملی را در کوتاه‌مدت بودن جامعه ایران موثر می‌دانید؟

اجازه دهید در ابتدا عرض کنم که پاسخ کامل بنده به همه این پرسش‌ها را می‌توان به ویژه در سه کتاب زیر یافت: تضاد دولت و ملت، نظریه تاریخ و سیاست در ایران، ترجمه علیرضا طیب (نشر نی)، دولت و جامعه در ایران، انقراض قاجار و استقرار پهلوی، ترجمه حسن افشار (نشر مرکز)، اقتصاد ایران، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی (نشر مرکز) و مقاله «جامعه کوتاه‌مدت» که در بخارا چاپ شده است. کوتاه‌مدت بودن جامعه ایران دقیقاً به این خاطر بود که در تاریخ ایران (در قیاس با تاریخ اروپا) استمرار و تداوم وجود نداشت. در نتیجه نه شاه می‌دانست که تا شش ماه و یک سال دیگر چه خواهد شد، نه وزیر، نه تاجر و نه هیچ کس دیگری. البته آینده در هیچ جا صد درصد قابل پیش‌بینی نیست ولی در جامعه‌ای که هر اتفاقی ممکن بود بیفتد چشم‌انداز قابل اعتمادی نسبت به آینده، گاهی حتی در مقیاس یک یا دو سال وجود نداشت. در نتیجه تقریباً هر تصمیمی بر مبنای کوتاه‌مدت قرار داشت. مثلاً کسی که در ولایت فارس والی می‌شد هیچ نمی‌دانست یک ماه دیگر عزل می‌شود یا پنج سال دیگر. بنابراین اصل را بر این می‌گذاشت که در کوتاه‌ترین مدت تا جایی که می‌توانست «بار خود را ببندد». و چنان که فتحعلی‌شاه به سرجان‌ملکم گفته بود شاه هم نمی‌توانست بداند چه کسی جانشین او خواهد شد. به هر حال کوتاه‌مدت بودن جامعه سبب می‌شد (و ظاهراً هنوز هم می‌شود) هر کسی- در دولت یا در کل جامعه- تصمیمات خود را بر مبنای آینده نزدیک بگذارد و از همین روست: «شش ماه دیگر کی زنده کی مرده»، «از این ستون به آن ستون فرج است»، «یه سیب را که به هوا پرتاب کنی صد تا چرخ می‌خورد تا به زمین برسد»، «ایران مملکت امکانات است» و...

- در سایر تعابیر اصطلاحاتی کلیدی مانند استبدادی بودن، هرج و مرج‌طلب بودن و افراط و تفریطی بودن جامعه ایران بسیار به چشم می‌خورد. به کار بردن این تعابیر حاصل مطالعه روی نوعی جامعه آماری در ایران بوده یا صرفاً واجد مثال‌ها و مصداق‌های تاریخی است؟ به هر حال آنچه در تاریخ و فرهنگ ایران به چشم می‌خورد بیشتر به نوعی توسعه‌طلبی و فراز تمدنی گرایش داشته است...

به کار بردن این مفاهیم حاصل ۴۶ سال کار و تحقیق مداوم در علوم اجتماعی. در تاریخ ایران و اروپا، در جامعه‌شناسی تاریخی ایران و اروپا و در اقتصاد سیاسی ایران است که ۳۰ سال اول آن به کلی در انزوا گذشت و جز در موارد استثنایی اگر کسی هم توجهی می‌کرد جز به شیوه نفی و انکار و استهزا و ناسزا نبود. کتاب‌های من نشان می‌دهند نظریاتم (چه درست و چه غلط باشند) با کاربرد روش‌های جهانی علوم اجتماعی و مبنای شواهد بی‌شمار تاریخی ایران و اروپا تکوین شده‌اند. منظم و منسجم‌اند، ویژگی‌های اساسی جامعه ایران را دقیقاً شناسایی می‌کنند و پرسش‌هایی را در مورد تاریخ، سیاست و جامعه ایران پاسخ می‌دهند که نظریات معمول برخاسته از تاریخ و جامعه اروپا به آنها پاسخ قانع‌کننده‌ای نداده‌اند. اما معنای «توسعه‌طلبی و فراز تمدنی» را نفهمیدم و در نتیجه نمی‌توانم درباره آن ابراز نظر کنم.

- چه عواملی سبب شده جامعه ایرانی نتوانسته در سال‌های قرن بیستم که شاهد تحولات چشمگیری در جهان بوده‌ایم، در مسیر توسعه و پیشرفت قدم بگذارد؟ به هر حال تحولات غرب بسیار سریع و فزاینده - حتی با ریشه‌های استعماری - در گوشه‌گوشه جهان مطرح شده است. آیا این عوامل همچنان به پیشینه‌های اجتماعی و تاریخی ایرانیان بستگی داشته است؟

بله قرن بیستم را نمی‌توان از ۲۵ قرن تجربه و تاریخ جدا کرد. طبیعی است که در دهور و قرون گوناگون جزییات حوادث و وقایع یکسان نبوده‌اند. از جمله اینکه تکنولوژی ایران در قرن بیستم حتی با قرن نوزدهم متفاوت بود و نیز از بعضی جهات دیگر مانند تمرکز اداری و میزان دخالت دولت در امور اجتماعی. اما روندهای هرج و مرجی دولت و جامعه و کوتاه‌مدت بودن چشم‌اندازها که یکی از نتایج آن است به اشکال جدید همچنان بر سر جای خود بود.

- آیا اصلاحات کسانی چون قائم‌مقام، امیرکبیر و مصدق و سایر مصلحان اجتماعی بدون در نظر گرفتن بسترهای فرهنگی - اجتماعی ایرانیان بود که به زودی با شکست مواجه شد یا اینکه جامعه ایران به دلیل آنچه شما برمی‌شمارید اساساً جامعه‌ای اصلاح‌ناپذیر بوده است؟

قائم‌مقام مرد دانشمند و بالیاقتی بود ولی اصلاحات چندانی نکرد یا فرصت نیافت بکند. امیرکبیر صرف نظر از کوشش برای جلوگیری از فساد مالی و جز آن بیشتر نظرش به آموزش‌های علمی و تکنولوژیک و نیز تمرکز اداری دولت بر مبنای پیشرفت‌های اروپا بود وگرنه او درست مانند یک پادشاه لایق و قابل مستبد- مثلاً یک شاه‌عباس- تا هنگام عزلش بر ایران حکومت کرد. اصلاحات رضاخان/ رضاشاه از نوع اصلاحات امیرکبیر بود جز اینکه او از فرصت و امکانات بسیار بیشتری برخوردار بود پس چرا ایران به یک جامعه مدرن توسعه‌یافته تبدیل نشد؟ مصدق فرصت برای اصلاحات چندانی نیافت چون بدون حل مساله نفت کار زیادی نمی‌شد کرد. من نه می‌دانم نه می‌گویم ایران «اساساً جامعه‌ای اصلاح‌ناپذیر بوده است» اما آنچه می‌دانم و می‌گویم این است که نظریات بنده درباره تاریخ، جامعه‌شناسی تاریخی و... ایران علل عدم توسعه اساسی جامعه ایران را روشن می‌کنند.

- اصولاً وقتی از نارسایی‌های فکری و فرهنگی ایرانیان سخن گفته می‌شود بیشتر تکیه بر امور کلی است تا ریشه‌یابی‌های جزء به جزء. لطفاً شما قدری این نارسایی‌های فرهنگی را واشکافی کنید، آنچنان که تناقض تاریخی ما نیز در این واشکافی روشن شود منظور تفاوت زمین تا آسمانی ما با آن شرایطی است که گفته می‌شود ایران در دوران‌های کهن واجد آن بوده است.

چنان که پیشتر اشاره شد معنای نظریات بنده این نیست که در ایران تغییری صورت نگرفته بلکه این است که تغییر سریع، کوتاه‌مدت و غیرمستمر، غیرقابل پیش‌بینی و بی‌نظم بوده است.

ویژگی‌های «فکری و فرهنگی» بیشتر ناشی از تاریخ و سنت‌های جامعه است که در مورد ایران توضیح داده‌ام، این کلی‌گویی نیست. مثلاً چرا ایران ابن‌سینا و بیرونی و محمد زکریا و بونصر فاریابی و... داشت ولی برخلاف اروپا یک مکتب مستمر و بلندمدت علمی- مثلاً فیزیک نیوتنی- در آن پدید نیامد... اما باید دید آنچه شما «تفاوت زمین و آسمانی» می‌نامید در چه زمینه‌ای بوده است. آیا در دوران ایران باستان یک مکتب فلسفی یا تاریخی یا علمی پدید آمد؟ یا منظور شما قدرت نسبی امپراتورهای باستانی است که وارد شدن به آن در این مختصر ممکن نیست.

- برخی دوران صفویه را دورانی رو به شکوفایی در ایران می‌دانند و عده‌ای از اساس آن را نفی می‌کنند. شما بلندمدت‌ترین دوران تحولات اجتماعی در ایران را کدام دوران می‌دانید که قدری اندیشه تحول در میان ایرانیان رونق داشته و به زودی به انسداد نینجامیده است. این سوال از آن رو مطرح می‌شود که بتوان دریافت آیا می‌توان یک مدل اصلاحات ایرانی را در افق تحولات ایران پیاده‌سازی کرد یا خیر؟

امپراتوری صفوی از نظر وسعت و قدرت تا اندازه زیادی به امپراتوری ساسانی شبیه بود، به ویژه آنکه پس از گذشت هشت قرن سرزمین‌های سنتی ایرانی زیر عنوان «ممالک محروسه ایران» سامان یافتند. اما اگر شما به جزییات تاریخ صفویان توجه کنید خواهید دید چرخه استبداد- هرج و مرج- استبداد از ویژگی‌های آن دوران نیز هست. مثلاً دوران طولانی سلطنت شاه طهماسب که در آن غالباً کودتا و جنگ داخلی می‌شد؛ و پس از مرگ او پسر بزرگش اسماعیل دوم پس از ۲۰ سال زندان به پادشاهی رسید و چنان رفتار جنون‌آمیزی کرد که حتی خواهر مقتدرش در قتل او شریک شد. پس از آن چیزی نمانده بود که مملکت از هم بپاشد و فقط کودتای نوجوان ۱۵ساله- شاه عباس- بر ضد پدرش جلوی اضمحلال را گرفت و منجر به ۴۰ سال رونق و آرامش نسبی شد... بنابراین همان دوره ۲۲۰ساله سلطنت صفوی نیز مرکب از کوتاه‌مدت‌هایی به هم پیوسته بود. من به معنایی که مفهوم درازمدت را به کار می‌برم چیزی مشابه آن در تاریخ ایران سراغ ندارم؛ خواه در آنچه به دولت ربط داشت یا به ملت. و اگر منظورتان از تحول همان تحول همه‌جانبه در یک بلندمدت است، عرض می‌کنم که اگر چنین شده بود دولت و جامعه ویژگی‌های کوتاه‌مدت خود را از دست داده بودند.

- به نظر می‌رسد شما نیز ساختار قدرت در ایران را برآمده از دیدگاه های رایج فرهنگی- اجتماعی مردم ایران در دوره‌های مختلف می‌دانید که بیشتر به وضعیت استبدادی انجامیده است اما از سویی خودتان مساله مشروعیت و جانشینی را در تئوری جامعه کوتاه‌مدت یکی از فاکتورهای اساسی می‌دانید. لطفاً درباره این تناقض قدری توضیح بدهید.

تناقضی وجود ندارد. استبداد اساساً ناشی از این بود که دولت نه فقط در راس اجتماع بلکه بالاتر از اجتماع قرار داشت و همه حقوق در انحصار آن بود، یعنی آنچه افراد جامعه- از هر گروه و طبقه‌ای- از مال و جان داشتند حق نبود بلکه امتیازهایی بود که دولت می‌داد- یا تایید می‌کرد- و هر وقت هم می‌خواست و هم زورش می‌رسید از آنان می‌گرفت. در نتیجه ملت معمولاً دولت را به شکل قدرت بیگانه‌ای می‌دیدند و از خود نمی‌دانستند، بنابراین اطاعت‌شان نه به خاطر رضایت بلکه از ترس بود. هر وقت هم بخشی از آنها یا همه آنها می‌توانستند، قیام و طغیان می‌کردند و اگر پیروز می‌شدند هرج و مرج برای مدتی ادامه می‌یافت تا یک دولت استبدادی دیگر تشکیل شود. به همین دلایل، برعکس سیستم‌های گوناگون اروپایی دولت مشروعیت نداشت و بسته به این بود که چه کسی پس از مردن یا از بین رفتن یک پادشاه زورش می‌رسد که جانشین او شود. در اروپا جانشینی طبق سنت‌های عمیق و پایدار یا قوانینی صورت می‌گرفت و کاملاً قابل پیش‌بینی بود، یعنی تقریباً در حیات هر پادشاهی روشن بود که جانشین او که خواهد بود و به این ترتیب جانشین او مشروعیت می‌یافت.

-برخی صاحب‌نظران معتقدند دوران گذار به این شکل که امروز و به خصوص از سال‌های اصلاحات در ایران به بعد از آن صحبت می‌شود، مطرح نیست و آن را قبول ندارند و معتقدند ایرانیان واجد گونه‌ای خاص از توسعه‌یافتگی و تحول شده‌اند که «تحول ایرانی» محسوب می‌شود و سنخیتی با مدل توسعه غربی ندارد و اساساً در افتادن ایران در مدل توسعه غرب را اشتباه می‌دانند. شما دوران گذار در ایران را از چه زمانی آغاز و مطرح‌شده می‌دانید و نیز به باور شما ما در چه مرحله‌ای از این دوران هستیم؟

راستش این است که من نمی‌دانم منظور از «دوره گذار»، گذار از چه وضعی به چه وضعی دیگر است و مدت آن کم و بیش چند وقت است. «تحول ایرانی» تا امروز در مجموع از همان سنخ است که در بالا صحبتش را کرده‌ایم و به این معنا مسلماً سنخیتی با توسعه غربی ندارد. آنچه از حدود ۱۰۰ سال پیش به این سو «مدل غربی» تصور می‌شد این خیال خام بود که با یک رشته تقلیدهای سطحی می‌توان در ظرف ۱۰، ۲۰ سال نه تنها توسعه یافته بلکه عیناً فرانسه یا امریکا شد. من این را «شبه‌مدرنیسم» نامیده‌ام و شرح آن به ویژه در کتاب اقتصاد سیاسی ایران- که ۳۳ سال پیش نوشتم- آمده است. اما توسعه یا هر «مدلی» که باشد باید بلندمدت و همه‌جانبه باشد و بسیاری از ویژگی‌های تاریخی دولت و جامعه ایران را درنوردد. این چیزی است که نه فقط صد سال پیش در ژاپن صورت گرفت، بلکه امروز هم در چین، کره جنوبی، هند، مالزی و... تا اندازه زیادی پیش آمده است با مدل‌های گوناگون.

خلاصه گفت‌وگو

دکتر محمدعلی همایون کاتوزیان استاد برجسته دانشگاه آکسفورد ازجمله متفکرانی است که درباره مساله گذار ایران به‌توسعه و موانع آن بسیار اندیشیده و «تئوری جامعه کوتاه‌مدت» حاصل همین تاملات است. او در این گفت‌و گو درصد بزرگی از موانع ورود ایران به دنیای نو را در پس همین تئوری تعریف می‌کند.

- مدل توسعه و پیشرفتی که به کار جامعه ایرانی می‌آید از دیدگاه شما چیست؟ به تعبیر دیگر معنای توسعه‌یافتگی و بروز مدرنیت در وضع اجتماعی ایران را چگونه می‌دانید؟ تعابیر اندیشمندان و متفکران متفاوت است و هر یک نوعی از تحول را در چشم‌انداز توسعه ایران ترسیم می‌کنند که هر کدام نیز به نوعی مورد نقد و انتقاد قرار دارد. دیدگاه شما در این باره چیست؟

نظر بنده- ولو به اختصار- در پاسخ‌های بالا آمده یا مستتر است.

- آیا شما نیز در تحلیل‌های خود از وضعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران از اصطلاحاتی نظیر «ایرانی‌جماعت» استفاده می‌کنید؟ در نگاه کلی چقدر صحیح است که این اصطلاحات را در تحلیل کنش‌های گونه‌گون ایرانیان به کار بگیریم و آیا این کار به نوعی پاک کردن صورت‌مساله محسوب نمی‌شود؟ به عبارت دیگر تعابیری نظیر خلق و خوی ایرانیان تعابیر صحیحی هستند و می‌توان ایرانیان را واجد برخی ویژگی‌های تاریخی و فرهنگی خاص دانست یا اینکه این تعابیر در تحلیل‌های ما جنبه کارکردی یافته‌اند؟

هر جامعه‌ای دارای نوعی روانشناسی اجتماعی و عادات و خلقیات است که البته تغییرناپذیر نیستند ولی تغییرشان نیز آسان نیست. ایران نیز از این اصل کلی مستثنی نیست و این را هم در تاریخ هم در روزگار ما می‌توان مشاهده کرد.

- عده‌ای معتقدند در جهان کنونی هیچ ملتی عقب‌مانده محسوب نمی‌شود و همه ملت‌ها دارای تحولات درونی خود هستند که نباید با سایر نقاط دنیا مقایسه شود وگرنه موجب یأس و سرخوردگی اجتماعی می‌شود. دیدگاه شما در این باره چیست؟

تا تعریف روشنی از عقب‌ماندگی در دست نباشد نمی‌توان پاسخ دقیقی به این پرسش داد. اینکه «ملت‌ها دارای تحولات درونی خود هستند» امری بدیهی است اما اینکه می‌گویید قیاس با جوامع توسعه‌یافته «موجب یأس و سرخوردگی می‌شود» می‌رساند که چنین ملت‌هایی به رغم «تحولات درونی خود» هنوز توسعه نیافته‌اند.

- ساختار اجتماعی و سیاسی ایران به غیر از المان‌هایی که شما همواره برشمرده‌اید اساساً دارای چه فاکتورها و ویژگی‌های مثبتی است؟ به هر رو مسیر تحولات در ایران در ۲۰۰ سال گذشته صفحات درخشانی نظیر انقلاب مشروطه و خود انقلاب اسلامی را که بر پایه جنبش‌های مطالبه‌محور بوده‌اند نیز داشته است...

یکی از نتایج ویژگی‌هایی که برای دولت و جامعه ایران تعریف کردم این بود که جنبش‌پذیری طبقاتی زیاد بود و مثلاً ممکن بود هر کس با هر پیشینه‌ای ثروتمند یا وزیر شود. اما به دلیل همان ویژگی‌ها هر کس نیز ممکن بود در هر مقامی جان و مال خود را از دست بدهد. نمونه این هر دو حال را در سرگذشت امیرکبیر می‌توان دید، اما اصل موضوع و نمونه‌های آن را در سراسر تاریخ ایران می‌توان مشاهده کرد. انگار قائم‌مقام الهامی درباره آینده خود داشت که گفت: روزگار است آن که گه عزت دهد گه خوار دارد/ چرخ بازیگر از این بازیچه‌ها بسیار دارد. اما درباره انقلاب‌های ایران فرصت نیست که به اندازه لازم صحبت کنیم. خوانندگان شما می‌توانند به کتاب‌های نامبرده در بالا رجوع کنند، خاصه مقاله «به سوی نظریه انقلاب‌های ایرانی در کتاب تضاد دولت و ملت».

عکس: میلاد پیامی/ شرق

- آقای دکتر جریانی در چند سال اخیر خصوصاً از دوره دولت آقای خاتمی در ایران در میان روشنفکران ایرانی شکل گرفت که جامعه ایران را جامعه‌ای «نخبه‌کش» معرفی کرد که اساس هر حرکت اصلاحی را مورد هجمه قرار می‌دهد. از دیدگاه شما این جریان در پی یافتن یک راهکار برای عبور از وضعیت موجود سیاسی - اجتماعی ایران بود یا اینکه درصدد پاک کردن صورت‌مساله گسست‌های اجتماعی ایران؟

البته وزیرکش و امیرکش و پسرکش و پدرکش از ویژگی‌های تاریخی ایران است، اما معنای این «نخبه‌کشی» نیست، اگرچه بعضی از نخبگان نیز مشمول آن شده‌اند. اصولاً این طرز فکر نماینده این گمان رایج در جامعه ایران است که اصلاحات و توسعه و... نیاز به یک تن قهرمان دارد: «دستی از غیب برون آید و کاری بکند.» بی‌جهت نیست که در باور عمومی «اگر امیرکبیر کشته نمی‌شد ایران الان از ژاپن هم پیشرفته‌تر می‌بود».

-گذارهای ایدئولوژیک و دین‌پیرایی در غرب چرا زودتر از ایران به وقوع پیوست. آیا این وضعیت نیز در مسیر پیشینه تاریخی - اجتماعی ایرانیان تعریف می‌شود؟

پاسخ کوتاه و کافی این است که «بله، در مسیر پیشینه تاریخی- اجتماعی ایرانیان تعریف می‌شود».

-گفته می‌شود جامعه ایرانی جامعه‌ای خرافه‌گرا است و همین عامل یکی از فاکتورها و موانع توسعه‌یافتگی ما محسوب می‌شود. خرافه‌گرایی در میان ایرانیان از کجا آغاز شده و تا شکل امروزی گسترش یافته است؟ آیا خرافه‌گرایی و ناهنجاری‌هایی نظیر آن برآمده از فرهنگ ایرانیان است یا پیشینه‌ای جز این دارد که به ساختار قدرت سیاسی در ایران مربوط می‌شود؟

خرافه در همه جوامع بوده و هنوز هم هست، منتها در بعضی از آنان بیشتر یا خیلی بیشتر از دیگران است. ملت ایران مسلماً اسطوره‌گرا و افسانه‌گراست؛ خواه اسطوره مصدق باشد، خواه استالین، خواه افسانه این باشد که انگلیس‌ها سبب قتل امیرکبیر بودند، خواه اینکه امریکایی‌ها انقلاب ۱۳۵۷ را به وجود آوردند. مساله این است که تحلیل منطقی و شاهد و مدارک عینی زیادی در باورهای غالب ایرانیان- و از آن جمله درس‌خواندگان و تجددخواهان و روشنفکران- اهمیتی ندارد. آنان آنچه را دل‌شان می‌خواهد باور می‌کنند؛ نه به دنبال دلیل و گواه آن می‌گردند، نه اگر دلیل و گواهی خلاف آن ارائه شود به آن اهمیتی می‌دهند. و اگر توجه کرده باشید همان افسانه‌ها نیز کم و بیش به سرعت تغییر می‌کنند یعنی امروز یک افسانه را باور دارند، فردا خلاف آن را.

- آقای دکتر ما در شرایط حاضر با وضعیت بحران سرمایه اجتماعی روبه‌رو هستیم که طبیعتاً نه انباشت بلکه تکه‌پاره شده و از دست رفته است. از دیدگاه شما چگونه قادر خواهیم بود سرمایه‌های اجتماعی‌مان را بازتولید کنیم؟

اگر منظورتان از «سرمایه اجتماعی» دانشمندان و درس‌خواندگان و اهل فنون و آداب و هنرهاست که در ایران کم نیستند، اما خیلی از بهترین‌شان مهاجرت کرده‌اند و می‌کنند و این البته به زیان جامعه است. برخی از دیگران هم عاطل می‌مانند چون نمی‌توانند کار پیدا کنند.

- بازتولید سرمایه‌های اجتماعی چقدر در مواجهه با قدرت سیاسی قرار می‌گیرد و تا چه اندازه در عرض توسعه اقتصادی خواهد بود؟

بهتر این است از این سوال بگذریم چون پاسخ به آن را مختصراً در قبلاً داده‌ام و بیشتر از آن ممکن است کار را بر شما مشکل کند.

- خوب است اکنون قدری از نقد فاصله بگیریم و به ارائه راهکار بپردازیم. توسعه ایران در همه زمینه‌ها اعم از سیاسی، اقتصادی و فرهنگی چگونه میسر است و چه پیش‌شرط‌هایی نیاز دارد؟

در زمان جوانی من، به چنین سوالی، سوال ۶۴ میلیون دلاری می‌گفتند. من به هیچ روی نمی‌توانم برای توسعه همه‌جانبه جامعه ایران نسخه بپیچیم اما پیش‌شرط‌ها یا دست‌کم شرط‌های آن را از پاسخ به پرسش‌های بالا و کتاب‌هایی که نام برده‌ام، می‌توان یافت. ولی اجازه دهید یک نکته نگفته را بگویم. این ریخت و پاش‌هایی که هم دولت و هم ملت می‌کنند به هیچ وجه مناسب جامعه‌ای که در راه توسعه باشد، نیست. اقتصاد ایران، درآمد دولت، درآمد ارزی و پولی بادآورده که خیلی‌ها با شیوه مصرف‌شان در واقع پول آتش می‌زنند همه وابسته به نفت (و گاز) است. درباره این گونه چیزها به قول مولوی «یک سینه سخن دارم»... ولی بگذریم.

- فکر می‌کنید اکنون وضعیت ارتباط تئوریک و پراتیک روشنفکران و توده‌ها در چه شرایطی است؟ آیا جامعه ایرانی می‌تواند از منویات و ایده‌های روشنفکران استفاده کند و اگر نه راهکار یک ارتباط تنگاتنگ میان روشنفکران و منتقدان با توده‌های مردم چیست؟ دیدگاه شما این است که جامعه ایرانی به همه مسائل صفر و صدی و اهریمن و شیطانی نگاه می‌کند. منظور این است که راهکار دور شدن از این نوع نگاه که همانا نگاه روشنفکرانه و منتقدانه است، چیست؟

از استثنائات که بگذریم می‌توان گفت در ایران نقد- ادبی، هنری، فرهنگی، علمی و سیاسی و...- اصلاً وجود ندارد. اساس بر زنده‌باد- مرده‌باد است. مثلاً ببینید نیما یوشیج را چگونه کوبیدند و سپس به خدایی رساندند و متاسفانه باید بگویم این اصل، «روشنفکر» و «غیرروشنفکر» برنمی‌دارد. ضرب‌المثل معروفی است که می‌گوید: بیله دیگ بیله چغندر.

اندیشه‌های مسی

تجربه‌های زبانی
شعر و روشنفکری-۲

علیرضا عباسی

دریافت هرگونه وجه زیباشناختی در اثر هنری از این قاعده مستثنی نیست و با مولفه‌های درونی مخاطبان ارتباط تنگاتنگی دارد یعنی همان ویژگی‌های منحصر به فردی که انسان‌ها از آن برخوردارند (مانند تخیل، تصور و تفکر). پس این اصل قابل پذیرش است که وجود اندیشه در کنار شاخصه‌های دیگر برای شکل‌گیری اثر هنری یکی از شاخصه‌های موثق و موثر است چه‌بسا که هنرمند و مخاطب به فراخور اندیشه خود قادر به شکل‌دهی اثر هنری هستند و هر کدام در این زمینه نقش بسزای خود را ایفا می‌کنند. نکته حائز اهمیت در اینجاست که نوع به کار روی هریک از المان‌های درونی هنرمند در یک اثر هنری منجر به ایجاد ژانر متمایز و متفاوتی از جهان‌نگری وی در آن اثر هنری می‌شود و این جهان‌نگری هرچه متناسب‌تر و منطبق‌تر بر معیارها و مصادیق هم‌عصر با خود باشد امکان همذات‌اندیشی و مشارکت در فعل آفرینش هنری را برای مخاطب محفوظ خواهد داشت.

این نکته که مولفه‌های درونی هنرمند در کسب تجربه‌های بیرونی اعم از داده‌های فرهنگی، اجتماعی و نیز موقعیت‌های زیستگاهی خود متغیر و تاثیرپذیر است، می‌تواند در تفاوت کاربری آنها موثر باشد. پس اولین مهم در این زمینه توجه به وضعیت زمان حال خاصه در اجتماع پیرامون برای هنرمند است و این توجه شامل گستره‌ای وسیع است که در کنار زیبایی‌ها دربرگیرنده زشتی‌ها، چالش‌ها و تناقضات نیز می‌تواند باشد.

هنرمند جزء افرادی از جامعه است که علاوه بر تجربه‌های اکتسابی خویش به طور قابل توجهی از تجربه‌های ذهنی نسبت به دنیای اطراف خود برخوردار می‌شود و غلیان حالات شعف و تاثر او نسبت به ادراکات و آموخته‌هایش از جهانی که خود می‌شناسد، زمینه‌ساز گرته‌برداری از حقایقی است که به طور نسبی از آنها آگاهی می‌یابد.

در مباحث نق

تقریباً مشهور

جما آرترتون

ستاره و بازیگر

رضا رادبه

جیمز باند چیزی ورای یک فیلم است. بیشتر بسته‌ای است معرف آخرین مدل‌های اتومبیل، مدهای لباس، هتل‌های گران‌قیمت و نوستاره‌های جدید سینما. بازیگر یک فیلم جیمز باندی خواه‌ناخواه برای مدت قابل توجهی در کانون توجه رسانه‌ها قرار می‌گیرد و دیگر بسته به خودش است که از فرصتی که این ویترین پرزرق و برق در اختیارش گذاشته چگونه استفاده کند. وقتی برای یکی از شمایل‌وارترین نقش‌های تاریخ سینما، باندگرل، ۱۵۰۰ رقیب را پشت سر می‌گذاری و نقش را صاحب می‌شوی مسلماً آدم خوش‌اقبالی هستی اما باید حواست هم باشد که این نقش می‌تواند مسیر کاری‌ات را از یک بازیگر به یک ستاره خوش‌چهره صرف منحرف کند و فرصت چالش‌های دشوارتر بازیگری را بگیرد. این‌طور که پیداست جما آرترتون حواسش خوب به این نکته هست. جما کریستینا آرترتون (متولد ۱۹۸۶ در کنت انگلستان) با نقش استرابری فیلدز (این نام تلمیحی به ترانه مزرعه توت‌فرنگی بیتلز و نشانی است از آن برند معروف باندگرل‌ها، نام‌های عجیب که ریشه در فرهنگ عامه دارند) در آخرین جیمز باند، کوانتوم تسکین (۲۰۰۸)، بود که جایش را در افتتاحیه‌ها، فرش قرمزها و مراسم رنگ و وارنگ از بفتا تا اسکار باز کرد اما در همان سال تجربه دیگری هم داشت که نشان می‌داد این فارغ‌التحصیل مدرسه سلطنتی هنرهای دراماتیک لندن می‌خواهد پا جای پای بازیگران بزرگ انگلیسی هم بگذارد. کمی پیش از آنکه آرترتون آن ۱۵۰۰ نفر را برای رسیدن به نقش استرابری فیلدز از سر راه بردارد در تس دوربرویل، بسیار خوش درخشیده بود. این مینی‌سریال چهارقسمتی، اولین اقتباس بی‌بی‌سی از آثار تامس هاردی و یکی از همان محصولات حیثیتی و وفادار به متن این شبکه بود که با وسواس و دقت فراوانی تولید شد. بازی آرترتون به نقش تس آنچنان خودانگیخته و بکر بود که تحسین همه منتقدان را به دنبال داشت.

جیمز باند و تامس هاردی می‌توانند استعاره‌هایی باشند برای فراز و نشیب‌های کارنامه آرترتون. از ۲۰۰۸ به بعد او در دو مسیر موازی فعالیت‌هایش را ادامه داد. وجه ستاره‌ای‌اش را که با جیمز باند شکل گرفته بود با بازی در بلاک باسترهای سه‌بعدی تابستانی تکمیل کرد و سویه‌ای را که از تس شروع شده بود، بازیگر بریتانیایی که انگ فیلم‌های اقتباسی است، در فیلم‌های کم‌هزینه‌تر به‌رخ کشید.

ستاره جیمز باند در دو فیلم جدیدش جدال تایتان‌ها (۲۰۱۰) و شاهزاده پارسی: شن‌های زمان (۲۰۱۰) همان شاهزاده خانم زیبای قصه‌ها است که در چنین فیلم‌های قهرمانی/ اسطوره‌ای انگیزه عاطفی قهرمان فیلم برای رویارویی با ماجراها را دوچندان می‌کند. جدال تایتان‌های اصلی فیلم محبوب کودکی‌اش بود و به همین دلیل پیشنهاد بازی در این فیلم را بی‌چک و چانه پذیرفت. شاهزاده پارسی هم پروژه گرانی بود که در این چهار سال اخیر در استودیوهای هالیوودی دست به دست می‌شد و می‌توانست آرترتون جوان را باز هم در معرض توجه رسانه‌ها قرار دهد هر چند خود در گفت‌وگویی اعتراف کرد آن‌همه تلاش برای بدل کردنش از یک دختر عادی به پری‌رویی افسانه‌ای را چندان هم دوست ندارد: «این بخشی از صنعت سینماست که چندان راحت نیستم باهاش، می‌دونید در شاهزاده پارسی خیلی زیبا بودم اما خب خودم نبودم و این خیلی اذیتم می‌کرد.» با وجود این حرف‌ها خیلی هم تعجب‌آور نیست که الگوی بازیگری آرترتون نه ستاره‌های هالیوودی که یک بازیگر تمام‌عیار بریتانیایی، ریچل وایز، است. به موازات مسیر کهکشانی جما تلاش می‌کرد با اعتبار به دست‌آمده از تس تجربیات بازیگری‌اش را هم گسترش دهد. پس از بازی در سریال گمشده در آستین که اقتباس آزادی بود از غرور و تعصب جین آستین در طول سالیان اخیر یکی از اولین گزینه‌های فیلم‌های اقتباسی مهم بود اما متاسفانه همیشه نقش‌ها به کس دیگری می‌رسید چنان‌که نقش اول بلندی‌های بادگیر را که از ناتالی پورتمن ربوده بود به کایا اسکودلاریوی جوان و گمنام واگذار کرد و الیزا دولیتل بانوی زیبای من را که کایرا نایتلی رد کرده بود با بدشانسی تمام از دست داد و کری مولیگان جایگزینش شد. به‌رغم این ناکامی‌ها این انگلیسی با رگ و ریشه (او از هواداران سفت و سخت باشگاه چارلتون هم هست. لیگ برتر جزیره هم مانند باند نشانی تمام بریتانیایی است) در زادگاهش با دو فیلم کالت محبوبیت فراوانی دارد. سنت ترینیان نام کارتون‌های دنباله‌دار معروفی است کار رونالد سیرل کارتونیست فقید انگلیسی که برای نخستین بار در سال ۱۹۴۱ منتشر شد. فضا و شخصیت‌ها، یک مدرسه دخترانه سنتی انگلیسی با شاگردانی دردسرساز و تخس و نیمه‌دیوانه، سال‌ها پیش از دیوار پینک فلوید هجویه‌ای بود بر نظام سختگیر آموزش و پرورش بریتانیا. سینمای انگلیس در دهه ۵۰ نخستین اقتباس از این اثر فکاهی را عرضه کرد و با استقبال بی‌سابقه تماشاگران سایر فیلم‌های این مجموعه از راه رسیدند تا آنکه حال و هوای متفاوت دهه ۸۰ تولید این فیلم‌ها را متوقف ساخت. در آغاز هزاره اولیور پارکر فیلمسازی که با اقتباس اسکار وایلدی‌اش در اهمیت ارنست بودن به شهرت رسیده بود تصمیم گرفت ماجراهای سنت ترینیان را بار دیگر احیا کند. حاصل، سنت ترینیان (۲۰۰۷)، یک موفقیت تمام‌عیار بود که به فروش فوق‌العاده‌ای در بریتانیا دست یافت. همین فیلم بود که جما آرترتون را پیش از بازی در تس و جیمز باند در صف اول بازیگران محبوب انگلیسی‌ها نشاند. جما بعد از حضور در هالیوود همچنان به هم‌کلاسی‌های مدرسه قدیمی وفادار ماند و با بازی در سنت ترینیان ۲ نشان داد که برای همشهری‌هایش بیش از هالیوودی‌ها اهمیت قائل است. آخرین فیلم آرترتون تامارا درو (۲۰۱۰) به کارگردانی استفن فریرز فیلمساز کهنه‌کار و خوش‌فکر انگلیسی بازگشتی است به روزهای تس چون او این‌بار در اقتباسی آزاد از شاهکار تامس هاردی، دور از اجتماع خشمگین، ظاهر می‌شود.

درباره فیلم پرشس ساخته لی دنیلز

آینه‌های کدر

آرمین ابراهیمی

پیش از هر چیز در نظر اول و به ظاهر این خیلی عجیب می‌نماید که آکادمی اسکار به فیلمی چون پرشس دو جایزه اصلی داده، و فیلم در چهار رشته دیگر هم کاندیدای دریافت جایزه اسکار شده است (بگذریم از جوایزی که سایر جشنواره‌های معتبر مثل بفتا و گلدن‌گلوب به فیلم و بازیگرانش داده‌اند). اما باید اشاره کرد که اسکار برخلاف محافظه‌کاری کم و بیش ثابتی که از آن سراغ داریم، گاه دست به چنین غافلگیری‌های جالبی می‌زند و فیلم‌هایی را که خارج از شکل‌های متعارف هستند، یا نزدیک به خطوط قرمز حرکت می‌کنند، تحسین و معرفی می‌کند. پیام و هدف نهایی فیلم‌ها گاه آنها را به چشم‌پوشی از برخی مواضع‌شان وامی‌دارد. نمونه‌اش کوهستان بروکبک آنگ لی و میلک گاس ون‌سنت است که با وجود مضامین حاد مورد نظرشان به آزادی اندیشه نقد داشتند و آزادی فردی را آرزو می‌کردند. پرشس نیز با وجود کنایه‌های زبانی‌اش از بسیاری جهات، هم برای اسکار و هالیوود، و هم در مقیاس وسیع اکران، فیلم استاندارد و جذابی است که با نمایش زندگی سیاه‌های هارلم نیویورک، به وجود و رویش امیدواری و اشتیاق و زنده بیرون آمدن از این سیاهی غلیظ اشاره می‌کند. اسکار هم به همین دلیل این فیلم جمع‌وجور خوش‌ساخت را در این حد تحسین کرده تا راهی برای ارائه بیشتر آن در دنیا و اشاعه آن روحیه مثبت خوش‌اندیش که در اعماق سیاهی هم چشم‌انتظار درخشش روزن رهایی است، باز کرده باشد. در واقع تایید اسکار می‌تواند بخشی از مقاومت خانواده و جامعه را در قبال تماشای فیلم‌هایی که در حالت عادی اقبال چندانی در اکران ندارد، از بین ببرد. تلاش آکادمی اسکار در این موارد بیشتر در جهت رساندن مفهوم این قصه‌ها و در امتداد همان سیاست‌های رویای امریکایی است؛ رویای داشتن سرزمینی که افراد در آن، نه در برابر جامعه که در کنارش باشند و نیازی نباشد، برای خواسته‌هایشان با آن بجنگند (و خیلی وقت‌ها هم در این نبرد نابود شوند).

۱- توفیر پرشس با فیلم‌هایی مثل خودش که به مشکلات نوجوانان در جوامع و شرایط بحرانی می‌پردازند، در این است که فیلم از نمایش تمام حقیقت، از نشان دادن نکبت تمام و کمال خیابان‌های فقیر و خشونت و شقاوت ذاتی آن محله‌ها نمی‌هراسد. که دختری از درس خواندن و زندگی کردن نفی و برحذر داشته شود. که اعتماد به نفس‌اش را هر روز، و به همه طریق از آن بگیرند. که شرایط و والدین‌اش نگذارند درست در بدترین جای ممکن، وقتی به تَه خط رسیده و دلیلی برای زنده ماندن ندارد، تلاش به برخاستن کند. پرشس فیلم شجاعی است، چون می‌داند برای درست پرداختن به معضلات، باید کامل نشان‌شان بدهد. نمی‌شود همیشه و در همه‌جا خطوط قرمز را رعایت کرد و به اصل هدف، به رسالت وجودی تعریف آن قصه، با حذف و تعدیل کردنش ضربه زد. با اینکه فیلم این معضلات مورد تاکید را نه با تکیه بر جذابیت منفی تصویری که از طریق کلام و نریشن و نماهای بسته و استعاری ارائه می‌دهد. در سینمای برزیل، نمونه این دست فیلم‌های شجاع و فیلمسازان دلیر و نترس را در آثار والتر سالس دیده‌ایم، که این نوع نگرش تغییرطلب در فیلم متاخر او Linha de Passe با وسواس بیشتر و استوار بر پایه‌های اصلی آنها به چشم می‌خورد یعنی اگر در فیلم‌های قبلی‌اش، ایستگاه مرکزی برزیل و نیمه‌شب مشکلات اجتماعی گسترده برزیل زیر سایه درام داستانی و جذابیت قاب‌ها و تکنیک‌های تصویری سالس قرار گرفته بودند، در فیلم جدیدش، که به طور مشترک با دنیلا توماس ساخته، به جنبه‌های اصلی اثر تبدیل شده‌اند (جالب اینکه فیلم جدید او نسبت به کارهای دیگرش دوچندان بر انتقال امید و تحقق آرزو پافشاری دارد). پرشس در راه تاکید و نمایش وجود مشکلات بی‌شمار آدم‌های قصه‌اش، ابتدا از اداهای تکنیکی کلیشه‌ای و کلیپ‌زده (که در موارد مشابه، در روایت زندگی نابسامان سیاه‌ها زیاد دیده‌ایم) فرار کرده است و سپس به سوی فرم ساختاری بدیع و درخوری رفته که از تبدیل شدن فیلم به ناله‌های کلیشه‌شده مهاجرهای محروم و شرح رنج جلوگیری کرده. این فرم آنقدر خوب در بطن فیلم تنیده شده که در کنار معرفی دربست شخصیت‌هایش و انگیزه‌ها و رویاهایشان، ۱۴۰ دقیقه را یک‌نفس، با حفظ ریتمی حیرت‌انگیز، طوری طی می‌کند که به نظر کمتر از یک‌ساعت می‌رسد.

۲- پرشس فیلم خوش‌ریتمی است، چون فیلمنامه خیلی خوبی دارد. جفری فلیشر که اتفاقاً برای همین متن هم اسکار گرفته، فیلمنامه را چنان منسجم نوشته است که تنها مقداری خلاقیت در تدوین و برداشت به راحتی می‌تواند اثر را در دست فیلمسازان گوناگون به همین موقعیت و موفقیت فعلی‌اش (و حتی بیش از آن) برساند. روایت‌های راوی قصه، یعنی خود پرشس، که به شکل نریشن و روی تصاویر شنیده می‌شود اولین ایده تکنیکی تحسین‌آمیز است که خوب از آن استفاده شده. پرشس احساسات واقعی‌اش را در صحنه‌هایی که نمی‌تواند در برابر ناحقی روا شده واکنش فیزیکی نشان بدهد، با ما در میان می‌گذارد. خیلی از تغییرات زندگی‌اش را ما از طریق روایت مشترک تصویر و نریشن درک می‌کنیم که به شکل مکمل، هم را همراهی می‌کنند. قصه به خوبی در بستر متن تقسیم‌بندی زمانی شده و فضاها و حضور شخصیت‌ها و ارائه اطلاعات منطبق با ورود و معرفی و گسترش نقش کاراکترها طراحی شده‌اند. دیالوگ‌ها، مکالمه به ظاهر رها و بداهه آدم‌ها با هم، از دیگر نقاط قوت متن هستند. گفت‌وگوها صریح و بی‌پرده و واضح‌اند، و مهم‌تر از همه به کار پرداخت شخصیت‌های فیلم می‌خورند و به کامل‌تر شدن آنها کمک می‌کنند. به همین دلیل هم هست که آدم‌های فیلم تیپ نیستند و جان دارند. زندگی می‌کنند. می‌شود باورشان کرد و هدف‌ها و احساسات‌شان را حدس زد. این باورپذیر بودن شخصیت‌ها، جدا از تلاش‌های کارگردان، لی دنیلز، برای بازی گرفتن و خلق محیطی یکه و رئالیستی به دیالوگ‌ها و رفتارها برمی‌گردد. فیلمنامه، بیشتر حفره‌های مفهومی را که اغلب بین کارگردان و متن فاصله می‌اندازد و می‌تواند اثر را به تناقض بکشاند و زمین بزند، به خوبی پر کرده. در اصل فیلمنامه فلیشر (که بر اساس داستان push نوشته رامونا لوفتون ملقب به sapphire نوشته شده) تمام ویژگی‌های یک اثر مستقل و خواندنی را دارد و می‌تواند با متون مهم مستقل سینما مقایسه شود. تغییرات آدم‌ها، به موفقیت رسیدن یا زمین خوردن‌شان، درهم شکستن و گریستن یا خوشحالی‌شان از آینده در پیش، به خوبی و با ظرافت در متن چیده شده و بیشتر از همه، این را می‌توانید در پوست انداختن و بالغ شدن چشمگیر دختران آموزشگاه ببینید.

۳- دخترهایی که برای ادامه تحصیل به آموزشگاه خصوصی رفته‌اند به دلایل مختلف یا از مدرسه اخراج شده‌اند یا نتوانسته‌اند درس بخوانند. آنها اغلب توانایی و تخصصی ندارند. بچه‌هایی هستند با آرزوهای ساده و پیشینه‌ای مملو از رنج و ناکامی. کسانی که جامعه آنها را از خودش رانده است. خانواده‌ای ندارند و زندگی برایشان توی خیابان‌ها و رستوران‌ها خلاصه شده. اما آنها هنوز امیدوارند. خسته‌اند، اما سرپا مانده‌اند، چشم به راه یک اتفاق خوب. رفتن‌شان به آموزشگاه و آرزوی کالج و دانشگاه هم، از همین امیدواری‌شان می‌آید. این بچه‌ها از همین مشکلات و رنج‌هایشان، از همین غصه‌ها و زخم‌های به ظاهر درمان‌نشدنی حلقه اتحادی می‌سازند که می‌شود محل پیوند نقاط مشترک و کم‌کم، به مرور، حالت یک خانواده کامل را می‌گیرند؛ خانواده‌ای که اعضایش کمبودهایشان در جامعه را در آن جبران می‌کنند. زن مددکار مهربان، خانم رین، مثل یک سرپرست آنها را حمایت می‌کند. یک جا، وقتی مادر پرشس او را با نوزادش از خانه بیرون انداخته و او به خانه معلم‌اش پناه آورده صدای راوی را می‌شنویم که می‌گوید نمی‌فهمد چرا کسانی که او را نمی‌شناسند رفتارشان خیلی بهتر از مادر و پدرش است. که چرا آنها بیشتر از والدین‌اش بهش محبت می‌کنند. چطور آنها، معلم و همخانه‌اش، که از نظر جامعه افرادی منحط محسوب می‌شوند رفتاری تا این حد دوستانه با او دارند. بچه‌های کلاس با اتکا به هم، اعتماد به نفس و جسارت به دست می‌آورند تا با جامعه طرف شوند و در برابر ناملایمات کم نیاورند. وقتی بچه دوم پرشس متولد می‌شود دخترها با او به بیمارستان می‌آیند و در غیبت مادرش، نقش خانواده‌اش را بازی می‌کنند. یا وقتی قرار است در مورد وضعیت کاری‌اش تصمیم بگیرد برایش دل می‌سوزانند و نظر می‌دهند. یا وقتی می‌فهمند مبتلا به ایدز است برایش غصه می‌خورند (و حتی یکی‌شان بعدتر آرزو می‌کند بتواند بیمارستانی بسازد تا مادران و بچه‌هایشان برای درمان به آنجا بروند). یکی از دلایل محبوبیت فیلم همین روحیه امیدوار و التیام‌بخش‌اش بوده که موفق شده نشان بدهد از درون یک مجموعه از مشکلات اساسی می‌شود راه‌هایی برای نفوذ به روشنایی و پیشرفت کردن پیدا کرد. که در شرایط دشوار و ظلمانی، دست از تلاش نکشیدن و از پا نماندن اولین گام در راه آرامش و موفقیت است.

نکته

پرشس فیلم خوش‌ریتمی است، چون فیلمنامه خیلی خوبی دارد. جفری فلیشر که اتفاقاً برای همین متن هم اسکار گرفته، فیلمنامه را چنان منسجم نوشته است که تنها مقداری خلاقیت در تدوین و برداشت به راحتی می‌تواند اثر را در دست فیلمسازان گوناگون به همین موقعیت و موفقیت فعلی‌اش برساند.

۴- تلاش لی دنیلز برای رسیدن به زبانی درخور فیلمنامه در اثر نهایی خوب جواب داده. او که می‌دانسته با اغراق بارها دیده شده کارهای مشابه که می‌خواهند پرداختی رها و یله را همسو با داستان آدم‌های بی‌سروسامان‌شان درآورند جز به ساخته شدن یک فیلم بی‌اهمیت دیگر منجر نمی‌شود، روایتی متعادل و در عین حال خلاقانه پیش گرفته که قدم به قدم با احساسات درونی هر قطعه پیش می‌رود. او فانتزی و رویا را با حقیقت طوری مخلوط کرده که هیچ‌کدام ضربه نخورده‌اند. رئالیسم صحنه‌های مربوط به حقیقت با توجه به تکیه بر جزییات صحنه‌ها یکدست و تماشایی درآمده، و بخش‌های مربوط به خیال و رویا، همچنان ارتباط‌شان را با منطق باقی اثر حفظ کرده‌اند. فیلم ساختاری به شدت درونی و مبتنی بر فرم دارد (دقت کنید که تازه در حوالی دقایق ۶۰ است که تصویری کامل از راهروها و پاگردهای منزل پرشس می‌بینیم در حالی که چند صحنه اصلی و کلیدی فیلم را در همان آپارتمان گذشته‌اند). فیلم به جای اینکه بر مکان‌ها و جغرافیای محلی استوار باشد و اثری خسته‌کننده از خودش به‌جا بگذارد قاب به قاب پیش می‌رود. یعنی می‌کوشد با برجستگی فرم و شمایل بصری به احساسات کاراکترهایش و احساسات جاری در هر سکانس نزدیک شود و این شمایل، گاه خودشان را در برش‌های چکشی و تند یا در فاصله گرفتن از اصل سوژه نشان می‌دهند و گاه در حرکت‌های دوربین؛ سکانس ابتدای فیلم که به جای نمایش واقعه اصلی بر جزییات فرعی اتفاق تاکید می‌کند، سکانس نورانی معرفی بچه‌ها در آموزشگاه و سکانس کتک‌کاری مادر و دختر (با آن عکس‌های آزاردهنده فلاش‌بک) نمونه‌هایی از توانایی فیلمساز در کار با مصالح‌اش هستند. و البته تصاویر فیلم، به فیلمبرداری درخشان اندرو دان نیز تعلق دارند. (او دو فیلم مهم رابرت آلتمن گاسفورد پارک و کمپانی را گرفته و در اینجا هم در کار با نورها حسابی مایه گذاشته است.)

۵- بازی‌ها، شاید اولین نقطه‌ای باشند که فیلم برای معرفی خودش بر آنها استوار شده. بازی مادر پرشس، مونیکوئه که علاوه بر اسکار ده‌ها جایزه ریز و درشت دیگر هم برای همین نقش گرفته یکی از ستون‌های اصلی طرح فیلم است که اگر غیرقابل باور و مصنوعی درمی‌آمد کلیت و موجودیت انگیزه‌ها را به هم می‌ریخت. اما او یک مادر خشن و بددهن سیاه را که دارد به خاطر از دست دادن شوهرش از دختر خودش انتقام می‌گیرد طوری بازی کرده که یک لحظه نمی‌شود انکارش کرد (حتی وقتی سعی می‌کند با پرتاب کردن تلویزیون و ماهیتابه به سر و روی دخترش او را له و لورده کند). آن خشونت و وحشی‌گری که در هارلم اواخر دهه ۹۰ در نقطه پوست‌اندازی جامعه و روابط در روحیه سیاهان وجود داشت به خوبی در رفتار پسربچه‌های بیکار خیابان‌گرد و مادران فقیر دیده می‌شود. بازی گابوری سیدیبه که اتفاقاً دارد در اولین فیلمش ایفای نقش می‌کند و سیر تحولاتی که از یک بچه گوشه‌گیر خشن تا دختری مهربان و لبخند به لب از سر می‌گذراند تماشایی است. هدایت باقی بازیگران، یعنی گروه محصلین آموزشگاه، در حالتی متعادل همچنان که با رئالیسم ماجرا همگام است و شرارت‌اش را هم حفظ کرده نشان از قدرت کنترل فیلمساز دارد.

۶- پرشس، فیلم بی‌ادعای ساده‌ای است که دوست دارد به دور از کلیشه‌ها داستان برخی از آدم‌های طبقه محروم جامعه را با زبانی روان و یکدست تعریف کند و در این راه، هدف‌اش، یعنی سرپا ماندن و تن به نابودی ندادن را به ما مخاطبانش منتقل کند. پرشس فیلمی است که می‌تواند به مخاطبانش الهام بدهد. می‌تواند به آنها بقبولاند که همه‌چیز، همه تغییرات و حوادث خوب و بد، به خود انسان برمی‌گردد. که به ما ثابت کند یک مادر نوجوان با دو بچه که یکی‌شان نیز مشکلات ذهنی دارد می‌تواند به روی زندگی لبخند بزند و به سمت روزهای بهتر برود و به آینده‌ای که قرار است با توانایی‌های درونی خودش بسازد امیدوار باشد. یک‌جا، ابتدای فیلم، پرشس می‌گوید: «یک روز دیگر هم گریه کردم. احساس حماقت داشتم. اما می‌دانید؟ لعنت به آن روز. چون به همین دلیل است که خدا روزهای تازه دیگری ساخته.»

طول موج

من ری: ستاره دریایی

کامیار کردستانی

«من‌ری» هنرمند امریکایی با نام اصلی «امانوئل رادینسکی» در فیلادلفیا متولد شد و در نیوجرسی رشد کرد. در سال ۱۹۱۲ نام «من ری» را بر خود نهاد. عکاسی را خودش آموخت و به مرور زمان عرصه‌های دیگر هنر را تجربه کرد و آثار ارزشمندی از خود به جا گذاشت. در ۱۹۲۱ به پاریس رفت و به منظور ارتزاق با عکاسی مد و پرتره یک استودیوی عکاسی برپا کرد و تکنیک فتوگرام (عکاسی بدون استفاده از دوربین که با قرار دادن مستقیم اشیا روی کاغذ عکاسی و نوردهی انجام می‌گیرد) را گسترش داد و نام ریوگرافی را بر آن نهاد. او از توسعه‌دهندگان دو جنبش دادا و سوررئالیسم بود که مهم‌ترین آثارش را در زمینه عکاسی آوانگارد ارائه داد. زندگی هنری من ری نمایانگر آزادی و استقلال تفکر، اشتیاق به گسترش آگاهی و استفاده از شیوه‌های متفاوت بیانی در آثار هنری بود.

او چهار فیلم مهم در کارنامه خود دارد؛ فیلم‌هایی تاثیرگذار، خلاقانه، بدون خط داستانی، وابسته به جنبش‌های دادا و سوررئالیسم که البته بدون وابستگی رسمی او به این دو جنبش ساخته شدند. آثاری که دروازه‌های بزرگ ارتباطی بین سینما و هنر آبستره را گشودند. ری در سال ۱۹۲۳ اثری سه‌دقیقه‌ای به نام «بازگشت به خرد» را ساخت. فیلمی که هنوز هم برای طرفداران سینمای آوانگارد اثری جالب توجه است. نماهای نزدیک خارج از وضوح از اشیای چرخان، بی‌نظمی تصاویر و نبود ارتباط بین آنها که نمودی از بی‌نظمی ذهنی است ویژگی‌هایی است که در این اثر و سایر آثار وی دیده می‌شوند. او در این فیلم از تکنیک ریوگرافی سود برده که با قرار دادن پونز، میخ، فلفل و نمک روی سطح فیلم و تاباندن نور حاصل شده است. تکنیک‌هایی که سه سال بعد در «اماک باکیا» نیز از آنها استفاده کرد. شهربازی، رقص کاغذ با سایه‌اش و سرانجام تصویری از پیکره‌ای در حال چرخش، آخرین نمای فیلم است. در سال ۱۹۲۶ او «اماک باکیا» را ساخت. فیلمی ۱۷دقیقه‌ای که نامش در زبان باسکی به معنای «مزاحم من نشو» است. اثری گیج‌کننده و مغشوش و سرشار از تصاویر آبستره که اغلب غیرقابل تشخیص‌اند. فیلم هرگونه ارتباط و منطق را به مبارزه می‌طلبد و تجربه دیداری نابی را برای بیننده به ارمغان می‌آورد. نور، گل‌ها، میخ‌ها، یک چشم، زنی در حال رانندگی، پاهای رقصان، ساحل دریا، ماهی و اشکال هندسی از تصاویر فیلم‌اند. فیلمی هیپنوتیزم‌کننده که به رویایی می‌مانند که نمی‌خواهید حین دیدنش بیدار شوید. از نکات جالب مربوط به این فیلم آن است که در اولین نمایش آن، مردی در سالن بلند شده و از سردردی که به خاطر دیدن فیلم به آن دچار شده می‌نالد و همین مسبب درگیری در سالن می‌شود که به بیرون از سالن و دخالت پلیس نیز کشیده می‌شود. در سال ۱۹۲۸ او «ستاره دریایی» را می‌سازد؛ اثری که بسیاری آن را بهترین اثر او نامیدند. تکنیک‌های به کار رفته توسط ری در این اثر و تصاویر زیبای فیلم، پلی ارتباطی مابین سینمای آوانگارد و هنر آبستره (به خصوص در نقاشی و عکاسی) و حرکتی سوررئالیستی در بیان ناگفتنی‌هایی غیرقابل بیان است. تصاویری که ری آنها را از پشت قابی شیشه‌ای گرفته کیفیتی رویاگونه به اثر داده است و هر بار تماشای فیلم، بیننده را با ابهاماتی جدید روبه‌رو می‌کند. اثری با مثلثی عشقی درباره میلی سرکوفته، عشقی عقیم‌مانده و با بازی «آلیس پرین» («کیکی» مدل و بازیگر فرانسوی) که در این فیلم سمبل زیبایی است. زیبایی او از جنس شیشه و آتش است و به همین سبب دستیابی مردان به خود را غیرممکن می‌سازد. فیلم با الهام از شعری عاشقانه و سوررئالیستی از «روبر دسنوس» ساخته شده که به صورت نوشته با فیلم همراه می‌شود. نماهای گرفته شده از داخل شیشه را شاید بتوان ریسکی دانست که تنها توسط هنرمند توانمند و تجربه‌گرایی همچون ری قابل انجام بود. ناپیوستگی داستانی، جامپ کات، حضور زن اغواگر و سکانس‌های رویاگونه، فیلم را از زمانش جلوتر نشان می‌دهند. ستاره دریایی همزمان با سگ آندلسی ساخته شده اما بسیاری آن را شاعرانه‌تر و احساسی‌تر از سگ آندلسی دانسته‌اند.فیلم پیش از آنکه اثری سمبلیستی باشد قطعه‌ای تصویری است که چشم و احساس انسان را می‌فریبد و با خود همراه می‌کند. ری در سال ۱۹۲۹ «راز قلعه تاس» را می‌سازد. در ابتدای فیلم دستان پلاستیکی مانکنی تاسی می‌ریزد. قصری قدیمی بالای تپه‌ای دیده می‌شود و پایین‌تر از آن ویلایی مدرن. در این حین دور از پاریس دو مرد نقابدار در حال تاس‌بازی هستند و با انداختن آن تصمیم به رفتن به پاریس می‌گیرند. تپه‌ها، حصارها، قصر ییلاقی، ویلای مدرن، معماری داخلی غریب و مجسمه‌های عجیب تصاویر فیلم را شامل می‌شوند. مردان نقابدار در کنار استخر تاس‌بازی می‌کنند. دو نقابدار جدید وارد می‌شوند و می‌گردند و تاس را پیدا می‌کنند. سپس دست پلاستیکی مانکن دوباره تاس می‌ریزد. تاس یکی از سمبل‌های دادائیسم است و این فیلم اثری است کاملاً متفاوت نسبت به دیگر فیلم‌های ری. نورپردازی عادی، حرکات نرم دوربین و حرکات آهسته و کند بازیگران ویژگی‌هایی است که در دیگر آثار او کمتر دیده شده بود. فیلم‌های ری همانند دیگر آثار هنری‌اش اثری غیرقابل انکار بر آثار مابعد خود گذاشتند و همچنین مجله «آرت‌نیوز» در سال ۱۹۹۹ او را یکی از ۲۵هنرمند تاثیرگذار قرن بیستم دانست.

رادیو

با یاسر نوروزی سردبیر برنامه رادیویی «نیم‌نگاه»

رفیق‌بازی در فضای مجازی

سهیلا قوسی

شـاید به جرات بتـوان گفت ادبیات تنها شـاخه در میان هنر هفت‌گانه اسـت کـه نقدش چه به لحاظ مضمون و چه از منظر سـاختار، متفاوت، خاص و گاه مرارت‌برانگیز است. از این رو که آدم‌های حوزه ادبیات، اگـر بخش بـازاری آن را فاکتور بگیریـم، در قیاس با آدم‌های مدیومی چون سینما و تصویر که در میان سایر هنرها فراگیرتر است، فقط و فقط برای قشر محدودی که تربیت‌شده نوع ویژه‌ای از تفکرند و در خلال چند دهه ادبیات نوین ایران شکل‌گرفته می‌نویسند و قلم می‌زنند. به تبع این ویژگی، مقوله نقدادبی نیز به مراتب تخصصی‌تر است و همچون شاخه‌های دیگر نمی‌توان هر نوشـتار متشتت و هر گونه ملغمه‌ای را با واژه نقد به خورد مخاطب داد. امـروز به‌رغم همه‌گیر بودن در مقایسه با تلویزیون عمیق‌تر، گسترده‌تر و واکاوانه‌تر وارد مباحث تخصصی هنری شده که نقدادبی نیز یکی از این تخصص‌هاست. به این بهانه در گفت‌وگویی کوتاه با یاسر نوروزی سردبیر برنامه اینترنتی «نیم‌نگاه» علاوه بر گذری گذرا بر این برنامه مشکلات موجود بر سر راه نقد حرفه‌ای ادبی را در رسانه مورد بررسی قرار دادیم.

-در نـگاه اول به نظر می‌رسـد برنامـه‌ای که تنها از طریق یک شبکه مجازی پخش می‌شود نباید دارای مخاطبان گسـترده‌ای باشـد مضاف بر اینکه برنامه مذکور ویژه یک مقوله تخصصی طراحی شده باشد. با این تفاصیل رمز موفقیت نیم‌نگاه در همین عمر چند هفته‌ای خود، چیست؟

این توفیق ریشـه در چند فاکتور اساسی دارد؛ نخست آنکه در طول این دو سالی که از آغاز به کار شبکه ایران صدا می‌گذرد ثابت شده است سطح آگاهی و دریافت مخاطبان اینترنتی حتی در مقایسه با شبکه‌های عادی رادیویی نیز که عموماً مخاطبان خاصند نیز بیشتر است و ما در این شبکه به این جنس از مسـتمعان، شنوندگان فعال لقب داده‌ایم. عامل دوم اینکه شاید بتوان گفت نیم‌نگاه برنامه‌ای است که نقد ادبی را از طریق حواشی موجود در حوزه کتاب حلاجی می‌کند چون مقوله نقد به خودی خود خشک است اما ورود به حوزه‌هایی که در عین تخصصی بودن جنجال‌برانگیز نیز هسـت به جذب مخاطب کمک می‌کند. به عنوان مثال ما در نیم‌نـگاه در گفت‌وگویی با نویسـنده کافه پیانو صراحتاً پرسیدیم آیا اقبال عمومی خوانندگان از این کتاب به دلیل مضمون و شیوه نگارشی متفاوت آن است یا به دلیل ارتباط گسـترده وبلاگی این نویسـنده با همتایان خـود، به بیان دیگر «رفیق‌بازی در فضای مجازی»؟ همچنین گفت‌وگو با منتقدی که تا به حال درباره این کتاب اظهارنظری نکرده بود و حرف‌های زیادی برای گفتن داشت همین موضوع بازخورد گسترده‌ای در میان شنوندگان ایجاد کرد.

-سـوالی که در اینجا مطرح می‌شـود این اسـت که برخی از افراد در حوزه ادبیات سـهل‌الوصولند و شما به سراغ حاشیه‌های حرفه‌ای‌شان می‌روید اما بسیاری از وزنه‌های سـنگین این عرصه خود را وتوی خبری کرده‌اند و تعدادشان در قیاس با حتی افراد مشابهی در سینما نیز به مراتب بیشتر است.

دقیقاً همین مساله ایجاد جنجال می‌کند. ما در یکی از برنامه‌ها به سراغ شعرایی رفتیم که سال‌هاست کسی حتی اجازه اظهارنظر درباره آثارشان را نیز به خود نداده است چه رسـد به نقد تخصصی. از برخی صاحب‌نظران خواستیم در این باره بدون هیچ واهمه‌ای به ابراز عقیده بپردازند که البته این امر بازخوردهای شدیدی را نیز از سوی برخی از این افراد داشت و گاه عکس‌العمل‌هایی از جنس توهین.

-نزدیـک شـدن به ایـن خطـوط مدیـران رادیو را برانگیخته نمی‌کند؟

خوشبختانه تا به حال مشکلی وجود نداشته کمااینکه ما هیچ‌گاه وارد مسائل سیاسی نمی‌شویم. جالب است بدانید حتی پیشنهاد شد در برنامه‌ای مجزا به ناشرانی که امسال در نمایشگاه کتاب شرکت نکردند یا محترمانه یا غیرمحترمانه از نمایشگاه بیرون گذاشته شدند نیز پرداخته شود. سیاست ما و مدیران ایران صدا مبنی بر چندصدایی است.

-در شبکه‌های مختلف رادیویی برنامه‌های متعددی در حـوزه فرهنـگ و هنـر وجـود دارد. در نگاهـی آسیب‌شناسانه مشکل عمده این برنامه‌ها چیست؟

عدم نگاه کارشناسـی سـردبیر و تهیه‌کننـده. صراحتاً معتقدم اکثریت برنامه‌سازان رادیو به ویژه حوزه نقد اشرافی بر موضوعاتی که به آن می‌پردازند، ندارند. مطالعه نمی‌کنند. مباحـث روز را در حوزه‌هـای مختلف اجتماعی و فرهنگی دنبال نمی‌کنند. روش نزدیک شـدن به مضمون و ارتباط رسـانه‌ای با مخاطب را نمی‌شناسـند. من سال‌ها در حوزه مطبوعات کار کرده‌ام و معتقدم یک سـردبیر رادیویی باید دانش مطبوعاتی داشته باشد و با وجود آنکه رادیو همچنان در مقایسـه با تلویزیون از بار ارزشـی بیشـتری برخوردار اسـت اما این یک واقعیت است. به دلیل این نوع نگاه‌های غیرکارشناسی رادیو در سال‌های اخیر در برخی حوزه‌ها سیر نزولی داشته است. اما با این وجود فضا برای نزدیک شدن به نبایدها در رادیو بیشتر است.

-این نبایدها چه هسـتند؟ بـه بیان دیگر آیا خطوط جداگانه‌ای برای رادیو و تلویزیون تعریف شده است؟

بهتر اسـت بگویید قوانین نانوشـته. همین بس که در رادیو می‌گویند سـراغ فلان نویسـنده و بهمان نظریه‌پرداز نرو اما در تلویزیون می‌گویند فقط و فقط می‌توانی روی این افراد مانوردهی. علاوه بر این در تلویزیون همه چیز به پول ختم می‌شود. اگر قرار باشد کتابی در قالب برنامه‌ای معرفی یا نقد شـود باید ناشرش میلیون‌ها تومان پرداخت کند. به همه اینها تفاضل فاحش بودجه را نیز اضافه کنید. در سیما برای سطحی‌ترین برنامه‌ها ارقام کلان هزینه می‌شود و در رادیو برخی برنامه‌سـازان صاحب‌سبک با نازل‌ترین پول‌ها آثـار فاخـری تولید می‌کنند و جالب اسـت بدانید در این بین وضعیت رادیوی اینترنتی نیز به مراتب اسفبارتر است.

-در نیم‌نـگاه به دنبال پیوند میان ادبیات و سـینما نیز هستید؟

بـه موضـوع جالبی اشـاره کردید. بله اما نـه در قالب موضوعی چون اقتباس ادبی بلکه قصد داریم سراغ برخی از اهالی سـینما برویم که به نویسندگی در قالب‌های مختلف چون نظریه‌پردازی، بیوگرافی و شـعر روی آورده‌اند البته با نگاهـی انتقادی و مطمئناً بازتاب‌هـای تندی را نیز در پی خواهد داشت.

گزارشی از وضعیت سریال‌سازی در تلویزیون

درد سرهای آقای مدیر

رها امیری

اخیراً تحقیقات جدید دانشگاه کالیفرنیا در امریکا نشـان داده، سالخوردگان و کهنسالان بیشتر از سایر گروه‌های سنی تلویزیون تماشا می‌کنند و اکثر اوقات خود را صرف دیـدن برنامه‌های مختلف می‌کنند، اما لذتی از تماشای برنامه‌ها نمی‌برند. این تحقیق اگرچه از نظـر علمی به مسـاله نیازهای خـاص این افراد و عدم توجه آنها به برنامه‌های مهیج و دچار نشدن‌شان به استرس مربوط می‌شود، اما به طرز غریبی می‌تواند روایت دیگری از مخاطب امروز تلویزیون ما از هر قشر و سن و سالی باشد به طوری که هرگز نمی‌توان میان آمارهای صدا وسـیما در خصوص مخاطبان و میزان لذتی که آنها از این برنامه‌ها می‌برند موازنه‌ای برقرار کرد. این روزها که تلویزیون به واسـطه جام جهانی و پخش مسـابقات فوتبال، بخـش عظیمی از مخاطبان از دسـت رفتـه خـود را بازیافته، یکی از دوسـتان فوتبال‌دوسـتی که مدت‌هاسـت به خاطـر فوتبال از بیننده‌های دائم رسـانه ملی شده، می‌گفت تلویزیون مـا مخاطب را جوری درگیـر و دچار می‌کند که یک وقـت می‌بینی سـاعت‌ها پای آن نشسـته‌ای و وقتی بـه زمان رفته نگاه می‌کنی، هیچ چیز درآن نیسـت. زمان خالی و بی‌وزنی که شـاید تنها فایده آن همین خالـی بودن و به هیچ چیز فکر نکردن اسـت و البته فکر کردن در رسانه‌ای که به قول پی‌یر بوردیو شامل ایده‌هایی از پیش تعیین شـده، باب روز و رایج است و غذاهای فرهنگی جویده شـده و از پیش اندیشیده شده را به مردم عرضه می‌کند، محلی از اعراب ندارد. نگاهی به همه نمایش‌های تلویزیون بر این مهم صحه می‌گذارد که اساسـاً این رسانه جایی برای اندیشیدن و قضاوت مخاطب ندارد. همیشه یک حرف هست که تنها و درست‌ترین حرف ممکن است و داستان باید به صحه گذاشتن و مطلق انگاشتن همان حرف بینجامد.

اما خب؛ همین رسـانه اگر در سـال‌های گذشته می‌توانسـت دسـت کم در همین بخش‌های نمایشی مخاطـب گاه حداکثری را هم - با هر دلیل و شـیوه و معیـار که در نظـر بگیریم - یک‌جا جمع کند، اما امسـال با یک پدیـده و معضل بـزرگ دچار بود که دشـواری عظیمی بـرای ضرغامی آن هم در سـالی فراهم می‌کرد که سـال فرصت او نامید می‌شد. ظهور شـبکه‌های فارسـی‌زبان و مهاجرت مخاطب به سوی این شـهرهای پرزرق و برق و فریبنده با نمایش‌های بی‌مایـه‌اش، میـزان تحـرک مدیران شـبکه‌ها را تا حـدودی افزایش داد و اولیـن جرقه‌های آن هم در سـاخت سـریال‌های نوروزی و البته موفقیت نسبی برخی از آنها نشـان داده شـد.

امـا برخورد مدیران رسـانه با ایـن پدیده، هرگز برخـورد واقع‌گرایانه‌ای نبود. بـه طوری که ضرغامی بارهـا اعلام کرد این شـبکه‌ها هیـچ تهدیدی برای رسـانه ملی نیسـتند و باور مردم به این رسـانه نیز قابل بحث نیسـت. مسلماً تهدید این رسانه در حوزه ریزش مخاطب صدا و سـیما آنقـدر واضح و مبرهن بوده اسـت که انکار آن از سوی رئیس سازمان، تنها باعث آن خواهد شد که اعتماد مخاطب به این رسانه یک گام دیگر عقب‌تر برود. اما مساله مهم‌تر این است که رسـانه ملـی در قبال این تهدیدهـا چه کرده که البته جای انکار نیسـت که آنها دسـت به تلاش‌های بسـیاری زده‌اند. اما چرا این تلاش‌ها کمتر به نتیجه موفقی منجر شـده اسـت؟ با اینکه امروز سینماگران بسـیاری بـه تلویزیـون روی آورده‌انـد، امـا به نظر می‌رسـد این تلاش بـه مرور نتیجـه عکس می‌دهد و سـریال‌هایی مثل «آشپزباشـی» یا «درچشم باد» بـا همه ضعف‌هایشـان نیز قربانی همین شـرایط‌اند؛ شـرایطی که دیگر حتی نام کارگردان‌های سرشناس هم رغبت چندانی برای مخاطب ایجاد نمی‌کند. مدیر شـبکه یک چندی پیـش اعلام کرده بود اگر بودجه کافی داشـتیم برنامه‌های بیشتری تولید می‌کردیم و خودمـان را به جای نمـره ۷۰ برای نمره ۱۰۰ آماده می‌کردیم، مدیر شـبکه سه هم در جایی در خصوص همین کمبود بودجه‌ها گفته بود که بودجه شبکه سه از شـبکه دو هـم پایین‌تر اسـت در حالی که ما یک شبکه ۲۴ساعته هستیم. این اظهارنظرها در خصوص کمبـود بودجه را از دو جهت می‌توان مورد بررسـی قـرار داد. یکی اینکه در جایی کـه بودجه مالی همه این شـبکه‌ها از یک منبع تامین می‌شـود و همه آنها تحت عنوان رسـانه ملی و دولتـی بدون هیچ رقابتی در کنـار هم فعالیـت می‌کنند، بحث تفاوت بودجه‌ها تنها می‌تواند از برنامه‌ریزی نادرسـت و دست داشتن رابطه بـه جای ضابطه در تعیین ایـن بودجه‌ها خبر دهد. از طرف دیگر، در جایی که بودجه‌های میلیاردی برای سـریال‌های مختلفی در نظر گرفته می‌شود که اکثر آنها تناسـبی از نظـر کیفیت با هزینه‌های صرف شـده خود ندارند، به نظر می‌رسـد بحث بودجه تنها بحثی انحرافی اسـت که راه به هیچ جا نمی‌برد. برای اثبات این مدعا می‌توان نگاهی به محبوبیت و کیفیت برخـی آثار قدیمی تلویزیون انداخت که در دهه‌های گذشـته و با بودجه‌های اندک سـاخته شدند و هنوز هـم رقیب قدرتمندی برای ایـن آثار پرخرج و گران به شـمار می‌روند.

بنابراین شـاید مسـاله مهم‌تر این است که رسانه صدا وسـیما، بیـش از آنکه در عرصـه نمایش دچار کمبود بودجه و امکانات باشد و بیش از آنکه بخواهد خرج سفرهای خارج از کشور پروژه‌ها و طولانی شدن چندین‌سـاله آنها را بدهد، نیازمند تحولی اساسی در نگاه خود به داستان و قصه است. تا وقتی قرارمان بر طبخ و ارائه همان خوراک‌های جویده شـده فرهنگی باشد و بر مبنای آنچه می‌خواهیم بنویسیم، بزرگ‌ترین بودجه‌ها هم مفید نخواهد بود.

عکس: فارس

از دست دادن برگ‌های برنده

قهوه خیلی تلخ

ضرغامـی در مدیریـت خود شیوه پارادوکسیکالی در قبال آثار نمایشـی و دفاع از آثاری داشته است که مورد نقدها و هجمه‌های مختلف افرادی از بیرون و درون سـازمان قرار گرفته‌اند. مدیریت هوشمند و قوی او در قبال پخش سریال‌های «بزنگاه» و «ساعت شنی» به رغم همه نقدهای درون‌سازمانی و بیرونی که بر این آثار وجود داشت، یکی از همیـن توجهات به ایجـاد فضای آزاد برای حرف‌های تـازه بود. اما این توجه گاه روی دیگری نیز پیدا می‌کند و موجب آن می‌شـود که سریالی تنها به واسطه آنکه با معیارهای خود این رسانه و نه معیارهای مخاطب همسو بوده، با شیوه‌هایی نظیر تقدیرها و تشکرها و به کار بردن عبارتی نظیر «اثر فاخر» به یکی از سـریال‌های ماندگار تلویزیون بدل شـود. در این زمینه نیز گویی هیچ نقد و اظهارنظر کارشناسـانه‌ای از سد محکم این تصمیم عبور نمی‌کنـد. به همین خاطر توجه به نخبه‌ها و نخبه‌گرایی اگرچه از سیاسـت‌های صدا و سیما به شمار می‌رود، اما مشکل اساسی گویا در تعریف نخبگان است به گونه‌ای که کارگردان همان سـریال‌های بـه ظاهر فاخر در این دسته‌بندی جزء نخبگان قرار گرفته و بدون توجه به تمام نقدهایی که از سوی نخبگان بیرونی بر آن اثر وارد شده، خیلی زود وارد کار تازه‌ای می‌شـود. یکی از بزرگ‌ترین بی‌توجهی‌های صدا و سـیما در یک سال اخیر به حضور نخبگان تلویزیونی، ماجراهایی بود که بر سر پخش سریال «قهوه تلخ» به کارگردانی مهران مدیری پیش آمد. این گفته معاون سیما مبنی بر اینکه «قهوه تلخ» به سفارش سـازمان صدا و سیما ساخته نشـده، شاید آخرین کلام لازمی بود که سریال را از شرایطی که برخی مسوولان و سازندگان اثر آن را بلاتکلیفی عنوان کرده بودند، بیرون آورد. این در حالی اسـت که سال گذشته قائم‌مقام مدیر شبکه سه زمان پخش سریال را بعد از ماه رمضان اعلام کرده بود و حتـی گفته بود این مجموعه مدیری نسبت به کارهای قبلی لوکیشـن‌های متعددی دارد و کار سنگین‌تری است که اگر به موقع آماده نشود آن را به نوروز ۸۹ موکول می‌کنیم و اصلاً معلوم نیسـت چرا مسوولان سـازمان درباره سریالی که به سفارش آنها ساخته نشده اظهارنظر کرده‌اند. معاون سیما اخیراً در همان مصاحبه گفته است سریالی از سیما پخش می‌شود که ضوابط رسانه ملی را از نظر فنی و اجرا داشته باشد. مسلماً مهران مدیری کـه در عرصه طنز از نوابغ و نخبه‌های تلویزیونی اسـت بعد از این همه سـال نمی‌تواند آنقدرها از معیارهای این رسانه بی‌خبر باشد. با این حساب رویکرد صدا و سیما در از دسـت دادن اثری که می‌توانسـت برگ برنده او در این روزها باشـد چه می‌تواند باشد؟ البته از همان زمانی که معلوم شـد سـریال «دارا و ندار» قرار است جانشین سریال مهران مدیری برای روزهای نوروز باشد، بحث‌هایی مبنی بر توجه تلویزیون به سبک طنزهای ده‌نمکی شکل گرفت که مهران مدیری اخیراً در نشستی که برای بررسی آثارش برگزار شده بود پاسخ جالبی به این موضوع داد. مدیری گفته بود امکان دارد سـیما به عمد این رویه را پیش گرفته باشد که در این شرایط بحث سیاسی است. اما اگر این رویکرد سیما عمدی نباشد، می‌توان این نتیجه را گرفت که این رسـانه در حال از دسـت دادن تعدادی آدم درجه یک به جز من است. به هر حال معلوم نیست چـرا ضرغامی با همه حمایتی که همواره از آثار مدیری داشـت، این بار تنها سریال طنز امسال‌مان، بعد از «دارا و ندار» و همه لودگی‌هایش برای مخاطب، بی‌مزگی‌های «باغ شیشـه‌ای» باشد که حتی صدای مدیران شبکه را هم درآورده است.

روزگار مخاطب پس از «آشپزباشی» و «در چشم باد»

روی موج احساس

حالا کـه دیگر پخش دو تا از سریال‌های شـاخص تلویزیون به انتها رسیده و تا ماه رمضان و پخش سـریال‌های مناسبتی امسال هم چیزی حدود یک ماه باقی مانده، تلویزیون پخش دو سریال «تاوان» به کارگردانی شهرام شاه‌حسینی و «فاصله‌ها» ساخته حسین سهیلی‌زاده را آغاز کرده و قرار است به زودی، سریال تازه سیروس مقدم یعنی «زیر هشت» هم به این سریال‌ها اضافه شود. با این حساب دیگر تا بعد از ماه رمضان و وعده پخش «مختارنامه» میرباقری، جز سریال «پرانتز باز» کیومرث پوراحمد، خبری از پخش سریال‌های هفتگی نیست و بعد از اتمام جام جهانی، همین‌ها هستند کـه باید مخاطب را تا ماه رمضان و پخش اولین سـریال فرزاد موتمن، چندمین تجربه سریال‌سازی حسن فتحی و همچنین اولین سـریال پرویز شیخ‌طادی نگه دارند. در این آثار کیومرث پوراحمد که مثل همیشه در حد و اندازه خودش ظاهر شده و مخاطبان خاص خودش را نیز داراست. اما با کنار گذاشتن اثر او به عنوان مهم‌ترین سریال این روزها، تا اینجای کار هم به نظر می‌رسـد «تاوان» نیز تا حدودی موفق عمـل کرده و کارگردان آن نیـز در مصاحبه‌ای به سریال خودش نمره ۱۷ داده است. اگرچه او و تهیه‌کننده تلاش‌شـان بر این بود که پخش سـریال با مسابقات جام جهانی مصادف نشود، اما در این روزها باکس تلویزیون به گونه‌ای خالی شده بود که دیگر جایی برای این تردیدها باقی نمی‌گذاشت. در مورد سریال «فاصله‌ها» هم گویا تقاضاهایی برای انتقال آن به شبکه‌های دیگر به خاطر ویژه‌برنامه جام جهانی بوده که مدیر گروه فیلم و سـریال شـبکه در این زمینه گفته است اگرچه ما مشکلی با انتقال سریال‌هایمان نداریـم، اما در این صورت تکلیـف باکس خودمان بعد از مسـابقات چه می‌شـد؟ به همین خاطر پخش سریال در روزهایی که دیگر مسابقات جام جهانی رو به اتمام می‌رود آغاز شد تا کارگردان سریال‌هایی چون «دلنوازان» و «ترانه مادری» بار دیگر احساسات مخاطب را بر موج قصه‌های خود سوار کند و به هر کجا که می‌خواهد ببرد.

البته در کنداکتور این روزها، سـریال‌های بی‌رمقـی چـون «دفترخانـه شـماره ۱۳ » هم پیدا می‌شـود که کارکرد آموزشـی آنها بر وجه جذابیت نمایشی‌شـان می‌چربد و حتی بدون جریان‌های پرفشـاری چون سیروس مقدم و حسین سهیلی‌زاده نیز قادر به جذب مخاطب نیستند. اما اینها همه دسـتپخت‌های صدا و سیما در یک سال اخیر نیستند. جز سه کارگردانی که نام آنها به عنوان سازندگان سـریال‌های مناسبتی ماه رمضان ذکر شد و بدون در نظر گرفتن سـریال‌هایی چون «مختارنامه» و «کلاه پهلوی» کـه به نظر می‌رسـد امید پخش آنها امسـال کمی رنگ واقعیت گرفته، تنها کافی است به برخی از پروژه‌هایی که در گوشه و کنار ساخته می‌شود توجه کنید تا تنها بخشی از گستردگی صنعتی به نام سریال‌سازی را با همه ضعف‌ها و قدرت‌هایش دریابید: این روزها محمدمهدی عسگرپور در حال سـاخت سـریالی به نام «جراحت» است، کاظم معصومی به تازگی فیلمبرداری مجموعه «خانه بی‌پرنده» را به اتمام رسـانیده، محمدرضا آهنج کارگردان «عملیات ۱۲۵» در حال سـاخت سـریالی به نام «ملکوت» است و حمید نعمت‌الله نیز «وضعیت سـفید» را می‌سازد. «قتل در ساختمان ۸۵» به کارگردانی مهدی فخیم‌زاده، «از یاد رفته» فریدون حسـن‌پور، «یک روز قبل» صادق کرمیار، «سرزمین انسان‌ها» ابوالحسن داوودی، «قاپ‌زنی» سعید آقاخانی، «شوق پرواز» یدالله صمدی، «گمشده» راما قویدل و «کوهستان غریب» آرش معیریان نیز تنها برخی از آثار دیگری هسـتند که این روزها در مراحل مختلف تولید به سر می‌برند.

بودجه و دعواهای همیشگی

کی بیشتر پول گرفته است

آنچـه درباره تناقض میان حرف مدیران در خصوص کمبود بودجه و حیف و میل پول‌ها در برخی پروژه‌ها عنوان شد اگرچه در برخی موارد مثل قضیه سریال «آشپزباشی» به دعوای رسانه‌ها و منتقدان با سازندگان اثر منجر می‌شود، بلکه در موارد بسیاری میان خود کارگردان‌ها هم اختلافاتی ایجاد می‌کند. در این زمینه اغلب برخی از آنها دیگران را به آب بستن آثارشان و طولانی کردن زمان تولید سریال متهم کرده و برخی دیگر نیز همواره در حال دفاع از بودجه‌هایشان بوده‌انـد. ادامه پیدا کردن تولید سـریال «کلاه‌پهلوی» با گذشت چیزی حدود پنج سال از آغاز تولید و متوقف شدن آن طی دو بار، همه حرف و حدیث‌هایی که بر سر بودجه سریال «مختارنامه» و کمک‌های دولتی به آن شکل گرفت و آنچه در خصوص بودجه سـریال «در چشم باد» عنوان شد همه مصادیقی از همان جریانی بودند که صدا و سیما از ۱۵ سـال پیش بـرای تولید مجموعه‌هـای پرهزینـه ایجاد کـرد؛ مجموعه‌هایی که اگرچه در ابتـدای کار در کنـار صرف این بودجه‌ها، به کارگردان‌های سرشناس سـپرده می‌شد، اما عملاً بعد از تولید سریال «یوسف پیامبر(ع)» از این مدار خارج شد و چالشی را در زمینه عدم هماهنگی این بودجه‌ها با کیفیت کار ایجاد کرد. سریالی که رقم پیش‌بینی‌شـده آن ابتدا شش و نیم‌میلیارد تومان اعلام شـد و پـس از روی آنتن رفتـن مجموعه به ۱۱ میلیارد تومان افزایش پیـدا کرد. البته برخی از ایـن افزایش بودجه‌ها را مثل افزودن سکانس‌هایی به سریال «مختارنامه» و پرداخت بودجه آن خود ضرغامی برعهده گرفت و در همان زمان گفت زمانی که احساس کند نیاز است سکانسی به کاری اضافه شود، خود بودجه مورد نیاز آن را هم پرداخت خواهد کرد. شاید جالب‌ترین اظهارنظر در مورد این بودجه‌ها، صحبت‌های فرج‌الله سلحشور درباره میزان بودجه سریال «در چشم باد» بود. او در کنار ارزیابی کیفـی این سـریال گفته بود که مسـوولان در خصوص بودجه این سـریال رقم درست را عنوان نکرده‌اند و بودجه سریال خیلی بالاتر از ۱۲ میلیارد تومان و حتی دو تا سه برابر این رقم است. او حتی با در کنار هم قرار دادن سریال «یوسف پیامبر (ع)» و «در چشم باد» و عنوان کردن این مساله که «یوسف پیامبر(ع)» با بودجه هفت میلیاردتومانی ساخته شده است، به نوعی بر این مساله تاکید داشته که او در شرایطی نابرابر به ساخت اثری دست زده که از نظر کیفیت با سـاخته جوزانی برابری می‌کند. به نظر می‌رسد چالش بودجه در سـازمان صدا و سـیما چالشی است که سـریال‌های فاخر را به سـمت تجارتی سوق می‌دهد که بازنده اصلی آن خود صدا و سیماست.

یادداشت

به بهانه تولید نخستین سریال ایرانی بخش خصوصی

سقوط از نردبان آسمان

سیدرضا صائمی

خبـر تولیـد نخسـتین سـریال ایرانی برای شـبکه نمایش خانگی در کنار دوبله سریال معروف ۲۴ که هر دو به همت موسسه تصویر دنیای هنر صورت گرفت اگرچه خبر خوبی برای علاقه‌مندان جدی سریال‌های تلویزیونی است و قابل تحسین اما موقعیت پارادوکسیکال و پرتناقض صدا و سیما در سیاستگذاری‌های فرهنگی را آشکار می‌سازد. محمدحسـین لطیفی که پیش از این امتحان خود را در سـاخت مجموعه‌های تلویزیونی پس داده و آثارش مـورد توجه مخاطبان و منتقـدان نیز قرار گرفته بود چرا نمی‌تواند این سریال را برای مخاطبان بیشتری در تلویزیون بسازد. بدیهی است هر کارگردانی دوست دارد که اثرش در شـبکه‌های تلویزیونی که مخاطب بیشتر و متنوع‌تری دارد به نمایش گذاشـته شود، نه اینکه با دغدغه اقتصادی به اکران آن در بخش خصوصی راضی شده و نگران بازگشت سـرمایه‌اش باشد. هنوز بخش خصوصی در عرصه فعالیت‌های سینمایی، کم‌بضاعت‌تر و بی‌تجربه‌تر از آن است که بتواند کارگردان‌های سینما را به تولید سریال یا فیلم، ترغیب کرده و ضریب ریسک آنهـا را بالا ببرد. چرا کارگردانی مثل لطیفی نمی‌تواند حمایت و رضایت شبکه‌های تلویزیونی را برای ساخت «از عشـق‌آباد تا عشـق‌آباد» جلب کند و مجبور شود تـا بخش خصوصی نحیـف در تولیدات سـینمایی - تلویزیونی را برای سـاخت سـریالش انتخاب کرده و احتمالاً بـا چالش‌های اقتصادی و فرهنگی این بخش نیز کنار آمده و به محدودیت‌های آن تن دهد! بدیهی است این به معنای تضعیف یا تخریب بخش خصوصی نیست که از این حیث اتفاقاً عملکرد تصویر دنیای هنر قابل تحسین است و با خلاقیت و هوشمندی توانسته است خلأها و ضعف‌های موجود در پروسه فرآیند تولید یک سـریال در تلویزیون را بپوشاند. بخش خصوصی بـا این کار به تعهدات حرفه‌ای خود عمل کرده و این تجربه در شـرایط کنونی به نفع اوسـت اما همه اینها دلیل نمی‌شـود تا صدا و سیما به رسالت خویش عمل نکرده و در عملکرد رسانه‌ای خود کوتاهی کند. مصداق دوم این مدعا به ماجراهای مهران مدیری با شبکه سوم در فرآیند سـاخت مجموعه طنز قهوه تلخ برمی‌گردد که فشـار و سنگ‌اندازی‌های زیاد موجب شد تا وی از پخش این سریال در تلویزیون صرف نظر کرده و شبکه خانگی را برای این کار برگزیند؛ آن هم مهران مدیری که سـوگلی طنزهای نود شبی تلویزیون بود و برخی او را مرد شـماره اول تلویزیون در ژانر طنز و سـاخت مجموعه‌های طنز می‌دانند. صدا و سـیما از یک‌سـو نگران گرایش مردم به سـریال‌های سطحی و عامیانه شبکه‌های ماهواره‌ای است اما از طرف دیگر سریال‌هایی که می‌تواند مخاطب زیادی برای این رسانه رقم بزند از گردونه پخش سیما باز می‌ماند. صدا و سیما که مفهوم بزرگ رسانه ملی را بر دوش می‌کشد در عمل چندان هم به ملیت و پوشـش همه‌جانبه آن پایبند نیست و میلی و گزینشـی رفتار می‌کند. اگر قرار بر این باشـد که سـریال‌های تلویزیونی آنقدر غنی و جذاب بوده تا مخاطبان، کانال تلویزیون را به نفع شبکه‌های داخلی بچرخانند پس چرا امثال لطیفی و مدیری نباید فرصت و مجال این کار را داشته باشند؟! مگر نه اینکه یکی از دلایل مهم ریزش مخاطبان سریال‌های تلویزیونی، به کیفیت ضعیف، عدم قابلیت‌های دراماتیکی و تکراری بودن سـوژه و سـاختار آنها برمی‌گردد. مگر نه اینکه معترضیـم که چرا مردم جذب سـریال‌های سـخیف شبکه‌هایی مثل فارسی وان شده‌اند. پس چرا خودمان در رسـانه ملی به نمایش آثاری چـون «دلنوازان» و «فاصله‌هـا» مجال می‌دهیم که با تولید سـریال‌های استاندارد و مطلوب فاصله زیادی دارند! به جای «قهوه تلخ» مهران مدیری در ایام نوروز، «دارا و ندار» پخش می‌کنیم تا این شائبه شکل گیرد که اولویت‌بندی‌های کنداکتـور پخـش در تلویزیون مبتنی بـر کیفیت و اصول حرفه‌ای کار نیسـت. پارادوکس رسـانه ملی در اینجاسـت که سیاسـت، مدیریت و حمایت آن از آثار فاخر و ارزشـمند در عرصه تولیدات فرهنگی در شعار پررنگ و در اجرا، کم‌رنگ است!

لطیفی در «قلب یخی» سـعی کـرده از بازیگران جدی‌تر و سـینمایی‌تری استفاده کند که این تمهید یـک ضـرورت حرفـه‌ای در تولیـدات مجموعه‌های تلویزیونی است و بارها منتقدان بر آن تاکید کرده‌اند. مثـلاً حضـور الناز شاکردوسـت در این سـریال که نخستین تجربه تلویزیونی او محسوب می‌شود می‌تواند برای مخاطبان، کنجکاوی‌برانگیز باشد و نمایش آن از تلویزیون قطعاً واجد جذابیت‌های لازم برای تماشاگران محسوب می‌شود. اما سیاست یک بام و دو هوای صدا و سـیما فرصت این تجربه‌هـای تازه را در درجه اول از خـود این رسـانه گرفت. با این حـال نباید تلاش بخش خصوصی به ویژه موسسـه تصویر دنیای هنر را در تولیـد یا پخش این سـریال‌ها نادیده گرفت. صدا و سـیما باید در کنار تولید و حمایت از سریال‌سازان، بخشی از اختیارات خود را به بخش خصوصی تفویض کند تا سریال‌سازی در این حوزه نیز تجربه شده و به پختگی و اثربخشـی برسـد. در بسیاری از کشورهای دنیـا نیز بخش خصوصی علاوه بر تولید فیلم به تهیه مجموعه‌هـای سـریالی نیز می‌پردازد کـه مخاطبان زیـادی هـم دارد. اما رسـانه ملی کـه وظیفه اصلی تامین و تولید سـریال به عهده اوست باید در این راه پیشروتر باشد تا اگر برای کارگردان‌های امتحان پس داده‌ای مثل لطیفی، فتحی و... نردبان رشـد را فراهم می‌کند، به ناگهان و با اتخاذ سیاسـت‌های سلیقه‌ای موجب سقوط آنها از این نردبان نشود.

کتاب

جنگ در دریا

تقویم تاریخ دفاع مقدس نداجا
نویسنده: **ناخدا یکم علی جعفری‌جبلی- ناخدایکم مجید منصوری**
انتشارات: **پژوهش‌های نظری و مطالعات راهبردی نداجا**
تاریخ انتشار: **۱۳۸۸**

درباره جنگ هشت‌ساله ایران و عراق، کتاب‌ها و مقالات و خاطرات زیادی نوشته شده اما هنوز زوایای پنهان و ناگفته‌ای هست که باید توسط رادمردانی که آن دوران در صحنه بوده‌اند روشن شود. درمیان نیروهای نظامی که در جنگ شرکت داشتند، شاید بتوان گفت نیروی دریایی در عین حال که به طور مستقیم در جبهه مقدم جنگ بود اما کمتر برای مردم معرفی شده و اقداماتش کمتر در تاریخ جنگ ثبت شده است.جنگ هشت‌ساله در زمین و هوا و دریا جریان داشت و ایرانیان در هر سه عرصه با تمام وجود از سرزمین مادری‌شان دفاع کردند. نیروی دریایی نیز مانند سایر هموطنان و درکنار آنها جنگید و هزینه داد و لطمه دید و حماسه آفرید. متاسفانه بنا بر عادت دیرینه ما، این حماسه و تجربه‌ها همچنان در سینه‌ها مانده و به نسل‌های بعد منتقل نشده است. در حالی که این تجربه‌ها یک سرمایه ملی است و باید دراختیار همه اقشار جامعه قرار گیرد و مبنای تفکر و تعالی برای آیندگان شود. جای خوشوقتی است که بعد از گذشت چند سال از پایان جنگ، دفتر پژوهش‌های نظری و مطالعات راهبردی نیروی دریایی همت کرده است تا به تدوین تاریخ نقش این نیرو در دفاع مقدس بپردازد.

اکنون ناخدا یکم علی جعفری‌جبلی و ناخدا یکم مجید منصوری به یاری گروه پژوهش دفاع مقدس این دفتر، اولین جلد از تقویم تاریخ جنگ این نیرو را منتشر کردند. بنا بر گفته دفتر مزبور بناست یک دوره ۳۲ جلدی درباره نقش این نیرو در طول جنگ هشت‌ساله منتشر شود. گروه پژوهشی دفاع مقدس این نیرو تاکنون حدود ۲۰۰ هزار برگ اسناد و مدارک و تصاویر از دفاع مقدس جمع‌آوری کرده است. همچنین با تهیه نسخه‌های الکترونیکی اسناد بانک اطلاعات رایانه‌ای اسناد نداجا را تهیه کرده است.

در جلد اول این مجموعه گرانبها تاریخچه‌ای از روابط ایران و عراق آمده است که از دوران امپراتوری عثمانی شروع شده است. رابطه دولت صفوی با این امپراتوری اسلامی و سپس نادرشاه و سلسله‌های بعدی تا سقوط عثمانی و تجزیه این امپراتوری که تاسیس دولت پادشاهی عراق است در این بخش توضیح داده شده است.

در فصلی دیگر کشاکش‌های دولت عراق با ایران تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی شرح داده شده است. سپس موقعیت ژئوپولتیکی عراق در آستانه حمله به ایران توضیح داده شده و وضعیت کلی ارتش ایران و عراق در

آن زمان تشریح شده است. در بخش پنجم کتاب، وقایع و رویدادهای مهم قبل از تهاجم عراق از فروردین‌ماه تا شهریورماه ۱۳۵۸ آمده است. این رویدادها به نقل از مطبوعات داخلی و خارجی و نیز اطلاعیه‌های ارتش ایران و مصاحبه‌های مقامات رسمی جمهوری اسلامی تشریح شده است.

این گزارش‌ها نشان می‌دهد عراق از مدت‌ها قبل از شروع رسمی جنگ، به طور مستمر حرکت‌های ایذایی علیه ایران داشته و بارها به مرزهای هوایی و زمینی ایران تجاوز کرده است و کشمکش‌های مرزی همچنان تداوم داشته تا اینکه در پایان شهریورماه به صورت گسترده به تهاجم به خاک ایران اقدام می‌کند.

در هر صورت انتشار اولین جلد از سری انتشارات نیروی دریایی درباره دفاع مقدس را به فال نیک گرفته و همچنان که در پیشگفتار این کتاب آمده است امیدواریم این تجربه‌ها و گزارش‌ها برای آیندگان درس‌آموز باشد. گذشته از این جا دارد علاوه بر تنظیم و تدوین اسناد جنگ، فرماندهان و افسران این نیرو که در صحنه‌های جنگ حضور داشته‌اند به ثبت خاطرات شفاهی خود اقدام کنند و وقایع واقعی جنگ و مشاهدات و شنیده‌های خود را برای ثبت در تاریخ بازگو کنند. در همین جا لازم است اعلام شود صفحه تاریخ روزنامه «شرق» با رغبت تمام برای درج خاطرات و ناگفته‌های افسران و فرماندهان و حاضران در طول دفاع مقدس، اعلام آمادگی می‌کند.

خواندنی‌های تاریخ

مسعود ملک پور

گرگ و میش

حاکم ملایر به میرزا تقی‌خان امیرکبیر نوشت: در ولایت من عدل چنان است که گرگ و میش با هم آب می‌خورند... امیر در جواب نوشت: پدرسوخته من تو را آنجا فرستادم که گرگی نباشد ولی تو برایم می‌نویسی که آنها با هم آب می‌خورند؟

پناهندگی به روس

محمدعلی‌شاه بعد از شکست از آزادی‌خواهان به سفارت روس در زرگنده پناهنده شد. لیاخوف فرمانده روسی قزاقان با شنیدن این ماجرا به حضور سپهدار و سردار اسعد رسید و شمشیر خود را به عنوان تسلیم در مقابل آن به زمین نهاد. سردار اسعد مجدداً شمشیر را به کمر او بست و گفت: او به وظیفه سربازی خود عمل کرده و ایرادی به وی نخواهد بود.

(انقلاب مشروطیت ایران، دکتر رضوانی، ص ۸۹)

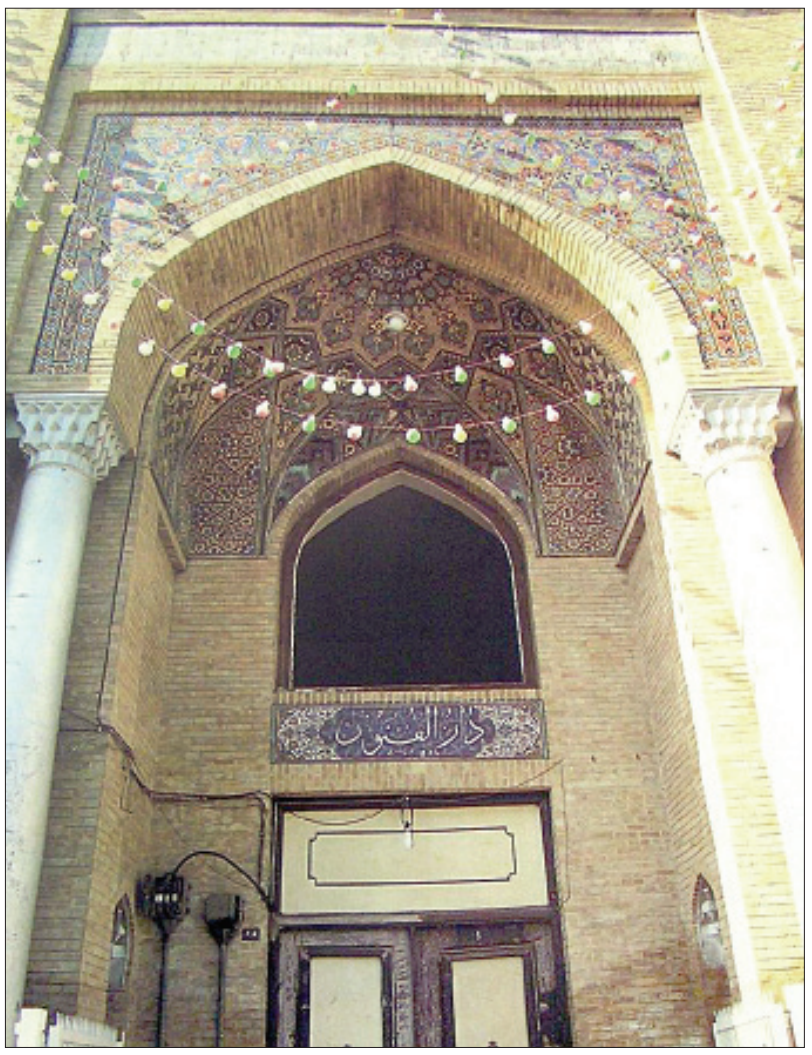

نگاهی به زندگی و آثار عباس اقبال آشتیانی

شیخ المورخین معاصر

سیروس غفاریان

او از زمان معلمی و ریاست کتابخانه معارف در دارالفنون و رسیدن به شغل معلمی، مقالاتی در زمینه تاریخ در مجلات ایرانشهر و کاوه منتشر کرد و از ۱۳۰۶ تا زمان مرگش در ۱۳۳۴، ۵۰ جلد کتاب در زمینه ادبیات، شعر و تاریخ از دانشمندان گذشته را تصحیح و ترجمه کرده است.

عباس اقبال‌آشتیانی از جمله مورخان، ادیبان و دانشمندان زمان ما بود که در ادبیات و تاریخ فقط مرحوم استاد سعید نفیسی را از نظر کثرت مقالات و کتاب‌های ادبی و تاریخی می‌توان با او مقایسه کرد. او ۵۹ سال بیشتر عمر نکرد و تلاش برای اخذ مدرک دکترا نکرد تا برای خود به وسیله آن مدرک، شخصیتی دست و پا کند. عواملی که برای او شخصیتی بسیار عالی ایجاد کرد، خلق آثار بسیار ارزنده بود که ویژگی‌های بالا و والای انسانی و علمی برای او به وجود آورد به طوری که از مرگ او که در ۱۳۳۴ روی داد تاکنون که ۱۳۸۹ است، ۵۵ سال می‌گذرد، خیل تحصیلکردگان در رشته‌های ادبیات، تاریخ و بالاخره علوم انسانی، مدرک «دکترا» گرفته‌اند ولی هیچ‌کدام مانند او در راه زبان فارسی و تاریخ فرهنگ و تمدن ایران‌زمین در حد کوشش‌های جانفرسای او ره نپیموده‌اند. اما سه تن از اختران آسمان ادب و فرهنگ این سرزمین که از شخصیت‌های هم‌طراز او محسوب می‌شدند می‌توان به کسانی چون علامه مرحوم دکتر سیدجعفر شهیدی که در عصر ما در تاریخ اسلام وزنه‌ای محسوب می‌شد و دکتر مهدی محقق که وجودش مغتنم است و خدا طول عمر بیشتری به او بدهد و بالاخره استاد فقید دکتر محمد معین اشاره کرد که می‌توان او را شهید راه زبان و فرهنگ و تاریخ ایران دانست، فرهنگ و زبان و ادب فارسی نیز در نبود او دچار فقدان شد و باید چند نسل از بین فرهیختگان بگذرد تا کسانی شاید تا حدی بتوانند کمبود عباس اقبال‌آشتیانی، سعید نفیسی، دکتر سیدجعفر شهیدی و استاد دکتر محمد معین را جبران کنند. حال بعد از این مقدمه مختصر به شرح زندگی عباس اقبال می‌پردازیم.

شادروان عباس اقبال‌آشتیانی از پدری فقیر و مادری لایق، پرعاطفه و دلسوز به سال ۱۲۷۵ ه ش (۱۳۱۴ ه ق) در یکصد و چهارده سال پیش در آشتیان، دیاری که خاستگاه بسیاری از دانشمندان و دولتمردان بزرگ و اهل قلم بود به دنیا آمد. در دوران کودکی همراه پدر و مادر به تهران کوچ کرد. پدرش محمدعلی اقبال که قبلاً شغل حمامی داشت، حمام بیمارستان وزیری را در خیابان آقا شیخ‌هادی اجاره کرد و به «تون‌تابی» (گرم کردن تون حمام) پرداخت. منزل آنها جنب خانه شیخ مرتضی نجم‌آبادی (پدر دکتر محمود نجم‌آبادی عضو پیوسته فرهنگستان علوم پزشکی) قرار داشت. خانواده نجم‌آبادی از نظر مالی به پدر عباس اقبال مساعدت می‌کرد. اقبال ضمن درس خواندن با مشقت و همراه با کار و شاگردی در یک مغازه درودگری (نجاری) به تحصیلات خود ادامه داد تا آنکه مرحوم شیخ مرتضی نجم‌آبادی با ملاحظه استعداد فوق‌العاده او و برادرش سلمان که خط بسیار خوبی داشت، آن دو برادر را در مدرسه «شرکت گلستان» ثبت‌نام کرد. پس از اتمام دوره این مدرسه، عباس جوان به پایمردی نجم‌آبادی و با مساعدت میرزا ابوالحسن‌خان فروغی به مدرسه دارالفنون راه یافت. اگر کمک خیرخواهان و نیکوکارانی مثل خانواده‌های نجم‌آبادی و ادیب‌الدوله رئیس دارالفنون نبود، استعداد درونی عباس اقبال نوجوان شکفته نمی‌شد.

عباس اقبال در یکی از مقالات خود که جناب آقای دکتر دبیرسیاقی تحت عنوان مجموعه مقالات عباس اقبال‌آشتیانی گردآوری کرده، درباره فداکاری مادرش در صفحه ۱۵ جلد اول این کتاب می‌نویسد: «بنده ناچیز از خانواده فقیری هستم که بر اثر بی‌خبری پدر غافلی، تمام مایه حیات ما در دوران جوانی به باد رفته و در آن جز محبت و هنرمندی و لیاقت مادر باعاطفه‌ای که وجودش در آن ظلمتکده، حکم فرشته رحمت داشت به جا مانده، چیزی نداشتیم. مادر ستمدیده من که در واقع زن هنرمندی بود، با چه صدمات ناگفتنی زندگی خانواده را نجات بخشید. من در نتیجه تعالیم مادرم، لذت کار کردن و رنج بردن را از دوران کودکی آموختم. جد و جهد من در تحصیل بیشتر اوقات در نتیجه نوازش‌های روحبخش و دلگرمی‌های بی‌آلایش مادر عزیز و گاهی هم بر اثر کمک‌های مادی و معنوی عده‌ای از نوع‌پرستان بی‌غرض و خیرخواهان حقیقی بود. لذت من در دنیا این است که هر کجا بدبختی بیابم، گوش و هوش خود را وقف شنیدن داستان‌های بدبختی او کنم و در حد قدرت به او کمک کنم.»

عباس اقبال؛ از تحصیل در دارالفنون تا استادی دانشگاه

بعد از آنکه عباس اقبال در دارالفنون ثبت‌نام کرد، میرزا ابوالحسن‌خان فروغی که یکی از معلمان او بود، عباس را جوانی بسیار مستعد تشخیص داد و از ادیب‌الدوله رئیس دارالفنون درخواست کرد او را نامزد شغل معلمی کند و برای او حقوقی در نظر گرفت. استاد فقید میرسیدمحمد محیط‌طباطبایی که از فرهیختگان شهره عصر ما بود، درباره او می‌گوید: «ارجاع چنین وظیفه‌ای به جوانی کم‌سن و سال موجب رشک و غبطه همکاران کهنسال گردید.»

در ۱۲۹۵ هجری‌خورشیدی پس از اخذ دیپلم دارالفنون، معلم این مدرسه شد. شاگردان او در زمره افتخارات دارالمعلمین عالی و دانشگاه تهران قرار گرفتند. از کسانی که به شدت تحت تاثیر علم و اخلاق او قرار گرفت، استاد مجتبی مینوی بود که از مفاخر تاریخ ادب و فرهنگ فارسی بود. مینوی درباره او می‌گوید: «گرچه عباس اقبال تاریخ و جغرافیا تدریس می‌کرد ولی در واقع شیوه زندگی را با گفتار حکیمانه به شاگردان خود می‌آموخت.» از ۱۲۹۷ به بعد که دارالمعلمین مرکزی و سپس دارالمعلمین عالی (دانشسرای عالی، هسته مرکزی دانشگاه تربیت معلم) تاسیس شد و وظیفه آن، تربیت دبیران کارآزموده و متخصص برای معارف (وزارت فرهنگ و بعد آموزش و پرورش) بود، عباس اقبال ماموریت یافت تا با سمت استادی تاریخ و جغرافیا تدریس کند. ناگفته نماند که عباس اقبال در بدو تشکیل دارالمعلمین، مدرک لیسانس در زمینه تاریخ و جغرافیا گرفته بود. او عاشق معلمی بود و بعد از لیسانس هرگز به دنبال مدرک دیگری نرفت و در ۱۳۰۴ هجری خورشیدی وقتی که در مدرسه نظام (دانشکده افسری، مدرسه صاحب‌منصبی) معلم تاریخ و جغرافیای نظامی بود، به منشیگری هیات نظامی ایران انتخاب و عازم فرانسه شد. دانشگاه سوربن فرانسه به پاس خدمات فرهنگی و معلوماتی که کسب کرده بود، درجه لیسانس به او اهدا کرد. او در اروپا در زمینه تاسیس کتابخانه و موزه‌های تاریخی تحقیقاتی کرده بود و علاوه بر آن تجربه کتابداری او به زمانی مربوط می‌شد که در دارالفنون ریاست کتابخانه معارف (هسته اصلی کتابخانه ملی) را بر عهده داشت و تا قبل از آن که ساختمان کتابخانه ملی در خیابان سی‌ام تیر (قوام‌السلطنه سابق) به پایان برسد، کتابخانه معارف که بعداً به ملی تغییر نام داد ریاست آن با مرحوم عباس اقبال‌آشتیانی بود. از سال ۱۳۱۰ه.ش به بعد، نوشتن تاریخ و جغرافیا جهت دبیرستان‌های سیکل اول و دوم متوسطه به او واگذار شد. البته معلمین دیگری که در واقع استادان مسلم تاریخ بودند مانند نصرالله فلسفی مورخ توانایی که بهترین کتاب را درباره زندگی شاه عباس و صفویه نوشت و علی‌اصغر شمیم نویسنده توانای تاریخ قاجاریه نیز همزمان با مرحوم اقبال، کتاب‌های درسی تاریخ می‌نوشتند. به گفته مرحوم محمد محیط‌طباطبایی، عباس اقبال‌آشتیانی، اولین کسی بود که با روش جدید و قابل فهم، تاریخ‌نگاری به سبک علمی را در آموزش و پرورش ابداع کرد. مرحوم عباس اقبال در بازگشت از اروپا و قبل از تاسیس دانشگاه تهران در دارالمعلمین عالی در کنار استادانی چون رضازاده‌شفق و بدیع‌الزمان فروزانفر تدریس می‌کرد. شاگردان او در زمره نسل دوم استادان دانشگاه تهران قرار دارند. در ۱۳۱۴ زمانی که عملاً دانشگاه تهران آغاز به کار کرد، در ایران فردی با درجه دکترا در زمینه علوم انسانی وجود نداشت. شورایی در دانشگاه تهران ایجاد شد که پس از تایید رسالات و کتاب‌های تالیف شده کسانی که اصلاً صاحب مدرک نبودند، به عنوان استاد دانشگاه مشغول کار شدند. عباس اقبال در زمره چنین افرادی بود. او در ۳۸ سالگی با استادان طراز اول از جمله علامه قزوینی همنشینی و بحث علمی داشت. استاد دکتر سیدمحمد دبیرسیاقی در جلد اول مجموعه مقالات عباس اقبال در صفحه ۱۱ می‌نویسد: «عباس اقبال آشتیانی از نخستین مردان قرن اخیر است که با روش صحیح، آنچنان که شیوه و روش پیشرفتگان جهان است، در رشته‌ای چند از علوم و فنون خاصه در تاریخ و جغرافیا و تمدن جدید، کتاب‌های مفید تالیف کرده است و خود از مدرسان و مربیان شیوه نو است.»

خدمات و آثار مرحوم عباس اقبال آشتیانی

او از زمان معلمی و ریاست کتابخانه معارف در دارالفنون و رسیدن به شغل معلمی، مقالاتی در زمینه تاریخ در مجلات ایرانشهر و کاوه منتشر کرد و از ۱۳۰۶ تا زمان مرگش در ۱۳۳۴، ۵۰ جلد کتاب در زمینه ادبیات، شعر و تاریخ از دانشمندان گذشته را تصحیح و ترجمه کرده که معروف‌ترین آنها عبارتند از: ماموریت ژنرال گاردان، خاندان نوبختی، تاریخ مفصل ایران از استیلای مغول تا اعلان مشروطیت، تاریخ اکتشافات جغرافیایی و تاریخ علم جغرافیا، کلیات جغرافیای اقتصادی، سیرت فلسفی رازی، تاریخ طبرستان، کلیات تاریخ تمدن جدید، تاریخ مغول، میرزا تقی‌خان امیرکبیر، طبقات سلاطین اسلام و سه سال در دربار ایران که پاره‌ای از این کتاب‌ها مانند سه سال در دربار ایران، ماموریت ژنرال گاردان و طبقات سلاطین اسلام و بعضی از کتب دیگر ترجمه است. عباس اقبال خدمت را در تحقیق و تالیف می‌دانست و اصلاً پست‌طلب نبود و بعد از شهریور ۱۳۲۰، ابراهیم حکیمی (حکیم‌الملک) می‌خواست او را به عنوان وزیر فرهنگ انتخاب کند ولی او معلمی و نوشتن و تحقیق را بر هر چیز مقدم می‌داشت. عباس مسعودی مدیر و صاحب‌امتیاز روزنامه اطلاعات، وقتی شنید که عباس اقبال قصد انتشار مجله یادگار را دارد برای جذب نویسندگان بزرگ کشور در موسسه اطلاعات قبول کرد مجله یادگار را در چاپخانه آن روزنامه به طبع برساند. عباس اقبال قریب پنج سال از ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۸ مجله یادگار را که در واقع یادگار سال‌ها تجربه و تاریخ‌نگاری و تحقیق او بوده منتشر کرد. مرحوم حبیب یغمایی وقتی مجله یغما را در ۱۳۲۷ منتشر ساخت از اقبال خواست مقالات خود را به دفتر مجله یغما بفرستد. عباس اقبال مقاله‌ای تحت عنوان اندیشه و عشق در یغما به چاپ رسانید که در حقیقت شرح احوال خودش بود. عباس اقبال عضو هیچ حزب و دسته سیاسی نشد و زمانی که شنید دوست او استاد بدیع‌الزمان فروزانفر وارد اولین دوره مجلس سنا شده با چند بیت شعر از او انتقاد کرد که بعضی از اشعار او به شرح زیر است.

استاد یگانه‌ای فروزانفر
رفتی به سنا چه کار بد کردی
بودی تو کسی که فضل عالم را
پیوسته به خلق گوشزد کردی
با خیل فرشته همنشین بودی
چون شد که هوای دیو و دد کردی
چون بافتی از هنر همی دیبا
دیبای چرا چنین نمد کردی

در آخر عمرش به سمت وابسته فرهنگی سفارت ایران در ایتالیا منصوب شد. متاسفانه بر اثر کارهای علمی مستمر و خستگی جسمی چراغ عمرش زود خاموش شد و در ۲۱ بهمن ۱۳۳۴ در شهر رم وفات کرد. پیکر او در ۲۸ اسفند از مسجد مجد واقع در چهارراه حسن‌آباد با احترامات کامل و با حضور همه استادان دانشگاه تهران و شخصیت‌های علمی به حرم حضرت عبدالعظیم منتقل و در جوار قبر ابوالفتوح رازی و محمد قزوینی به خاک سپرده شد. در آن روز دکتر بینا استاد تاریخ دانشکده ادبیات و علامه محیط‌طباطبایی در فضایل و مناقب او سخنرانی درخور شأنی ایراد کردند. او زمانی از دنیا رفت که بیش از ۵۰ جلد کتاب را تالیف، تصحیح یا ترجمه کرد و در عرض پنج سال مقالات بسیار ارزنده‌ای در مجله یادگار از خود به یادگار گذاشت که مطالعه آنها در حکم مطالعه کل تاریخ ایران است. عباس اقبال‌آشتیانی معلمی پژوهشگر و در تحقیق چیره‌دست و عالمی بود که ساده‌نویسی را بر هر چیز ترجیح می‌داد. روانش شاد باد.

منابع:
۱- مقدمه کتاب تاریخ مغول که دربردارنده زندگینامه اقبال است، به قلم ایرج افشار
۲- نادره کامران (سوگنامه ناموران فرهنگی و ادبی) ۱۳۸۱- ۱۳۰۴ به کوشش ایرج افشار
۳- مجلدات کامل مجموعه مقالات عباس اقبال به کوشش دکتر دبیرسیاقی
۴- مجلدات کامل مجله یادگار به مدیریت عباس اقبال‌آشتیانی
۵- در مقدمه مجموعه مقالات عباس اقبال، شرح زندگی اقبال نوشته شده است.

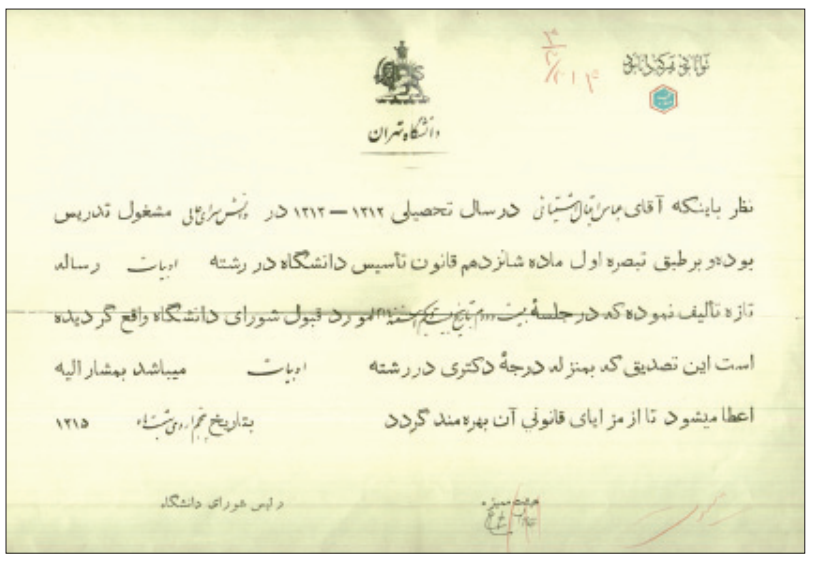

دانشگاه تهران

نظر باینکه آقای عباس اقبال آشتیانی درسال تحصیلی ۱۳۱۲ — ۱۳۱۳ در دانش‌سرای عالی مشغول تدریس بوده و برطبق تبصره اول ماده شانزدهم قانون تاسیس دانشگاه در رشته ادبیات رساله تازه تالیف نموده که در جلسهٔ بیست و سوم شورای دانشگاه مورد قبول شورای دانشگاه واقع گردیده است این تصدیق که بمنزله درجهٔ دکتری در رشته ادبیات میباشد بمشار الیه اعطا میشود تا از مزایای قانونی آن بهره‌مند گردد بتاریخ چهاردهم شهریور ۱۳۱۵

رئیس شورای دانشگاه

گزارش

فرجام این سه تن

درباره کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ تاکنون مطالبی گفته و شنیده‌ایم اما درباره سرنوشت کسانی که در این ماجرا دخالت داشتند، کمتر شنیده‌ایم. یکی از کسانی که در پشت صحنه از گردانندگان موثر کودتا بود، شخصی به نام اسدالله رشیدیان بود که با اشرف پهلوی سر و سری داشت و در پی سازماندهی اوباش و چاقوکشان و بخشی از بازاریان فعال بود. استیون کینزر نویسنده کتاب همه مردان شاه درباره فرجام سرلشگر زاهدی نخست‌وزیر پس از کودتا و رشیدیان و نیز تیمسار نصیری چنین می‌گوید:

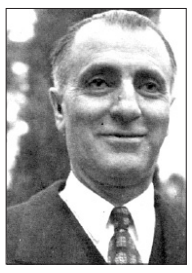

زاهدی

سرلشگر زاهدی، نخست‌وزیری که جانشین مصدق شد، رضایت شاه را با به راه انداختن عملیات سرکوبگرانه علیه ملی‌گرایان و چپ‌گرایان جلب کرد اما طولی نکشید که این دو با یکدیگر مشکل پیدا کردند. زاهدی اعتقاد داشت نخست‌وزیر باید در اداره دولت خود آزاد باشد. شاه جاه‌طلب نتوانست این خط مشی را تحمل کند. فقط دو سال پس از کودتا، او زاهدی را مجبور به کناره‌گیری از قدرت کرد و وی را به عنوان سفیر ایران در مقر اروپایی سازمان ملل متحد در ژنو به خارج از ایران فرستاد. زاهدی در سال ۱۹۶۳ در همان‌جا از دنیا رفت.

رشیدیان

اسدالله رشیدیان که شبکه جاسوسی سیا ستمداران، روزنامه‌نگاران، و سردسته‌های خیابانی وی نقش تعیین‌کننده‌ای را در موفقیت عملیات آژاکس ایفا کرد، در سال‌های پس از کودتا به موفقیت قابل ملاحظه‌ای دست یافت. او و برادرانش در تهران ماندند و فعالیت‌های تجاری وی تحت حمایت شاه به رونق زیادی رسید. منزل وی به محل اجتماع سیاستمداران و دیگر افراد ذی‌نفوذی مبدل شد که ساعات زیادی را در آنجا به بحث در مورد آینده کشور می‌پرداختند. شاه بارها از او به عنوان سفیر مخفی برای رساندن پیام وی به دولت‌های خارجی استفاده کرد. با این حال در اواسط دهه ۱۹۶۰ شاه از حضور چنین شخصیت برخوردار از روابط قوی در تهران احساس ناراحتی کرد، خصوصاً که این شخصیت از اسرار فراوانی اطلاع داشت. رشیدیان متوجه این ناراحتی شد و به انگلستان محبوب خود مهاجرت کرد تا سال‌های باقیمانده عمر را در آنجا به آرامش بگذراند.

نصیری

همه دست‌اندرکاران کودتا آنقدر خوش‌شانس نبودند که دوران بازنشستگی خود را در آرامش به استراحت بپردازند. یکی از آنها که شاه نسبت به وی به شدت ناسپاسی نشان داد، سرلشگر نصیری بود یعنی همان سرهنگی که رهبری کودتای ناموفق اول علیه مصدق را بر عهده داشت و در کودتای موفق دوم نیز نقش مهمی ایفا کرد. در سال‌های پس از شکست مصدق، نصیری وفادارانه به عنوان فرمانده گارد سلطنتی به شاه خدمت کرد. او فرامین شاه را با چنان علاقه و دقتی اجرا می‌کرد که در سال ۱۹۶۵ (۱۳۴۴) به ریاست سازمان بی‌رحم و سرکوبگر ساواک منصوب شد. در این پست، او کثیف‌ترین فعالیت‌های حکومت شاه را بدون هیچ‌گونه اعتراضی برای مدت بیش از یک دهه هدایت می‌کرد. دشمنان شاه جنایات هولناکی را به وی نسبت می‌دادند. هنگامی که فشار مخالفان در اواخر دهه ۱۹۷۰ شدت یافت، شاه سعی کرد با برکنار کردن نصیری آنها را آرام سازد. بعدها شاه ادعا کرد با شنیدن خبر استفاده ساواک از شکنجه، شوکه شده است و دوست قدیمی خود، نصیری را به زندان انداخت. اندکی پس از انقلاب سال ۱۹۷۹، نصیری به مجازات محکوم شد و روزنامه‌های تهران تصاویری از جنازه خون‌آلود وی را به چاپ رساندند.

***همه مردان شاه، استیون کینزر، ترجمه لطف‌الله میثمی، نشر صمدیه**

نکته

شما و تاریخ

ما تاریخی کهن داریم و به درازای آن از رنج‌ها و گنج‌های بیشتری نسبت به سایر ملت‌ها برخوردار شده‌ایم. گنجینه آثار باستانی ما سرمایه ملی غیرقابل تکرار و غیرقابل تولیدی است که در جای‌جای این سرزمین کهن به چشم می‌خورد، درحالی که چندان قدر آن ندانیم و از فرط وفور به چشم‌مان نیاید. از سوی دیگر گذشته پرماجرای ما مشحون از تجربیاتی است که خود چراغی برای ساخت آینده است. اما در این زمینه هم ما نیازمند تلاش بیشتری هستیم. مرور گذشته‌ها و رنج‌هایی که پدران ما کشیدند بی‌تردید می‌تواند ما را در حل مشکلات جاری و آینده یاری رساند. از این رو صفحه تاریخ گر چه مربوط به گذشته است اما بی‌مناسبت با امروز و فردا نیست. ما در سطح ملی نیازمند بازنگری و بازبینی گذشته‌ای هستیم که بر پایه آن باید بناهای تازه را بنیاد نهیم. از این رو صفحه تاریخ به روی همه هموطنان گشوده است تا از تجارب و مطالعات و پژوهش‌های تاریخی شما بهره‌مند شود. طبیعی است نسبت به گذشته نیز نظرگاه‌های متفاوت و گاه متضادی وجود داشته باشد و بی‌گمان در آن زمینه امکان گفت‌وگو و تبادل نظر بیشتر از سایر مسائل فراهم است. مطالب خود را می‌توانید به این ای‌میل ارسال کنید: safhetarikh@gmail.com. منتظر نظریات و انتقادات و آثار مستند شما هستیم.

ورزش

بگذرد این روزگار تلخ‌تر از زهر... ۱۴

لاله‌های نارنجی دوام بیاورید ۱۴

اروگوئه؛ متفاوت‌ترین تیم مرحله نیمه‌نهایی ۱۵

علیپور: فصل قبل ۱۶۸ منشوری داشتیم ۱۶

کدام بازیکن جانشین زیدان می‌شود

سلطان نوزدهم

مهدی زعیم‌زاده

کاکا، کریس رونالدو، وین رونی و لیونل مسی با این امید پا به آفریقای جنوبی گذاشتند که در پایان جام نوزدهم با درخشش در این رقابت‌ها نام خود را در تاریخ جام جهانی جاودانه کنند، اما در شرایطی نیمه‌نهایی جام جهانی ۲۰۱۰ شروع می‌شود که این فوق‌ستاره‌ها در حال سپری کردن دوران استراحت‌شان در مناطق خوش‌آب و هوا هستند. هر چهار بازیکن با ناکامی جام نوزدهم را به پایان بردند و هیچ شانسی برای تصاحب عنوان بهترین بازیکن جام ندارند، البته رونی و رونالدو می‌توانند یک نامزد جدی برای کسب عنوان ناکام بزرگ جام باشند. آنهایی که ازشان انتظار می‌رفت، درخششی نداشتند. در این شرایط چه کسی را می‌توان شایسته تصاحب عنوان بهترین بازیکن جام جهانی ۲۰۱۰ دانست؟

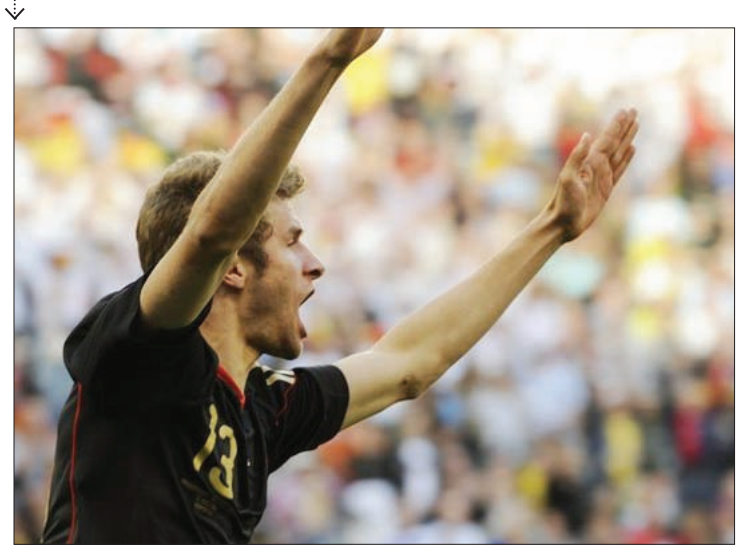

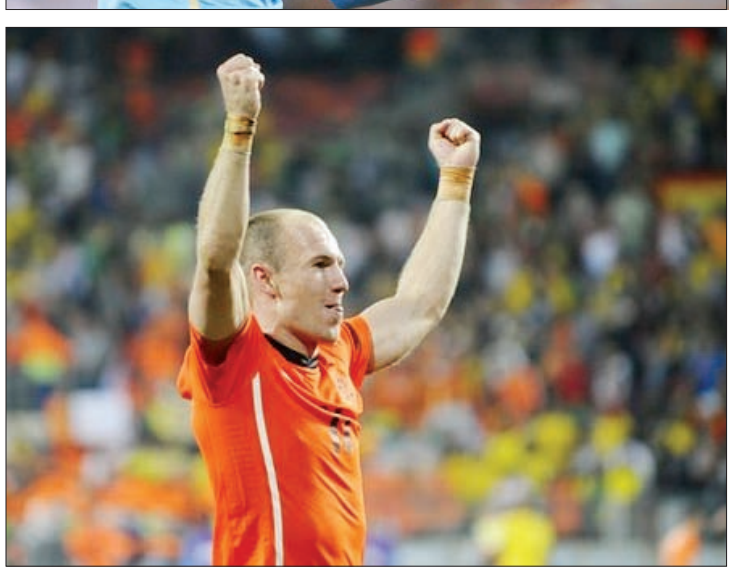

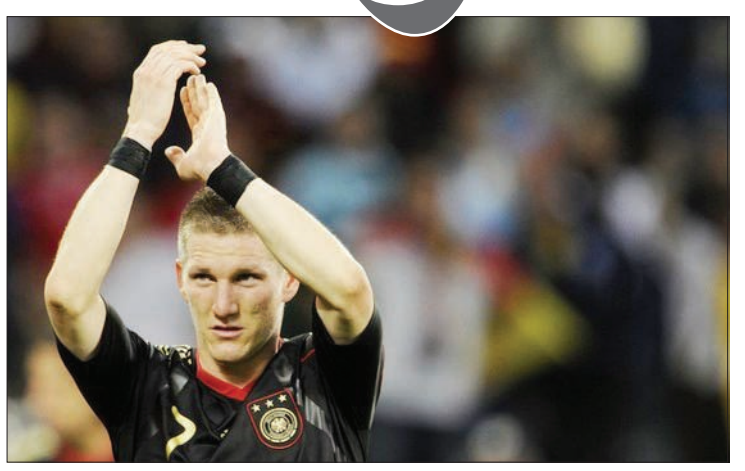

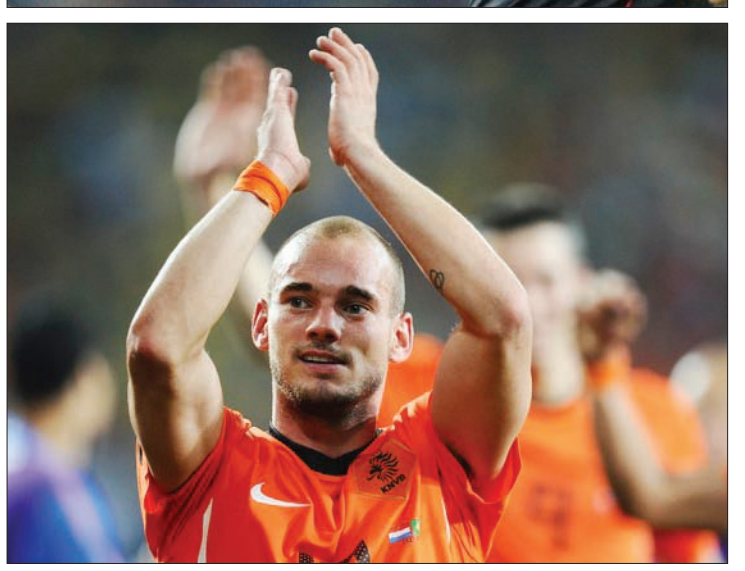

انتخاب‌های حرف و حدیث‌دار

از همان جام جهانی ۱۹۳۰ که ژول ریمه موفق به برگزاری اولین جام جهانی شد، در پایان هر جام یک بازیکن از سوی رسانه‌ها به عنوان بهترین بازیکن جام معرفی می‌شد. البته هرگز یک نهاد رسمی مسوولیت انتخاب بهترین بازیکن را عهده‌دار نبوده و جمع‌بندی کارشناسان طوری بوده که یک بازیکن را به عنوان بهترین بازیکن برمی‌گزیدند. به عنوان نمونه با توجه به بازی‌های خوب پله در جام جهانی ۱۹۷۰ او به عنوان بهترین بازیکن آن جام جهانی شناخته می‌شود و همگان یوهان کرایف را بهترین بازیکن جام جهانی ۱۹۷۴ می‌دانند. از جام جهانی ۱۹۸۲ فیفا با همکاری شرکت «آدیداس» جایزه‌ای را به بهترین بازیکن جام اهدا کرد و جالب اینکه انتخاب‌های فیفا در اکثر مواقع انتخاب‌های حرف و حدیث‌داری بوده و با انتقادهای زیادی همراه شده است. در این سال‌ها همواره آدیداس متهم‌شده در انتخاب‌هایش منافع تجاری‌اش را در نظر گرفته است. در جام جهانی ۱۹۸۲ جایزه آدیداس به پائولو روسی رسید. این درحالی بود که میشل پلاتینی به عنوان بهترین بازیکن آن رقابت‌ها شناخته می‌شود و بسیاری از منابع اعتنایی به انتخاب فیفا نداشتند و پلاتینی را به عنوان بهترین بازیکن ۱۹۸۲ معرفی کردند. در جام جهانی ۱۹۸۶ مارادونا انتخاب دیگری برای تمامی مردم جهان نگذاشت. در جام جهانی ۱۹۹۰ لوتار ماتئوس یک سر و گردن از همه بالاتر بود و هنگامی که از آن جام نام برده می‌شود همه کاپیتان ژرمن‌ها را بهترین بازیکن آن مسابقات می‌دانند. این در حالی است که فیفا و حامی مالی‌اش، آدیداس، جایزه خود را به مهاجم تیم میزبان سالواتوره شیلاچی اهدا کردند! در جام جهانی ۱۹۹۴ نمی‌شد بازیکنی را پیدا کرد که بالاتر از دیگران باشد؛ نه خبری از مارادونای ۱۹۸۶ بود و نه ماتئوس ۱۹۹۰. در این شرایط فیفا روماریوی برزیلی را انتخاب کرد که انتخاب منطقی هم به نظر می‌رسید. در جام جهانی ۱۹۹۸ هم تناقض بین انتخاب فیفا و آنچه سایرین تشخیص دادند وجود داشت؛ فیفا و آدیداس، رونالدو را برگزیدند و اهالی فوتبال زین‌الدین زیدان را بازیکن برتر جام دانستند. در جام جهانی ۲۰۰۲ باز هم انتخاب فیفا زیر سوال رفت. آدیداس جایزه بهترین بازیکن را به اولیورکان اهدا کرد. برزیلی‌ها معتقد بودند از آنجا که این شرکت حامی مالی تیم ملی آلمان است چنین انتخابی انجام داده وگرنه ریوالدو و رونالدو بازیکنان شایسته‌تری برای تصاحب این عنوان محسوب می‌شوند. در جام جهانی ۲۰۰۶ با توجه به بازی‌های به یادماندنی زین‌الدین زیدان در مراحل حذفی جام، آدیداس و فیفا نتوانستند انتخاب عجیب و غریب انجام دهند ضمن اینکه با توجه به اینکه زیدان هم از بازیکنانی بود که با آدیداس قرارداد داشت و هنوز هم دارد، انتخاب مناسبی برای این شرکت به شمار می‌رفت.

هشت نامزد اصلی

در شرایطی که تنها چهار بازی تا پایان جام نوزدهم باقی مانده، انتخاب بهترین بازیکن رقابت‌ها کار ساده‌ای نیست. تا به اینجا چندین بازیکن بودند که خوش درخشیدند اما هیچ یک در حد زیدان ۲۰۰۶ یا ماتئوس ۱۹۹۰ نبودند چه برسد مارادونای ۱۹۸۶ که اتفاقی است تکرار نشدنی. مطمئناً نتایج تیم‌ها در نیمه نهایی و فینال بیشترین نقش را در انتخاب بهترین بازیکن جام خواهد داشت. معمولاً بهترین بازیکن از یکی از دو تیم فینالیست انتخاب می‌شود و ستاره‌هایی که از رسیدن به دیدار پایانی جا می‌مانند این شانس را از دست می‌دهند. با این حال می‌توان پیش‌بینی کرد که این هشت بازیکن در صورت رسیدن تیم‌شان به فینال می‌توانند این عنوان را به خود اختصاص دهند. درخشش در نیمه‌نهایی و فینال کمک زیادی به آنها در راه رسیدن به این هدف خواهد کرد.

مسعوت اوزیل (آلمان): این بازیکن ترک‌تبار بهترین بازیکن تیمش در مرحله گروهی بود و اگر درخشش این بازیکن و گل زیبایش به غنا نبود، شاید آلمان در همان مرحله گروهی با جام نوزدهم وداع می‌کرد. او آنقدر خوب بازی کرد که نشریات آلمانی او را برتر از مسی دانستند. با این حال اوزیل در دو بازی مقابل انگلیس و آرژانتین زیر سایه شواین اشتایگر و مولر قرار گرفت و برای اینکه به شاه‌مهره ژرمن‌ها تبدیل شود باید در این دو بازی بهتر از رقبایش کار کند.

باستین شواین اشتایگر (آلمان): نمایشی که شواین مقابل آرژانتین ارائه کرد، فوق‌العاده بود. او اگر بتواند در بازی با اسپانیا و فینال احتمالی هم این‌گونه بدرخشد به عنوان بهترین بازیکن جام معرفی خواهد شد.

توماس مولر (آلمان): بسیاری از کارشناسان معتقدند این بازیکن تا اینجای جام بهترین بازیکن آلمان و جام جهانی محسوب می‌شود؛ بازیکنی که هم خوب گل زده، هم خوب گل ساخته و حرکات هجومی‌اش کاملاً موثر بوده است. اما مولر جوان یک بدشانسی بزرگ آورده و آن هم این است که بازی با اسپانیا را به دلیل محرومیت از دست داده. غیبت در بازی فردا شانس مولر را برای کسب این عنوان به حداقل می‌رساند مگر اینکه او در فینال جبران کند.

دیه‌گو فورلان (اروگوئه): بازی‌های چشم‌نواز این مهاجم باتجربه تحسین همگان را به همراه داشته و بدون تردید اروگوئه نمی‌توانست بدون فورلان تا نیمه نهایی بالا بیاید. اروگوئه برای قهرمانی همچنان به درخشش مهاجم اتلتیکومادرید نیاز دارد. مطمئناً اگر فورلان در این دو بازی باقیمانده هم مثل بازی با غنا بازی کند و گل‌های سرنوشت‌سازی به ثمر برساند، می‌تواند مهم‌ترین عنوان انفرادی زندگی‌اش را تصاحب کند. البته لوئیس سوارز دیگر مهاجم اروگوئه هم در این جام بازی‌های موثری انجام داد، اما محرومیت سوارز موجب خواهد شد تا همگان فورلان را به عنوان شاه‌مهره اروگوئه بشناسند.

ژاوی (اسپانیا): مغز متفکر اسپانیا در پنج بازی گذشته همانی بوده که انتظارش می‌رفت. با پاس‌های دقیقش به دفعات مهاجمان تیمش را در موقعیت گل قرار داد. اگر ژاوی در دو بازی باقیمانده هم همان بازیساز ماهر بارسلونا باشد و اسپانیا جام را بالای سر ببرد، می‌تواند عنوان بهترین بازیکن تورنمنت را به خود اختصاص دهد، دقیقاً مثل یورو ۲۰۰۸.

داوید ویا (اسپانیا): بهترین گلزن جام نوزدهم با پنج گل خود نقش قابل توجهی در رسیدن اسپانیا تا این مرحله داشته. اسپانیا در آفریقای جنوبی شش گل زده که پنج تای آن توسط ویا به دست آمده است. اگر ویا در ادامه جام همچنان گل بزند علاوه بر تصاحب عنوان آقای گلی، می‌تواند عنوان بهترین بازیکن جام را هم به خود اختصاص دهد.

وسلی اشنایدر (هلند): در جمع بازیکنان هلند اشنایدر موثرترین بازیکن جام تا اینجای کار بوده. چهار گل او باعث شد هلند تبدیل به تیمی شود که تمامی بازی‌های خود را می‌برد. اگر هلند و اشنایدر به این روند خود ادامه دهند، هافبک نارنجی‌ها فصل رویایی خود را تکمیل می‌کند. قهرمانی با اینتر در سه جام و بعد از آن قهرمانی در جام جهانی و کسب عنوان بهترین بازیکن جام جهانی. آیا اشنایدر به آرزوهایش می‌رسد؟

آرین روبن (هلند): مصدومیت روبن در شروع جام جهانی موجب شد او دو بازی اول تیمش را از دست بدهد، با این حال او هنگامی که آماده شد با حرکات ویران‌کننده‌اش ثابت کرد که یکی از بهترین‌های جام است. مطمئناً اگر روبن در دو بازی باقیمانده عامل پیروزی تیمش باشد و نارنجی‌ها به قهرمانی برسند غیبت در دو بازی ابتدایی هم مانع رسیدن او به عنوان بهترین بازیکن جام نخواهد شد.

یادداشت

بیژن ذوالفقارنسب

هلند- اروگوئه

انگیزه تعیین‌کننده است

حضور اروگوئه در نیمه‌نهایی جام جهانی به اندازه خود باعث شگفتی کارشناسان و اهالی فوتبال شده است و حالا احتمال حضور این تیم در فینال مسابقات می‌تواند شوک شدیدی به دنیای فوتبال وارد کند. اروگوئه ضعیف‌ترین تیم در مرحله مقدماتی جام جهانی در بین تیم‌های صعودکننده از منطقه امریکای جنوبی حالا تنها نماینده باقیمانده قاره امریکا در آفریقای جنوبی است. این تیم با حضور سه بازیکن تاثیرگذار و هشت بازیکن فداکار به یک تیم مقتدر تبدیل شده و حالا در آستانه فینال جام جهانی حاضر نیست این افتخار بزرگ را به راحتی از دست بدهد. بازیکنان این تیم می‌توانند خاطرات نسل پرافتخار گذشته را دوباره زنده کنند و با کسب یک پیروزی برابر حریف اروپایی خود به نهایت آرزوی خود برسند. اروگوئه در این جام جهانی با سیستم ۱-۳-۲-۴ به میدان آمد و بازی‌های درخشان سوارز و فورلان فصل نوینی در فوتبال این کشور رقم زد. این تیم از همان بازی اول با تکیه بر کارهای دفاعی و ضدحملات توانست به عنوان تیم اول از گروه خود صعود کند. تاکتیک‌های سرمربی اروگوئه (تاوارز) تا این مرحله جواب داده. شاید بدترین بازی این تیم برابر کره جنوبی بود که با توجه به شرایط آب و هوایی، این تیم تا آستانه باخت پیش رفت. به طور قطع نبود مهاجم شماره ۹ این تیم یعنی سوارز در بازی با هلند می‌تواند برای این تیم دردساز شود. این مهاجم بار تهاجمی تیمش را به دوش می‌کشد و می‌تواند برای مدافعان کند هلند خطرناک باشد. به هر حال با توجه به قدرت اروگوئه بازی سختی در انتظار هلندی است که در این بازی چند بازیکن خوب خود را در اختیار ندارد و با آسیب‌دیدگی فن‌پرسی هم روبه‌رو است. هلند هرچند فوتبال را زیبا بازی نمی‌کند و بیشتر به فکر نتیجه بازی است اما در نحوه بازی‌اش دو نکته مثبت وجود دارد؛ نخست اینکه این تیم تنها تیم این دوره از مسابقات است که انرژی تیمی خود را هدر نمی‌دهد و با ذخیره انرژی کافی در دیدارهای بعدی ظاهر می‌شود. دومین نکته برمی‌گردد به اتحاد تیمی آنها. در سال‌های گذشته شاهد بودیم این تیم دچار درگیری‌های داخلی می‌شد و بین بازیکنان سفید و سیاه این تیم اختلاف وجود داشت. در اوایل اردوی این تیم در آفریقای جنوبی این اتفاقات افتاد، اما آنها واقعاً خوب این قضیه را جمع کردند. هلندی‌ها با داشتن بازیکنانی مثل روبن، اشنایدر، فن‌پرسی و کویت می‌توانند هر تیمی را دچار استرس کنند. مربع قدرت این تیم در خط حمله از آنها تیمی ترسناک درست کرده. حضور این چهار بازیکن در خط هجومی و دفاع کردن هفت بازیکن دیگر، از آنها تیمی دو قسمتی ساخته است که از روح فوتبال هلند که معروف به فوتبال شناور است، دور مانده. هلند همانند اروگوئه با شیوه ۱-۳-۲-۴ به میدان می‌رود و تقابل دو سیستم یکسان شاید باعث افت تاکتیکی و فنی بازی شود. به طور کلی شانس هلند برای حضور در فینال بیشتر از اروگوئه به نظر می‌رسد اما این تیم در دوره‌های گذشته نشان داده انرژی‌اش بدموقعی تمام می‌شود. به هر حال حضور یکی از این دو تیم در فینال می‌تواند کلیشه حضور تیم‌های ایتالیا، برزیل، آلمان، آرژانتین و فرانسه را تمام کند.

یادداشت

مجتبی تقوی

حق هر دو تیم صعود به نیمه‌نهایی بود

تفاوت فوتبال اروگوئه و هلند در این دوره از جام جهانی تنها برتری ذهنی هلند نسبت به اروگوئه است که شاید باعث شود هلند شانس بیشتری برای حضور در فینال داشته باشد. هلند با علم به اینکه شاید هیچ‌گاه به فینال تا این حد نزدیک نبوده (حتی به اندازه جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه) می‌خواهد از این فرصت نهایت استفاده را ببرد. هلند این دوره تمیز و خسیس بازی می‌کند و با صرف کمترین انرژی می‌خواهد بهترین نتیجه را کسب کند. حضور مقتدرانه فن‌بومل در میانه میدان، خط میانی این تیم را قدرتمند کرده است. حضور این بازیکن باعث شد دیگر از آن هلند شکننده و بدون قدرت بدنی خبری نباشد. یکی از ضعف‌های هلند در دوره‌های گذشته تخلیه انرژی در بازی‌های پایانی جام بود اما حضور بازیکنان فیزیکی در این دوره این ضعف را پوشش داده است. حضور یک لوزی در خط حمله که راس پایین آن اشنایدر و راس بالایی آن فن‌بومل است، می‌تواند این تیم را بعد از ۳۲ سال به فینال جام جهانی ببرد. روبن و کویت که تکمیل‌کننده این لوزی هستند، در بازی با برزیل تا حدودی انتظارات را برآورده کردند. این تیم اگر دچار اختلافات همیشگی نشود می‌تواند اروگوئه را پشت سر بگذارد. حضور یک هلند قدرتمند در فینال می‌تواند آن بازی را جذاب کند، اما اروگوئه تیمی نیست که به همین راحتی میدان را برای هلند خالی کند. هر چند اروگوئه در این دیدار بهترین گلزن خود را در اختیار ندارد، اما انگیزه فوق‌العاده این تیم می‌تواند برای هلند دردسرساز شود. اروگوئه بعد از تیم آلمان یکی از تاکتیکی‌ترین تیم‌های جام است و در بازی‌های گذشته نشان داده می‌تواند خیلی خوب بازی‌هایی که به نظر می‌رسد واگذار کرده است، به سود خود برگرداند. بازی دو تیم تقابل دو مربی باتاکتیک و برنامه است. هر دو مربی قدر فرصتی را که در اختیار دارند، می‌دانند. یکی دیگر از شاخصه‌های دو تیم آرامشی است که هر دو تیم دارند که در مراحل گذشته به داد این تیم‌ها رسیده است. به نظرم اروگوئه با حضورش در این مرحله به آرزوی خود رسیده است و حالا می‌تواند با خیال آسوده به مصاف هلند برود. فورلان در این تیم نقشی تعیین‌کننده دارد. اگر او روز خوبش باشد می‌تواند رویای مردان امریکای جنوبی را تحقق ببخشد. به هر حال هر چند پیش از آغاز جام حضور این دو تیم در مرحله نیمه‌نهایی پیش‌بینی نمی‌شد اما با توجه به بازی‌های خوبی که دو تیم به خصوص اروگوئه نشان داده است حق این دو تیم بود تا بعد از سال‌ها، شانس صعود به مرحله فینال را داشته باشند.

خبر

۲۵ بازیکن اعزامی تیم ملی فوتبال به اتریش معرفی شدند

از سوی افشین قطبی سرمربی تیم ملی فوتبال ایران اسامی ۲۵ بازیکن اعزامی به اردوی تدارکاتی اتریش اعلام شد. به گزارش ایسنا سیدمهدی رحمتی، هادی عقیلی، خسرو حیدری، سیدجلال حسینی و احسان حاج‌صفی از تیم سپاهان اصفهان، ایمان مبعلی، فرزاد آشوبی، حنیف عمران‌زاده و میلاد میداوودی از استقلال تهران، شهاب گردان، محمدرضا خلعتبری، سیدمحمد حسینی و قاسم حدادی‌فر از ذوب‌آهن اصفهان، علی کریمی، مهرزاد معدنچی، حسن اشجاری، میلاد زنیدپور از استیل‌آذین، علیرضا حقیقی، هادی نوروزی، غلامرضا رضایی از پیروزی تهران، محمد نصرتی از تراکتورسازی تبریز، پژمان نوری از ملوان بندر انزلی، کریم انصاری‌فر از سایپا، ابراهیم میرزاپور از پیکان و آندرانیک تیموریان (لژیونر) نفرات اعزامی تیم ملی فوتبال به اتریش هستند. این بازیکنان از میان ۳۵ بازیکن قبلی (در تاریخ چهارم خردادماه) برگزیده شده‌اند. بازیکنان انتخابی تیم ملی فوتبال ایران باید ساعت ۲۳ شنبه ۱۹ تیرماه خود را در هتل آکادمی فوتبال به کادر فنی معرفی کنند. اعضای تیم ملی فوتبال کشورمان یکشنبه هفته آینده تهران را به مقصد اتریش ترک خواهند کرد. افشین قطبی سرمربی تیم ملی در این باره گفت: «همان‌طور که پیش از این اعلام شده بود کادر فنی تیم ملی بهترین و آماده‌ترین‌ها را برای اعزام به اردو انتخاب کرده است. ضمن اینکه فرهاد مجیدی به دلیل اینکه مدارک خود را به موقع تحویل فدراسیون نداده، حمید علی‌عسگر به دلیل مصدومیت و مهرداد اولادی به دلیل مشکل نظام وظیفه و خروج از کشور به اتریش اعزام نمی‌شوند. همچنین در پست‌های گوناگون بهترین نفرات به نظر کادر فنی انتخاب شده و اعزام خواهند شد.» این اردو قرار است در منطقه kliening در ۸۰کیلومتری شهرهای gratz و klagenfuet برگزار شود. قطبی بار دیگر تاکید کرد درهای تیم ملی همیشه به روی بازیکنان باکیفیت فوتبال ایران باز است و با توجه به زمان باقیمانده تا مسابقات جام ملت‌های آسیا، آغاز لیگ برتر باشگاه‌های ایران فرصت مناسبی است تا بازیکنان باشگاه‌ها شایستگی خود را برای عضویت در تیم ملی نشان دهند. تیم ملی ایران در جریان اردوی تدارکاتی اتریش دیدار دوستانه‌ای با تیم‌های ستاره سرخ بلگراد، MTK بوداپست و لاتزیو ایتالیا برگزار خواهد کرد و در جهت همکاری با باشگاه‌ها دو روز زودتر از موعد قبلی به ایران باز خواهد گشت.

یادداشت‌های یک معتاد فوتبال – ۲۰

امیر صدری

Kondra1969@yahoo.com

عطر فینال یا بوی کافور؟

واقعاً چند نفر در سرتاسر جهان- اگر فقط دو حق انتخاب داشتند- نام تیم‌های هلند و اروگوئه را به عنوان برگزارکننده‌های یکی از دو دیدار مرحله نیمه‌نهایی جام انتخاب می‌کردند؟ آیا ممکن است در این حدود یک میلیارد نفری که به صورت جدی مسابقات را تماشا می‌کنند (هر کدام بیش از یک‌چهارم کل بازی‌ها را به تماشا نشسته‌اند) یک نفر بوده باشد که چنین پیش‌بینی‌ای انجام داده باشد؟ چند درصد از مردم اروگوئه خودشان را در مرحله نیمه‌نهایی مسابقات می‌دیدند؟ آیا یک اروگوئه‌ای وجود داشته که فکر کند تیمش جایگاهی بالاتر از شیلی و پاراگوئه و حتی آرژانتین و برزیل کسب می‌کند؟ (بگذارید یک جمله از مصاحبه اسکار تابارس دو ماه مانده به شروع مسابقات جام جهانی را نقل کنم: این بار کاملاً به تیمم اطمینان دارم. ما این بار می‌توانیم انتظاراتی را که از ما می‌رود برآورده سازیم و از گروه خودمان صعود کنیم.) دقت کنید، اسکار تابارس هم از صعود از گروه حرف زده بود اما حالا آنها در یک قدمی فینال هستند. حضور اروگوئه و حتی شاید هلند در مرحله نیمه‌نهایی این جام یک شگفتی است. واقعیت این است که حداقل فعلاً نه به اروگوئه علاقه دارم و نه به هلند. از اروگوئه سال‌های نه چندان دور که ترکیبی بود از خشن‌ترین بازیکنان روی زمین به همراه تک‌ستاره‌هایی مثل فرانچسکولی بدم می‌آمد اما این تیم فعلی حداقل تیمی است که کاملاً جوانمردانه و شرافتمندانه، اما نه خیلی زیبا بازی می‌کند، اما برعکس همیشه کششی به هلند داشتم که ستاره‌های جذابی مثل گولیت، فن باستن، برادران دی‌بوئر، اوورمارس و البته برکمپ در آن بازی می‌کردند اما هلند فعلی شباهتی به آن هلندهای دوست‌داشتنی ندارد، و نتیجه این می‌شود که این دیدار نیمه‌نهایی برای من چندان جذابیتی ندارد. حالا دو تیمی قرار است یکی از دو بازی نیمه‌نهایی را برگزار کنند که به تعبیر محترمانه تیم‌های «فرصت‌طلب» و «نتیجه‌گرا» هستند و به تعبیر نه چندان محترمانه تیم‌های «مردرند». آیا این بازی جذاب خواهد شد؟ آیا این بازی خواهد توانست یک بازی رویایی در یادماندنی شود؟ البته قطعاً باید به تیم‌هایی که به مرحله نیمه‌نهایی رسیده‌اند، احترام گذاشت، به‌خصوص به تیم‌هایی که توقع چندانی از آنها نمی‌رفت و بدون اشتباهات آشکار داوری هم به این مرحله رسیده‌اند. هر دو تیم با نفرات دفاعی که سرشناس نبوده‌اند، سدهای دفاعی مستحکمی ساخته‌اند و هر دو تیم از نفرات شناخته‌شده‌تر خود در ساختار هجومی به‌خوبی استفاده کرده‌اند. باید به احترام جنگندگی، سختکوشی، همدلی، هماهنگی و امیدواری تا آخرین ثانیه برای آنها ارزش قائل شد، اما خب می‌توان آنها و فوتبالی را که تاکنون ارائه داده‌اند دوست نداشت. در بازی امشب کفه به نفع نارنجی‌ها سنگینی می‌کند. لوگانو و گودین دو مدافع میانی آبی‌ها احتمالاً در این بازی غایب هستند. فوسیله هم شاید به بازی نرسد و در غیاب این مردان دژ دفاعی اروگوئه رسوخ‌پذیر خواهد بود. در آن‌سو سوارز که یکی از بهترین مهاجمان جام تا اینجای کار بوده هم در میدان نخواهد بود و والتر گارگانو هم همچنان روی نوار بدشانسی است. حالا اروگوئه تقریباً با نیمی از توان واقعی خود به مصاف هلند خواهد رفت. آنها احتمالاً با چهار مدافع ثابت، دو هافبک تدافعی، یک بازیکن دونده بازیساز (لودیرو)، یک بازیکن لب خط (کاوانی)، یک مهاجم کاذب (فورلان) و یک مهاجم نوک (آبرئو) به زمین پای خواهند گذاشت، اما کاوانی در بازی قبل کم‌فروغ بود و آبرئو هم با روزهای اوجش فاصله دارد، پس شاید تنها امید اروگوئه‌ای‌ها به فورلانی باشد که در تمام طول بازی‌ها ستاره تیمش بوده. اروگوئه در غیاب چند ستون تیم احتمالاً کمی محافظه‌کارتر از قبل خواهد بود، اما آیا این عقب‌نشینی آنها به معنای پوست انداختن هلند خواهد بود؟ اما بعید است که فن مارویک تیمش را از حالت محافظه‌کارانه خارج کند. (آنها هم در این بازی دو غایب خواهند داشت.) هلند این بار هم احتمالاً با شش بازیکن تدافعی، سه هافبک متمایل به جلو و یک مهاجم نوک بازی خواهد کرد و باز هم آفلای، بابل و الیا که می‌توانند بازی را زیباتر کنند روی نیمکت خواهند نشست. برنده بازی امشب در عرش سیر خواهد کرد چراکه تجربه‌ای را برای اکثر طرفدارانش رقم خواهد زد که تاکنون تجربه نکرده‌اند. (اروگوئه‌ای‌ها ۶۰ سال و هلندی‌ها ۳۲ سال است که در فینال جام جهانی حاضر نبوده‌اند.) اما بازنده به کجا سقوط خواهد کرد؟

نکته: هلند در هر دو بار آخری که به مرحله نیمه‌نهایی راه یافته به دیدار فینال هم رسیده اما اروگوئه در هر دو بار آخری که به مرحله نیمه‌نهایی رسیده چهارم شده است.

پاسخ: خواننده عزیزی دست به قلم شده و نوشته روزهای اول من (آلمان مدعی؟ فکر نکنم) را مورد لطف قرار داده. واقعیت این است که بعد از آن یادداشت در روندی تدریجی بازی به بازی بهتر شدن آلمان‌ها و روند صعودی بازیکنان این تیم و یکدستی، هماهنگی، همدلی و آمادگی که نتایجی غیرقابل پیش‌بینی را رقم زده، ستوده‌ام، اما همچنان هم بر این عقیده هستم که همین آلمان اوج گرفته را می‌توان از پای درآورد. همچنان بر این اعتقادم که دفاع میانی آلمان امکان سقوط دارد و کلوزه همچنان تا بدل شدن به نوک پیکان تیمی رویایی فاصله دارد و حتی خدیرا و اوزیل هم ممکن است دچار نزول شوند. (بازی اوزیل در مقابل آرژانتین به چشم آمد؟) اما این خواننده محترم به خاطر همان اظهارنظر ناشی از تفکرات آن مقطع دادگاهی تشکیل داده‌اند و من را به «اظهارنظرهای مستبدانه» متهم کرده‌اند (البته همراه با واژگانی مثل متظاهرانه) اما واقعیت این است که صاحب این قلم خود را حتی کارشناس هم نمی‌داند و لفظی که برگزیده «معتاد فوتبال» است و بس، هرچه هم می‌نویسد حس اوست. آیا نوشتن در ستایش کره شمالی و ساحل عاج و بعد مرثیه‌سرایی برای غنا و پاراگوئه و همدلی با ژاپن و الجزایر و کامرون نشانی از استبداد یا تظاهر دارد؟

طنز

امیرقباد فرهی

دزدان دریایی

تیم محل در راه جام 2010

من و تیم فوتبال محل با مدیریت سالار و حمایت مالی صغری برای رسیدن به جام جهانی، مسافران قاچاق کشتی نفتکشی هستیم که سینه آب‌های اقیانوس هند را به سمت جنوب می‌شکافه. بعد از وساطت بواتنگ کاپیتان از خیر تامین غذای کوسه‌ها با گوشت زهرماری من گذشت. در حالی که همه سرگرم بازی بودند و من سرگرم نظافت کشتی، یه لکه سیاه از دور به ما نزدیک می‌شد. یه کشتی بود که دیدنش شوق فرار رو تو دل من زنده می‌کرد... همون طور که هر گردی گردو نمیشه، هر دزد دریایی هم جک گنجیشکه نمیشه. این رو باور کنین. حس من میگه اینا کشتی رو به سمت جنوب دارن می‌برن. این رو با توجه به مختصات خورشید میگم. ولی کاپیتان فکر می‌کنه داریم به سمت شمال حرکت می‌کنیم. من هم میگم قبوله. اینجا دیگه همه با هم برابریم. هر چند بقیه از من برابرترن. واسه همین من الان دارم کف سلول رو تمیز می‌کنم و بقیه کاسه چه کنم دستشون گرفتن و چاره‌جویی می‌کنن. هنوز نفهمیدین چی شد؟ بابا اون لکه سیاهی که هی نزدیک می‌شد و هیشکی جز من نمی‌دیدش، همون کشتی‌یه که من می‌خواستم از دست بقیه به اون پناهنده بشم. دزد دریایی بودن. از اون زبون‌نفهم‌هاش. اینجا حتی شکلک‌های سالار هم جواب نداد. یعنی دیگه هیچی جواب نمیده. من نمی‌دونم اینا این همه نفت خام میخوان چی کار. فکر می‌کنم کشتی رو به سمت جزیره‌ای، جایی ببرن و مطمئنم اگه صدام دربیاد این بار دیگه بی‌شک خوراک کوسه‌ها شدم. صغری خانوم اسپانسر محترم تیم محله که همه تلاش‌ها رو در معرض خطر می‌بینه یه حالت بیچارگی قشنگی به خودش گرفته که دلم داره حال میاد. شبنم یه میخ دستش گرفته داره رو اعصاب همه راه میره. میخواد رو دیوار کشتی با میخ بولتن منتشر کنه. یعنی من موندم این آدم کجاست، ما کجاییم. در هر شرایطی رسالت حرفه‌ای خودش رو باید انجام بده. سالار می‌خواست بچه‌های تیم فوتبال محل رو یه گوشه جمع کنه تا در مورد تاکتیک احتمالی تیم در روز فینال جام جهانی براشون صحبت کنه، ولی آنقدر گنده تشریف دارن که هیچ گوشه‌ای جا نشدن. واسه همین بقیه یه گوشه جمع شدیم که اونا راحت باشن. صدرا هکر تنها آدمیه که تو این جمع به فکر فراره و داره میله‌های سلولش رو چک می‌کنه. هر چند اگه با اون اندام لاغرش یه خرده تلاش کنه، همین جوری هم می‌تونه از لای میله‌ها بیرون بیاد. کاپیتان قهرمان نفتکش خودش رو بد باخته و تو گوشه‌ترین نقطه ممکن داره سگ‌لرزه می‌زنه؛ بواتنگ و بچه محلای غنایی‌اش هم دارن یه سری مناسک ویژه قبیله‌شون رو اجرا می‌کنن. از وقتی شروع کردن دریا توفانی شده. رئیس دزدای دریایی اصلاً اون شکلی که فکر می‌کنین نیست. نه چشم‌بند داره؛ نه روی کلاهش اسکلت زده؛ اصلاً از اون کت سورمه‌ای‌ها هم تنش نیست. یه پیرهن چهارخونه قهوه‌ای خیلی شلخته پوشیده. نه اتو داره، نه تمیزه. نصفاش هم از شلوارش زده بیرون. لعنتی با اون هیکل زشت و تیپ بدش آبروی هر چی دریانورد رو برده. اگه عادل فردوسی‌پور اینجا بود قطعاً می‌گفت: «تیپ این یارو از کارلوس دونگا هم بدتره». مردک دیلاق اومده بود پایین یه سر به زندانی‌های عجیب‌اش بزنه و سوسن خانوم سعی کرد یه خرده با ناز و اداهایی که از یه پیرزن ۷۰ساله برمیاد، نرمش کنه؛ ولی فکر کنم احساس می‌کرد یه پشه‌ای، چیزی داره وزوز می‌کنه. هر چند آدم بی‌کمالات و بی‌توجهی به نظر میاد، ولی به نظرم شخصیت‌اش شکل یافته‌تر از کاپیتان نفتکش خودمونه. الان حال هیچ کس بدتر از صغری نیست. اونم به خاطر اینکه احیاناً برخلاف محاسباتش نه تیم می‌رسه ژوهانسبورگ، نه به اون اسد اگزخره می‌رسه. ضمن اینکه بازی آلمان - اسپانیا رو هم قطعاً نمی‌تونه ببینه. وای یاد این اسد که می‌افتم واقعاً حس می‌کنم با تمام ملو بودن و این روحیه اهل مسامحه‌ای و افکار جهانشمولی‌ای که از من سراغ دارین، می‌تونم همین الان گردنش رو بشکنم. پیرمرد خالی‌بند دیوانه ببین ما رو با این برنامه‌ریزی‌هاش به چه بدبختی و فلاکتی انداخته. کاش لااقل می‌دونستم کشتی رو دارن به کدوم سمت می‌برن.

داستان شکل‌گیری دومین بازی یک‌طرفه تاریخ یک‌چهارم نهایی

بگذرد این روزگار تلخ‌تر از زهر...

محمدجواد روح

لابد با دیدن تیتر بالا و شاید امضای نویسنده، با خود گفته‌اید این مطلب اینجا چه می‌کند؟ سیاسی است؟ پس باید جای دیگری می‌آمد، صفحه دیگری، ستون دیگری، خلاصه هر جای روزنامه، جز این صفحه و این ستون (شاید هم، اصلاً نباید می‌آمد!) اما این موضوع ناتمام، فی‌الذات شعری است برآمده از اشعاری که در متن سیاسی روزهای انقلاب معنی داشت. معنایی که امید، حرکت و برخاستن را نوید می‌داد. برخاستن از زیر آوار. گفتم: «آوار». اگر در یکی از روزنامه‌های ورزشی، کاره‌ای بودم، حتماً بعد از شکست آرژانتینی همچنان بزرگ و محبوب و خش بر داشتن چهره اسطوره بی‌بدیل «دیه‌گو آرماندو مارادونا» تیتری بهتر و گویاتر از «آوار» نمی‌یافتم؛ آواری که نه‌تنها بر مارادونا و مسی و تبس و ماسکرانو که بر همه دوستداران آنها، عاشقان آبی و سفیدپوشان خورشید در دل آلبی سلسته خراب شد. آواری چنان مهیب که حتی اشک را هم به چشمان نمی‌آورد. همان طور که مارادونای بزرگ برخلاف شکست پیشین‌اش از آلمان‌ها – همان فینال لعنتی و مافیایی ۹۰ ایتالیا – اشکی به چشمانش نیامد. همان‌طور که دوربین بر چهره مسی دوست‌داشتنی و ماسکرانو توانمند زوم می‌شد و اشکی نمی‌یافت. دو جام پیش، وقتی آرژانتین بهترین نتیجه ۲۰ سال اخیر خود را گرفت و در جام جهانی ۲۰۰۲ کره – ژاپن (مسخره‌ترین جام جهانی این دو دهه) نتوانست از گروه مرگ بالا بیاید و سوئد و (بدتر از آن) انگلیس‌ها را بالای سر خود دید، پژمان راهبر عزیز در «جهان فوتبال» تیتر «گریه کن، آرژانتینی‌ها، گریه کن!» را برگزید. با اشک‌هایی از باتیستوتای مظلوم؛ همان اسطوره توانایی که از بدشانسی و مظلومیت نه سن و سالش به دوران حضور مارادونای بزرگ می‌خورد تا چون بوروچاگا و والدانو و کانیگیا (راستی «کانیگیا»بود یا «کانی‌چیا»؟!) در قهرمانی‌ها و فینال رفتن‌ها شریک شود و نه به دوران ریکلمه و سورین تا یار آنها شود و جام را در ۲۰۰۶ آلمان از دست ندهند.

آری، اشک ریختن هم دل خوش می‌خواهد. می‌شد در ۲۰۰۲ گریست، همچنان که مارادونا در ۱۹۹۰ آن اشک‌های تاریخی را آفرید. اما در برابر آوار، اشک هم کاری نیست. راستی دیده‌اید پدری در حالی که جنازه فرزندش را از زیر آوار زلزله بیرون می‌کشد، بگرید؟ من که ندیده‌ام. شاید عکاسان و ناظران در آن صحنه‌های مهیب دیده باشند، اما بعید می‌دانم. آوار ناگهانی، جز بهت پاسخی ندارد. آری، اشک ریختن هم دل خوش می‌خواهد و البته، در برابر آوار، دل خوش سیری چند؟ آنچه بر آرژانتین در مصاف آلمان گذشت، آوار بود، نه شکست. چرا؟ چون این بار، برخلاف ۱۹۹۰ ایتالیا و ۱۹۹۴ امریکا، نمی‌شد و نمی‌شود دست مافیا را دید. اصولاً حرف زدن از «توطئه» در برابر این آوار، «تحلیل لایتچسبک» است، از آن قیاس‌هایی است که به قول مولانا «خنده آید خلق را»! این بار نه هاوه‌لانژی در میان است و نه مافیایی و نه آزمایش دوپینگی در کار است و نه پنالتی سفارشی. حتی تیم حریف و مربی درخور ستایش آلمان‌ها هم، چندان در این آوار نقشی ندارند. درد آنجاست که این شکست، برآمده از خویش است و ریشه در اشتباه و راه بیراهی دارد که آبی و سفیدها پیمودند. راحت‌تان کنم. درد آنجاست که مارادونای بزرگ، یگانه آرژانتین، او که آفتاب پرچم آلبی سلسته به خاطر او برای جهانیان آشناست، عامل اصلی و بهتر بگویم تنها عامل این آوار است. دردی از این بزرگ‌تر، برای آرژانتینی‌ها ممکن و متصور بود؟ مارادونا، اسب تراوای آلمان‌ها بود!

■■■

نمی‌خواستم وارد بحث فنی شوم. نه به این دلیل متواضعانه که «بحث فنی کار من نیست» یا «کارشناسان محترم باید در این مورد نظر دهند» (مثل برخی گزارشگران تلویزیون‌مان که هنگام گزارش بازی، چنان حکمی در مورد تصمیم داوری می‌دهند که کارشناس مادرمرده داوری، بعد از پایان بازی حتی اگر نظر دیگری هم داشته باشد، جرات گفتنش را پیدا نمی‌کند و البته گزارشگر عزیز هم بلافاصله بعد از حکم قطعی خود، می‌گوید: «کارشناسان محترم داوری باید نظر دهند!»)

داشتم می‌گفتم که نمی‌خواستم وارد بحث فنی شوم و دلیلش هم تواضع و «خودکارشناس‌نابینی» (عجب ترکیبی!) نبود بلکه به این دلیل که فکر می‌کردم چنین فاجعه و آواری، جای بحث و کارشناسی ندارد اما وقتی دیدم دلیل باخت در خود آرژانتین و ضعف‌های آشکار تاکتیکی‌اش ریشه داشت، بد ندیدم به مواردی اشاره کنم، گرچه قطعاً دیگران هم به این موارد یا مواردی مشابه پرداختند.

■■■

قبل از بررسی ایرادهای تاکتیکی و اشتباه‌های مارادونای بزرگ باید نکته‌ای را بگویم. راستش از قبل انتظار چنین شکستی را داشتم. حتی در روزهایی که با آرژانتین و بردهای پیاپی آن روی آسمان‌ها سیر می‌کردم، انتظار داشتم که به زودی زمین بخوریم، البته نه چنین زمین‌خوردنی که آسمان و زمین بر ما و مارادونا و آرژانتین آوار شود.

از قبل انتظارش را داشتم چون می‌دانستم مارادونا هرچند هم بزرگ، مربی توانمندی نیست و شاید هم اصلاً مربی نیست (که نبود). مارادونا یک اسطوره است و یک معجزه‌گر اما معجزه‌های او در زمین اتفاق می‌افتاد، نه در نیمکت و رختکن. فکر می‌کنم خود مارادونا هم این واقعیت را می‌دانست. همان طور که بعد از بازی مکزیک هم اشاره کرد: «دلم می‌خواست لخت می‌شدم و به زمین می‌رفتم.» جمله‌ای که برای ما ایرانی‌ها چندان هم ناآشنا نیست. چند باری مشابهش را از علی پروین شنیده‌ایم؛ آن روزها که در پایان سال‌ها پیروزی و جام‌آوری با پرسپولیس به بن‌بست خورده بود و چپ و راست معدنچی بیچاره را متهم می‌کرد؛ همان معدنچی‌ای که وقتی پروین رفت و آری‌هان آمد، ستاره قرمزها شد. گویی، پشت جمله «دلم می‌خواست لخت می‌شدم و به زمین می‌رفتم»، اقرار مارادونا و پروین به ناتوانی‌شان روی نیمکت را باید شنید. مارادونا در همان بازی مکزیک هم به بن‌بست خورده بود. اگر آن گل آفساید و آن شانس‌های آبی و سفیدها در دقیق اول بازی و به تیر خوردن شوت‌های بک چپ مکزیکی‌ها نبود، شاید مرحله‌ای قبل‌تر به خانه برمی‌گشتیم و این آوار را تجربه می‌کردیم.

بله، انتظار شکست را داشتم. گویی، کسی می‌گفت: «دیر و زود دارد اما سوخت و سوز نه» همان کس که پیش‌بینی‌اش مانند اختاپوس آلمانی درست بود، وقتی له شدیم، گفت: «دیدی گفتم.»

شاید همین انتظار شکست بود که باعث شد بعد از آن آوار، چندان ناراحت نشوم. مثل زلزله‌زده‌ای که خانه‌ای با پوشال ساخته و خرابی آن را انتظار می‌کشد و وقتی بر سرش آوار می‌شود، تعجب نمی‌کند.

بگذارید یک بار دیگر به حاشیه بروم و قبل از نقد فنی واقعیتی را بگویم. چهار سال قبل که در همین مرحله و باز هم به دست ژرمن‌ها و البته نه به این شکل تحقیرآمیز حذف شدیم، بسیار بیشتر از این بار ناراحت شدم چراکه در آن بازی و آن دوره، آرژانتین (اگر نگویم از «همه تیم‌ها») دست کم از آلمان سرتر بود. چهار سال پیش در حالی که ۱۰ دقیقه تا حذف ژرمن‌ها فاصله داشتیم، به اشتباه پکرمن و بیرون کشیدن ریکلمه باختیم اما این بار ما تیمی ازهم‌گسیخته و از پیش‌باخته بودیم که جز با معجزه و اتفاق نمی‌توانست از سد رقیب بابرنامه و سازمان‌یافته بگذرد و واقعاً چنین شکستی ناراحت‌کننده‌تر است یا بردی که به خاطر لحظه‌ای غفلت و تصمیمی اشتباه به باخت تبدیل شده است؟

نام ریکلمه را آوردم. بهتر است بحث فنی و پرسش‌های صریح‌مان از مارادونای بزرگ را از همین جا آغاز کنیم. ریکلمه کجا بود؟ می‌گویند: «خودش نیامد؟» چرا؟ «با مارادونا مشکل داشت.» پرسش من این است که اگر بزرگی مارادونا به این کار نیاید که همه ستارگان آرزوی بازی زیر دستش را داشته باشند پس به چه کار می‌آید؟ آیا وقتی در آرژانتین مارادونا بازیکن را دعوت می‌کند، او باید جرات کند و جواب منفی دهد؛ حتی اگر ریکلمه‌ای باشد که پیراهن شماره ۱۰ آلبی سلسته بعد از مارادونا در این ۱۶ سال بیش از همه به قد و قواره و هوشمندی او می‌آمد؟ از ریکلمه بگذریم و بار دیگر خط هافبک آبکش و متزلزل آرژانتین را بنگریم. فرض کنیم نیامدن ریکلمه منطقی بود. مثلاً بگوییم «ابهت مارادونا خدشه‌دار می‌شد اگر از او خواهش می‌کرد.»

(گرچه حاصل نیامدن ریکلمه آواری بود که به‌زعم مخالفان آرژانتین و هم‌صدایان پله چیزی از مارادونا باقی نگذاشت.)

داشتم می‌گفتم از ریکلمه بگذریم. کامبیاسو چرا نبود؟ حذف او که دیگر تصمیم مارادونا بود. کامبیاسو نیامد که چه بشود؟ که ماسکرانو در خط هافبک یکه و تنها بماند؟ بیچاره در برابر شواین اشتایگر و مسعوت اوزیل و توماس مولر چه می‌توانست بکند؟

از آن جالب‌تر می‌گویند مارادونا، کامبیاسو را خط زد و چندان از نیامدن ریکلمه ناراحت نشد.

پس، ورون کجا بود؟ او باید ۹۰ دقیقه روی نیمکت سماق می‌مکید و افرادی را می‌دید که در خلاء هافبکی همچون او، تا پشت هجده قدم خودشان برمی‌گشتند و توپ می‌گرفتند و تا پشت هجده قدم حریف می‌دویدند؟ واقعاً، چرا ورون نبود؟

سوال بعدی: خاویر زانتی چرا حذف شد؟ مارادونا او را نیاورد تا جام جهانی را اردوی آمادگی همین مدافع راستی کند که هنوز هم اسمش را یاد نگرفته‌ام. اوتامندی؟ همان که هر چهار گل آلمان‌ها از سمت او اتفاق افتاد. اصلاً زانتی به درک، شاید مارادونا مانند علی دایی که چشم دیدن بزرگان را در تیم ملی ایران نداشت، نمی‌خواسته زانتی را به آفریقای جنوبی ببرد. شاید فکر می‌کرده او دیگر پیر شده و توان بازی ندارد. شاید می‌خواسته بازوبند را به ماسکرانو بدهد و زانتی برخلاف ورون و هاینتزه حاضر نشده در تیمی بازی کند که کاپیتانی ۱۰ سال جوان‌تر از او دارد. اما بازِ چه دلیلی داشت که «اوتامندی» بازی کند و مثلاً رودریگرز بک راست نباشد؟

نکته بعدی، دفاعی است از مسی. چه کسی می‌گوید او در جام جهانی ندرخشید؟ آیا ملاک درخشیدن، گل زدن است؟ مسی چه گناهی داشت که وقتی او شوت می‌زد، یا دروازه‌بان حریف «یاشین» می‌شد یا تیر دروازه جلویش می‌ایستاد. اما نوبت به هیگواین که می‌رسید، خودش می‌ماند و دروازه خالی. یا نوبت تبس که می‌شد شوتش از ۴۰ متری به تور مکزیک می‌نشست. از همه جالب‌تر گل پالرمو به یونان بود که دروازه‌بان شوت مسی را آن شکلی ناکام گذاشت تا توپ جلوی پای پالرمو بیفتد و این یکی که کلاً ۱۰ دقیقه هم در جام بازی کرده بود، اسمش وارد فهرست گلزنان شود.

بله. داشتم از مسی می‌گفتم. این روزها، نام او را در کنار امثال رونی، تورس، رونالدو و کاکا به عنوان «ستاره‌های ناکام جام» می‌آورند. اما آیا واقعاً مسی با آنها یکی بود؟ نه. او نه مثل رونی، تورس و کاکا بیکاره‌ای در زمین بود و نه مثل کریستیانو رونالدو، تک‌ستاره‌ای مغرور و ناتوان در تیمی که پتانسیلش بیشتر از حضور در دور دوم نبود.

مسی هم قربانی مارادونا شد. شاید به این خاطر که از بس او را با مارادونا مقایسه کرده بودند، خود مارادونا هم باورش شده بود که مسی باید جانشین او باشد و نقشی را که او استادانه در آرژانتین بازی می‌کرد، عهده‌دار شود. در حالی که مسی، مارادونا نیست. مارادونا یک رهبر در زمین بود و پست تخصصی‌اش هم، هافبک بازیساز تهاجمی؛ پستی که در میان آرژانتینی‌های امروز، تنها لایق ریکلمه است و نه مسی. مسی می‌توانست فوروارد نوک یا دست‌کم بازیکنی آزاد در خط حمله باشد. شبیه نقشی که تبس داشت و شاید، خوب بود هر دو آنها چنین نقشی بازی می‌کردند تا مدافعان حریف راهی برای کنترل آنها نداشته باشند. اما پشت سر آنها، بازیکنی بازیساز چون ریکلمه –یا دست کم، ورون – لازم بود نه اینکه مسی در پست مارادونای ۸۶، ۹۰ و ۹۴ بازی کند.

پرسش‌هایم را با سوالی درباره مارادونا پایان می‌دهم. البته هنوز یک سوال برایم باقی است که می‌ترسم آن را بپرسم چراکه خدشه‌ای بزرگ‌تر است به چهره مارادونا و درک حداقلی او از فوتبال. چون باورم نمی‌شود او حتی چنین مساله پیش‌پاافتاده‌ای را ندانسته باشد. با این حال می‌پرسم. وقتی بچه بودیم و در محلات فوتبال بازی می‌کردیم، هیچ برنامه تاکتیکی نداشتیم اما وقتی به یک حریف می‌رسیدیم، می‌گفتیم: «فلانی، فلان بازیکن را بگیرد.» منظورمان بازیکنانی بود که یا محوری بودند یا گلزن. بر اساس همین دستور تاکتیکی معروف هم (اگر بشود نامش را «دستور تاکتیکی» گذاشت!) لطیفه معروفی میان ایرانی‌ها هست که «مارادونا را ول کن، غضنفر را بچسب!» وقتی بازی آلمان را می‌دیدم، با خودم می‌پرسیدم: «واقعاً مارادونا کسی را مامور مهار شواین اشتایگر و میروسلاو کلوزه نکرده؟» یعنی اینقدر تیم بی‌برنامه است؟ متاسفم که بگویم ظاهراً پاسخ مثبت بود. هیچ کس کاری به کلوزه و اشتایگر نداشت. شاید باید با خود می‌گفتیم: «یواخیم لو را ول کن، مارادونا را بچسب!»

حاشیه

خواسته‌های غیراخلاقی کول در اردوی سه‌شیرها

سایت گل: روزنامه ساندی میرور روز گذشته گزارشی را منتشر کرده که خبر از ادامه رسوایی‌های اخلاقی اشلی کول می‌دهد. خانمی که خواست هویتش فاش نشود، در گفت‌وگو با این روزنامه اعلام کرد: «واقعاً نمی‌توانم باور کنم کسی که در مهم‌ترین تورنمنت زندگی‌اش قرار دارد، چطور می‌تواند زمان زیادی را به مسائل غیراخلاقی فکر کند. او در طول روز، چندین اس‌ام‌اس برایم ارسال می‌کرد و از من می‌خواست برایش عکس‌هایی غیراخلاقی ارسال کرده و با او به مکالمه تلفنی بپردازم.» این خانم ادامه داد: «روز بازی انگلیس مقابل امریکا بود که کول همچنان به ارسال این اس‌ام‌اس‌های غیراخلاقی ادامه می‌داد و از من می‌خواست عجله کنم که من پاسخ پیغام‌های او را ندادم. به نظر می‌رسد در فکر او مسائل و مکالمات غیراخلاقی بیش از مسابقه فوتبال موج می‌زند.» تیم ملی انگلیس هم مقابل امریکا نمایش بسیار ضعیفی را به اجرا گذاشت. اولین اس‌ام‌اس کول به این مدل صاحب نام، روز بیست و نهم مه و در حالی که انگلیس در کمپ تمرینی اتریش بود، ارسال شد. کول شماره این خانم را از یکی از دوستانش گرفته بود و در این اس‌ام‌اس نوشته بود: «سلام. من، اش هستم. حالت خوبه؟»

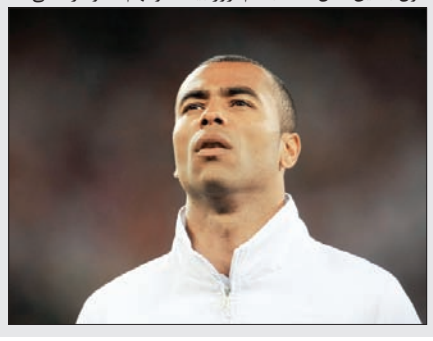

روز بعد و زمانی که اشلی کول برای دیدار دوستانه مقابل ژاپن در ترکیب تیم برگزیده شده بود، این خانم جواب اس‌ام‌اس را داد و از همان لحظه بود که اشلی کول باران پیغام‌ها و درخواست‌های غیراخلاقی‌اش را آغاز کرد. او در طول کمتر از یک ماه ۱۳۹ اس‌ام‌اس برای این خانم ارسال کرده و این خانم در این رابطه گفت: «وقتی من پیغام اول را گرفتم که فرد خود را اش معرفی کرده بود، اصلاً باورم نمی‌شد که او اشلی کول باشد. من جواب دادم تا ببینم که او کیست ولی او در ابتدا خودش را معرفی نمی‌کرد. می‌دانستم یکی از دوستان من با اشلی کول آشناست و از همین رو شک کردم که شاید او باشد ولی او از ارسال عکسش برای من امتناع می‌کرد. او در نهایت این کار را انجام داد و من واقعاً شوکه شدم. در ابتدا فکر می‌کردم که این مزاحمت برای خنده است ولی بعد از دریافت درخواست‌های کول برای ارسال عکس‌های غیراخلاقی بیش از حد متعجب شدم. واقعاً نمی‌خواستم این کار را بکنم چون اصلاً با این کار موافق نبودم و نمی‌خواستم که فرد غریبه‌ای عکس مرا در موبایلش داشته باشد. از همین رو چند عکس در اینترنت یافتم؛ عکس‌هایی که چهره فرد مشخص نبود و آنها را برای کول ارسال کردم. وقتی جواب اس‌ام‌اس‌های او را نمی‌دادم، او دائماً با ارسال صورتک‌هایی از من می‌پرسید چرا؟» او در بخش پایانی صحبت‌هایش گفت: «به نظر می‌رسید کول در اردوی تیمش در جام جهانی به شدت تنها و کلافه بود و هیچ کار دیگری به جز بازی کردن با موبایلش و فکر کردن به اینکه از موبایلش چه استفاده‌ای می‌تواند بکند، نداشت.»

پیش‌بازی

سعیده مهتدی

لاله‌های نارنجی دوام بیاورید

اولین بازی مرحله نیمه‌نهایی جام نوزدهم را هلند و اروگوئه برگزار خواهند کرد. ظاهراً هلند در مصاف با اروگوئه نبرد دشواری نخواهد داشت، چرا که آنها حریف سرسختی به نام برزیل را که فقط برای بردن جام به آفریقای جنوبی آمده بود قربانی کردند. برت فن مارویک سرمربی نارنجی‌ها از این پیروزی خوشحال است، اما تجربه بالایش به او می‌گوید مواظب اروگوئه باشد. او با هشدار به بازیکنانش درباره بازی این مرحله، به آنها گفت: «طبیعتاً از برد برابر برزیل خرسندم اما دیگر نمی‌توانیم روی این موضوع مکث کنیم و تمام مدت به شادی بپردازیم. بازی با اروگوئه بازی خطرناکی است زیرا بازیکنانش بسیار جنگنده‌اند و هنرمندان متبحری هستند. هنوز به هدف‌مان نرسیده‌ایم و نقطه اوج بازی‌ها فرا نرسیده است. ما برای یک منظور به جام جهانی آمده‌ایم؛ می‌خواهیم قهرمان شویم.» او در این مسابقه گرگوری فن درویل و نایجل ده یونگ را به دلیل دو کارته بودن دراختیار ندارد، اما با آماده شدن یوریس ماتیسن برای این بازی

امیدهایش جان گرفته‌اند، البته خالد بولاهروز و دمی‌دی‌زیو جانشینان قابل اطمینان برای غایبان او محسوب می‌شوند. مارویک می‌داند شاید هیچ زمان به اندازه حالا تیمش پتانسیل لازم برای قهرمانی را نداشته، اصلاً او دو سال قبل که تیم ملی را با ستاره‌هایش تحویل گرفت سودای قهرمانی جهان را در سر داشت. هلند از سال ۱۹۷۸ تاکنون نتوانسته به فینال جام جهانی برسد و باید از حضور پدیده‌هایی چون وسلی اشنایدر، رابین فن‌پرسی و مارک فن بومل و به‌خصوص آرین روبن نهایت استفاده را ببرد. نسل جدید فوتبال هلند می‌خواهند به رغم عمر کوتاه لقب‌شان، لاله‌های نارنجی، در تاریخ کشورشان جاودانه شوند. فرانک دی بوئر بازیکن سابق تیم ملی و کمک‌مربی کنونی هلند هم از یک انقلاب جدید در تیم صحبت می‌کند و می‌گوید: در یورو ۲۰۰۸ نیز بازی‌های خوبی را ارائه کردیم؛ برد سه بر صفر برابر ایتالیا، چهار بر یک مقابل فرانسه، ولی مقابل روسیه باختیم. اما حالا تیم‌مان پخته‌تر شده و از درون نوسازی شده است. با این حال هلند به رغم بازی‌های نه‌چندان جذاب راه منطقی را برای رسیدن به هدفش در پیش گرفته و تاکنون پنج پیروزی را در جام جهانی تجربه کرده است. درک کویت ستاره هلندی لیورپول هم با ایمان به قدرت تیم کشورش در این باره گفت: در تیم ما توانایی‌های زیادی نهفته است. همگان تغییرات ما را نسبت به دوره قبل متوجه شده‌اند. با اروگوئه چنان بازی خواهیم کرد که انگار آخرین بازی عمرمان است. حیف است هلند به فینال نرسد، قاتل مدعی اصلی جام جهانی راه چندان آسانی را پشت سر نگذاشته است. روبن و دوستانش اگر حالا به عنوان قهرمانی جهان دست پیدا نکنند پس چه زمانی می‌توانند دوباره این شانس را به دست آورند.

**منبع:

یادداشت

هلند با آرامش و انضباط فینالیست می‌شود

● جیسون برت-تلگراف

هلندی‌ها خودشان از همه بهتر می‌دانند که در این تیم آرامش وجود ندارد. در این تیم همیشه دودستگی و مشاجره وجود داشته است. اما فن مارویک جوری این مجموعه را سر و سامان داده که تا اینجای کار را با موفقیت پشت سر گذاشته‌اند. آنها حالا باید با اروگوئه بازی بکنند و می‌دانند به اولین فینال‌شان بعد از ۱۹۷۸ نزدیک هستند. مربی ۵۷ ساله هلند می‌گوید: «اگر واقعاً می‌خواهید چیزی را به دست بیاورید باید عمیقاً به آن ایمان داشته باشید. گفتنش راحت است اما اینکه واقعاً بخواهید به آن عمل کنید چیز دیگری است.» این مربی که قبلاً در فاینورد کار می‌کرد بعد از مسابقات یورو جانشین مارکو فن باستن شد تا دو چیز را در تیم ملی هلند درست کند؛ اول جنگ‌های داخلی را تمام کند و دوم اینکه خط دفاعی تیم را مستحکم کند چرا که به نظر می‌رسید مشکل اصلی هلند در یورو دفاعش باشد. این تیم نه‌تنها بهترین تیم هلندی که در رقابت‌ها حضور داشته نیست، بلکه حتی فوتبال جذابی هم ارائه نمی‌دهد، اما بازیکنانش در تمام خطوط فوتبال یکدستی ارائه می‌دهند. وسلی اشنایدر آنقدر در خدمت تیم بازی می‌کند که ازکریستیانو رونالدو و مسی، بهترین بازیکنان اروپا در سال‌های اخیر پیشی گرفته است. او که یکی از ارکان اساسی قهرمانی اینتر در لیگ قهرمانان اروپا بود، تبدیل به بازیساز در فوتبال مدرن شده است، به طوری که نمی‌توان گفت این بازیکن مهاجم است یا هافبک. او هم در تیم باشگاهی‌اش در فصلی که گذشت عالی بازی کرد و هم در جام جهانی وقتی فیفا گل اول بازی برزیل را به اسم او ثبت کرد و الان با چهار گل جزء بهترین گلزنان جام است. حضور بازیکنانی از این دست چیزی است که انگلیس فاقد آن بود. با اینکه فوتبال در لیگ برتر انگلیس بسیار پیشرفته است اما به یاد داشته باشیم که درک کویت، جانی هیتینگا، نایجل دو یونگ و رابین فن‌پرسی در همین لیگ بازی می‌کنند و در تیم‌های باشگاهی‌شان نقش اساسی داشتند. دیگر مشکل اصلی فن مارویک در استفاده از این بازیکنان نداشتن انضباط شخصی و تیمی است. درک کویت از اینکه پشت سر فن‌پرسی بازی کند راضی نیست و خود فن‌پرسی هم با بازی کنار اشنایدر مشکل دارد. او همچنین از اینکه در بازی‌ها تعویض می‌شود احساس نارضایتی می‌کند. فن بومل که سرکش‌ترین بازیکن در تیم فن باستن بود و تهدید کرده بود که از بازی‌های ملی کناره‌گیری می‌کند اکنون تحت رهبری پدرزنش کمی مطیع‌تر به نظر می‌رسد. آنچه مشخص است این است که با اینکه فن‌مارویک تا اینجای کار موفق بوده اما برای قهرمانی باید هم دودستگی را در تیم از بین ببرد و تیم را به آرامش برساند و هم انضباط را به تیم دیکته کند.

اروگوئه؛ متفاوت‌ترین تیم مرحله نیمه‌نهایی

دریغ از زدن دو گل مشابه

◄ مهدی احمدی

اروگوئه مهمان ناخوانده مرحله نیمه‌نهایی است. اگر انگلستان کمی قوی ظاهر می‌شد، شاید حالا شاهد حضور نماینده امریکای جنوبی در این مرحله نبودیم. رسیدن به همین مرحله هم برای اروگوئه یک دستاورد بزرگ تلقی می‌شود و بی‌شک در حضور آلمان و اسپانیا و هلند، چهارم شدن سرشکستگی نیست، آن هم برای تیمی که نه روبنی در ترکیبش دارد، نه داوید ویا و نه شوان اشتایگر؛ به راستی چه عاملی باعث حضور اروگوئه در این مرحله شده است؟

■■■

اروگوئه نسبت به سال‌های قبل تیم یکدست‌تری به نظر می‌رسد. در تیم فعلی خبری از آلوارو رکوبا و پابلو گارسیا که در میلان و اینتر بازی می‌کردند، نیست. تنها بازیکن این تیم که لقب ستاره با قد و قواره‌اش همخوانی دارد، دیه‌گو فورلان است که بی‌شک در مقایسه با رکوبا کم‌نام و نشان‌تر است. لوئیس سوارز و موزلرا هم شاید در سال‌های آینده تبدیل به ستاره شوند اما فعلاً با این لغت فاصله دارند. ستاره اروگوئه‌ای‌ها، واژه «تیم» است. این واژه در بازی اروگوئه تجلی خاصی دارد.

فوسیله را به خاطر می‌آورید؟ او همان مدافع راست ضعیف پورتو است که در بازی با آرسنال در لیگ قهرمانان اروپا حداقل روی چهار گل از پنج گلی که پورتو دریافت کرد، مقصر بود و با سد نفوذناپذیری که امروز در اروگوئه می‌بینیم فاصله بعیدی دارد. این در حالی است که او در پست دفاع چپ که تخصصی در آن ندارد به کار گرفته می‌شود. دیه‌گو لوگانو آرام‌آرام وارد دهمین سال بازی‌اش در تیم ملی می‌شود اما تیمی بزرگ‌تر از فنرباغچه خواهان جذبش نبوده است. دیه‌گو پرز هم وضعیتی مشابه کاپیتان تیم دارد. ریوس و آلوارو فرناندز و دوپریرای تیم هم تا این لحظه دستاوردی بزرگ‌تر از این تورنمنت نداشته‌اند. درباره ویکتورینو و آندرس اسکوتی گفتن این نکته الزامی است که هنوز پایشان به اروپا باز نشده. حتی در همان امریکای جنوبی هم این دو در تیم‌های متوسطی بازی می‌کنند.

در سمت مقابل بازیکنان اسم و رسم‌دار (و البته نه ستاره) زیادی پشت خط هستند. والتر گارگانو و سباستین اگورن که از هافبک‌های دفاعی خوب لیگ‌های خود هستند، روی نیمکت می‌نشینند و از دیدن بازی ریوس و پرز لذت می‌برند. مارتین کاسرس بازیکن یوونتوس و بارسلونا اندکی کند است و همین موضوع باعث می‌شود اسکوتی و ویکتورینو به جای او در ترکیب اصلی بازی کنند. ایناسیو گونزالز بازیکن والنسیا تنها مقابل فرانسه بازی کرد. آبرئو که هیچ مربی‌ای جرات تعویضش را هم نداشت، الان به راحتی روی نیمکت می‌نشیند و در اندک دقایقی که به زمین می‌آید آنقدر به آب و آتش می‌زند که شاید برای بازی بعدی فرصت بیشتری به او برسد. اخراج سوارز در بازی با غنا شاید این فرصت را بالاخره نصیب مرد دیوانه بکند.

تازه اینها به نسبت خیلی‌های دیگر خوش‌شانس بودند که حداقل در تیم ملی حاضر هستند. سباستین ویرا که در باخت ۴ بر صفر مقابل برزیل در مونته‌ویدئو متهم ردیف اول بود، از تلویزیون بازی‌ها را تماشا می‌کند. همین وضعیت درباره کریستین رودریگز هم وجود دارد. اخراج در بازی با آرژانتین و محرومیت دوجلسه‌ای، تابارس را مجاب کرد که روی نامش خط بکشد. البته مشخص نیست اگر تابارس می‌دانست هفت بازی در آفریقای جنوبی دارند، باز هم این کار را می‌کرد یا نه. از این دست بازیکنان زیاد هستند. خورخه مارتینز در یوونتوس بازی می‌کند اما نظر تابارس را جلب نکرده. تعدادی از بازیکنان قدیمی تیم مانند زالایتا، پابلو گارسیا، پاندیانی و کارلوس دیوگو هم که به کل جایی در تفکرات تابارس ندارند.

حالا این مورد را فقط و فقط با تیم‌های حاضر در این مرحله مقایسه کنید؛ آلمان که ۱۸۰ درجه متفاوت است. کلوزه، پودولسکی و گومز فصل افتضاحی را پشت سر گذاشته بودند اما در تیم ملی هستند و دو نفر اول فیکس بازی می‌کنند. در اسپانیا اما شایسته‌سالاری بیداد می‌کند. اگر در آلمان پودولسکی و کلوزه به دلیل پیشینه خوب به تیم ملی دعوت می‌شوند، در اسپانیا شش هفت بازیکن هستند که در فصل گذشته از بدترین‌های تیم خود بودند. امثال آلبیول ، آربلوا، بوسکتس و کاپدویا یک فصل بد را سپری کردند. عجیب اینکه دو نفر آخری فیکس هم هستند. در هلند هم کم و بیش چنین وضعی درباره چند مدافع این تیم وجود دارد اما باید به فن‌مارویک حق داد که اگر امثال اویر و ماتیسن را دعوت نمی‌کرد، باید به فیلیپ کوکو و فرانک دی‌بوئر دستیاران خود در خط دفاع بازی می‌داد.

■■■

هیچ تیمی به اندازه اروگوئه توان تغییر تاکتیک ندارد. البته این را می‌توان تا حدی به ذات فوتبال اروگوئه ربط داد. آنها همواره بازیکنان چندپسته خوبی داشته‌اند. اروگوئه در پنج بازی خود از بیش از هفت سیستم متفاوت استفاده کرده است. در خط دفاع در بازی با فرانسه دفاع سه‌نفره و پنج‌نفره را امتحان کردند. در سایر بازی‌ها هم به اقتضای شرایط بازی، در دفاع با چهار یا پنج بازیکن بازی کردند. با حضور آچارفرانسه‌هایی مثل ماکسی پریرا، آلوارو پریرا، فوسیله و ویکتورینو تغییر تاکتیک در خط دفاع کار چندان سختی برای تابارس به نظر نمی‌رسد.

خط میانی و حمله آنها هم چرخش و گردش عجیبی داشت. سخت می‌توان بازیکنی را در این تیم مهاجم کلاسیک، هافبک راست یا هافبک چپ نامید. آنها هافبک خلاق و پاسور خوبی ندارند که مهاجمان را تغذیه کند. به همین دلیل فورلان در زمان‌های زیادی از بازی به عقب بازمی‌گردد تا نقش یک شماره ۱۰ را ایفا کند. این جابه‌جایی در مورد کاوانی بیشتر و برای سوارز کمتر دیده می‌شود. کاوانی مهره کارگر اروگوئه در حمله است و نقشی انکارناپذیر در فاز تهاجمی تیم تابارس دارد. سوارز هم علاوه بر اینکه گلزن خوبی است، مدافعان حریف را عقب نگه می‌دارد و باعث می‌شود هیچ تیمی نتواند با تمامی نفرات روی دروازه اروگوئه خیمه بزند.

تجلی و نمود تنوع تاکتیکی اروگوئه روی گل‌هایی است که می‌زند. برخلاف آلمان و اسپانیا که بیش از نیمی از گل‌هایشان به یک شکل به ثمر رسیده، اروگوئه حتی دو گل مشابه هم ندارد. شوت از راه دور، ضربه پنالتی، ضدحمله، ضربات آزاد، ارسال از کناره‌ها، استفاده از خلاقیت‌های فردی و... برای آنها چگونگی گل زدن و رسیدن به دروازه حریف مهم نیست. تنها نکته مهم رسیدن به دروازه است. در بازی با هلند سوارز به دلیل حرکت شجاعانه‌اش در بازی مقابل غنا محروم است و احتمالاً آبرئو به جای او بازی خواهد کرد. با حضور او شاید باز هم بتوان گل‌های متفاوت دیگری هم دید. البته بازی کردن آبرئو تنها یک حدس و گمان است. اروگوئه و تابارس تا این لحظه غیرقابل پیش‌بینی بوده‌اند و ممکن است در آخرین لحظات یک انتخاب عجیب دیگر در ترکیب اصلی قرار بگیرد.

گفت‌وگو

گفت‌وگوی سایت فیفا با رئیس فیفا و رئیس‌جمهور آفریقای جنوبی

فوتبال «مدرسه زندگی» است

ژاکوب زوما رئیس جمهور آفریقای جنوبی به کمک سپ بلاتر رئیس فیفا دیروز در مراسمی فستیوال «فوتبال در جست‌وجوی امید» را در شهر الکساندرا افتتاح کردند. این دو شخصیت بانفوذ می‌دانند این طرح بدیع تا چه اندازه به افراد علاقه‌مند و مستعد فوتبال کمک می‌کند و به درستی به همین دلیل پس از کلی تشکر در گفت‌وگوی کوتاه با سایت فیفا توضیحات بیشتری بر زبان آوردند.

– فستیوال «فوتبال در جست‌وجوی امید» برای آفریقای جنوبی چه معنایی دارد؟

زوما: درست است که جام جهانی آفریقای جنوبی را تحت تاثیر قرار داده اما در الکساندرا اتفاق بزرگ‌تری رخ می‌دهد؛ فستیوال فوتبال در جست‌وجوی امید. ما و همه تماشاگران این رویداد بزرگ تا مدت‌ها نام الکساندرا را از یاد نخواهیم برد. این نمایشگاه بزرگ برای پیر، جوان و خلاصه همه اقشار ملت آفریقای جنوبی است.

– آیا جام جهانی و «فوتبال در جست‌وجوی امید» به ارتقای سایر کشورهای قاره آفریقا هم می‌انجامد؟

امیدوارم چنین اتفاقی رخ بدهد. به هر حال جام جهانی و این فستیوال تنها جنبه تبلیغاتی ندارد و می‌تواند امید را به آفریقایی‌ها هدیه کند. طرح مورد اشاره به مردم نیازمند کمک می‌کند. خوشحال می‌شوم طرح «فوتبال در جست‌وجوی امید» را در سراسر قاره سیاه عملی ببینم.

– می‌توانیم ادعا کنیم افتتاح فستیوال یکی از اهداف فیفا در جریان برگزاری جام جهانی ۲۰۱۰ بود؟

بلاتر: بله. روز بزرگی را پشت سر گذاشتیم چون بالاخره فرصت یافتیم از طریق رسانه‌ای کردن پروژه اهداف‌مان، بزرگی کار و گرد آوردن مردم سراسر جهان زیر یک سقف را توضیح بدهیم. می‌توان از طریق فوتبال به سلامت و آموزش رسید. در فاصله چهار بازی مانده تا پایان تورنمنت، فرصت بهتری برای افتتاح فستیوال «فوتبال در جست‌وجوی امید» وجود نداشت. تقارن جام جهانی و آغاز به کار این فستیوال را به فال نیک می‌گیریم.

–پس چشم‌انداز مثبتی ترسیم می‌کنید؟

البته. ایده ما فقط به درد جام جهانی نمی‌خورد بلکه به سود کل فوتبال است. رئیس‌جمهور آفریقای جنوبی خیلی جذاب‌تر از من درباره پروژه‌های مشابه صحبت خواهد کرد. از وقتی به دنیای فوتبال پرتاب شدم، این ورزش را چیزی فراتر از شوت دیدم. به اعتقاد شما فوتبال آدم‌ها را به هم نزدیک می‌کند و به نظر من در نقش مدرسه زندگی اصول پایه اجتماعی (انضباط و احترام) را رواج می‌دهد. موظفید نه فقط داخل و خارج از زمین بلکه در محیط کار و خانه این دو فاکتور را رعایت کنید. نقش اجتماعی و فرهنگی در همه شئون زندگی اهمیت زیادی دارد. آرزو دارم روزی فوتبال به بالاترین درجه تاثیرگذاری برسد. چرا نتواند؟ مگر محبوب‌ترین ورزش دنیا نیست؟

پیشخوان

مسی، رونی و کاکا در جمع بدترین‌ها

گاتزتا- ایتالیا: در آستانه آغاز مرحله نیمه‌نهایی جام جهانی، گاتزتا اقدام به انتخاب سه تیم بهترین‌ها، بدترین‌ها و پدیده‌های جام کرده است. فضای جلد روزنامه هم به معرفی این سه تیم اختصاص پیدا کرده است. جالب اینجاست که در تیم ناکامان، کاکا و رونی و رونالدو و مسی حضور دارند، چهار بازیکنی که تا پیش از شروع مسابقات، همه جوره در کانون توجه بودند و همه انتظار داشتند حداقل یکی از تیم‌های انگلیس یا برزیل یا آرژانتین با درخشش این ستاره‌ها، در فینال جام حاضر شوند. در تیم بهترین‌ها نیز اشنایدر و فورلان و اشتایگر دیده می‌شود و مهم‌ترین بازیکن در تیم پدیده‌ها مسعوت اوزیل است که گفته می‌شود چند تیم بزرگ اروپا حالا به دنبال جذب او هستند.

همه چیز ممکن است

کیکر- آلمان: شاید هدف ژرمن‌ها در این جام با تیم جوان‌شان، کسب جام نبوده اما حالا دیگر تنها یک هدف دارند و آن رسیدن به پنجمین قهرمانی جهان است. «حالا همه چیز امکان‌پذیر است». این تیتر اول کیکر است که از دیروز روی بازی فرداشب آلمان با اسپانیا متمرکز شده. فیلیپ لام کاپیتان آلمان در مصاحبه با این نشریه تاکید کرده این تیم مال آینده است و اگر در جام نوزدهم خوب نتیجه گرفته، بهترین بازدهی‌اش را در تورنمنت‌های بعدی نشان خواهد داد و هنوز به اوج نرسیده است. مطلبی هم در مورد مولر و جانشین احتمالی او که تروخوسکی باشد، در صفحه اول کیکر قرار گرفته است.

چه زمانی جشن بگیریم؟

اوله- آرژانتین: طرفداران آرژانتین همچنان در تب رسیدن به فینال جام جهانی می‌سوزند. آنها ۲۰ سال است حتی رنگ نیمه‌نهایی جام جهانی را هم ندیده‌اند و با شکست مقابل آلمان، این انتظار حداقل ۲۴ساله شد. روزنامه اوله روی همین موضوع دست گذاشته و با عکسی زیبا که هواداران غم‌زده آرژانتین را مقابل اتوبوس مارادونا و تیمش نشان می‌دهد، سوال کرده «پس کی اینها جشن خواهند گرفت؟» این پرسش همراه شده با آماری که نشان می‌دهد در جام جهانی ۲۰۱۰، ۶۰ درصد از مردم آرژانتین منتظر قهرمانی تیم‌شان بودند که این آمار ۲۰ درصد نسبت به جام جهانی قبلی افزایش یافته بود اما در عمل همان اتفاق رخ داد و آلمان دوباره در یک‌چهارم نهایی آرژانتین را حذف کرد.

به تو افتخار می‌کنیم

مورگن پست- آلمان: روزنامه چاپ هامبورگ در ابتکاری جالب جلد خود را به تحسین تیم ملی کشورش اختصاص داده است. در این طرح چهره تک‌تک بازیکنان ترکیب اصلی آلمان در قالب یک حرف دیده می‌شود. تیتر اصلی مورگن پست این است: «ما به تو خیلی افتخار می‌کنیم». منظور از تو در این جمله، تیم ملی آلمان است که باعث غرور مردم و مطبوعات این کشور شده و فردا در صورت پیروزی مقابل اسپانیا، با جوان‌ترین تیم تاریخ خود راهی فینال جام جهانی خواهد شد.

خبر جام

مسی: حالم واقعاً بد است

لیونل مسی ستاره تیم ملی آرژانتین برای اولین بار پس از شکست چهار بر صفر آرژانتین و تحقیر این تیم مقابل آلمان، زبان گشوده و از احساساتش صحبت کرده است. مسی در وب‌سایت شخصی خود در تن سنت، کمپانی چینی‌ای که با این ستاره قرارداد تبلیغاتی دارد، از هواداران تیم ملی آرژانتین عذرخواهی کرده و اعلام کرده لحظات بسیار سختی را پشت سر می‌گذارد. مسی در این رابطه نوشت:«حالم واقعاً بد است. می‌خواهم به خانه بازگردم. ما مقابل آلمان اصلاً خوب بازی نکردیم و باید از ابتدا شروع کنیم. از حمایت شما تشکر می‌کنم...» این ستاره آرژانتینی در ادامه به این دلیل که تیمش نتوانسته به مراحل بالاتر جام صعود کند نیز عذرخواهی کرد و نوشت: «ما نتوانستیم توقعات بسیاری از هواداران‌مان را برآورده سازیم.»

دی‌استفانو در تولد ۸۴ سالگی: کادوی تولد؟ قهرمانی اسپانیا

آلفردو دی استفانو پیشکسوت باشگاه رئال مادرید ۸۴ ساله شد. او در دفتر روزنامه مارکا، تولد ۸۴ سالگی‌اش را جشن گرفت و در حالی که شمع ۸۴ سالگی‌اش را فوت می‌کرد، تنها یک آرزو را بر زبان آورد. دی‌استفانو گفت: «امیدوارم اسپانیا قهرمان جام جهانی شود.»رئیس افتخاری باشگاه مادریدی امیدوار است ماتادورها بتوانند با پیروزی در مرحله نیمه‌نهایی جام جهانی، خود را به فینال این رقابت‌ها برسانند و در صحبت‌هایی در مورد سرعت و عزم راسخ آلمانی‌ها هشدار داده است.

عکس روز

خروج ملو از فرودگاه با اسکورت پلیس

بازیکنان تیم ملی برزیل پس از تقبل شکست مقابل هلند در مرحله یک‌چهارم پایانی رقابت‌های جام جهانی، به کشورشان بازگشتند و صدها هوادار ناراضی برزیلی در فرودگاه ژالئائو ریودوژانیرو انتظار آنها را می‌کشیدند. بازیکنی که هواداران بیش از سایرین به دنبال او می‌گشتند، فیلیپه ملو بود. زننده گل به خودی در دیدار مقابل هلند که در جریان دیدار برزیل مقابل هلند از زمین مسابقه اخراج شد. ستاره باشگاه یوونتوس به شدت مورد غضب هواداران سلسائو قرار می‌گرفت و این در حالی بود که پدر ملو در فرودگاه منتظر پسرش بود تا او را به منزل ببرد. از همین رو فیلیپه ملو با اسکورت نیروهای امنیتی فرودگاه تا کنار ماشین پدرش برده شد. تعدادی از بازیکنان تیم ملی برزیل نیز از ریودوژانیرو مستقیماً به سائوپائولو پرواز کردند. حدود ۲۰۰ هوادار نیز در فرودگاه این شهر در انتظار بازیکنان این تیم بودند و ۱۰ بازیکنی که در میان آنها کاکا، روبینیو و لوئیس فابیانو نیز بودند، از در اصلی فرودگاه خارج نشده و مجبور به خروج از در پشتی فرودگاه شدند.

اتفاق روز

استقبال کم‌نظیر از آلبی سلسته

حتی بازیکنان تیم ملی آرژانتین هم نمی‌توانستند باور کنند. زمانی که آنها عصر روز یکشنبه وارد بوئنوس‌آیرس شدند، مورد استقبال بیش از ۲۰ هزار نفر قرار گرفتند. آنها از یکدیگر سوال می‌کردند که اگر قهرمان می‌شدیم چه اتفاقی می‌افتاد؟ مارادونا که به شدت غرق در شادی و هیجان بود با همان انرژی همیشگی جواب محبت‌های هواداران را می‌داد و سرخیو آگرو پشت سر هم می‌گفت: «مرسی و ببخشید.» بیش از ۲۰ هزار نفر برای استقبال از مارادونا و ۲۳ شاگردش جمع شده بودند. پس از این استقبال غیرمنتظره سرخیو آگرو در صفحه توییتر خود پیغامی را برای هواداران آلبی سلسته ارسال کرد: «آنچه در دیدار مقابل آلمان رخ داد، ضربه‌ای سخت و غیرمنتظره بود ولی آنچه مردم امروز در بوئنوس‌آیرس انجام دادند، اتفاقی باورنکردنی بود. واقعاً مرسی و معذرت می‌خواهیم.» تیم ملی آرژانتین بلافاصله پس از شکست مقابل آلمان پرتوریا را ترک کرد و ساعت ۱۷/۱۵ روز یکشنبه به آرژانتین رسید. هواداران برای استقبال از مارادونا و شاگردانش خود را به هواپیما نزدیک می‌کردند؛ جنونی ملی و سورپرایزی بزرگ. یک روز پس از حذف دردناک آرژانتین، هواداران آواز می‌خواندند و با چترهای آبی و سفید از مارادونا و شاگردانش استقبال می‌کردند. مرد و زن، بزرگ و کوچک و پیر و جوان به آلبی سلسته خوشامد می‌گفتند. مارادونا که از این استقبال شوکه شده بود در راس صف بازیکنان با دست راستش جواب ابراز احساسات مردم را می‌داد. بازیکنان نیز متعجب جمعیت را نگاه می‌کردند. اگر بعد از ۲۴ سال جام قهرمانی را به خانه می‌آوردند چه اتفاقی می‌افتاد. ماسکرانو، هاینتزه، آندوخار و کلمنته از تماشای این همه آواز و شادی و پرچم‌های درحال حرکت آرژانتین متعجب شده بودند. چه بازگشت خاطره‌انگیزی. مسی و سایر بازیکنان تیم چهره‌های جدی و ناراحت داشتند. ۴۸ ساعت قبل از فرود هواپیما کمتر کسی در انتظار این پرواز بود و همه به فکر بازگشت آلبی‌سلسته در روز یازدهم جولای بودند ولی شکست مقابل آلمان همه چیز را عوض کرد.

اظهارنظر روز

بازی با برزیل را فراموش کرده‌ایم

فن مارویک سرمربی هلند در آستانه رسیدن به افتخاری بزرگ قرار دارد. او در صورت پیروز کردن تیمش در بازی امشب، پس از ۳۲ سال هلند را به فینال جام جهانی خواهد رساند. به همین دلیل سرمربی هلند از بازیکنان تیمش خواسته پیروزی تاریخی مقابل برزیل را فراموش کنند و با تمرکز کامل آماده بازی با اروگوئه شوند: «بله ما پیروزی به‌یادماندنی مقابل برزیل به دست آوردیم اما حالا وقتش است که فقط به بازی با اروگوئه فکر کنیم. آنها یک تیم خطرناک هستند که من چند بازی‌شان را دیده‌ام و می‌دانم چه خصوصیاتی دارند.» فن مارویک خوشحال است که بازیکنان هلند دور از کشور خود باید بازی حساس امشب را انجام دهند: «من می‌دانم مردم هلند چه شوقی برای بازی امشب دارند و خوشحالم که بازیکنانم از این جو جالب دور هستند چون می‌توانند با تمرکز بهتری مقابل حریف به میدان بروند.» سرمربی هلند در پاسخ به خبرنگاری که باخت غیرمنتظره این تیم به روسیه در یورو ۲۰۰۸ را یادآوری کرده، می‌گوید: «بله ما در آن جام طوری ظاهر شده بودیم که همه انتظار داشتند هلند را در فینال ببینند.»

دو نیمه در بهشت – ۲۱

امیر پوریا /amirpouria@gmail.com

در آستانه هشت نیمه‌پایانی

۱ اینکه یک گزارشگر فوتبال، در عرصه‌هایی به غیر از خود فوتبال هم آدم «به‌روز»ی باشد و از زمینه‌های گوناگون فرهنگی، هنری، اجتماعی و بین‌المللی چیزهایی بداند، آیا یک ضرورت است؟ اینجا حتی به ضرورت‌های غیرمستقیم مانند دانستن زبان انگلیسی هم کاری نـدارم. می‌خواهـم دقیقاً از عرصه‌هایی حرف بزنم که هیچ ربطی به فوتبال ندارند. مثلاً در طول بازی آلمان و انگلستان، دوربین‌های تلویزیونی دو بار میک جَگِر خواننده نامدار گروه راک رولینگ اسـتون را نشـان می‌دهند و عادل فردوسی‌پور بار اول بابت احتیاط احتمالی ناشـی از صدیت تلویزیون ما با هنر و فرهنگ غرب، نام او را نمی‌گوید و فقط به اشـاره‌ای در حد «بزرگان موسـیقی هم در اسـتادیوم حضور دارند» بسنده می‌کند، اما بار دوم دیگر طاقت نمی‌آورد و ملاحظه نمی‌کند و می‌گوید که میک جگر از هواداران سرسخت تیم ملی انگلستان است. خب، اشاره به این نکته سودی برای هیچ یک از فوتبال‌بینان ایرانی دارد؟ آنهایی که می‌شناسـند، البته از اینکه عادل هم اهل موسـیقی است و استاد را می‌شناسد، لذتی می‌برند. آنهایی که نمی‌شناسند هم بی‌تفاوت از کنار ماجرا می‌گذرند و چه بسا حتی درسـت نمی‌شـنوند که عادل نام او را چگونه به درستی تلفظ کرد و مثلاً «جَگِر» گفت؛ نه به تلفظ مرسوم فارسی، «جاگر». اما مهم این است که خود عادل خیالش راحت باشد که اطلاعات کامل و کافی داده و حتی زمینه‌ای چنین دور از خود مسـابقه جاری در زمین را هم نگفته و نگشـوده باقی نگذاشـته است. اساساً وقتی آدم کاری در ابعاد عمومی می‌کند، مهم این نیست که عموم لزوماً تمام دلایل و ظرایف کارش را درک کنند یا از آن محظوظ شوند. مهم‌تر این است که خودش بداند تا چه حد کمال‌طلبانه و تا چه حد متوسط و نابسنده عمل کرده است. حالا این نمونه را در نظر بگیرید که در یکی از دو بازی آلمان- استرالیا یا آلمان- صربسـتان (هر کاری می‌کنم یادم نمی‌آید که کدام بود) جواد خیابانی با دیدن دو نفر از قدیمی‌های فوتبال آلمان یعنی فرانتس بکن باوئر و کارل هاینس رومینیگه در بین حضار استادیوم تاکید کرد که آنها دارند درباره حمله اخیر تیم آلمان حرف می‌زنند (چطور می‌شود از چنین چیزی مطمئن بود؟!) اما اتفاق اصلی، بعد از این روی داد: دوربین تلویزیونی مردی نسبتاً چاق با اخم‌های سنگین و سبیل سنگین‌تری را در میان تماشاگران نشان داد و خیابانی هم گفت که او هم یکی از هواداران تیم استرالیا (یا صربستان) است. خب، می‌دانید آن آقا چه کسـی بود؟ گونتر گراس نویسـنده آلمانی برنده جایزه ادبی نوبل و خالق رمان بزرگ «طبل حلبی». بحث فقط بر سر این نیست که چرا گزارشگر ما او را نمی‌شناخت و اطلاعات جانبی نداشت. بحث مهم‌تر این است که چرا با وجود این کافی ندانستن، تصویر او را گزارش کرد و خود را در دام ارائه اطلاعات غلط انداخت؟

۲ امشب در اولین بازی از کل چهار مسابقه و هشت نیمه انتهایی جام یعنی همه آنچه برای هیجان و لذت در اختیار داریم و باید به همین زودی با آن خداحافظی کنیم، اروگوئه‌ای بـه دیـدار هلند می‌رود که در بازی اخیرش با غنا دراماتیک‌ترین لحظه‌های دوره نوزدهم را به ما فوتبال‌بین‌ها هدیه کرد. آنچه در دقایق آخر بازی اروگوئه – غنا اتفاق افتاد، حتی اگر در فیلمنامه فیلم محبوب من و فیلم نه چندان موردعلاقه بسیاری دیگر یعنی «فرار به سوی پیروزی» جان هیوستن می‌آمد، با وجود آن همه اتفاق غیرقابل باور در آن فیلم، باز استثنایی و باورناپذیرتر از همه جلوه می‌کرد. هر بیننده‌ای که به دلیل شهرت کم دو تیم یا احیاناً اهمیت بیشتری که به بازی‌های دیگر یک‌چهارم نهایی (مثلاً هلند- برزیل یا آلمان- آرژانتین) می‌داده، این بازی را ندیده است، قاعدتاً با شنیدن توصیف‌های ما تصور می‌کند که درصدی اغراق را هم طبق عادت همیشـگی، چاشـنی‌اش کرده‌ایم. ولی واقعاً اینکه بازیکن تیمی در لحظه آخر وقت اضافی دوم با دست توپ را از دهانه دروازه بیرون بکشد و بعد تیم مقابل پنالتی را خراب کند و بازی در همان ثانیه به پایان برسد و ضربات پنالتی را همان تیمی که داشـت در لحظه آخر گل می‌خورد، ببرد، از حوادث دراماتیک تاریخی فوتبال خواهد شد. به ویژه از این جهت که مربی هوشمند غنا کار بزرگی کرد که از ادراک روانشناسانه عمیق او خبر می‌داد: او همان بازیکنی را برای زدن ضربه اول پنالتی‌ها پشـت توپ قرار داد که دقایقی پیش، در انتهای وقت اضافی پنالتی را خراب کرد و توپ را به تیر افقی دروازه کوبید. یعنی بهترین ایده ممکن برای بازیابی روحیه کل تیم که از حس «از دست دادن فرصت» به درآید و بتواند با امید به برد، باقی پنالتی‌ها را بزند. آنچه از آن به بعد روی داد، اتفاقات طبیعی بود که با مهار دو توپ (یکی خیلی بد که کاپیتان غنا زد و دیگری بر اثر مهارت موسلرا) به پیروزی اروگوئه منجر شد.

۳ ولـی ما آدم‌های بدی هسـتیم کـه بابت لذت بردن از هیجـان آن بازی، رای بازی امشـب را بـه اروگوئه نمی‌دهیم و می‌خواهیـم آلمان که با سـخت‌ترین قرعه و از صعب‌العبورترین مسیر تا این جای جام آمده در فینال هم به یاد ۳۶ سال پیش با عبور از هلند به قهرمانی برسد.

دوچرخه‌سواری

سارا گودرزی

وعده و وعیدهای سرپرست فدراسیون دوچرخه‌سواری ادامه دارد

مربی هلندی همه را سر کار گذاشته

انگار سناریوی حضور سرمربی خارجی در راس تیم‌های ملی دوچرخه‌سواری تمامی ندارد. دوچرخه‌سواری ایران سال‌هاست که شاهد ورود و خروج مربیان مختلفی از کشورهای سوئیس، آلمان، فرانسـه و ایتالیا بوده اما ظاهراً این بار درسـت در سال مهم‌ترین رویداد آسیایی (بازی‌های گوانگجو) از سوی یک مربی هلندی سر کار مانده است. در حالی که قرار بود «پیترز» هلندی نیمه خردادماه به ایران بیاید و هدایت دوچرخه‌سـواران را برعهده بگیرد بعد از گذشـت یک ماه هنوز خبری از او نشـده است. تا دو هفته پیش مسـوولان فدراسیون دوچرخه‌سواری می‌گفتند: ما همه کارهای مربوط به روادید و تهیه بلیت او را انجام داده‌ایم. این مسـوولان اداره سفارت هستند که در صدور ویزای او تعلل می‌کنند. اما حالا که چند روزی است فدراسیون تمام امور مربوط به دریافت ویزا، بلیت و تهیه امکانات برای شـروع تمرینات او را آماده کرده، این مربی به بهانه تهیه بلیت، فدراسیونی‌ها را سر کار گذاشته و هیچ پاسـخی به آنها نمی‌دهد. مسـوولان فدراسیون دوچرخه‌سواری حدس می‌زنند این مربی برای دیدن مراحل توردوفرانس که این روزها از هلند می‌گذرد برنامه سـفر خود را چند روزی به تاخیر انداخته است. به هر ترتیب از آنجا که علی زنگی‌آبادی سرپرست فدراسـیون دوچرخه‌سواری از بدو ورودش به این فدراسیون عذر بویگاس فرانسـوی سرمربی پیشـین تیم ملی را در دی‌ماه سال گذشـته خواست با مشـکلات و بدشانسـی‌های زیادی در مورد آوردن یک مربی خارجی مواجه شده است. او که به قول خودش می‌خواسـت با تغییر در کادر مربیگـری تیم‌های ملی از مربیانی اسـتفاده کند که با تعیین دسـتمزد پایین کارایی بالاتری را از آنها ببینند همواره مورد هجوم انتقادات زیادی قرار گرفته و هنوز نتوانسته این مشکل بزرگ را در آستانه بازی‌های آسیایی گوانگجو حل کند. زنگی‌آبادی با اظهار تاسف از این مساله می‌گوید: مطمئناً اگر می‌دانستیم اینقدر معطل می‌شویم یا اینکه می‌فهمیدیم پیترز هلندی به ایران نمی‌آید، سراغ گزینه‌های دیگری می‌رفتیم. با این اوصـاف باز هم چند روز دیگـر منتظر می‌مانیم تا ببینیم آیا این مربـی خبری به ما می‌دهد یـا خیر. در حالی که هم‌اکنون رکابزنان باشگاهی ایران در تمام بخش‌ها یا باشـگاه‌های خود تمرین می‌کننـد یا در قالب گرفتن از مربیان داخلـی تمرینات خود را دنبال می‌کنند اما سرپرست فدراسیون بر این باور است که تاخیر در آمدن مربی هلندی هیچ لطمه‌ای به برنامه رکابزنان وارد نخواهد کرد. او در این باره ادامه می‌دهد: به هیچ عنوان برنامه تمرینات ما متاثر از نیامدن این مربی نیست. تمامی رکابزنان در قالب تیم‌های باشگاهی تمرین می‌کنند. دوچرخه‌سواران سـرعتی، بانـوان و جوانان هم در پیسـت آزادی تمرینات‌شان را پیگیری می‌کنند.

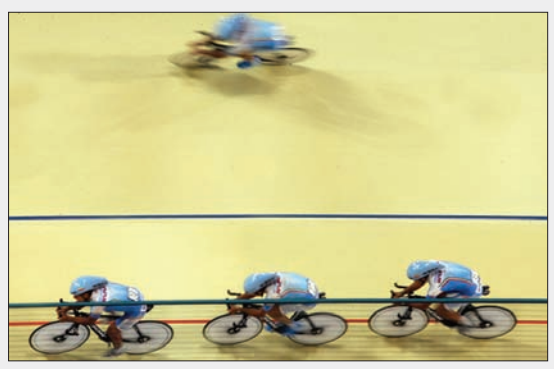

فوتبال

قرارداد با شماره ۶ پاراگوئه هنوز قطعی نیست

به خاطر چند مشت دلار

استقلالی‌ها صبح‌شان را با خبر استعفای علی نظری‌جویباری شروع می‌کنند. تا ظهر این علی فتح الله‌زاده‌خویی است که خبر استعفای سرپرست باشگاه را تکذیب می‌کند. کمی از ظهر گذشته که نماینده باشـگاه بارسلونا به ملاقات سرپرست آبی‌ها می‌رود. اما هیچ کدام اینها نمی‌تواند به اندازه شـایعه قرارداد با کارلوس بونت هافبک راسـت تیم ملی پاراگوئه خبرساز باشد. درگیری و یقه‌گیری لیدرها هم که دیگر درسـت مثل دعواهای لفظی امیر قلعه‌نویی با یکی از آدم‌های باشگاه برای هواداران به یک داستان تکراری و کسل‌کننده تبدیل شده است.

پورحیدری مرد دوشغله استقلال

علی نظری‌جویباری دیروز صبح به سـاختمان باشـگاه رفت و اسـتعفای خود را از سـمت سرپرسـتی تیم فوتبال استقلال به سرپرسـت موقت تحویل داد. دربـاره این موضوع روایت‌های فراوانی وجود دارد اما هم نظری‌جویباری و هم فتح‌الله‌زاده‌خویی به سرعت دست به کار می‌شوند تا از شکل‌گیری شایعات بیشتر جلوگیری کنند. گفته‌های خـود نظری‌جویباری برای فهمیدن ماجرا به تنهایی کافی اسـت: «از آقای فتح‌الله‌زاده خواسـتم اگر امکان داشته باشد در کارهای مدیریتی باشگاه کنار ایشان باشم که خوشبختانه ایشان با این درخواست بنده موافقت کردند.»

ملاقات با مرد ایکس بارسلونا

در گیر و دار این جابه‌جایی‌ها نماینده باشـگاه بارسلونا بدون خبر قبلی در دفتر فتح‌الله‌زاده آفتابی شـد. هر چند از سـمت و مسوولیت این نماینده در باشگاه مطرح کاتالونیایی حرفی به میان نیامده اسـت اما ظاهراً او با فتح‌الله‌زاده به دو توافق مهم دسـت پیدا کرده است. سرپرست آبی‌ها در مرحله اول از نماینده باشگاه بارسلونا قول گرفت تا مقدمات سفر استقلالی‌ها را به اسپانیا مهیا کند. این سفر به منظور برگزاری یک اردوی آماده‌سازی در طول تعطیلات نیم‌فصل انجام می‌شود و بسیار بعید به نظر می‌رسد که ساندرو راسل هزینه‌های آن را متقبل شود. دومین تفاهم پیرامون راه‌اندازی آکادمی مشـترک فوتبال استقلال و بارسلونا در ایران شکل گرفت. وقتی سرپرست موقت استقلال پای این تفاهمنامه بااهمیـت امضـا می‌انداخت، کمی آن‌طرف‌تـر در یکی دیگر از اتاق‌های ساختمان، مسوول کانون هواداران برای تنبیه دو لیدر خاطی تصمیم می‌گرفت. عباس نقدی‌زاده در این باره می‌گوید: «متاسفانه این دو لیدر با یکدیگر اختلاف قدیمی داشتند و این اختلاف منجر به این شد که مقابل ساختمان باشگاه درگیر شوند. من با این دو برخورد و هر دو را جریمه کردم. قرار است کمیته انضباطی کانون هم برای آنها تصمیم‌گیری کند.»

۱۰ درصد خواسته‌های استقلال

اما مهم‌ترین خبری که دیروز از باشگاه استقلال به بیرون درز کرد، شایعه مذاکره با کارلوس بونت هافبک راست تیم ملی پاراگوئه بود. گفته می‌شود این بازیکن ۳۳ ساله که در جام جهانی آفریقای جنوبی پیراهن شماره شش تیم ملی کشورش را به تن داشت برای پیوسـتن به استقلال تهران خواهان دریافت ۶۰۰ هزار دلار شده است اما استقلال قصد دارد او را با مبلغی کمتر پای میز مذاکره بنشـاند. در همین خصوص پیشنهاد مالی باشگاه استقلال برای مدیر برنامه‌های این بازیکن ارسـال شده است و حالا باید منتظر ماند و دید او چه عکس‌العملی نشان خواهد داد. بونت هم اکنون در تیم المپیا آسونسـیون پاراگوئه عضویت دارد و در جام جهانی آفریقای جنوبی سه بار برای پاراگوئه به میدان رفته است. سرپرست موقت باشگاه استقلال پیش از این گفته بود تیمش در فصل نقل و انتقالات به ۹۰ درصد از خواسـته‌هایش رسیده و با جذب یک پیسـتون راسـت خارجی به کار خود پایان خواهد داد. شاید این ۶۰۰ هزار دلار همان ۱۰ درصدی باشد که او اذعان داشته است.

امسال آنها حق مربیگری ندارند

علیپور: فصل قبل ۱۶۸ منشوری داشتیم

علی عالی

«حرف منم این است که قانون باید اجرا شود.» این واکنش حجت‌الاسلام علیپور به مطلب چند روز پیش روزنامه «شرق» است؛ مطلبی که در آن بحث منشـوری‌ها توسط سازمان لیگ را زیر سوال برد و رسـیدگی به آن را حق کمیته انضباطی با توجه به مصاحبه‌های کفاشـیان دانسـت. رئیس فدراسیون فوتبـال آخرین بار درباره منشـوری‌ها اعلام کرده بود «منشـور اخلاقی پابرجاسـت و فقط در کمیته انضباطـی پیگیری می‌شـود» اما مثـل اینکه این موضوع همه واقعیت نیسـت و اتفاقات جدیدی در سـاختار فدراسیون فوتبال پیش خواهد آمد. همان ابتدا شـیطنتم گل می‌کند: «چرا شریفی می‌گوید ما اصلاً منشوری نداریم؟» مکث می‌کند، می‌گوید: «ننویسـی‌ها... ...و...! به هرحال ما باید پرونده‌ها را به کمیته انضباطی بدهیم تا بررسـی کنند.» البته تاکیـد می‌کنـد: «...» کـه منظورش تـو مایه‌های ننویسی‌ها بود.

قانون چه می‌گوید

علیپور دسـتش پر بود. نشسـت و بند به بند به مـن توضیـح داد. اعتراف می‌کنم کـه این بحث‌ها خسته‌کننده است اما علیپور آنقدر با حرارت توضیح داد که اصلاً احساس خستگی دست نداد. همان اول ژورنالیسـتی برخورد کرد: «قانـون از نظر تو چیه؟ اینکه مصاحبه کنند یا آنچه ابلاغ شـود؟ آیین‌نامه منشـور اخلاقی توسـط هیات رئیسه تصویب شده اسـت.» جوابی نمی‌دهم تا خودش به حرف‌هایش ادامه بدهد: «ببین! منشور برای سازمان لیگ دسته اول، حرفه‌ای، فوتسال و... الزام دارد و این‌گونه است که افراد یک به یک در طول فصل ارزیابی می‌شوند و نبایـد خلاف آیین‌نامه‌ای کـه امضا کرده‌اند رفتار کنند.» او نحوه برخورد را این‌گونه تشـریح می‌کند: «چهار مرحله دارد؛ اول اینکه به باشـگاه می‌گوییم تـا به بازیکن‌اش تذکر بدهد، دفعه دوم به بازیکن و باشـگاه تذکر می‌دهیم و دفعه سـوم هم به بازیکن تذکـر خواهیـم داد...» این حس ژورنالیسـتی کلاً ول‌کن نیسـت. وسـط حرفش می‌پرم: «فصل قبل چنـد تا منشـوری داشـتیم؟» بدون مکث پاسـخ می‌دهد: «فصل قبل ۱۶۸ منشوری داشتیم که البته اکثر آنها در مرحله دوم تذکرات حل شد.» احتمالاً باید آمار دو فصل قبل هم باشد: «بله! دو فصل قبل ۱۸۶ نفر بودند.»

مهم مرحله چهارم است

برای رسـانه‌ها مرحله چهارم مهم اسـت چراکه آنجاسـت که خبرها تولید می‌شود و تا مدت‌ها موج خبری حفظ می‌شود. خروجی مرحله چهارم در اکثر مواقع «محرومیت» است. حجت‌الاسلام والمسلمین علیپور که دبیری سـتاد منشور اخلاقی را بر عهده دارد، می‌گوید: «اینجا دو مورد به وجود می‌آید؛ اول اینکه آیین‌نامه تصریح دارد هیات رئیسـه سازمان لیـگ می‌تواند کارت بازیکـن را برای مدت موقتی ضبـط کند و اجازه بازی به او ندهد تا جهت صدور حکم به کمیته انضباطی فرسـتاده شود. اینجاست که منشـوری‌ها باید به کمیته انضباطی بروند نه از همان ابتـدا.» او ادامه داد: «دوم اینکه بازیکنان در خارج از محیط فوتبال مرتکب تخلف شوند که آنجا هم برخورد و محرومیت‌هایی را در پی دارد.» البته اسـامی برخی در این میان مطرح شـد که به دلیل قول شـرعی، اجازه چاپ نام‌شان را نداریم اما یکی از محورهـای صحبت حاجی را می‌توان این‌گونه به چاپ رسـاند: «مثل ... که او را فراخواندیم و گفتیم امسال بازی نکن و اصلاً هم بازی نکرد چون جرمش سنگین بود...»

افشاگری

«آقـا! توروخـدا بـذار اینـو بنویسـم! می‌ترکه فوتبـال...» هرچـه اصرار کردیم اجـازه نداد. بحث به دایره برخورد منشـوری رسیده بود که پرسیدم: «خودمانیـم حاجی! دایره برخورد شـما محدود به بازیکـن و مربی اسـت...جرات ندارید بـه مدیران باشگاه‌ها بند کنید. خیلی از مشکلات آنها هستند.» علیپـور لبخندی زد و گفـت: «کاش آن نامه‌ای که ما زدیم...عضویتش لغو... محروم... گفتند بایسـتید چون...» شاید این مهم‌ترین بمب خبری سال باشد اما نمی‌توان آنها را نوشـت، چـون تعهد دادیم که ننویسـیم. به هرحال مشخص شـد کمیته منشور اخلاقـی به حوزه‌های دیگری هـم ورود کرده و به دلایل مختلفی دوست ندارد از آنها اطلاع‌رسانی کند. علیپور حتی از حوزه‌های دیگر هم گفت و معلوم شد آنها کاملاً چشمان‌شان باز است: «به بازیکنان گفتیم باید مدیر برنامه‌هایشـان را به ما اعلام کنند وگرنه کارت‌شان صادر نمی‌شود. باید شفاف بگویند که چند درصد به آنها می‌دهند تا کارکرد مالی آنها مشخص شود.» او ستاد را این‌گونه معرفی کرد: «همه مراحل تحقیق و مستندسـازی در سـتاد منشوری صورت می‌گیرد.» کاش اجازه چاپ نقل‌قول‌ها را داشتیم.

کمیته اخلاق تشکیل شد

«در ورژن آخـر سـاختار حقوقـی فیفـا که در آگوست ۲۰۰۹ مصوب شده، کمیته اخلاق بالاتر از کمیته انضباطی تشکیل شده که صالح بر رسیدگی به امور اخلاقی است.» این حرف علیپور یعنی دیگر کمیته انضباطی همه‌کاره منشـوری‌ها نیست: «بله! احـکام این کمیته دیگـر در کمیته انضباطی طرح نمی‌شـود و مستقیماً به کمیته اسـتیناف و بعد از آن FIFA و دادگاه CAS مـی‌رود.» ایـن ترکیب در فدراسـیون فوتبـال ایران شـامل مهـدی تاج، عزیزمحمدی، مجتبی شـریفی، ایلـکا، بهروان و به دبیری حجت‌الاسلام علیپور است که این وظیفه را بر عهده دارند. از علیپور درباره دو مربی منشـوری که ادعا دارند می‌توانند در لیگ برتر مربیگری کنند و این روزها روی جلد روزنامه‌ها هسـتند پرسیدم، پاسخ این بود: «نه! اینها این فصل نمی‌توانند در لیگ برتر باشند.» می‌خواهم وارد ریز مسائل شوم: «جرم ن... چیه؟ دلالی یا اخلاقی؟»، اما اجازه نمی‌دهد وارد این بحث شوم: «من چیزی نمی‌گویم! اینها هم که گفتم را ننویسـی‌ها.» لبخندی می‌زنم و حرفش را قبول نمی‌کنم. کاش تعهد اخلاقی‌ای وجود نداشت تا دست همه برای افشاگری باز باشد.

یادداشت

چیا فوادی

در سوگ حسین حیدری

می‌گفت سرطان را نمی‌شود دریبل زد

آخریـن بار که دیدمش روزهای پیـش از عید ۸۹ بود. باهیجان و باانرژی. انگار نه انگار که یک دوره سنگین شیمی‌درمانی را پشت سر گذاشته بود. خنده از لبانش جدا نمی‌شد. یک هفته از داربی تهران می‌گذشت و او برای کری‌خوانی به دیدن من آمده بود. صورتش تازه کمی گوشـت آورده بود. با خوشـحالی او را در آغوش گرفتم. گفتم: «حسین سرطان لاکردار رو خوب دریبل زدی!» قهقهه زد و گفت: «بابا برو به بازیکنای تیمت دریبل زدنو یاد بده که اینجوری نبازن. ولی اینو تو مخت کن که سرطانو نمیشه دریبل زد. تازه بچه‌های پایین شهر که اصلاً نمی‌تونن سرطانو دریبل بزنن. پول ندارن آخه!» با همان انرژی بی‌پایان می‌خندید. وقتی نام بابی رابسون و ۱۸ سال مبارزه‌اش با سرطان را به حسین یادآوری کردم با خنده گفت: «حتماً اونم بچه بالاشهر شهر لندن بوده.» همان روز نامه‌ای را در دسـتش دیدم. نامه‌ای که خطاب به یک مقام بلندپایه مملکتی بود و برای کمک هزینه شـیمی‌درمانی مجدد نوشته شده بود. خشکم زد. به حسین گفتم مگر آن شیمی‌درمانی تمام نشد؟ باز هم با همان خنده‌هایش گفت: «چرا، ولی یکی دیگه باید شـروع شـه...» چشم‌هایم از حدقه درآمده بود. یقه‌اش را گرفتم و گفتم: «حسـین درست صحبت کن ببینیم چی شـده؟» شانه‌هایش را بالا انداخت و گفت: «چی بگم داداش؟ سـرطان روده کوفتی کم بود و اون همه دردسـر و بدبختی واسـه روده‌های پیچ واپیچ و نالوطی کشـیدم حالا دو تا غده دیگه تو پهلوم دراومدن که بدخیم و سـرطانی هسـتن ولی خیالی نیس باهاشـون روپایی می‌زنم. ولی وضعم خرابه، پولم که ندارم. قیمت داروها خیلی بالاسـت. شـیمی‌درمانیه، شوخی که نیس، فیلو می‌زنه زمین چه برسه به من بچه پایین شهر که مورچه‌م الان.» سعی کردم من هم بخندم بلکه روحیه‌ای به حسـین بدهم که برگشـت گفت: «جون چیا، یادم نمیره سه سال پیش تمام اون شب‌های سردی رو که از دم در ایران ورزشی می‌رفتیم تا پل سـیدخندان. چه حالی می‌داد وسط راه واسـه فوتبال ایران تعیین تکلیف می‌کردیم. روز بعد همه چی از یادمون می‌رفت. ولی خدایی اون وقت‌ها که ماشین نداشتی خیلی باحال‌تر بودی، دست روزگار که تو رو از ما گرفت... ولی واسم دعا کن که راحت شم. دیگه حالم داره از این دنیا به هم می‌خوره. انگار شدم نقش اول فیلم قیصر. از زمین و زمون داره همین‌جوری واسم می‌باره.» گفتم: «نگو حسین،چیزی نشده که. تو وضعت همین الانم از بابک معصومی بهتره.» با پوزخند گفت: «حداقل خدا واسه اون یه علی کریمی مشتی فرستاد که چک سفید بده. اما من چی؟ بختم سیاهه. به جون خودت، الان خود بهروز وثوقی قیصرم. سرنوشـت همه بچه‌های پایین شهر اینه. حداقل کاش می‌ذاشتن عمل کنم اما اگه تیزی بخوره به پهلوم میگن غده‌ها چند برابر میشن... دعا کن واسم. دعا کن برم از این دنیای لاکردار. خدا کنه منم برم پیش بابام. آخه اون دنیا تنهاست... ولی خوبیش اینه که بابام یه ساله رفته اون دنیا برم پیشش سریع می‌تونم پیداش کنم. اگه دیرتر مرده بود شاید نمی‌تونستم پیداش کنم.» کرکر می‌خندید. چه روحیه‌ای داشت حسین حیدری. بدا به حال من و میلیاردها افسوس که سختی روزگار و مشـغله نگذاشت از حیدری تا بستری شدنش سـراغی بگیرم. وقتی خبر خونریزی مغزی‌اش و بسـتری شـدنش در بیمارستان شهدای تجریش را شـنیدم، تا به خودم آمدم حسـین رفت و همه را تنها گذاشـت. به راستی او نجیب‌ترین ورزشی‌نویسی بود کـه دیـده بودم. حتی مخالفان نظراتش هم او را به دلیل خوش‌زبانی و خوش‌قریحگی دوسـت داشـتند. بمب نمکی بود که همیشه فضای تحریریه را عوض می‌کرد. از هیچ چیز نمی‌ترسـید و حرف‌هایش را بدون ترس از کسـی می‌زد. انگار نه انگار که دارد در چه شـرایطی کار می‌کند. فوتبال‌نویس دوست‌داشتنی رفت و همه ما را تنها گذاشت. نمی‌دانیم با غم رفتن حسین حیدری چه کنیم اما مطمئناً همه اهالی خیابان سیاوش چهارراه نظام‌آباد و کوچه شعبانی مثل ما و شاید بدتر از ما هستند. لااقل آنها هر روز حسین را می‌دیدند نه مثل ما که گاهگداری حسین را می‌دیدیم و غم دنیا را فراموش می‌کردیم. آنهایی که تا آخرین لحظات بر بالین حسـین بوده‌اند می‌گویند او با خنده به کما رفته و با خنده چشم از جهان فرو بسته. حسین حیدری خبرنگاری که فوتبال ایران و به خصوص لیگ یک به قول خودش تو مشتش بود حالا آن بالابالاها ما را نگاه می‌کند. خوش به حالت حسـین. الان دیگر نه درد داری و نه باید سوزش سوزن‌هایی را تحمـل کنی که مرتب به تنت فرو می‌رفتند و دادت را درمی‌آوردند. راحت شـدی حسین... خوش به حالت که در چنین روزگاری رفتی حسین... خوش به حالت...

حاشیه

محمدرضا آخوندی

رئیس، قصد ماندن در کمیته المپیک را دارد

علی‌آبادی: من تابه‌حال موج‌سواری نکرده‌ام

محمد علی‌آبادی رئیس کمیته ملی المپیک ایران، پس از کش و قوس‌های فراوان در ماه‌های اخیر اعلام کـرد تا پایان دوره قانونی مدیریتش در کمیته ملی المپیک، این نهـاد را رها نخواهد کرد. او همچنین در ایـن روزها به نظرات جالبی هم رسـیده که در دوران حضورش در سـازمان چندان به این مسائل فکر نمی‌کرد که آن هم قرار گرفتن فدراسیون‌ها زیر نظر کمیته ملی المپیک است، همان‌گونه که در دنیا مرسـوم است. علی‌آبادی همچنین پس از پنج سال حضور در ورزش به این باور رسیده که در هر مورد و در ارتباط با هر کسی اظهارنظر نکند. در مورد علی دایی می‌گوید: من در جایگاهی نیستم که جوابی به انتقادهای دایی بدهم. حرف‌های تند یزدانی‌خرم را هم تنها با خواندن بیت شـعری که کنایه به «چرخ دوار دنیا» و «بالا و پایین روزگار» دارد، پاسخ می‌دهد. در مورد علی سعیدلو و حواشی بسیار زیادی که در این مدت داشته نیز می‌گوید:«با سعیدلو هیچ اختلاف نظر و مشکل کاری ندارم.» معاون سابق رئیس‌جمهور که به ایسنا رفته بود سخنان دیگری هم گفته که در ادامه به اختصار به آن اشاره خواهد شد.

–پنج سـال در ورزش بودید. از این پنج سال بگویید؟

المپیک نقطه پایان و اوج و قله هر ورزش است که فدراسیون‌ها و ورزشکاران خود را برای رسیدن به این اوج آماده می‌کنند و باید زیر نظر کمیته ملی المپیک باشند. مشکلی که در ورزش کشور ما وجود دارد این اسـت که ما در ایران سـاز ناسازی نسبت بـه ورزش جهان می‌زنیم. در تمام دنیا مسـوولیت فدراسیون‌ها با کمیته ملی المپیک است. این کمیته ملی المپیک اسـت که بر فدراسـیون‌ها مدیریت و نظارت می‌کنـد و مجامع انتخاباتی را برگزار کرده و بهترین‌های ورزشـی را انتخاب می‌کند، اما به هر دلیل این مسوولیت در کشور ما در اختیار سازمان تربیت بدنی اسـت و کمیتـه ملی المپیک ایران به صورت نصفه و نیمه بر فدراسـیون‌ها نظارت دارد. شاید این یکی از بزرگ‌ترین مشکلات ورزشی کشور باشد که باید حل شود تا یک نفر پاسخگوی ورزش قهرمانی باشد.

–سـال گذشـته و در مناظره‌هـای انتخاباتی می‌گفتند سـاخت و سـازی که در چهار سال حضـور شـما در ورزش اتفاق افتـاد، از دوره ناصرالدین‌شاه تاکنون بی‌نظیر بوده است.

مـا تصمیـم گرفتیـم فضاهایـی مطابـق بـا اسـتانداردهای روز دنیا احـداث کنیم. آیا تاکنون فکر کرده‌اید چرا با این همه سرمایه‌گذاری در فوتبال جایگاه این رشـته ارتقا نمی‌یابد؟ یکی از دلایل آن این است که کودکان با توپ‌های پلاستیکی و زمین خاکـی بـازی می‌کنند و سـابقه فرهنگی و فکری مناسـب را نداشـته و در زمین‌های بـزرگ موفق نمی‌شـوند. از طرفی با توسعه گلخانه‌ای ورزشی به جایی نمی‌رسـیم. کشتی به این خاطر موفق است که ریشه در فرهنگ ایران دارد و در بسیاری از نقاط بسـاط کشتی در جشن‌ها و مراسم سنتی برپاست. وقتی فضا و مربی نباشـد، نمی‌توان ورزشـی را در سطح گسـترده در میان مردم توسعه داد. حالا در ۱۰۰۶۰ شهر کشور، یکی دو سالن ورزشی ساخته یا در دست ساخت داریم.

–شـما اعلام کرده بودید با ساخت و سازهای انجام‌شده در سال‌های گذشته، ایران توانایی میزبانی المپیـک را دارد، آیا هنوز هم به این موضوع اعتقاد دارید؟

بلـه، هنوز هـم اعتقـاد دارم. در حـال حاضر سـالن‌های بسـیار مناسـب چند هزار نفری داریم که قابلیـت میزبانی رویدادهای مهـم را دارند. در بخـش فوتبال فکر می‌کنم با کمی تجهیز و اصلاح ورزشـگاه‌ها می‌توانیم سرویس‌دهی ایده‌آلی داشته باشـیم. در سـایر رشـته‌ها نیز در حال حاضر این امکان وجود دارد.

–ولی ورزشـگاه‌های ما با اسـتانداردهای روز دنیا فاصله دارند.

بلـه، ورزشـگاه‌های ما ضعیف‌تر هسـتند، ولی مردود نیسـتند. اگر مردود بودند ما نمی‌توانستیم هیچ رویدادی را در آنها برگزار کنیم.

–اما همیشـه این ترس وجود دارد که به علت مناسب نبودن اسـتادیوم‌ها، سهمیه ایران را در رقابت‌های فوتبال جام باشـگاه‌های آسـیا کاهش دهند.

حالا ناظران فیفا ایراد می‌گیرند که باید ایرادها را برطرف کرد. مشکل اینجاست که آنها استانداردها را بالا می‌برند، ولی وضعیت استاندارد استادیوم‌های ما ثابت می‌ماند.

–داستان انتخاب علی دایی به عنوان سرمربی تیم ملی چه بود؟

من خودم در تمام سـال‌هایی که سازمان بودم، حتی یک نفر را به عنوان مربی، دبیر یا نایب‌رئیس انتخـاب نکـردم، چـرا کـه می‌خواسـتم در مقام سـوال باشـم. اگر خودم آنها را انتخاب می‌کردم، نمی‌توانستم علت شکست‌ها و موفقیت‌ها را از مقام مسوول جویا شوم. حتی به معاون‌های خود - قرص و محکم - می‌گفتم وارد این مسائل نشوید.

–پس چرا علی دایی اصرار دارد که انتصاب و برکناری‌اش خارج از فدراسـیون فوتبال رقم خورده است؟

من که نباید پاسخ علی دایی را بدهم.

–بگذریم! بعد از مدیریـت خوب یزدانی‌خرم در والیبال، شـما از او حمایت کرده و وی را بر مسند کشـتی گماردید. حتی پس از المپیک پکن در حالی که بیشـتر نگاه‌هـا برای یافتن مقصر شکست کاروان ایران متوجه یزدانی‌خرم بود، از او حمایت کردید؛ اما حالا او مدام از شما انتقاد می‌کند...

در جـواب فقط بایـد گفت ای دنیـای بی‌وفا. دنیا خیلی بی‌وفاسـت و موج‌سواری هم یک رشته ورزشی است.

–واقعاً اختلاف شما با یزدانی‌خرم از کجا نشات گرفته است؟

من تا به حال موج‌سواری نکرده‌ام.

–شما به خوبی به این نتیجه رسیده‌اید که در مدیریت کلان ورزش، یا باید قانون اصلاح شود یا اینکه یک نفر مدیریت دو حوزه بالای ورزش را در اختیار داشته باشد. به نظر می‌رسد چند مـاه پیش تصمیم گرفتید به صورت یک‌طرفه – و با استعفا- اختلاف‌ها را حل کنید، اما این طور نشد.

استعفا مشکل را حل نمی‌کند، فقط مشکل را از یک بخش به بخش دیگر منتقل می‌کند. باور من بر این است که ورزش کشور باید جلو برود و به‌خاطر همین طرز نگاه بود که خواستم فرد دیگری را برای تغییر و حرکت به سازمان تربیت بدنی معرفی کنند. احساس کردم انگیزه‌های لازم را (برای ادامه کار در آن زمینه) ندارم.

–چرا انگیزه خود را از دست دادید؟

دلایل مختلفی داشت.

–در مورد حضور برخی اعضای خانواده شـما در ورزش هـم حـرف و حدیث‌های بسـیاری مطرح شد.

از تمام خانواده من، تنها پسرم عضو هیات رئیسه فدراسیون شنا بود- او در زمان دانشجویی عضو تیم

تازه‌های فناوری

تنوع برای همه سلایق

شعاری که سامسونگ محقق کرد

شرکت کره‌ای سامسونگ که همواره به عنوان یکی از پیشتازان صنعت تهویه مطبوع در دنیا مطرح بوده، اصل تنوع را در دستور کار خود قرار داده تا سلایق متفاوت کاربران را تحت پوشش خود قرار دهد. توجه به ایجاد تنوع در محصولات به منظور تامین نیاز هر مشتری با هر سلیقه‌ای، طیف گسترده‌ای از محصولات مختلف را در خانواده بزرگ سامسونگ به وجود آورده که پاسخگوی نیاز تمامی اقشار کاربران حتی با نیازهای خاص است. گستره وسیع محصولات این شرکت از کولرهای گازی خانگی گرفته تا سیستم‌های فوق پیشرفته تهویه مطبوع که مجهز به سیستم‌های پیشرفته کنترلی هستند، به خودی خود موجب شده سامسونگ به عنوان نخستین پیشنهاد و یک راه‌حل برای تامین سیستم تهویه مطبوع در هر فضایی، از یک ساختمان کوچک مسکونی گرفته تا هتل‌ها، بیمارستان‌ها، کارخانجات و حتی آسمانخراش‌ها مطرح شود.

سامسونگ در حوزه محصولات سرمایشی و به خصوص کولرهای گازی خانگی نیز فعالیت مستمری داشته و به دلیل تنوع نیازها، طیف گسترده‌ای از انواع محصولات شامل کولر گازی پنجره‌ای، اسپلیت دیواری، مولتی‌اسپلیت و کولر گازی ایستاده در مدل‌ها و طرح‌های مختلف را در بسته محصولات خود جا داده است. کولرهای پنجره‌ای سامسونگ که اصل طراحی در آنها ملاک تولید قرار گرفته، در دو مدل دستی و الکترونیکی در ظرفیت‌های مختلف ۱۲ تا ۲۴ هزار بی‌تی‌یو و در هر دو مدل «سرد» و «سرد و گرم» در اختیار کاربران قرار گرفته است. این دستگاه پیشنهادی مناسب برای کاربرانی است که به دنبال دستگاهی ارزان اما با کارایی مناسب هستند. از مهم‌ترین قابلیت‌های این محصول که در تمامی کولرهای گازی سامسونگ نیز به عنوان یک اصل مشترک محسوب می‌شود، استفاده از کمپرسورهای فوق پیشرفته UTR Plus است که قابلیت ایجاد سرمایش سریع‌تر و کارکرد تا دمای ۶۰ درجه سانتیگراد بالای صفر را دارا بوده و این در حالی است که وجود این فناوری استفاده از این دستگاه را در مناطق گرمسیری نیز فراهم آورده است.از طرفی کولرهای اسپلیت دیواری سامسونگ نیز در طرح‌های متفاوت و با امکانات جذاب و کاربرپسند وارد بازار شده است. کولر گازی مدل Vivace این برند با دو طرح مختلف آیینه‌ای و دیجیتال، پیشرفته‌ترین مدل اسپلیت دیواری سامسونگ به شمار می‌رود.

برترین قابلیت این دستگاه سیستم فوق پیشرفته دکتر ویروس است که از رشد و شیوع ویروس‌ها و باکتری‌های مختلف از جمله ویروس H1N1 که عامل بیماری آنفلوآنزای خوکی محسوب می‌شود در محیط زندگی جلوگیری به عمل می‌آورد. کاربرد این قابلیت کارآمد که توسط متخصصان آزمایشگاهی در دانشگاه‌های کشورهای صاحب تکنولوژی مورد آزمایش قرار گرفته است، حکایت از این موضوع دارد که بیش از ۹۹ درصد از ویروس‌های موجود در هوا به وسیله فناوری دکتر ویروس از بین می‌روند. مدل دیگر اسپلیت دیواری سامسونگ مدل بسیار زیبای Montblanc است که به دلیل طراحی فوق‌العاده جذاب خود، جایزه ویژه طراحی IF design از کشور آلمان را نیز از آن خود کرده است. این دستگاه مجهز به فیلتر منحصربه‌فرد DNA بوده که از شیوع عوامل سرطان‌زا در محیط جلوگیری می‌کند. اما دیگر محصول سامسونگ که در خانواده سرمایشی این شرکت جای می‌گیرد، کولر گازی مدل Moderato است که طرحی متفاوت با سایر محصولات هم‌رده دارد. پنل زیبای این دستگاه با ترکیب رنگ نقره‌ای و مشکی ظاهری متمایز برای این دستگاه ایجاد کرده است. آخرین مدل کولرهای دیواری سامسونگ مدل Neo-Forte است و در حالی که ظاهری ساده‌تر از دیگر محصولات دارد، از ویژگی‌های متنوعی از جمله ویژگی خواب راحت یا فیلترهای چند مرحله‌ای به منظور ایجاد هوایی پاکیزه برخوردار است. کولرهای مولتی‌اسپلیت سامسونگ نیز با کاربری خاص خود توانسته‌اند نیازهای قشر خاصی را پاسخگو باشند. این محصولات با قابلیت اتصال چندین پنل به یک واحد خارجی، برای کاربرانی که از فضای کافی برای نصب یونیت خارجی دستگاه برخوردار نیستند، شرایط مناسب‌تری مهیا کرده است. سامسونگ کولرهای مولتی‌اسپلیت خود را در دو مدل دو پنله با ظرفیت ۲۴ هزار بی‌تی‌یو و سه پنله با ظرفیت ۴۸ هزار بی‌تی‌یو وارد بازارهای داخلی کرده است.این در حالی است که در سال جاری سامسونگ به منظور تامین نیاز مشتریان خود در کنار دستگاه کولر گازی ایستاده ۵۰ هزار بی‌تی‌یو که برای فضاهای بزرگ مانند سالن‌ها یا رستوران‌ها کاربرد دارد، نوع کوچک‌تر همین محصول را نیز که از طراحی فوق‌العاده زیبایی بهره می‌برد با قابلیت نصب حتی در منازل مسکونی عرضه کرده است. این دستگاه در ظرفیت ۳۰ هزار بی‌تی‌یو و در دو طرح مختلف با پنل‌هایی با رنگ‌های متفاوت در دسترس کاربران خواهد بود. تمامی این محصولات که در رده‌های مختلف از نظر طراحی، قابلیت یا کاربرد قرار دارد، نشان از تحقق این شعار است که سامسونگ پاسخگوی نیاز هر مشتری با هر سلیقه‌ای است.

خبر

فیس بوک تصاویر مشترکان خود را شناسایی می‌کند

پی‌سی‌ورلد: شبکه اجتماعی فیس‌بوک که مشترکان آن روزانه ۱۰۰ میلیون عکس را به‌اشتراک می‌گذارند، قابلیت جدیدی را مورد آزمایش قرار می‌دهد که می‌تواند کاربران را از روی تصاویرشان شناسایی کند. زمانی که یک تصویر روی اینترنت قرار می‌گیرد، فیس‌بوک شخصیت کاربر مربوط به آن را با تصویر تطابق می‌دهد و آن را با نام شخص سازگار می‌سازد تا از این طریق بتوان به وسیله جست‌وجو، تصاویر مشترکان را پیدا کرد. این فرآیند هم‌اکنون به صورت دستی در شبکه اجتماعی فیس‌بوک انجام می‌شود. «سام اودیو» مدیر مرکز محصولات تصویری فیس‌بوک در وبلاگ رسمی این شرکت نوشت: «با این قابلیت جدید شما بدون نیاز به مشخص کردن چهره افراد، شناسایی آنها را آسان‌تر انجام می‌دهید. این قابلیت هم‌اکنون برای شما ارائه شده است، مانند تصاویری که شما به کمک دوربین دیجیتالی از صورت دوستان خود تهیه می‌کنید، این قابلیت می‌تواند بر پایه چهره اشخاص اطلاعات مورد نیاز را در اختیار شما بگذارد. تمام کاری که باید با این سرویس جدید انجام دهید اینکه اسم شخص مورد نظر خود را در سایت وارد کنید و دکمه Enter را روی صفحه‌کلید فشار دهید تا در کوتاه‌ترین زمان تصویر شخص را در اختیار بگیرید.» اودیو همچنین توضیح داد که شرکت فیس‌بوک در حال ارتقای سیستم مدیریت و به اشتراک‌گذاری تصاویر مشترکان خود در اینترنت است. انتشار تصاویر در سایت فیس‌بوک یکی از اقدامات معمول در این زمینه محسوب می‌شود و بر اساس آمارهای موجود، ۹۹ درصد مشترکان این سایت تصویر خود را در صفحه شخصی‌شان منتشر کرده‌اند.

رضا تقی‌پور وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات در گفت‌وگو با «شرق»-بخش اول

پهنای باند ۱۲۸ کیلوبیت برای کاربران خانگی کافی است

حامد شفیعی

رضا تقی‌پور که هفته گذشته مدرک دکترای خود را در رشته ساخت و تولید با ارائه پایان‌نامه‌ای با موضوع ایران‌خودرو از فرانسه دریافت کرد، در دفاعیه خود در مجلس برای رای اعتماد، فناوری اطلاعات را اولویت برنامه‌های کاری خود قرار داد زیرا او معتقد بود تاکنون عمده فعالیت این وزارتخانه بر محور ارتباطات بوده و کمتر به مقوله فناوری اطلاعات پرداخته شده است. او بر این مساله اذعان دارد که گرچه حضور ایران در مجامع بین‌المللی در حوزه ارتباطات و فضایی خوب بوده اما بروز سلیقه‌های متفاوت در حوزه فناوری اطلاعات موجب شده وقفه‌ای برای حضور منسجم در نشست‌های بین‌المللی ایجاد شود. در عین حال او تمام توان وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات را بر کاهش هزینه‌های دسترسی به اینترنت و همچنین کاهش میزان نارسایی‌ها و کیفیت‌های این دسترسی از جمله کم کردن میزان قطعی‌ها می‌داند. اظهارات رئیس پیشین سازمان فضایی ایران در خصوص مباحث اینترنت به ویژه برداشتن سقف محدودیت دسترسی برای کاربران خانگی موجب شد گفت‌وگویی را با این مقام عالی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات در ساختمان سیدخندان داشته باشیم:

عکس: آیدین رحیمی

–پرسش ابتدایی را با صحبت‌های خود شما آغاز می‌کنم مبنی بر برداشته شدن محدودیت دسترسی کاربران خانگی به اینترنت که این خبر هم مسرت‌بخش بود و هم جای تعجب از این بابت که چه شد وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات تصمیم به این اقدام گرفت و اینکه آیا می‌توان امیدوار بود سرانجام کاربران ایرانی به خیل جمعیت کاربران دیگر کشورهای بهره‌مند از اینترنت باندپهن می‌پیوندند؟

در ارتباط با این سوال فکر می‌کنم لازم است ابتدا توضیحی داده شود در خصوص اینکه چیزی که امروز به عنوان پهنای باند اینترنت همه جا مورد سوال است، موضوعی نیست که به پهنای باند برای دسترسی به اینترنت بین‌الملل مربوط شود. به تعبیری پرسش‌ها در زمینه پهنای باند شبکه دیتا برای بهره‌گیری از انواع خدمات دولت الکترونیک یا خدمات الکترونیکی که می‌تواند ارائه شود، نیست. با این توضیح باید بگویم در پهنای باند شبکه دیتا به شدت در حال گسترش هستیم و از نظر ظرفیت فنی و ظرفیت ارتباطی، طی امسال و سال آینده این سرانه یعنی سرانه دسترسی به پهنای باند دیتای داخل کشور را با شاخص‌هایی که قبلاً وجود داشت افزایش خواهیم داد؛ در حد چند برابر بیش از ۱۰ برابر. این به این معنی است که کلاً ارائه خدمات الکترونیکی تسهیل خواهد یافت. بعضاً گلایه‌هایی در زمینه بانکداری و گلایه‌هایی که پهنای باند پاسخگوی آموزش‌های از راه دور نیست و همچنین گلایه‌هایی در خصوص اینکه اگر خدمات پرداخت الکترونیکی و تجارت الکترونیکی بیش از این توسعه پیدا کند شاید با محدودیت پهنای باند روبه‌رو شویم، مطرح می‌شود، بنابراین در این حوزه بنای ما این است که ظرفیت را به بیش از ۱۰ برابر برسانیم و قطعاً هیچ محدودیتی برای توسعه این خدمات الکترونیکی نخواهد بود. درباره دسترسی به پهنای باند اینترنت، همیشه این پرسش هست که آیا این پهنای باند موجود با توجه به کیفیتی که ارائه می‌شود، پاسخگوی نیاز است یا نه؟ گرچه تا به امروز ما در مراکز دانشگاهی و مراکز علمی و تحقیقاتی هیچ محدودیتی نداشتیم. ظرفیتی نیز که اکنون برای کاربران در نظر گرفته شده با توجه به ظرفیتی است که در کل پهنای باند کشور بود و همچنین پهنای باند بین‌الملل که هزینه‌های خاص خودش را دارد و انتقال این پهنای باند از خارج به داخل که در نهایت ظرفیت ۱۲۸ کیلوبیت برای کاربران خانگی در نظر گرفته شد. با این وجود ما افزایش پهنای باند برای کاربر خانگی را در برنامه پنجم توسعه پیشنهاد دادیم که اگر این در مرحله اول در مجلس به تصویب برسد و پشتیبانی‌های لازم از نظر اعتبارات به عمل آید، عملی خواهد شد. مساله دیگر تولید محتوا توسط نهادهای فرهنگی است و اینکه در داخل کشور به حدی تولید محتوا بالا برود که این ظرفیت به نحو مطلوبی مورد استفاده قرار گیرد، در غیر این صورت معنی‌اش این است که یک ظرفیتی تامین شده ولی این ظرفیت بلااستفاده است. باز تاکید می‌کنم در حال حاضر برای استفاده‌های علمی، دریافت اطلاعات، مقالات، کتب و... مورد نیاز محققان و دانشمندان پهنای باند فعلی در صورتی که همان ۱۲۸ کیلوبیت به صورت واقعی در اختیارشان قرار گیرد، در حد استفاده شخصی در منزل پاسخگو است. در مجموع ما در برنامه پنجم پیشنهاد برداشتن محدودیت دسترسی به اینترنت برای کاربران خانگی را داده‌ایم که در صورت تصویب این ظرفیت را در داخل کشور توسعه خواهیم داد تا به این حد که بتوانیم پاسخگوی نیازها باشیم.

–آیا بهتر نیست تولید محتوا را در اختیار خود کاربران قرار دهیم؟ طبق آماری که سال‌های گذشته ارائه شد، زبان فارسی در تولید محتوا در حوزه وبلاگ رتبه سوم را کسب کرده بود.

علی‌القاعده همین‌طور است. اینکه من گفتم نهادهای فرهنگی منظورم نهادهای فرهنگی دولتی نیست. به هر حال بسیاری از نهادها مانند مراکز دانشگاهی، حوزه‌های علمیه و آنجاهایی که تولید علم می‌کنند، وجود دارند، که همه اینها مراکزی هستند که می‌توانند در تولید محتوا مشارکت داشته باشند، در خصوص آمار و اطلاعات که یکی از نیازهای اساسی کشور است، طبیعتاً همه نهادهای دولتی و غیردولتی دخیل هستند. منتها زیرساخت‌هایی نیاز دارد که یکی از بحث‌های اساسی ما در برنامه پنجم همین است که عموماً از آن به عنوان زیرساخت‌های دولت الکترونیک نام می‌بریم؛ اینکه بتوانیم استانداردهای نرم‌افزارها و پایگاه‌های داده ملی را مشخص و پروتکل‌های مربوط به آن را تعیین کنیم به نحوی که اینها مانند گذشته به صورت جزیره‌ای ایجاد نشوند تا برای دیگران قابل استفاده نباشد بلکه اینها در قالب یک فرمت استاندارد با استفاده از پروتکل‌های استاندارد ملی ایجاد شود که هم بهره‌برداری متقابل‌شان از محتوای یکدیگر قابل امکان باشد و همین اینکه استفاده‌کنندگان و کاربران شخصی به راحتی بتوانند از آنها استفاده کنند.

–آیا تدابیر خاصی برای برداشتن این محدودیت پس از تصویب در مجلس وجود دارد، یا اینکه به صورت یک دستورالعمل به صورت کلی این محدودیت برداشته خواهد شد؟

در حال حاضر ما داریم ظرفیت پهنای باند داخل کشور را ایجاد می‌کنیم و طبیعتاً این تصمیم‌گیری عمدتاً بر عهده نهادهای فرهنگی خواهد بود که به چه شکل اقدام شود.

–در خصوص کاهش ۲۰ درصدی قیمت اینترنت، موضوعی به‌وجود آمده که عموماً در میان مردم این شائبه وجود دارد که این مقدار برای کاربر نهایی است. وقتی رسانه‌ها تیتر می‌زنند که تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی کاهش ۲۰ درصدی را تصویب کرده است بسیاری بر این باورند که این ۲۰ درصد برای کاربران نهایی است اما به واقع برای کاربر خانگی چند درصد کاهش صورت می‌گیرد، که البته محسوس نیز باشد؟

من فکر می‌کنم این مبحث از سوی سازمان تنظیم مقررات و شرکت ارتباطات زیرساخت اطلاع‌رسانی شده. این کاهش هزینه در موردی است که پهنای باند به صورت عمده در اختیار اپراتورها قرار می‌گیرد. اینکه چه بخشی از هزینه‌های شرکت‌های ندا (شرکت‌هایی که خدمات اینترنت را کاربران نهایی می‌دهند) برای پهنای باندی است که به صورت عمده از زیرساخت تهیه می‌کنند، بستگی به ترتیب قیمت هزینه آنها دارد و من فکر می‌کنم به صورت میانگین که ممکن است برای یکی قدری بالاتر و برای دیگر قدری پایین‌تر باشد، باید حدود هفت تا هشت درصد برای کاربر نهایی کاهش یابد. البته این را به عنوان یک شرط شرکت زیرساخت قرار داده و در مصوبه کمیسیون تنظیم مقررات نیز آمده است و به شرطی این تخفیف به شرکت‌ها داده می‌شود که آنها هم این تخفیف را به نسبت در هزینه نهایی به کاربر نهایی ارائه کنند.

– چند سال گذشته کاهش قیمت حتی تا سقف ۵۰ درصد نیز صورت گرفت اما کاربران نهایی این کاهش قیمت را احساس نکردند. آیا این بار آنها می‌توانند کاهش قیمت را لمس کنند؟

کمیسیون تنظیم مقررات این شرط را با هم اعلام کرده است، یعنی به عنوان الحاقیه در قراردادها با شرکت‌های PAP این شرط می‌آید که آنهایی می‌توانند از این تخفیف استفاده کنند که آن را برای کاربر نهایی به نسبت تاثیر عدد پهنای باند - مبلغ هزینه پهنای باند - در قیمت نهایی اعمال کنند. تفاوتی که این بار دارد این است که ما سیاست‌ها و ساز و کارهای جدیدی را برای نظارت بر کار شرکت‌های PAP اعلام کردیم و سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی موظف است نظارت بیشتری را اعمال کند. بازرسی‌هایی را به صورت گزینشی پیش‌بینی کردیم که باید صورت‌حساب برخی از کاربران را مشاهده کنند و بفهمند آیا این هزینه‌هایی که اعلام می‌شود، واقعی است و آیا طبق تعرفه عمل می‌شود؟ البته نکته‌ای قابل ذکر است که ما معمولاً در تعرفه‌ها سقف را اعلام می‌کنیم و کف تعرفه‌ها و اعمال تخفیف در اختیار خود شرکت‌ها است و با توجه به وضعیت اقتصادی، شرکت‌ها می‌توانند مبلغ کمتری را از کاربران دریافت کنند. این‌گونه نیست که یک عدد ثابتی را ما اعلام کنیم و حتماً باید این عدد اعمال شود، ممکن است یک شرکت ارائه‌دهنده اینترنت پرسرعت تعداد کاربرانش به حدی باشد که برای جذب بیشتر کاربران بتواند تخفیف‌های بیشتری اعمال کند، طبیعتاً ما از این اقدام استقبال می‌کنیم.

خبر

هک یوتیوب برطرف شد

خبرگزاری‌ها: گوگل یک مشکل امنیتی در سایت یوتیوب را که منجر به سوءاستفاده از این سایت شده بود، برطرف کرد.هکرها با سوءاستفاده از این نقص، کاری کرده بودند که ویدئوهای سایت یوتیوب همراه با آگهی‌های آزاردهنده جانبی به نمایش درمی‌آمد و در مواردی کاربر پس از کلیک برای مشاهده یک ویدئو به سایت‌های دیگر با محتوای نامناسب هدایت می‌شد. بررسی‌ها نشان می‌دهد هکرها با سوءاستفاده از یک مشکل کدنویسی موسوم به cross-site scripting کدهای مخرب خود را در سایت یوتیوب گنجانده بودند. آنها تلاش کرده بودند بیشتر روی ویدئوهایی متمرکز شوند که مربوط به اشخاص مهم بوده و بازدیدکنندگان بیشتری داشتند. خوشبختانه هکرها در جریان این حمله موفق به نفوذ به حساب‌های کاربری مشترکان سایت یوتیوب نشدند. البته خود هکرها ادعا کردند موفق به چنین کاری شده‌اند، اما بررسی‌ها، دروغ بودن ادعاهای آنها را ثابت کرده است. همچنین در جریان این حمله هیچ بدافزاری به طور مخفیانه به سایت یوتیوب اضافه نشده است.

تعدد نهادهای تصمیم‌ساز، معضل اصلی آی‌تی

ایسنا: «یکی از مشکلاتی که در زمینه تصمیم‌گیری و نگاه‌های کلان به بحث تجارت الکترونیک و فناوری اطلاعات مشاهده می‌شود، این است که نهادهای تصمیم‌سازی که در این زمینه وجود دارند، متعدد هستند.» محمدرضا غلامیان عضو هیات علمی دانشگاه علم و صنعت با بیان مطلب فوق و با اشاره به تعدد شوراها در زمینه فناوری اطلاعات و تجارت الکترونیک گفت: «مرکز توسعه تجارت الکترونیک، مراکز یا گروه‌ها و موسساتی هستند که خود را متولی فناوری اطلاعات و تجارت الکترونیک می‌دانند و بعضاً شاهدیم کار تکراری و مشابه همان کاری را که توسط شوراهای دیگر دنبال می‌شود انجام می‌دهند.» عضو هیات علمی دانشگاه علم و صنعت ادامه داد: «به عنوان مثال طرح تکفای یک انجام شد و به پایان رسید اما طرح تکفای دوم که ادامه آن بود، به سرانجام نرسید یا شورای فناوری اطلاعات که در واقع یک مجموعه از استراتژی‌ها را که در رابطه با فناوری اطلاعات تدوین کرد، در حالت معلق قرار گرفته یا مرکز توسعه تجارت الکترونیکی که در دوره پیش طرح‌های بزرگی انجام داده و هزینه‌های کلانی صرف کرده اما هیچ خروجی‌ای حاصل نشده و در عمل نتیجه‌ای نداشته است.»

وی افزود: «به عنوان نمونه دیگر، شورای عالی امنیت فضای تبادل اطلاعات (افتا)، در سال ۸۲ تشکیل شد اما این شورا هم به سمت قهقرا رفت. به نظر می‌رسد لازم است در زمینه این شوراها و سازمان‌ها فکر اساسی شده و آنها به نوعی تجمیع شوند.» غلامیان اظهار کرد: «زمانی قرار بود شورای عالی فناوری اطلاعات وابسته به وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات به نوعی شوراهای دیگر را تجمیع کند ولی متاسفانه این کار صورت نگرفت و این شورا کارهای مثبت مثل طرح فیبر نوری به مدارس و افتتاح حساب اینترنتی برای دانش‌آموزان یا اینترانت ملی مطرح کرد، همچنین بحث دیتاسنترها نیز از دیگر موضوعات مهمی بود که مطرح شد اما عملاً همه این مباحث به نتیجه نرسید.»

دنیای نرم افزار

پشتیبانی از اطلاعات به کمک نرم‌افزار

شرق: بسیاری از کاربرانی که سیستم‌های کامپیوتری آنها دارای فضای کم هارددیسک است، ممکن است برای جبران این مشکل خود از هاردهای خارجی در کنار سیستم خود استفاده کنند. انتقال اطلاعات از هارد اصلی به هارد جانبی یا تهیه یک نسخه پشتیبان از اطلاعات روی این هارد که در صورت بروز مشکل برای هارد اصلی و از بین رفتن اطلاعات آن، نسخه‌ای دیگر موجود باشد، از پرکاربردترین کاربردهای این هاردهای جانبی به شمار می‌آید. البته توجه به این نکته بسیاری ضروری است که برای ایجاد نسخه‌های پشتیبان از اطلاعات، مشکلاتی نیز وجود دارد. به عنوان مثال کاربری قصد دارد از پوشه ابزار خود یک نسخه مشابه روی هارد دوم نیز داشته باشد و این پوشه در طول روز چندین بار دستخوش تغییرات شده یا ابزارهای جدیدی به آن اضافه یا حذف می‌شود. حال اگر کاربری در چنین شرایطی قرار بگیرد و در طول روز قصد این را داشته باشد تا از پوشه اصلی و پشتیبان خود را همانندسازی و به‌روزرسانی کند باید وقت بسیاری را صرف این موضوع کند؛ کاری که برای بسیاری از کاربران دشوار است. - Super Flexible File Synchronizer نام نرم‌افزاری قدرتمند برای همگام‌سازی فایل‌ها و پوشه‌ها با یکدیگر است که به کمک این نرم‌افزار کاربران قادر خواهند بود با توجه به شرایط یادشده و استفاده از چندین هارد تمامی پوشه‌ها را به صورت یکسان و در یک زمان به‌روزرسانی کنند.

این برنامه با استفاده از ابزارهای موجود توانایی همگام‌سازی را در کمترین زمان فراهم می‌کند، به این صورت که کاربر با ایجاد تغییرات در پوشه اصلی کار خود را به اتمام می‌رساند و سپس نرم‌افزار به صورت خودکار تغییرات را اعمال می‌کند.این نرم‌افزار دارای ویژگی‌های برتری است که از جمله آنها می‌توان به این موارد اشاره داشت:

- قابلیت کپی اطلاعات میان سیستم‌های یک شبکه
- پشتیبانی از پروتکل‌های FTP, SSL, SSH, WebDAV برای همگام‌سازی پوشه‌های محلی و پوشه‌های موجود در یک فضای اینترنتی
- کپی تنظیمات اعمال شده روی یک پوشه و روی پوشه مقصد همانند اجازه دسترسی‌ها یا به اشتراک‌گذاری فایل‌ها و ده‌ها امکانات دیگر.

گفتنی است این نرم‌افزار محصولی از شرکت - Super Flexible Software Ltd به شمار می‌آید که علاقه‌مندان به کسب اطلاعات بیشتر در خصوص آن و همچنین دانلود رایگان آن می‌توانند به سایت p30world.com مراجعه کنند.

سودوکو شماره ۶

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

6				1	4	9		3
		3				8		
1	8							
		9					4	
	6		2	4	5		7	
	2					3		
							3	7
		1				2		
4		6	3	2				1

حل سودوکو شماره ۵

8	6	5	2	3	4	9	1	7
3	4	9	1	7	8	2	6	5
7	2	1	6	5	9	8	4	3
6	8	2	4	1	3	7	5	9
4	5	3	7	9	2	6	8	1
1	9	7	8	6	5	3	2	4
5	3	6	9	8	1	4	7	2
2	1	8	3	4	7	5	9	6
9	7	4	5	2	6	1	3	8

جدول شماره ۹۹۷

Ho_aminian@yahoo.com

افقی

۱- کوهی در نزدیکی نیشابور- بولتن ۲- به آهستگی و آرامی و به دور از چشم دیگران کاری انجام دادن- هر یک از بخش‌های جداگانه یک مجموعه- شهری در استان فارس ۳- ترک- ترسیده و مضطرب- گرمی زیاد خون بدن ۴- نوعی رسن مرتجع- کمان چهره‌آرا- با عزم و تصمیم ۵- نامی برای خانم‌های ایرانی به معنی فداکننده- از مباحث ریاضی و آمار ۶- وسیله خرد کردن گوشت- کنایه از سراسیمه و حیران بودن ۷- برای تخریب مکه لشگر کشید- آن که از نسل علی و فاطمه است- تصدیق آلمانی ۸- بوی ماندگی- میوه تازه‌رسیده- خیس ۹- حرف فاصله- زبان لران- بخشی از خاک استان یزد را شامل می‌شود ۱۰- نوعی غذای آبکی- رمانی نوشته مارک تواین امریکایی ۱۱- فاسق- از کشورهای امریکای مرکزی به مرکزیت پورتوپرنس ۱۲- جاهل- دریچه قابل تنظیم دوربین عکاسی- صوت دردنما ۱۳- نام ترکی- نقش و نگارهایی با تصاویر پیچ و خم‌دار- کس ۱۴- وسایل مسافر در آن است- نوعی میوه که پوست آن برای رنگرزی استفاده می‌شود- از عملیات مهم زراعی ۱۵- اساسی- زبان علمی قدیم و مقدس هندوها.

عمودی

۱- بی‌اندیشی که هر چه بخواهد می‌گوید- خوش‌ترکیب بودن ۲- آهسته- سود حرام- شهری در استان خوزستان ۳- پسوند آغشتگی- پایان- از واجبات نماز- چه وقت ۴- غذای مریض- دشت- جمع رکن ۵- لباس را ناخوشایند می‌کند- توهین‌آمیز- مقام و منزلت- پارچه‌ای استریل که روی زخم می‌گذارند ۶- ادیت- غول ادبیات فرانسه در سده هجدهم میلادی- غمناک، حزین ۷- نخستین رئیس‌جمهور آلمان- نوزاد گوسفند تا شش‌ماهگی- پاک کردن چیزی آلوده با آب ۸- دربندان جنگی- زنجیره- شایورد ۹- از شهرهای آذربایجان شرقی- سازمان جاسوسی امریکا- راه رفتن کودکانه ۱۰- از مصالح ساختمانی- کشوری در غرب عراق- مهمان ناخوانده ۱۱- پایتخت ایتالیا- یکی، یگانگی- سرگردان- آدم بسیار سختگیر و جدی ۱۲- رجحان- بالین- طلیعه اعداد ۱۳- کلمه‌ای برای اهانت- از الفبای یونانی- همنشین برهمن- عمارت عالی ۱۴- پاینده- پرهیزگار- خاکی که در نقاشی کاربرد داشت ۱۵- از فرزندان حضرت آدم- با تبلیغات منفی وجهه عمومی کسی را از بین بردن.

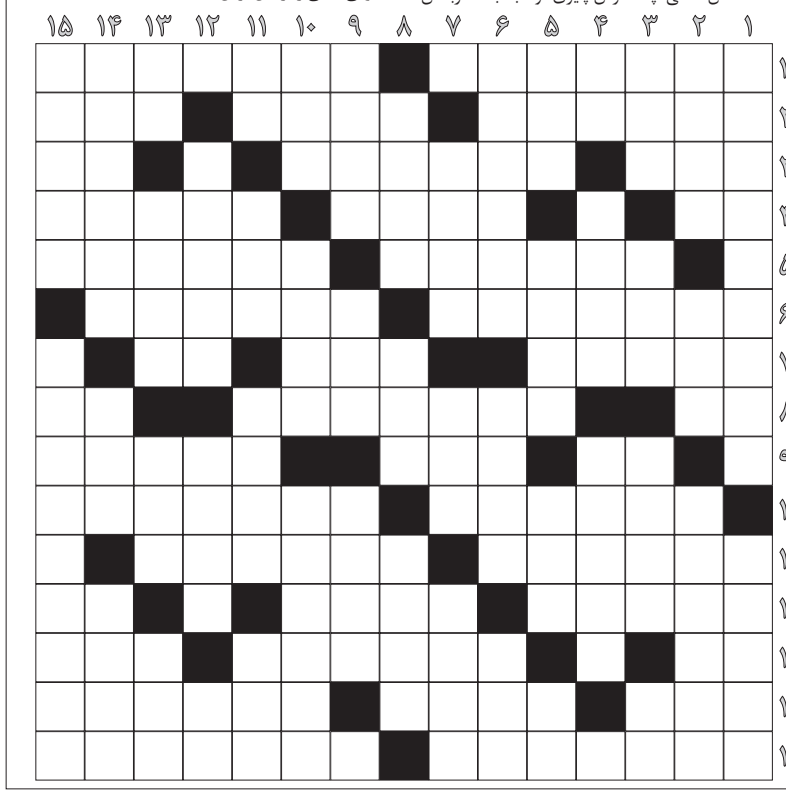

حل جدول شماره ۹۹۶

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ت	ا	س	م	ا	ن	ی	■	و	ا	ر	ی	ا	ن	س
۲	م	ت	ر	ا	ک	م	■	ه	ا	ن	ی	■	ن	ش	ا
۳	س	و	د	■	س	ا	م	ا	ن	ه	■	ا	■	خ	و
۴	خ	ل	■	ز	■	د	ر	ش	ت	■	ب	ه	ل	و	ل
۵	ر	■	ا	ب	ر	ی	ش	م	■	ا	ی	ر	و	ا	ن
۶	ا	ب	ر	و	م	ن	د	■	س	و	د	ا	گ	ر	■
۷	م	ا	و	ر	ا	■	■	ا	ر	ت	■	م	و	■	ت
۸	ی	د	■	■	د	و	ب	ل	ی	ن	گ	■	■	د	و
۹	ز	■	م	ع	■	ه	ا	ب	■	■	ا	ب	ه	ا	م
۱۰	■	ن	و	ن	ه	ا	ل	■	س	ا	ر	ا	ی	و	و
۱۱	ت	ا	ب	و	ت	ب	■	م	ا	ر	ی	و	س	■	گ
۱۲	ا	ب	د	ا	ل	■	ا	ل	ف	ا	■	ر	■	د	ر
۱۳	چ	ی	■	ن	■	م	ل	ب	و	ر	ن	■	ب	ل	ا
۱۴	ر	ن	گ	■	د	س	ا	س	■	ا	ع	ت	ر	ا	ف
۱۵	ت	ا	ن	ژ	ا	ن	ت	■	س	ت	م	ک	ا	ر	ی

خبر

مرگ ۲۶۰ هزار ایرانی در سوانح رانندگی ۱۰ سال گذشته

رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی کشور گفت: در یک دهه گذشته بیش از ۲۶۰ هزار نفر بر اثر سوانح رانندگی جان خود را از دست دادند و بیش از دو میلیون نفر نیز مصدوم شدند. به گزارش مهر سردار اسکندر مومنی با ارائه این آمار افزود: در حال حاضر در ایران به ازای هر یک هزار نفر ۱۵۰ خودرو وجود دارد در حالی که این رقم در بسیاری از کشورها بیش از ۷۰ خودرو است. رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی کشور همچنین تصریح کرد: مولفه‌های دخیل در امر انضباط و ایمنی در آمد و شد متعدد هستند که شامل ایمنی وسایل نقلیه، ایمنی شبکه معابر، توسعه حمل و نقل عمومی و سرعت در امداد و نجات است و هر کدام از این مولفه‌ها می‌توانند نقش همپوشانی داشته باشند به نحوی که اگر خودروها از ایمنی بالایی برخوردار باشند سرنشینان آن در صورت واژگونی خودرو با سرعت ۲۰۰ کیلومتر نیز آسیب نمی‌بینند. رئیس پلیس راهور ناجا خاطرنشان کرد: وضعیت ایمنی خودروها در کشور به‌رغم تلاش‌هایی که انجام شده است، راضی‌کننده نیست و پلیس کماکان پیگیر این موضوع است. وی درباره نصب ترمز ABS هم گفت: هر موضوعی که تبدیل به قانون شود، پلیس ملزم است آن را پیگیری کند. در این رابطه نصب ترمزهای ضدقفل در خودروها به صورت زمانبندی صورت‌گرفته و امیدواریم در زمانبندی مشخص به پایان برسد. سردار مومنی به تصویب لایحه اجباری شدن نصب کمربند ایمنی برای تمام سرنشینان خودرو در مجلس اشاره کرد و افزود: در صورت تصویب نهایی، اجرای این لایحه توسط واردکنندگان و تولیدکنندگان خودرو لازم‌الاجرا خواهد بود.وی ادامه داد: متاسفانه اقدام هماهنگ و همه‌جانبه‌ای در کشور به وجود نیامده و هنوز کاستی‌های بسیاری در حوزه‌های مرتبط با ترافیک و حمل و نقل وجود دارد و زمانی که با افزایش تقاضای سفر و خودرو مواجه می‌شویم به مشکلات اساسی در کشور برخورد می‌کنیم. رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی کشور با اشاره به نقش عامل انسانی در کاهش تصادفات و تلفات ناشی از آن گفت: تاکید پلیس در شرایط کنونی بر عامل انسانی است زیرا فقط عامل انسانی می‌تواند کاستی‌های بخش‌های دیگر را جبران کند و در کاهش تصادفات و تلفات نقش داشته باشد. عامل انسانی می‌تواند در جایی که خودروها و راه‌ها ناایمن هستند کاستی‌ها را جبران کند و صدمات را به حداقل برساند.

کشتار خانوادگی در مهاباد

مردی که به اتهام کشتار خانوادگی در آذربایجان غربی تحت تعقیب پلیس این استان بود ردیابی و بازداشت شد. به گزارش ایسکانیوز نیمه شب ششم تیرماه چهار عضو یک خانواده در خانه خود در مهاباد به خواب عمیق فرو رفته بودند که یک یا چند نفر که قمه به دست داشتند اعضای این خانواده را کشتند و گریختند. سپس پلیس آگاهی مهاباد به همراه بازپرس کشیک به قربانگاه رفت و در شرایطی که تجسس برای رازگشایی معما روی فرضیه کینه‌جویی یا دستبرد متمرکز بود یک متهم دستگیر شد و اکنون بازجویی از او آغاز شده است.

کلاهبرداران حرفه‌ای، خودروهای خیالی را می‌فروختند

گروه حوادث: فروش خودروهای خیالی ترفندی بود که دو تبهکار برای انجام کلاهبرداری‌های میلیونی از آن استفاده می‌کردند. کلاهبرداران برای این کار نقشه‌ای حساب‌شده طراحی کرده بودند و قیمتی پایین‌تر از قیمت بازار به خریداران پیشنهاد می‌دادند. به گزارش خبرنگار ما اواخر سال گذشته مردی نزد ماموران پلیس رفت و گفت دو نفر به بهانه فروش یک دستگاه خودرو گران‌قیمت ۴۰ میلیون تومان از او گرفته و متواری شده‌اند. وی که از طریق آگهی روزنامه‌ها با این دو تبهکار آشنا شده بود و هیچ اطلاعاتی از آنان نداشت به ماموران کلانتری نواب گفت: مدتی قبل تصمیم گرفتم یک خودرو مدل بالا بخرم. وقتی در لابه‌لای آگهی‌های روزنامه‌ها به دنبال خودرو مورد نظرم بودم با یک آگهی روبه‌رو شدم که در آن یک دستگاه خودرو توسن مدل سال ۲۰۱۰ با قیمتی مناسب برای فروش گذاشته شده بود. بعد از تماس تلفنی به دفتری در خیابان جیحون رفتم و با دو نفر به نام‌های پیمان و محمد آشنا شدم. آنها به من گفتند برای فروش خودروشان عجله دارند و چون خودم هم می‌خواستم زودتر صاحب اتومبیل شوم با آنها گفت‌وگو کردم و پس از توافق اولیه یک فقره چک به مبلغ ۲۰ میلیون تومان به تاریخ همان روز نوشتم و به آنها دادم. همان لحظه یکی از فروشندگان به بهانه آوردن خودرو از دفتر خارج شد. دقایقی بعد در حالی که

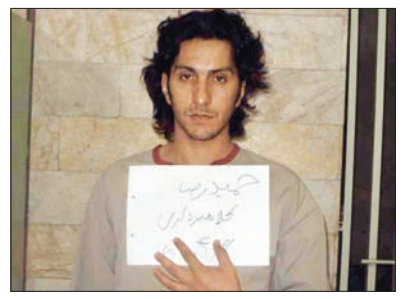

من مشغول نوشتن بقیه چک‌ها بودم نفر دوم نیز به بهانه خرید سیگار از دفتر خارج شد و من آنجا تنها ماندم. ساعتی گذشت و هیچ کدام از آنها به محل کارشان برنگشتند و آن زمان بود که فهمیدم فریب خورده‌ام و دو مرد با نقشه‌ای از قبل طراحی‌شده پول‌هایم را از چنگم بیرون کشیده‌اند. در پی طرح این شکایت به دستور موسوی، بازپرس شعبه پنجم دادسرای ناحیه ۱۰ ، کارآگاهان پایگاه هشتم پلیس آگاهی تهران تحقیقات خود را در این باره با بررسی تصویر دوربین مداربسته بانکی که چک در آنجا وصول شده بود آغاز کردند. این تلاش ماموران به دستگیری مرد ۲۷ساله‌ای به نام یوسف انجامید. هنگامی که این شخص تحت بازجویی قرار گرفت مشخص شد او از این کلاهبرداری بی‌خبر و فقط یک پیک موتوری است. در این شرایط افسران آگاهی در شاخه دیگری به تجسس در این باره پرداختند. در این مرحله کارآگاهان با بررسی آگهی‌های منتشرشده در روزنامه‌ها چند آگهی مشابه را شناسایی کردند. در این میان یکی از آگهی‌ها توجه ماموران را به خود جلب کرد. سفارش‌دهنده این آگهی نشانی دفتر کارش را حوالی میدان انقلاب اعلام کرده بود. ماموران این محل را برای چند روز تحت نظر گرفتند و چند مرتبه به بهانه خرید خودرو وارد دفتر مظنونان شدند و پس از آنکه اطمینان یافتند آنها همان متهمان تحت تعقیب هستند در عملیاتی غافلگیرانه آنان را دستگیر کردند. هنگامی که دو متهم در برابر شاکی قرار گرفتند اتهام‌شان را پذیرفتند و در ادامه مشخص شد هویت اصلی آنها حمید و رسول است. دستگیرشدگان در بازجویی‌ها علاوه بر این ماجرا یک فقره کلاهبرداری دیگر با همین شیوه را بر عهده گرفتند. یکی از متهمان گفت: ما یک اتاق از یک دفتر کار را از طریق بنگاه‌ها شناسایی و آنجا را برای مدت کوتاهی اجاره می‌کردیم. سپس آنجا را با تصاویر خودروهای گران‌قیمت و مدرن تزیین می‌کردیم و در مرحله بعدی نقشه‌مان یک دستگاه خودرو خیالی را برای فروش در روزنامه‌ها آگهی می‌دادیم و شرایط مناسبی را برای فروش آن اعلام می‌کردیم. طعمه‌مان نیز با دیدن این شرایط و در حالی که قیمت اعلام‌شده ما زیر قیمت بازار بود به خیال اینکه خودرو در گمرک مراحل نهایی ترخیص را می‌گذراند با یک برگ قولنامه معمولی پیش‌پرداخت را در قالب یک فقره چک به تاریخ همان روز به ما می‌داد سپس یکی از ما به بهانه تحویل خودرو از دفتر بیرون می‌رفتیم و چک را نقد می‌کردیم و ساعتی بعد همزمان با وصول چک نفر بعدی نیز به بهانه خرید سیگار از آنجا خارج می‌شد و به این ترتیب از آنجا متواری می‌شدیم. سرهنگ حسین خان‌بابایی رئیس پایگاه هشتم پلیس آگاهی تهران ضمن اعلام این خبر از صدور مجوز انتشار بدون پوشش تصاویر متهمان خبر داد و از افرادی که شکایتی از آنها دارند خواست به پایگاه هشتم پلیس آگاهی تهران بزرگ یا شعبه پنجم بازپرسی دادسرای ناحیه ۱۰ تهران مراجعه کنند.

سارقان فقط گردنبند می‌دزدیدند

گروه حوادث: سه سارق که با پرسه زدن در خیابان‌ها گردنبند شهروندان را می‌قاپیدند دستگیر شدند. به گزارش خبرنگار ما چندی قبل به دنبال دریافت اطلاعاتی درباره فعالیت یک باند گردنبندقاپی در مناطق مختلف تهران کارآگاهان پلیس آگاهی تهران برای به دام انداختن سارقان به تکاپو افتادند. تحقیقات اولیه حاکی از آن بود که هسته اصلی این باند را دو برادر به نام‌های اصغر و فرهاد تشکیل داده‌اند و شخص دیگری به نام حبیب نیز همدست آنها است. بررسی سوابق دو برادر نشان داد آنها دارای چندین فقره سابقه کیفری در خصوص شرارت و حمل و نگهداری مواد مخدر هستند و اخیراً نیز به گردنبندقاپی رو آورده‌اند. تحقیقات بیشتر در این رابطه نشان داد سه متهم به مواد مخدر شیشه اعتیاد دارند و مدت‌ها پیش در منطقه باقرشهر بهشت زهرا، با یکدیگر آشنا شده‌اند، از آن زمان باند تبهکاری تشکیل داده‌اند و اخیراً گردنبندقاپی می‌کنند.

پس از شناسایی هویت متهمان، کارآگاهان در مرحله بعد تلاش کردند تا مخفیگاه آنان را شناسایی کنند. در این مرحله ماموران پایگاه سوم پلیس آگاهی با تحقیقات دامنه‌دار خود به اطلاعاتی دست یافتند که نشان می‌داد متهمان در چند نقطه واقع در مناطق مرکزی و جنوب شرق تهران تردد می‌کنند. از این رو تجسس‌ها با تمرکز روی این مناطق ادامه یافت تا اینکه سرانجام حبیب در میدان هفتم تیر شناسایی و دستگیر شد.

وی هنگامی که به پلیس آگاهی منتقل شد به ده‌ها فقره گردنبندقاپی با همدستی اصغر و فرهاد اعتراف کرد و گفت: با توجه به شناخت دقیقی که از وضعیت خیابان‌های مناطق جنوبی تهران داشتیم بیشتر سرقت‌های خود را در شهرری، نازی‌آباد، خزانه، عبدل‌آباد، یافت‌آباد و پاسگاه نعمت‌آباد انجام می‌دادیم. از آنجا که زنان قدرت بدنی کمتری دارند بیشتر آنها را طعمه قرار می‌دادیم و گردنبندشان را می‌قاپیدیم. وی همچنین درباره جواهرات مسروقه گفت: پس از سرقت طلاها را به مالخری که از قبل می‌شناختیم و با ما همکاری داشت می‌فروختیم و با پول آن شیشه می‌خریدیم. در ادامه با اطلاعاتی که این متهم در اختیار پلیس گذاشت دو برادر تحت تعقیب نیز در خیابان کمیل دستگیر و به پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران بزرگ منتقل شدند. سرهنگ محمدرضا ذاکراستقامتی رئیس پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران، با اعلام این خبر گفت: متهمان در اعترافات خود به ده‌ها فقره گردنبندقاپی در مناطق مختلف تهران به خصوص در مناطق جنوب شهر اعتراف کرده‌اند و هم‌اکنون شناسایی دیگر مالباختگان در دستور کار پلیس قرار دارد.

شکار مسافران اتوبوس‌های بین شهری با آبمیوه مسموم

گروه حوادث: سارق حرفه‌ای، مسافران اتوبوس‌های بین شهری را با استفاده از آبمیوه‌های خواب‌آور بیهوش می‌کرد و اموال، وجه نقد و وسایل باارزش آنها را به سرقت می‌برد. به گزارش خبرنگار ما مدتی پیش گزارش‌هایی درباره فعالیت‌های این مجرم حرفه‌ای به پلیس ورامین رسید و کارآگاهان برای شناسایی و دستگیری او به تکاپو افتادند. پیگیری‌ها در این رابطه ادامه داشت تا اینکه اوایل تیرماه یکی از مغازه‌داران تجهیزات رایانه‌ای در ورامین طی تماس تلفنی با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰، از حضور فردی مشکوک در مغازه‌اش خبر داد و گفت این شخص یک لپ‌تاپ همراهش دارد و می‌خواهد آن را به قیمت بسیار پایینی بفروشد. پس از این تماس ماموران به محل اعزام شدند اما فهمیدند مرد مورد نظر قبل از رسیدن ماموران به رفتارهای صاحب مغازه مشکوک شده و با به جا گذاشتن لپ‌تاپ که داخل یک کیف سامسونت بوده، به بهانه‌ای از مغازه خارج و متواری شده است. ماموران کیف را مورد بازرسی قرار دادند و از داخل آن یکسری مدارک متعلق به افراد مختلف و یک عدد سیم‌کارت کشف کردند. با شناسایی مالک سیم‌کارت مشخص شد وی مدتی قبل با اتوبوس از مشهد عازم تهران بود که در طول مسیر فردی سر صحبت را با او باز کرد و با ریختن طرح دوستی به وی آبمیوه‌ای تعارف کرد که مسموم بود. این مالباخته وقتی به پلیس آگاهی رفت به کارآگاهان گفت: «بعد از خوردن آبمیوه از حال رفتم و سه روز بیهوش و در بیمارستان بستری بودم و بعد از به هوش آمدن متوجه شدم مدارک و مبلغ ۱۵۰ هزار تومان وجه نقدی که همراه داشتم به سرقت رفته است.» کارآگاهان در ادامه تحقیقات با راهنمایی این مالباخته، تصویر فرضی متهم را ترسیم کردند و از طریق بانک اطلاعاتی پلیس آگاهی هویت سارق به نام « غلامرضا » را شناسایی کردند.این تحقیقات ادامه یافت تا اینکه کارآگاهان با اقدامات اطلاعاتی پی بردند او به تازگی در ورامین ساکن شده است، بنابراین بلافاصله مخفیگاهش را شناسایی و وی را در یک عملیات غافلگیرانه دستگیر کردند. متهم ابتدا منکر هرگونه سرقت شد ولی پس از مواجهه حضوری با تعدادی از مالباختگان، از سوی آنها مورد شناسایی قرار گرفت و به ۱۰۰ فقره سرقت از مسافران با استفاده از آبمیوه‌های آلوده به مواد بیهوشی اعتراف کرد. غلامرضا در بازجویی‌ها گفت: پس از آزادی از زندان، با استفاده از آبمیوه‌های آلوده به مواد بیهوشی و خواب‌آور در مسیرهای تهران- شمال و همچنین از مسافران اتوبوس‌هایی که از تهران به مشهد، اهواز، همدان، کرمان، یزد، بندرعباس و چند شهر دیگر می‌رفتند سرقت کردم و در این دزدی‌ها بیش از ۵۰ میلیون تومان وجه نقد و ۱۵ میلیون تومان حاصل از فروش اموال مسروقه به دست آوردم.

حادثه‌ها

مواد مخدر، انگیزه‌ای برای قتل

گروه حوادث: یک فروشنده مواد مخدر که به خاطر اختلاف با جوانی بر سر مواد، وی را به قتل رسانده بود، در ساعات اولیه پس از قتل دستگیر شد. «سرهنگ اسماعیل هادئی» رئیس پلیس آگاهی استان تهران با اعلام این خبر افزود: ساعت ۲/۳۰ دهم تیرماه به دنبال تماس تلفنی یکی از شهروندان با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ شهرستان کرج و اعلام گزارشی مبنی بر وقوع نزاع منجر به قتل در یکی از خیابان‌های مهرشهر، بلافاصله ماموران کلانتری به همراه کارآگاهان جنایی به محل مورد نظر اعزام شدند. وی گفت: ماموران با حضور در محل حادثه با جسد جوانی حدوداً ۲۳ساله که آثار بریدگی‌های عمیق با چاقو در ناحیه پهلوی سمت چپ و کتفش کاملاً مشهود بود، روبه‌رو شدند و جسد را به پزشکی قانونی انتقال دادند. هادئی اظهار داشت: کارآگاهان در تحقیقات اولیه پی بردند قاتل شخصی سابقه‌دار به نام «احمد» است که در خرید و فروش مواد مخدر سابقه فعالیت دارد و به خاطر مواد با مقتول درگیر شده و در جریان نزاع، وی را با ضربات متعدد چاقو به قتل رسانده و متواری شده است. رئیس پلیس آگاهی استان تهران ادامه داد: با شناسایی هویت قاتل، اقدامات اطلاعاتی بسیاری انجام گرفت و سرانجام چند ساعت بعد از وقوع قتل، مخفیگاه متهم در مهرشهر کرج شناسایی و وی دستگیر شد. سرهنگ هادئی تصریح کرد: متهم در بازجویی‌ها به قتل «علی» اعتراف کرد و انگیزه‌اش را از جنایت اختلاف بر سر مقدار مواد مخدر فروخته‌شده به وی ذکر کرد.

انهدام شبکه بزرگ جعل اسکناس

گروه حوادث: یک باند حرفه‌ای چاپ و توزیع اسکناس‌های جعلی و قاچاق سلاح در زنجان و تهران متلاشی شد. مدتی قبل ماموران با کار اطلاعاتی و تحقیقات نامحسوس در شهرستان خرمدره از فعالیت یک باند بزرگ تهیه و توزیع اسکناس‌های جعلی و قاچاق سلاح جنگی آگاه شدند و توانستند متهمان را در یک عملیات منسجم دستگیر کنند. از این باند هفت کیلو و ۳۹۰ گرم اسکناس جعلی معادل بیش از ۲۰ میلیون تومان دو هزار تومانی و پنج هزار تومانی، یک دستگاه اسکنر، یک دستگاه لپ‌تاپ، یک دستگاه چاپگر، یک دستگاه نخزن اسکناس، یک دستگاه پرس کاغذ اسکناس با متعلقات، ۵۱ عدد کارتریج چاپ اسکناس، ۸۵ رول کامل کاغذ مخصوص چاپ اسکناس، سه دوک نخ اسکناس و یک قبضه کلت کمری جنگی به همراه یک تیغه خشاب و ۴۹ عدد تیر جنگی کشف و ضبط شد. سپس در بازجویی اولیه از متهمان، پلیس به محل اختفای اعضای دیگر این باند دست یافت و گروه دوم متهمان در منطقه پونک تهران به دام افتادند. از این محل نیز سه قبضه سلاح کمری، ۲۰۵ عدد تیر جنگی کلاشینکف، ۱۷۶ تیر جنگی ۹ میلیمتری، سه عدد تیر جنگی، کلت کمری هشت میلیمتری، ۶۱ قطعه اسکناس دو هزار تومانی جعلی، ۷۹ رول کاغذ مواد اولیه تولید اسکناس جعلی و دو دستگاه کارتریج مصرف‌شده دیگر کشف شد و اکنون تحقیقات تکمیلی در خصوص فعالیت‌های این باند ادامه دارد.

صدور بلیط کلیه خطوط هوایی
پرواز مستقیم
قبرس
لارناکا- آیاناپا
ترکیه،مالزی،سنگاپور،تایلند،چین،بلغارستان،مسکو
تشریفات کیش، مشهد ۲۲۸۵۲۵۲۸

راه سبز پرواز
IATA
شهرت اتفاقی نیست (با بیش از ۳۰ سال تجربه)
دارای بهترین لوح تقدیر از هواپیمایی لوفت هانزا در سال ۲۰۰۹
یکی از ده آژانس برتر ایران طبق آمار هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران
بلیط رفت و برگشت به کلیه شهرهای آمریکا و کانادا به تومان
تورنتو ۱/۲۵۰/۰۰۰ ونکوور ۱/۳۸۰/۰۰۰
لس آنجلس ۱/۴۰۰/۰۰۰ سانفرانسیسکو ۱/۴۰۰/۰۰۰
واشنگتن ۱/۲۸۰/۰۰۰
یک طرفه لس آنجلس ۸۲۵/۰۰۰ تومان
تحویل رایگان در محل
راه سبز ۴-۸۸۱۰۱۰۷۳-۸۸۱۰۱۰۶۵

سفرهای طبیعت گردی کلوت
به ناشناخته‌های بکر ایران
کلوت
شرکت طبیعت گردی و جهان گردی آفتاب کلوت
قله دماوند
قله سبلان
قله علم کوه
طبیعت ارومیه
ماسوله؛قلعه رودخان
هیکو به سورت چشمه
تخت سلیمان؛کرفتو؛بانه
ارسباران (طبیعت گردی)
سومانسرا به املش
قلعه قهقهه؛خیاو
قلعه مارون
ییلاق ماسال
جنگل ابر
فیلبند
گیلده
سفرهای خارجی
ارمنستان (۸ روزه)
۶۶۴۸۸۳۷۴-۵
۶۶۴۱۲۱۱۵-۶
۶۶۴۱۲۲۴۵-۶
www.kalout.com

تجربه ای نو - سفری تازه - خاطره ای ماندگار
تور رومانی جدید
فرصتی استثنایی جهت بازدید از اروپای شرقی
BUCHAREST بخارست
BRASOV براشوو
SIBIU سی بی یو
فروش بلیط داخلی ، خارجی ، کلیه خطوط
تماس تا ۲۱ ایام تعطیل ۱۰ الی ۱۶
Www.farazamoot.com
فراز آموت ۷۷۵۲۳۲۳۸

مالزی با پرواز امارات
تایلند - بالی
ترکیه - چین
خلیج فارس
سام سیر ۲۲۰۷۷۰۷۷ - خط ویژه: ۲۳۲۴

Sky airlines
بهترین ساعت با بوئینگ مدرن ۸۰۰-۷۳۷
(هر جمعه بهترین ساعت)
بدروم سواحل مدیترانه
مستقیم فرودگاه میلاس
مارماریس
(پنجشنبه و جمعه بهترین ساعت)
همسفر ۸۸۵۲۰۸۲۸
اوتاناسیر ۸۸۶۱۰۰۰۲
ماه بال ۸۸۶۶۲۹۹۲

قبرس (با پرواز مستقیم)
مالزی ، سنگاپور
مسکو سنت پترزبورگ تایلند
بالی . مالدیو
سواحل خلیج فارس
Sky Onurair
سواحل ترکیه
Rixos - Sun Gate - Royal Wings - Titanic - W0w...
استانبول. کوش آداسی
Surmeli - Aqua Fantasy - Sea Light ...
تماس تا ۸ شب
ایام تعطیل باز است
سیرو سفر ۸۸۴۷۶۳۳۱ بهشتی . چهار راه اندیشه
ایرانیان مهر ۲۲۲۲۰۳۳۳ شریعتی . مقابل حسینیه ارشاد

آخرین مهلت ثبت نام
Eavar
۱۹ روزه دور اروپا
هتل ۴ ستاره
۱/۳۹۰/۰۰۰/- تومان و ۲/۹۹۰/- یورو
یونان، ایتالیا، اتریش، سوئیس و فرانسه
۳ شب آتن، ۱ شب کشتی، ۳ شب رم، ۱ شب ونیز، ۳ شب اینسبروک، ۳ شب زوریخ، ۴ شب پاریس
شرکت خدمات مسافرتی اسراپرواز
۲۲۰ ۱۱ ۶۳۷

خبر

شوشتری:

آنقدر که تصور می‌کردیم شعارنویسی‌ها افزایش نداشت

شرق: مدیرعامل سازمان زیباسازی شهرداری تهران می‌گوید فکر می‌کردند در سالگرد حوادث خردادماه گذشته، میزان شعارنویسی‌ها دوباره افزایش پیدا کند و حتی ابلاغیه‌هایی در این باره به مدیران‌شان کرده بودند، اما آنقدر که تصور می‌کردند شعارنویسی‌ها افزایش نداشته است. محمدجواد شوشتری روز گذشته در اولین نشست خبری خود با رسانه‌ها در پاسخ به سوالی در رابطه با هزینه‌های اختصاص‌یافته توسط سازمان زیباسازی برای پاک کردن و ترمیم دیوارهای شهر از شعارنویسی‌ها در جریان حوادث پس از انتخابات گفت: «با توجه به اینکه این اقدامات توسط مناطق شهرداری تهران انجام می‌شود، آمار دقیقی از هزینه‌های انجام‌شده نداریم.» به گفته شوشتری آمارها نشان می‌دهد روند این شعارنوشت‌های سیاسی و غیرسیاسی افزایش نداشته است: «حتی احتمال می‌دادیم در سالگرد این حوادث در خردادماه این شعارنوشت‌های دیواری و تخریب جداره‌های شهری و مبلمان افزایش داشته باشد، اما آن میزان که ما تصور می‌کردیم، نبود.» مدیرعامل سازمان زیباسازی همچنین در توضیحی در رابطه با مجسمه‌های به سرقت رفته از شهر تهران، هر چند یادآور شد که در دوره‌ای معذور از پاسخ دادن به رسانه‌ها بوده است، چرا که می‌خواستیم نیروی انتظامی به کار خود ادامه دهد، این بار هم تنها به این پاسخ بسنده کرد که در حال حاضر نیز این پیگیری‌ها ادامه دارد. او وظیفه شهرداری را ساخت مجسمه‌های جایگزین با همان شکل قبلی خواند: «این کار را انجام داده‌ایم و ظرف هفته گذشته شش مجسمه نصب شده است و دو مجسمه دیگر نیز در هفته آینده نصب خواهد شد.» شوشتری در ادامه از انتقال مجسمه «امیرکبیر» که توسط استاد صدیقی در ایتالیا ساخته شده، به ایران خبر داد: «این مجسمه که در ابعاد سه متر و ۱۰ سانتیمتر است در حال حاضر وارد ایران شده و به‌زودی پس از جانمایی آن در بهترین نقطه که به احتمال زیاد پارک «هنرمندان» است، نصب خواهد شد.» مدیرعامل سازمان زیباسازی در بخش نقاشی‌های شهری هم گفت: «معتقد به هماهنگی‌های لازم در مورد انواع نقاشی‌های شهری توسط ارگان‌های مختلف هستیم و اذعان داریم در حال حاضر هماهنگی‌های لازم در این رابطه وجود ندارد و شهرداران مناطق و برخی ارگان‌ها به صورت سلیقه‌ای در مورد نقاشی‌های دیواری اقدام می‌کنند.» در همین حال او در پاسخ به این سوال که قبلاً ناهماهنگی‌هایی با بنیاد شهید وجود داشت، آیا این مساله حل شده است، ادامه داد: «در عین حال تعامل سازمان زیباسازی با بنیاد شهید و امور ایثارگران برای اجرای برخی از نقاشی‌های دیواری ادامه دارد.» او در پاسخ به سوال دیگری درباره استفاده از بنرهای دیواری با وجود به‌صرفه نبودن آن گفت: «ما هم قبول داریم بنرها به‌صرفه نیست و استفاده هم نمی‌کنیم. از وسیله دیگری استفاده می‌شود که پشت آن شبکه‌بندی دارد و استحکام و ماندگاری‌اش از بنرها بیشتر است.» شوشتری در ادامه از برنامه ساماندهی چند خیابان مشکل‌دار از لحاظ تبلیغات و آسیب به منظر شهری از جمله خیابان «جمهوری» خبر داد: «اصناف و واحدهای برخی از خیابان‌ها و نیز مطب‌های پزشکان نسبت به طرح‌های سازمان زیباسازی برای ساماندهی تابلوهای تجاری شکایاتی به مجلس و دیوان عدالت اداری و حتی شهردار تهران داشته‌اند، اما مذاکرات برای حل این مشکلات ادامه دارد.»

وزیر بهداشت و درمان:

سوخت نیروگاه تهران جوابگوی تولید رادیوداروها نیست

شرق: در نشست صبحانه کاری فعالان بخش خصوصی در اتاق بازرگانی ایران در روز گذشته که این بار با حضور وزیر بهداشت و برخی معاونانش برپا شد، موضوعات قابل توجهی به میان آمد که شاید مهم‌ترین بخش آن به ماجرای مافیای دارو اختصاص پیدا می‌کرد. اینکه مافیای دارویی در دست دولت است، موضوعی بود که از سوی رئیس سندیکای واردکنندگان دارو مطرح شد. «حجم بازار دارویی ایران ۲/۵ هزار میلیارد تومان است که ۴۰ درصد از این حجم را شرکت‌های وابسته به تامین اجتماعی و ۱۰ درصد را هلدینگ وابسته به گروه دارویی سبحان و ۱۰ درصد دیگر را هم گروه دارویی شفا وابسته به بانک ملی تامین می‌کنند.» سبحانی ادامه داد:« به این ترتیب ۶۰ درصد زیرمجموعه این بخش مربوط به بخش دولتی است که با این آمار مافیای دارویی دست خود دولت است و بخش خصوصی با جان کندن روز به روز خود را جلو می‌برد.» در این میان اما رئیس سندیکای تولیدکنندگان مواد اولیه شیمیایی و دارویی فرصت را غنیمت شمرد و در حضور وزیر بهداشت، مساله سرسام‌آور بودن هزینه‌های درمانی در کشور را مطرح کرد: «مصرف سرانه دارو در کشور به میزان ۳۰ دلار است.»

البته وزیر بهداشت این موضوع را نپذیرفت، با این توضیح که «امروز با وجود تحریم‌هایی که علیه ایران صورت می‌گیرد هزینه‌های دارویی ما نسبت به کشورهای دیگر ۱۰ برابر کمتر شده است و اخیراً در سفری که وزیر بهداشت ترکیه به ایران داشت از این موضوع تعجب کرده بود.» بی‌توجهی به قانون نظارت بر مواد غذایی موضوعی بود که شاهرخ ظهیری عضو اتاق ایران به آن اشاره کرد. او با گلایه از عملکرد دولت قبلی به خاطر تعلل در تصویب پیش‌نویس قانون نظارت بر مواد غذایی گفت:« دو سال طول کشید تا همراه ۲۵ کارشناس، پیش‌نویسی را در این مورد آماده کنیم اما متاسفانه در دولت قبلی به آن توجه لازم نشد. تقاضای صنعت غذای کشور این است که این موضوع در دستور کار وزارت بهداشت قرار گیرد و سپس در کمیسیون بهداشت مجلس برای تصویب مورد بررسی قرار بگیرد.» وزیر بهداشت اما در این باره توضیح داد: «از همان ابتدای کار دولت دهم، مسوولیت پیگیری قانون نظارت بر مواد غذایی در حال انجام شدن است و امروز به عنوان یک طرح در مجلس مطرح است که یکی از معاونت‌ها نیز برای پیگیری این پیش‌نویس در هفته جاری به کمیسیون بهداشت مجلس می‌رود.»

تفاوت تعرفه‌های درمانی منجر به فساد شده است

ماجرای دنباله‌دار تفاوت میان تعرفه‌های درمانی بخش خصوصی و دولتی نیز در این جلسه با حضور وزیر بهداشت مطرح شد. کسایی نماینده انجمن تولیدکنندگان تجهیزات پزشکی از این موضوع انتقاد کرد و آن را مسبب فساد دانست. او ادامه داد: «مردم ما درمان می‌خواهند و هیچ نیازی به غذا ندارند. در حال حاضر به عنوان مثال روزانه ۳۰ تا ۱۲۰۰ بیمار اورژانسی به بیمارستان فارابی به دلیل مشکلات مربوط به چشم مراجعه می‌کنند که هیچ کدام نیاز به غذا ندارند.»

هر جا که ببینیم تولیدکننده ضربه می‌خورد جلوی واردات را می‌گیریم

به گزارش ایسنا، در شرایطی که وحیددستجردی بر این نکته تاکید داشت که جلوی ورود هیچ دارویی گرفته نمی‌شود و با رعایت پروتکل‌های مربوطه این واردات صورت می‌گیرد، اما در بخش دیگری از سخنانش اظهار کرد: «هر جا که ببینیم تولیدکننده از واردات ضربه می‌خورد جلوی واردات را می‌گیریم.» او در این نشست به صادرات ۶۰ میلیون دلار دارو اشاره کرد: «می‌توانیم این صادرات را ۱۰ برابر کنیم و ۴۰ درصد وارداتی که برای تامین نیازها صورت می‌گیرد را نیز از طریق تولید داخلی تامین کنیم.» وزیر بهداشت البته زیر بار پایین بودن سرانه دارو در کشور رفت اما آن را به دلیل کم مصرف کردن ندانست: «۵۰ درصد هزینه‌های درمان کشور را مردم از جیب خود می‌پردازند.» او همچنین در پاسخ به پرسش خبرنگار مهر درباره آخرین وضعیت رادیوداروها و پزشکی هسته‌ای بر این نکته تاکید کرد: «در صورت عدم تامین سوخت مورد نیاز توسط سازمان‌های بین‌المللی مجبور می‌شویم رادیوداروها را با هزینه‌های بسیار زیاد تهیه کنیم چون سوخت نیروگاه تهران رو به اتمام است.» وحید دستجردی ادامه داد: «در حال حاضر تولید رادیوداروها در نیروگاه تهران به صورت یک هفته در میان انجام می‌شود که جوابگوی نیازهای مراکز پزشکی هسته‌ای نیست.» وزیر بهداشت با توجه به تعهدات سازمان‌های بین‌المللی به تامین سوخت کشورهای عضو ان‌پی‌تی براساس قوانین آژانس و همچنین بازی‌های سیاسی اخیر در خصوص نحوه تامین رادیوداروها گفت: «با وجود کمبودها مجبور شدیم مقداری از رادیوداروها را وارد کنیم چون چاره‌ای جز این نداریم و در صوت عدم تامین این موارد مجبوریم با هزینه بسیار بالاتری این رادیوداروها را تامین کنیم.»

پرونده تخلف در کمیسیون ماده ۷ شهرداری باز است

قطع و سوزاندن شبانه درختان در دره اوین

شرق: گزارش‌های محلی از دره اوین حاکی از آن است که مسوولان یک تعاونی برای دومین بار طی دو سال اخیر اقدام به سوزاندن و قطع درختان دره جنگلی اوین کرده‌اند. در این دره، بیش از ۳۰ هزار اصله درخت با قدمت بیش از ۵۰ سال وجود دارد. پیش از این و حدود دو سال پیش نیز اقداماتی مانند تغییر مسیر رودخانه برای نرسیدن آب به درختان و ریختن مواد شیمیایی برای خشک کردن آنها انجام شده بود که گویا نتیجه‌ای نداشته و در نهایت با ورود شورای شهر به این ماجرا متوقف شده بود. حالا بعد از وقفه‌ای دوساله، این بار قلع و قمع درختان با شدت بیشتری انجام می‌شود، به طوری که درختان شبانه آتش زده می‌شوند یا قطع شده و در کامیون‌های سرپوشیده از محل خارج می‌شوند. سوزاندن درختان به حدی است که دو شب پیش، بیم آن می‌رفت که آتش به منازل مجاور دره برسد، به همین دلیل و با وجودی که پیش از این مسوولان این تعاونی اجازه ورود آتش‌نشانی را به این منطقه نمی‌دادند، آتش نشانی اجازه ورود یافت و آتش مهار شد.

مسوولان محیط زیست را راه ندادند

پیش از این ساکنان این محل پیگیری‌هایی از طریق سازمان حفاظت محیط زیست انجام داده‌اند که گویا نتیجه‌ای نداشته است. به گزارش سبزپرس، «طاهرخانی» یکی از ساکنان این منطقه در این باره گفت: با پیگیری نامه ما، «محمدجواد محمدی‌زاده» رئیس سازمان محیط زیست به محیط زیست استان تهران دستور پیگیری داد اما مسوولان این محل، عوامل محیط زیست استان تهران را به این محل راه ندادند و در نهایت محیط زیست اعلام کرد چون این درختان در داخل شهر تهران واقع هستند، وظیفه نگهداری آن با شهرداری تهران است. دره اوین در منطقه ۲ شهرداری تهران واقع است. بنابراین نخستین پیگیری از «هاله خدادادی» مسوول فضای سبز منطقه ۲ انجام شد. خدادادی اما در پاسخ گفت در مقامی نیست که در این مورد اظهارنظر کند و پیگیری را به روابط عمومی ارجاع داد.

مکاتبات محرمانه

با این حال گویا پرونده این تخلف از چندی پیش در شهرداری تهران باز است. «رامین عرفانیان» معاون فضای سبز سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهرداری تهران در گفت‌وگو با «شرق» گفت: «پرونده این تخلف در کمیسیون ماده ۷ شهرداری تهران باز است و از چندی پیش مکاتبات محرمانه‌ای در مورد آن آغاز شده است. کمیسیون ماده ۷ شهرداری، با تخلفات قطع درخت در شهر تهران برخورد می‌کند.» او گفت: «در این محل زمانی که بخواهند مجوز ساخت بگیرند، نیروهای شهرداری به منطقه می‌روند و درختان را شمارش می‌کنند و آن زمان اگر درختی کم شده باشد، جریمه‌های سنگینی در انتظار خاطیان است.» این به آن معناست که شهرداری تنها زمانی می‌تواند در این باره اعمال قانون کند که کار از کار گذشته و در عمل بخش عظیمی از درختان از بین رفته‌اند. این است که عرفانیان فراموش نکرد که بگوید در این زمینه ضعف قانونی بزرگی وجود دارد و شهرداری لازم است سختگیرانه‌تر برخورد کند اما در حال حاضر چیزی که قانون تعریف کرده در همین حد است. «فرهنگ قصریانی» رئیس کارگروه باغات کمیته محیط زیست شورای اسلامی شهر تهران نیز در این باره گفت: به محض رسیدن گزارشی مستند از قطع و سوزاندن درختان در دره اوین، شورای شهر تهران جلسه‌ای اضطراری با حضور نمایندگان شهرداری و محیط زیست تشکیل می‌دهد و در این مورد تصمیم‌گیری می‌کند.

خبر

الزام حضور نماینده حراست در سفرهای خارجی و گروهی هیات علمی دانشگاه‌ها

مهر: مشاور وزیر و مدیر کل حوزه وزارتی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری حضور نماینده حراست مرکزی در سفرهای گروهی اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها را الزامی اعلام کرد. این موضوع از سوی رسول ملک‌فر مشاور وزیر و مدیر کل حوزه وزارتی وزارت علوم ابلاغ شده است. در این ابلاغیه آمده است: «احتراماً با عنایت به لزوم رعایت تمهیدات امنیتی در سفرهای گروهی اعضای هیات علمی به خارج از کشور، حسب نظر مقام محترم وزارت مقتضی است دستور فرمایید: هرگونه سفر گروهی اعضای هیات علمی به خارج از کشور با هماهنگی قبلی حراست مرکزی این وزارت صورت گرفته و حضور نماینده یا نمایندگان حراست مرکزی در کلیه سفرها الزامی می‌باشد.»

آژانس‌هایی که تناسب ورود و خروج گردشگر را رعایت نکنند باید جریمه دهند

ایسنا: معاون گردشگری سازمان میراث فرهنگی و گردشگری گفت: آژانس‌هایی که بیش از ظرفیت خود گردشگر از کشور خارج کنند، باید جریمه پرداخت کنند. سیدرضا موسوی با اشاره به بخشنامه جدیدی که برای دفاتر خدمات مسافرتی در حال تنظیم است، اظهار کرد: این بخشنامه به آژانس‌هایی که در حوزه تورهای خروجی فعالیت می‌کنند، مربوط می‌شود و اکنون در مرحله ابلاغ است. او با تاکید بر اینکه آژانس‌های واردکننده تور به کشور و برگزارکننده تورهای داخلی از این بخشنامه مستثنی هستند، ادامه داد: براساس این بخشنامه، آژانس‌ها باید در ازای هر ۱۰۰ نفری که از کشور خارج می‌کنند، ۳۰ گردشگر خارجی را به داخل کشور وارد کنند و اگر به این موضوع توجه نکنند و فقط روی خروج تور از کشور متمرکز شوند یا این تناسب را رعایت نکنند، باید جریمه بپردازند.

ادامه از صفحه اول

توقف وقف و اساسنامه‌جدید دانشگاه آزاد

اما با لغو حکم دادگاه از طرف رئیس قوه قضائیه معترضان به مصوبه مجلس هم تمام توان خود را بسیج کردند تا علاوه بر تجمع در مقابل مجلس از ابزارهای دیگری برای فشار بر نمایندگان موافق استفاده کنند. در همین راستا افرادی که به زعم برخی نمایندگان مجلس، سازمان یافته بودند، دو روز متوالی تجمع‌هایی با حمایت برخی نمایندگان مجلس برگزار کردند. در این تجمع‌ها شعارهای تندی علیه بسیاری از مسوولان دانشگاه آزاد داده شد. حتی اهانت‌هایی هم به مجلس صورت گرفت که پس از آن رئیس قوه قضائیه، رئیس مجلس و رئیس مجلس خبرگان رهبری آن را تقبیح کردند. پس از آن تصویب طرح معتبر بودن مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی عملاً پاسخ به موافقان وقف دانشگاه آزاد بود. مجادله موافقان و مخالفان وقف دانشگاه آزاد در مجلس تا درگیری‌های لفظی پیش رفت و فضای مجلس را متشنج کرد. با رد مصوبه مجلس در شورای نگهبان همه شرایط به نفع دولتی شدن مدیریت دانشگاه آزاد پیش می‌رفت اما شرایط به گونه‌ای دیگر رقم خورد و فعلاً موافقان و مخالفان باید در انتظار شرایط جدید باشند. در این شرایط تشکیل جلسه هیات امنای جدید دانشگاه آزاد به تعویق خواهد افتاد و به تبع آن انتخاب رئیس دانشگاه آزاد نیز تا اعلام شرایط جدید منتفی است.

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسوول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۸۵۷۵ - **نمابر:** ۸۸۶۷۷۴۶۹
توزیع: شرکت نوآوران جهان‌رسانه ایرسا - **تلفن:** ۸۸۸۲۲۳۹۰
امور فنی، آتلیه و لیتوگرافی: روزنامه شرق
چاپ گلریز: جاده قدیم کرج، فتح ۱۷، پلاک ۲۹ **تلفن** ۷ - ۶۶۸۲۲۳۴۶

روزنامه شرق

سال پنجم ■ شماره پیاپی ۱۰۰۵ ■ شماره ۸۱ دوره جدید ■ سه‌شنبه ۱۵ تیر ۱۳۸۹ ■ ۲۳ رجب ۱۴۳۱ ■ ۶ جولای ۲۰۱۰

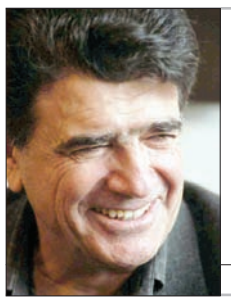

کنسرت شجریان در برج میلاد قطعی می‌شود

اجرای کنسرت محمدرضا شجریان همراه با گروه شهناز به سرپرستی مجید درخشانی در چهار شب در سالن همایش‌های برج میلاد قطعی شده است اما منتظر صدور مجوز از سوی ارشاد هستیم. مدیر برنامه‌های شجریان با اعلام این خبر گفت: «ایشان محبوبیت زیادی در بین مردم دارند و اجرای کنسرت یکی از راه‌های برقراری ارتباط با مردم هنردوست است. از این رو قرار بر این شد تا کنسرت گروه شهناز در چهار شب برگزار شود. در این کنسرت آثار جدید گروه شهناز روی صحنه می‌رود. پس از این اجرا یک برنامه در شیراز خواهیم داشت و مجدداً سه شب دیگر این گروه در تهران به اجرای برنامه می‌پردازد.

تهران: اذان ظهر ۱۳:۰۹ اذان مغرب ۲۰:۴۵ اذان صبح فردا ۴:۱۰ طلوع آفتاب ۵:۵۵

آخر

شب‌های روشن

فیلمساز باید در قبال نقد متواضع باشد

فرزاد موتمن

هفته گذشته در همین ستون از تاریخچه نقد در ایران گفتیم و اینکه بسیاری از منتقدان قدیمی ما دچار بحران روشنفکری شده‌اند و دست از قلم کشیده‌اند. آنچه باعث شده منتقدان نقد را کنار بگذارند و رابطه متقابل منتقد و فیلمساز موضوع یادداشت این هفته است.

بحران روشنفکری باعث شد عده‌ای از منتقدان فیلم، نقدنویسی را کنار بگذارند یا لااقل نوشتن درباره فیلم‌های ایرانی را کنار بگذارند. منتقدانی هم که باقی ماندند، لحن گزنده، مهاجم، برخورنده و اهانت‌آمیزی را پیش گرفتند. گاهی احساس می‌کنم منتقد می‌خواهد فیلمساز را زیر پای خود له کند. همه اینها باعث شد نقد فیلم در ایران هیچ‌گاه به شکل یک حرفه درنیاید. در جامعه ایرانی همان‌طور که روشنفکری برد ندارد و جایگاه خود را نیافته، نقد فیلم هم به عنوان حرفه جای خود را پیدا نکرده. اگر نقد فیلم در ایران حرفه بود، منتقدان ما باید از راه نقد زندگی می‌گذراندند و امرار معاش می‌کردند. اما نگاهی به منتقدان بیندازید؛ آنها یا اساساً حرفه‌های دیگری دارند مثلاً پزشک، وکیل، روانپزشک، کارمند قوه قضائیه، مترجم و... هستند یا اگر روزنامه‌نگار هستند هزینه زندگی‌شان را از طریق تمرکز در حیطه‌های دیگر روزنامه‌نگاری به دست می‌آورند در حالی که منتقد تنها باید روی نقد فیلم تمرکز کند. او فقط باید فیلم ببیند و بخواند و ترجمه کند و بنویسد و از همین طریق هم زندگی بگذراند. متاسفانه در کشور ما نقد فیلم آنقدر خواننده ندارد که رویش سرمایه‌گذاری شود و بودجه‌ای به آن اختصاص پیدا کند. همین باعث می‌شود ما در این رابطه دچار تناقض شویم. ما منتقد داریم اما منتقد حرفه‌ای پیدا نمی‌کنیم. بعضی چیزها می‌توانند منتقد را بی‌اعتبار کنند.

اول: آشنایی و دوستی با فیلمسازان و آدم‌های سینما است. هر چقدر منتقدان از فیلمسازان و صنعت سینما دورتر باشند، منتقدان بهتری هستند. آشنایی، معاشرت و دوست‌شدن عواقبی دارد که تاثیری به‌شدت مخرب بر کار منتقد می‌گذارد. من شنیده‌ام در برخی روزنامه‌ها و مجلات معتبر بین‌المللی با منتقدان قرارداد منعقد می‌شود که در طول زندگی حرفه‌ای‌شان در هالیوود زندگی نکنند و دعوت فیلمسازان را به شام و ناهار یا مسافرت قبول نکنند.

دوم: پافشاری کردن و طرفداری از یک فیلمساز به طور دائم و مستمر. همه می‌دانیم هر فیلمسازی اثر خوب یا بد دارد پس اگر منتقد فیلم بد فیلمساز را هم خوب ببیند، خودش را بی‌اعتبار می‌کند.

سوم: لحن منتقد ممکن است او را بی‌اعتبار کند. لحن عصبی، لحن پرخاشگر، لحن آزاردهنده و لحن خصوصی منتقد، او را بی‌اعتبار می‌کند. متاسفانه این روزها گاهی منتقدان به جای نقد فیلم راجع به علایق شخصی خودشان صحبت می‌کنند؛ اینکه طرفدار چه تیمی هستند، از چه کالباسی بدشان می‌آید و چه خواننده‌ای را دوست دارند در یادداشت‌هایشان مطرح می‌شود.

چهارم: دعواها و درگیری‌های خصوصی منتقدان با یک فیلمساز و همکار اعتبار منتقد را خدشه‌دار می‌کند.

پنجم: بعضی منتقدان با اثر خودشان سهل‌انگارانه برخورد می‌کنند و اطلاعات غلط می‌دهند. بی‌دقتی و سهل‌انگاری هم از نکاتی است که به اعتبار منتقدان ضربه می‌زند.

ششم: هر نقدی از یک ساختمان و بافت تشکیل شده است. منتقد باید معماری مناسبی برای نقدش داشته باشد.

هفتم: منتقد نباید درگیر کار عملی شود. او باید تصمیم خودش را بگیرد و انتخاب کند و اگر وارد صنعت سینما شد، نقد فیلم را کنار بگذارد.

هشتم: من معتقدم منتقد باید کاملاً مستقل عمل کند. حتی صنف منتقدان نباید جزء صنوف خانه سینما باشد بلکه اگر آنها بخشی از انجمن‌ها و صنوف روزنامه‌نگاران باشند و هیچ تاثیری از صنعت سینما نگیرند، می‌توانند بهتر عمل کنند.

نهم: لعنت به منتقدی که اطلاعاتش را از اینترنت کسب می‌کند چون این روزها همه به اینترنت و سایت‌های خبری خارجی دسترسی دارند و خودشان می‌توانند این کار را بکنند.

دهم: لعنت به منتقدی که مطالب خارجی را ترجمه می‌کند و به اسم نقد خودش به مخاطب می‌دهد. مخاطب می‌خواهد منتقد دنیای خودش را برای او بازگو کند نه هیچ کس دیگر را.

بحث دیگری که در اینجا مطرح می‌شود، این است که وظیفه فیلمساز در تبادل نقد فیلم چیست؟

در همین ۲۰ سال اخیر چند مورد شکایت فیلمسازان از منتقدان مطرح شده است. در بسیاری از مصاحبه‌های مطبوعاتی می‌خوانیم که کارگردانان می‌گویند نظر منتقدان برای ما اهمیت ندارد یا بعضی فیلمسازان که روی فیلم‌های تجاری متمرکز هستند، می‌گویند ما برای مردم فیلم می‌سازیم نه منتقدان.

بسیاری از فیلمسازان روشنفکر ما می‌گویند منتقدان ما به اندازه کافی باسواد نیستند و حق اظهارنظر ندارند.

به نظر من فیلمسازی که به منتقد اهانت می‌کند، به منتقد پرخاش می‌کند، فیلمسازی که از منتقد شکایت می‌کند، فیلمسازی که برای هر مطلب کوچکی در روزنامه توضیح می‌نویسد، خودش را بی‌اعتبار می‌کند. ذات نقد فیلم تلخ و گزنده است. اما بخشی از ویژگی و کیفیت حرفه‌ای کارگردان تحمل کردن نقد است. فیلمساز همیشه باید در قبال نقد متواضع باشد نه اینکه همیشه نقد را بپذیرد. او می‌تواند مخالف یا موافق منتقد باشد اما باید یادش باشد که در مقابل نقد مثبت خیلی کلاهش را بالا نیندازد و در مقابل نقد منفی هم خیلی عصبی نشود.

اگر بخشی از چیزهایی که در این یادداشت آمد، چه از طرف منتقد و چه از طرف فیلمساز رعایت شود، نقدنویسی دوباره می‌تواند پا بگیرد و اثرگذار شود. راستش در سال‌های اخیر ما کمتر نقد خوب خوانده‌ایم و بیشتر نقدهایمان با جنجال و باندبازی و حاشیه‌سازی و رفیق‌بازی همراه بوده‌است. من فکر می‌کنم نقدنویسی در ایران به یک خانه‌تکانی اساسی احتیاج دارد همان طور که سینما هم به یک تحول اساسی احتیاج دارد.

یاد: «نصر حامد ابوزید» اسلام‌شناس برجسته مصری درگذشت

فیلسوفی که کمر بنیادگرایی را شکست

امیلی امرایی

«نصر حامد ابوزید» اسلام‌پژوه در ۶۴ سالگی درگذشت. او بیش از یک دهه بود که یکی از کوچک‌ترین شهرهای اروپا را برای زندگی در کنار همسرش انتخاب کرده بود، اما حضور این فیلسوف برجسته در شهر دانشجویی «لایدن» و تدریس او در دانشگاه سبب شد دانشگاه لایدن در مدت کوتاهی تبدیل به یکی از برجسته‌ترین دانشگاه‌های هلند و اروپا در زمینه اسلام‌پژوهی شود و شورای علمی دایره‌المعارف قرآن کریم را با همکاری انتشارات «بریل» اداره کند. خبرگزاری الجزیره خبر داد حامد ابوزید از دو هفته پیش به دلیل بیماری و عمل جراحی در بیمارستان بستری بود و ظهر دوشنبه بر اثر التهاب مغزی فوت کرد. مصر و فتواهای مفتی‌های رادیکالش در این سال‌ها همیشه سروصداهای بسیاری به پا کرده است، اما فتوایی که گریبان «حامد ابوزید» و خانواده‌اش را گرفت، از خبرسازترین‌ها بود، آنچنان که نام او در میانه دهه ۹۰ تا هفته‌ها در صدر اخبار رفت و دیروز بیشتر روزنامه‌های هلندی و خبرگزاری‌های انگلیسی‌زبان پس از مخابره خبر فوت این اسلام‌شناس به آن فتوای عجیب اشاره کردند. آگوست ۱۹۹۲ چند تن از استادان دانشگاه الازهر و امام جماعت مسجد «عمروعاص» قاهره به دلیل مخالفت با مقاله‌های روشنگرانه و تفسیرهای او از «ابن عربی» و نگاه عربی به قرآن کریم با تسلیم دادخواستی به دادگاه شهر جیزه، خواهان جدایی وی از همسرش به دلیل ارتداد شدند. عاقبت دادگاه استیناف قاهره به ارتداد و جدایی حکم کرد. در این میان سازمان «الجهاد» به رهبری ایمن الظواهری دستیار اول بن لادن فتوای قتل او را صادر کرد و از آن پس ابوزید، مدتی در مراقبت پلیس مصر فعالیت‌های خود را ادامه داد و سرانجام به دانشگاه لایدن هلند رفت. دادگاه استیناف چند سال بعد دکتر ابتهال احمد کمال یونس استاد زبان فرانسه در دانشکده ادبیات دانشگاه قاهره را به عنوان همسر او پذیرفت. اما این رای همچنان به عنوان یکی از عجیب‌ترین حکم‌های کشورهای اسلامی در برخورد با اندیشمندان به یاد ماند.ابوزید مسلمانی بود با اعتقادات دینی عمیق و در تحلیل‌های خود از قرآن می‌کوشید متن کتاب دینی را در انطباق با وضعیت حاکم بر عصر پیدایش قرآن تفسیر کند. او معتقد بود بدون داشتن دانش در مورد پس‌زمینه‌های تاریخی قرآن، نمی‌توان آن را فهمید و به آن عمل کرد؛ در واقع او در ۱۰ سال گذشته در دایره‌المعارف قرآن کریم مشغول بررسی این پس زمینه‌های تاریخی بود. او معتقد است اسلام نه‌تنها یک دین، بلکه یک تمدن عظیم است که باید آن را درک کرد و اجازه نداد که اسلام تبدیل به آن چیزی شود که این روزها بنیادگرایان مذهبی در پی آن هستند. ابوزید می‌گوید عناصر سازنده تفکر او عناصر موجود در واقعیت و فضای مصر آن روزگار بوده است و آثار اسلامگرایانی چون سیدقطب، عباس محمود عقاد و طه حسین در شکل‌گیری تفکر او بسیار اثرگذار بوده‌اند. از مهم‌ترین کتاب‌های حامد ابوزید «مفهوم النص» است که مباحث رایج علوم قرآنی را از منظری تازه و با نگرش و ذهنیت امروزی مورد مطالعه قرار داده است. کتاب‌های «چنین گفت ابن عربی»، «دایره‌های ترس» (قرائتی در گفتمان زن)، «نقد گفتمان دینی»، «معنای متن» و «رویکرد عقلانی در تفسیر قرآن» از او در ایران منتشر شده است. دانشگاه لایدن هلند خبر داده است این دانشگاه به دلیل درگذشت یکی از برجسته‌ترین استادانش عزادار است.

آخرین پیشنهاد: کتاب‌های جومپا لاهیری، همینگوی و اگزوپری

شبیه دغدغه‌های خودمان

فرخنده آقایی

«به کسی مربوط نیست» نوشته جومپا لاهیری با ترجمه گلی امامی را به تازگی خوانده‌ام. جومپا لاهیری در داستان‌هایش به خانواده، عشق‌ها، علایق و روابطی که در مجموعه‌ای از سنت‌ها، باورها و در عین حال محدودیت‌ها شکل می‌گیرد، می‌پردازد. دغدغه‌های شخصیت‌های داستانی او شبیه دغدغه‌های ماست و این باعث می‌شود ما در قصه‌های او فرهنگ خودمان را ببینیم. جومپا لاهیری ساده و سرراست می‌نویسد. او در روابط خانوادگی عمیق می‌شود و وجه جدیدی از زندگی انسان‌ها را روایت می‌کند. اگر جومپا لاهیری به جای قصه نوشتن همه این وجوه جدید انسانی را در مقالاتی می‌نوشت شاید ما با یکسری یادداشت‌های خشک و کسل‌کننده سر و کار داشتیم اما سادگی و شیرینی روایت‌هایش که بیشتر خانوادگی، عاطفی و بازگشت به ریشه‌های قومی و فرهنگی را نشان می‌دهد تاثیرگذار است و ما را با جهانی نو آشنا می‌کند. مجموعه داستان «به کسی مربوط نیست» که با ترجمه خانم امامی توسط نشر چشمه چاپ شده است پیشتر با عنوان «خاک غریب» توسط امیرمهدی حقیقت ترجمه شده و نشر ماهی آن را منتشر کرده بود. من «خاک غریب» را نخوانده‌ام اما شنیده‌ام این کتاب هم از ترجمه خوبی برخوردار است. این را از این جهت می‌گویم که به تازگی و با خواندن کتاب «پیرمرد و دریا» اثر ارنست همینگوی به اهمیت ترجمه پی برده‌ام. چند وقت پیش این کتاب را به زبان اصلی می‌خواندم. برایم جالب بود که نسخه‌های ترجمه‌شده آن را مرور کنم. به همین دلیل دو ترجمه «پیرمرد و دریا» را خوانده‌ام. هم ترجمه نجف دریابندری از این داستان را که انتشارات خوارزمی به چاپ رسانده و هم ترجمه نازی عظیما که توسط انتشارات امیرکبیر چاپ شده است. مقایسه ترجمه‌ها نشان داد که مترجم نقش بسیار مهمی در موفقیت یا عدم موفقیت کتاب دارد. پیشتر کتاب «خلبان جنگ» نوشته سنت اگزوپری را می‌خواندم. نمی‌خواهم نامی از مترجم کتاب ببرم اما در طول مطالعه متوجه شدم کتاب دشواری‌هایی دارد و اشکال از ترجمه کتاب است. ترجمه نقش مهمی در انتقال آنچه نویسنده می‌خواهد بیان کند، دارد. خواندن کتاب‌های ارنست همینگوی به خصوص کتاب «پیرمرد و دریا» یکی از پیشنهادات من به اهل مطالعه است. با اینکه سال‌های زیادی از مرگ این نویسنده می‌گذرد زاویه دید او نسبت به زندگی و ارزش‌هایی که در ذهن داشته هرگز کهنه نشده است. من کتاب‌های همینگوی را فقط برای اینکه به شگردها و ترفندهای او برای جذب مخاطب و تاثیرگذاری قصه پی ببرم، نمی‌خوانم بلکه به عنوان یک خواننده از دریچه نگاه او به زندگی و زاویه دید او نسبت به مسائل مختلف لذت می‌برم. خواندن «خلبان جنگ» که از آن نام بردم نیز خالی از لطف نیست. سنت اگزوپری در این کتاب به تشریح و کالبدشکافی جنگ و تاثیر آن در انسان‌ها و آسیب‌هایی که به زندگی‌ها می‌زند، می‌پردازد. گاهی داستان‌ها فقط به خاطر تکنیک‌های داستان‌نویسی مهم نیستند و آنچه آنها را مهم، تاثیرگذار و جذاب می‌کند جهان‌بینی نویسنده است. اگر بخواهم این موضوع را سرلوحه توصیه‌ها و پیشنهادهایمان قرار بدهم باید بگویم کتاب‌های جومپا لاهیری، ارنست همینگوی و سنت اگزوپری را از دست ندهید. اگر بخواهم سراغ داستان‌نویسان خودمان بروم مجموعه داستان «بماند» نوشته بهناز علیپور را پیشنهاد می‌کنم. این کتاب مجموعه ۹ داستان است که توسط نشر چشمه به چاپ رسیده است. کتاب بهناز علیپور را از آن جهت توصیه می‌کنم که او یکی از معدود نویسندگان نسل جوان است که در کتابش سهل‌انگاری کمتر دیده می‌شود. او با آگاهی و دقت می‌نویسد و مشخص است که برای کارهایش وقت می‌گذارد. داستان‌های بهناز علیپور موضوعات عاطفی زنان جست‌وجوگر را روایت می‌کند. او به زندگی زنانی می‌پردازد که از سنت‌ها و محدودیت‌ها گریزان هستند.

گزارش آخر: ادامه کشمکش‌های معاونت سینمایی و صنوف

طرح ساماندهی اکران متوقف شد

شیما شهرابی

«به خوبی مطلع هستم با چه دغدغه و مشکلات و رایزنی‌های متعدد در تلاش هستید نسبت به امر ساماندهی اکران گام‌های مثبتی بردارید ولی گویا بعضی به جای قدرشناسی و پاسداشت این تلاش‌ها، هیچ ماموریتی به جز متهم کردن و تقابل با مدیران جدید سینمایی برای خود نمی‌شناسند؛ شاه‌نشین‌هایی که از کنج عافیت و فضای امن شغلی خود تنها درصدد هستند زخم‌های ناشی از شکست‌های سیاسی خود را با مرهمی از جنس نقدهای آتشین و کورکورانه درمان کنند.» این جملات بخشی از نامه جواد شمقدری به علیرضا سجادپور است. یک روز پس از انتشار نامه کانون کارگردانان به معاونت سینمایی و هشدار نسبت به وقایع اخیر سینما، جواد شمقدری در نامه‌ای به مدیرکل اداره نظارت و ارزشیابی، خواستار تعویق طرح ساماندهی اکران شد. لحن قهرآمیز و همراه با گلایه نامه نشان می‌دهد که هشدارهای کانون کارگردانان به معاونت سینمایی باعث نوشته شدن این نامه شده است. گرچه سجادپور در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید: «ما نامه‌ای را که به نام کانون کارگردانان منتشر شد به صورت نامه شخصی آقای کرم‌پور ارزیابی کردیم و تصور نمی‌کنیم نظرات کانون کارگردانان این باشد.» شمقدری در بخش دیگری از این نامه خطاب به سجادپور آورده است: «جناب آقای سجادپور، مسوولیت‌های سنگینی پیش روی ماست. نجات سینمای ایران که سال‌هاست در کمند صاحبان زر و زور و تزویر گرفتار آمده و رو به اضمحلال است وظیفه اصلی ماست. بنابراین تا زمانی که در امر اصلاح و ساماندهی حوزه اکران و نمایش نشانه‌های مثبتی مبنی بر مشارکت جدی و عزم صادقانه مشاهده نکردید، این اقدامات به تعویق بیفتد.» مهدی کرم‌پور سخنگوی کانون کارگردانان به نمایندگی از کانون کارگردانان در نامه‌ای نسبت به سیاست‌های معاونت سینمایی وزارت ارشاد انتقاد کرد. این در حالی است که وقتی صنوف مختلف سینمایی به معاونت سینمایی نامه نوشتند و خواستار انجام وظیفه در برابر خانه سینما شدند کانون کارگردانان تنها صنفی بود که پای آن نامه را امضا نکرد و این موضوع باعث شد شائبه همسویی آنها با معاونت سینمایی شکل بگیرد. اما نوشتن این نامه این شائبه را از بین برد. رئیس سابق شورای صنفی نمایش در بخشی از نامه کانون کارگردانان آورده است: «بر سربرگ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که در اول هر سال به دفاتر و اصناف اعلام می‌شود، ۱۲ سال است عبارت «اکران در سینماهای کشور آزاد است» به عنوان پیش‌فرض هر اساسنامه، آیین‌نامه و دستورالعملی مفروض است. طرح جدول زمان‌بندی اکران که مخالف نص صریح مقدمه این آیین‌نامه است، غیرقانونی، حرکتی رو به عقب و بازگشت به آزمودهای است که سال‌ها تجربه و کارشناسی را زیر سوال می‌برد.» اما علیرضا سجادپور در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید: «قرار بود با طرح ساماندهی اکران، جدول اکران را به طور کامل تحت نظارت معاونت سینمایی قرار دهیم تا آن را از ساز و کار تصادفی که براساس مبادلات و مناسبات درونی صورت می‌گیرد خارج سازیم. اما به دستور آقای شمقدری قرار شد تا همدلی لازم را میان اهالی سینما نبینیم، این کار را انجام ندهیم. به همین دلیل من هم تا اطلاع ثانوی ترمز دستی طرح ساماندهی اکران را کشیده‌ام.» او در پاسخ به سوال ما درباره اینکه آیا این کار مغایر با قانون نیست، می‌گوید: «به هیچ‌وجه، اداره نظارت بدون استناد به قانون کاری را انجام نمی‌دهد. ضمن اینکه باید بگوییم ما به تشخیص خودمان این طرح را تا اطلاع ثانوی متوقف کرده‌ایم.» همه این کشمکش‌ها در شرایطی صورت می‌گیرد که خبرآنلاین گزارش می‌دهد که تعداد تماشاگران سینمای ایران و مقایسه آن با سایر کشورها نشان می‌دهد سینمای ایران در آسیا در میان کشورهای صاحب سینما آخرین رتبه را در اختیار دارد. باید دید آقای شمقدری که چندی پیش از رتبه ۱۲ سینمای ایران در عرصه بین‌المللی خبر داد چه چاره‌ای می‌اندیشد.

آخرین پیشنهاد: «افسانه‌های ایتالیایی» نوشته ایتالو کالوینو

سیری در دنیای رویاها و ممکن‌ها

احمد پوری

اگر در کودکی کتابخوان بوده‌اید و حتماً به ضرورت سن کتاب‌های قصه و افسانه‌ای خوانده‌اید، خوب می‌دانید که هنوز لذت پرواز با بال خیال به سرزمین‌هایی که شبیه سرزمین ما نیستند و در آنها هر چه آرزو داریم به زیباترین شکلی به وقوع می‌پیوندد، را زیر دندان دارید. برای من بازخوانی و مراجعه به آنها، در زنگ تفریح لحظات پرشتاب زندگی، درنگ کردن و با آنها سری به دنیای فانتزی زدن هنوز هم در سال‌های پایانی دهه ۵۰ عمر فریبا و شیرین است.این روزها کتاب «افسانه‌های ایتالیایی» را با گردآوری نویسنده بزرگ معاصر ایتالو کالوینو که در سال ۱۹۸۵ از دنیا رفت، در دست دارم. این کتاب را روانشاد محسن ابراهیم ترجمه کرده و نشر مرکز آن را چاپ کرده است. هر بار با مراجعه به آن چند افسانه کوتاه از آن را می‌خوانم و بار دیگر حتی برای لحظه‌ای هم که شده در دنیای رویاها و ممکن‌ها سیری می‌کنم.این کتاب را به همه آنهایی که از رخت بربستن فانتزی از ادبیات امروز دل خوشی ندارند و دنبال دریچه‌ای هستند برای نفس کشیدن و لحظه‌ای دور بودن از چهره در سرکه شسته زندگی پرملال، توصیه می‌کنم.

ضدپیشنهاد: کتاب نخوانید، فوتبال ببینید

تماشای یک کتاب مصور هیجان‌انگیز

سیاوش خداشناس

در شرایطی که پیشنهاد فوتبال ندیدن به یک شعار روشنفکرانه تبدیل شده است، به واقع این یک ضدپیشنهاد واقعی است که کتاب خواندن را در وقت بازی‌ها رها کنید و به تماشای فوتبال بنشینید. جام جهانی ۲۰۱۰ به معنای واقعی یک جام جهانی تمام‌عیار است؛ جام جهانی‌ای که برخلاف دوره‌های قبلی پیش‌بینی‌ها محلی از اعراب ندارد. ایتالیا به‌رغم قهرمانی جهان در دوره قبل، در قعر جدول می‌ماند و به مرحله بعد راه نمی‌یابد، آرژانتین و انگلیس پرمدعا برخلاف نظر کارشناسان به جمع چهار تیم راه نیافتند و دیگر برزیل، فینالیست از پیش تعیین‌شده به حساب نمی‌آید. جام جهانی ۲۰۱۰ یک جام ضدستاره است، جام ضدقهرمان‌سالاری، جامی که ستاره‌های میلیاردی در مقابل جوانان بی‌ادعا و پرتلاش زانو می‌زنند، جامی که خلاق‌ترین بازیکن جهان بدون هیچ گلی جام جهانی را ترک می‌کند و گران‌قیمت‌ترین بازیکنان جهان جز غرور کاذب چیزی بروز نمی‌دهند.جامی که غنایی‌های بااراده امریکا را در هم می‌شکنند تا حداقل در یک نبرد پیروز میدان باشند و باعث شادی فراموش‌شده مردم خود شوند. جامی که چینی‌ها در مقام برادری جور نبود تماشاگران کره شمالی را می‌کشند و یکپارچه تیم کره را تشویق می‌کنند تا کره‌ای‌ها نبود هموطنان خود را احساس نکنند. جامی که آفریقای جنوبی ثابت کرد در سایه اراده ملی می‌تواند همپای ابرقدرت‌های اقتصادی و سیاسی جهان میزبان قابلی برای جام جهانی باشد. جامی که اسپانیا در کنار مستعمره پیشین خود پاراگوئه می‌ایستد و دست رفاقت می‌دهند و شعار ضداستعمار و ضدنژادپرستی سر می‌دهند. جام جهانی، تنها تماشای یک ورزش نیست، کتابی خلاصه است از تقابل قهرمان و ضدقهرمان، استعمار و مستعمره، اشک‌ها و لبخندها، فقر و ثروت و نمادی است از برابری و برادری و اراده و اتحاد. پس شاید بهتر آن باشد زمان را از دست ندهیم و به تماشای واپسین ورق‌های این کتاب مصور بنشینیم.

یادداشت آخر: روشنفکر ترک مهمان ارامنه ایران

نسل‌کشی ارامنه برای ترک‌ها مهم‌تر است تا برای ارامنه

روبرت صافاریان

تانر آکچام یکی از نخستین روشنفکران و جامعه‌شناسان ترک که از دولت ترکیه خواست نسل‌کشی ارامنه را به رسمیت بشناسد،اوایل تیرماه به دعوت کمیته برگزاری نودو پنجمین سالگرد قتل عام ارامنه شورای خلیفه‌گری تهران، به ایران آمد. مناسبت حضور آکچام در تهران رونمایی ترجمه فارسی کتاب «اقدام شرم‌آور» او بود، که مراسمش عصر همان روز در باشگاه ارامنه تهران برگزار شد. باری، همه می‌دانند که در اوایل سده گذشته، در سال‌های جنگ جهانی نخست، صدها هزار تن از ارامنه شرق آناتولی به زور از محل سکونت خود به طرف جنوب، به سوی صحاری خاورمیانه رانده شدند و اکثریت آنها یا در اثر گرسنگی و بیماری کشته شدند یا توسط یگان‌های ویژه ارتش عثمانی به قتل رسیدند. این موضوع اما تنها بخشی از تاریخ نیست و به سیاست امروز گره خورده است. گروه‌های سیاسی و لابی ارامنه در ایالات متحده و کشورهای دیگر سخت در تلاشند پارلمان‌های دنیا قتل عام ارامنه را به رسمیت بشناسند. فارغ از اینکه این استراتژی در درازمدت به سود ارامنه و جمهوری ارمنستان است یا خیر، موضوع ابعاد سیاسی گسترده‌ای پیدا کرده است، مساله پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا به آن مشروط شده و طرح آن در کنگره ایالات متحده روابط امریکا و ترکیه را تیره کرده است. پیگیری ستم‌های تاریخی و خواست جبران آنها می‌تواند خود به گفتمان‌های ناسیونالیستی و کینه‌توزانه در سوی مظلوم دامن بزند. نگاه تانر آکچام از این نظر شایسته توجه است که در عین حال که بر مسوولیت تاریخی ترکیه تکیه می‌کند و از دولت این کشور می‌خواهد که اذعان کند جنایتی اتفاق افتاده و رسماً از ارامنه عذرخواهی کند، اما بر گفت‌وگوی بین دو کشور، دوستی و «بی‌معنا ساختن مرزها» تکیه می‌کند. او در بخشی از سخنرانی دوم تیر خود در کلوب ارامنه چنین گفت: «فکر می‌کنم به رسمیت شناختن نسل‌کشی ارامنه مسوولیت اخلاقی نسل جدید ترکیه است؛ نسلی که خود مرتکب نسل‌کشی نشده و گناه این جنایت را بر دوش نمی‌کشد. نسلی که از آنچه در تاریخ روی داده بی‌اطلاع است. و این تقصیر آنها نیست. اما آنها دارند به تدریج متوجه واقعیت می‌شوند. در ترکیه تغییری روی می‌دهد. طی یک دهه گذشته بسیاری از روشنفکران راجع به نسل‌کشی ارامنه صحبت کرده‌اند. در برنامه‌های تلویزیونی و مباحثه‌های جمعی درباره نسل‌کشی صحبت شده است. ما می‌توانیم درباره نسل‌کشی مقاله بنویسیم و در مطبوعات ترکیه چاپ کنیم. سال گذشته گروهی از روشنفکران ترک یک کمپین عذرخواهی به راه انداختند و ۳۰ هزار تن از ترک‌ها در یک سایت رسمی از مردم ارمنی به خاطر نسل‌کشی عذرخواهی کردند. حتماً شنیده‌اید که بعد از ترور هراند دینک روزنامه‌نگار ارمنی استانبول، صدها هزار تن از مردم ترک به خیابان‌ها آمدند و فریاد برآوردند «ما همه ارمنی هستیم»، «ما همه هراند دینک هستیم». همین امسال در استانبول روشنفکران ترک علناً سالروز قتل عام ارامنه را گرامی داشتند و سه هزار نفر در این مراسم شرکت کردند. البته نمی‌خواهم شما را متقاعد کنم که در ترکیه همه چیز رو به راه است و هیچ مشکلی در میان نیست. نمی‌خواهم امید واهی به شما بدهم. دلایل زیادی وجود دارد که همچنان بدبین باشیم. فقط می‌خواهم بگویم چیزی شروع به تغییر کرده است؛ خیلی آرام و بطئی. اما هنوز در ابتدای راهیم و فرسنگ‌ها راه پیش رو داریم. نسل من می‌داند که به رسمیت شناختن قتل عام ارامنه واپسین نقطه عطف مهم در مسیر استقرار دموکراسی در ترکیه خواهد بود. ترک‌ها باید نسل‌کشی را به رسمیت بشناسند چون بدون رویکرد شرافتمندانه به جنایات گذشته، بدون عدالت، نمی‌توانیم در ترکیه، دموکراسی واقعی داشته باشیم.» وجه تمایز نگاه تانر آکچام با نگاه ناسیونالیستی را می‌توان چنین خلاصه کرد: تعریف شناسایی نسل‌کشی ارامنه به عنوان یک مساله اخلاقی و پیوند دادن آن با مبارزه برای دموکراسی در ترکیه، تلقی محکومیت نسل‌کشی به عنوان یک مساله حقوق بشری و نه در قالب ادعاهای ارضی، دعوت به گفت‌وگو به جای جنگ و تکیه بر مشترکات تاریخی و فرهنگی مثبت دو ملت. در همین راستا حمایت از گشایش مرز ارمنستان و ترکیه و پروتکل‌های امضا شده بین دو کشور در این زمینه. این نکته‌ها شاید از دید خواننده ایرانی تازگی چندانی نداشته باشد، اما در مقایسه با دیدگاه‌های ناسیونالیستی رایج، اعم از ارمنی و ترکی، که بر کین‌توزی، مخالفت با گفت‌وگوی مستقیم دو کشور و دعاوی ارضی استوارند، از اهمیت برخوردارند. باید از کمیته برگزاری سالگرد نسل‌کشی ارامنه متشکر باشیم که با دعوت از تانر آکچام و ترجمه کتاب او، فرصت نگاه کردن به مساله را از منظر متفاوتی برای ما فراهم آورد.

خیانت مادرجون

ادامه از صفحه اول

این بیچاره حذف شده و اشتباهی این اومده جاش.» گفتم: «متوجه نشدم. بیطرف هم چیزی نگفت.» گفت: «ای آقا اشکال از همین آدمای نجیبه که دندون رو جیگر میذارن و شما...» گفتم: «حالا انجمن رو بسته‌ن؟» گفت: «نه آقا. این که دکتر حبیب‌اللهی و مادرجون طراحی کرده بودن خنثی شد.» گفتم: «مادرجون؟» گفت: «شرمنده، سیاست بی‌رحمه. اونا واسه منافع خودشون هر کاری می‌کنن.» گفتم: «مثلاً چه کاری؟» گفت: «آقا فامیلی سر جاش ولی اینارو از دور و برتون دور کنین.» گفتم: «واسه چی؟» گفت: «اینا به تندروای شهریار کرج خط میدن.» گفتم: «مادرجون و دکتر حبیب‌اللهی؟ آقای سیاوشان انگار فراموش کردین مادرجون ۸۰ سالشه و دکتر حبیب‌اللهی پیرپسر و دامپزشکه.» گفت: «الامان اتفاقاً همه آتیشا از گور اینا بلند میشه. مادرجون که تموم شکست‌های زندگیشو می‌خواد با سیاست تلافی کنه. دکتر حبیب‌اللهی هم فکر می‌کنه دنیا مقصره که بهش زن ندادن.» گفتم: «اقازشته این حرفا.» گفت: «زشت اونه که از تریبون شرق تندروا رو علیه انجمن ما تحریک کنین.» گفتم: «ما تحریک کردیم؟» گفت: «نه، اونا از شما سوءاستفاده کردن.» گفتم: «حالا که به خیر گذشته. چشم مراقبت می‌کنم، دیگه از این اتفاقا نیفته.» گفت: «خسارت انجمن‌رو کی میده؟» گفتم: «مگه چی شده؟» گفت: «تابلو انجمن رو شکستن، سماور رو چپه کردن، یه صندلی هم شکستن.» گفتم: «بالاخره کسی که وارد سیاست میشه، هزینه میده.» گفت: «چرا هر چی هزینه‌س ما باید بدیم.» گفتم: «بالاخره...» و خواستم یک هندوانه درشت بگذارم زیر بغلش تا مکالمه را تمام کند، گفتم: «وضعیت روشنفکرا همیشه سخت بوده.» درست حدس زده بودم. به خودش گرفت و گفت: «نهادینه کردن دموکراسی هزینه داره.» من خیلی آدم احمقی هستم. وقتی دارم یک گفت‌وگو را به سمت و سویی می‌برم که قال قضیه کنده شود، یکدفعه یک چیزی از دهانم می‌پرد که همه چیز به باد می‌رود. گفتم: «راستی شما آقا ابراهیم‌رو می‌شناسین؟» گفت: «رادت